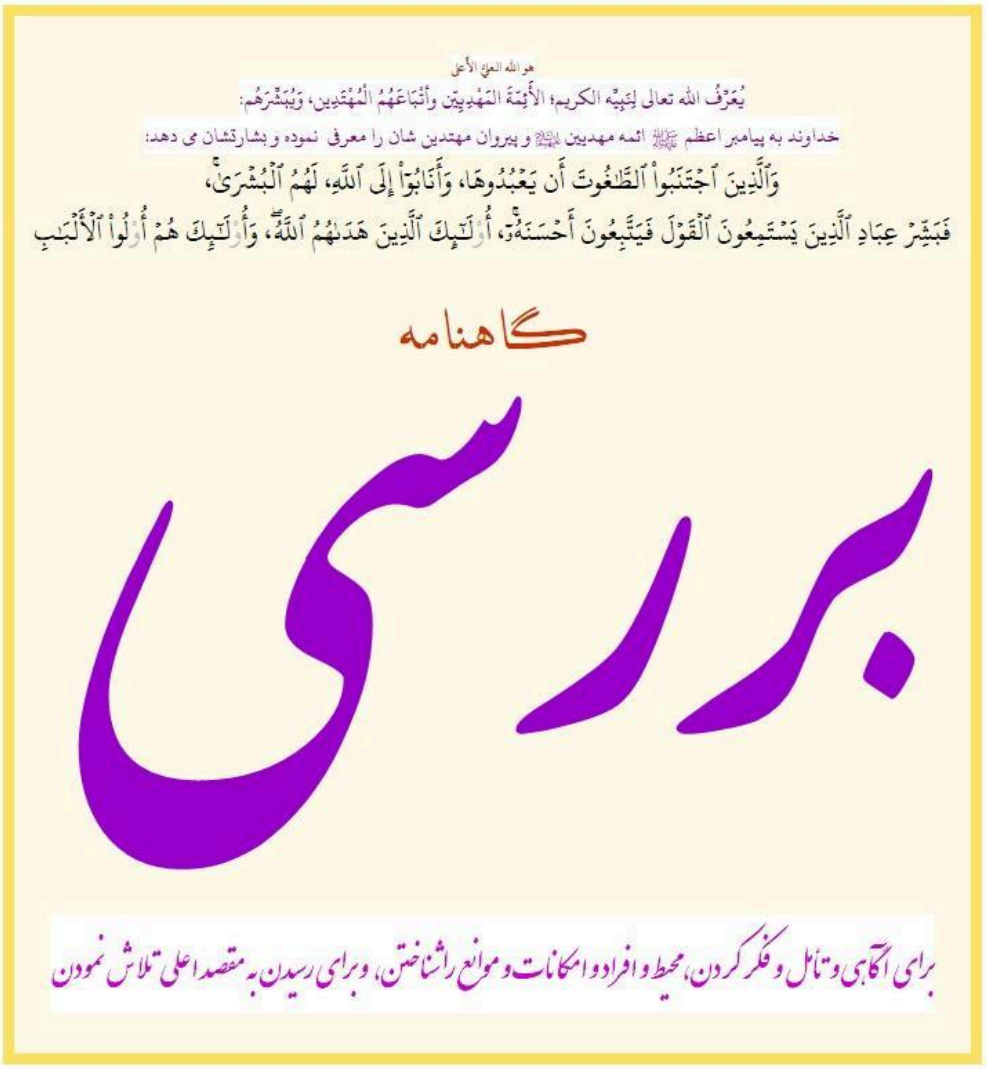


آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهي و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و باکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و امریکا) بدست می آمد و بطور شفاهي در جلسات همراهان تبادل مي کردید،
بعد از بیروزي انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوري اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمي افزون بر رسانه های عمومي هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد،
سبس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخي از اهل مطالعه تبادل مطالعاتي انجام مي شد،
تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین
همجنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آکاهي از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است،
و عدم محاصره خبري و تسلط جو رسانه ای توسط جرياني خاص؛ و اطلاع هرجه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبي یا حکومتي مي باشد.
همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخي کزارشها خصوصا از منابع غیر خودي و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافي بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.
فرستادن کزارشي علامت تأیید کلیات جه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست،
و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،
فرصتي هم برای تصحیح یا بازنویسي متن آنها یا تعلیقه نویسي بر همه کزارشها و همه فقرات آن نیست،
ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آکاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انکیزه کافي جهت تلاش برامقصد اعلی است،
اکر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیکر ارسال نکنیم
و مطالب آنرا برای دیکری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعيها أذن واعية).

کسانی که این کزارشها را بررسي مي کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهي:
1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و بیروی و التزام به آن کنند.
2- توجه عمیق و با تمام وجود به درکاه و مسیر الهي بنمایند.
3- در بررسیها هرجه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در جهارجوب تعالیم مکتب وحي است بیروي کنند.

اکر مناسب دیدند مطلبي را در اختیار کسي بکذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده،
و مطلب را بدون انتساب به کسي یا شخصي یا مرکزی یا عنواني در اختیارش بکذارند؛

فلذا از بازارسال مستقیم ایمیلها خودداری کنند و حفاظت لازم را رعایت نمایند.

8 ربیع الأوّل 1439

المیادین:

برای جلوگیری از ورود نیروهای مورد حمایت آمریکا، آزادی شهر زودتر از وقوع آن اعلام شد

اعلام آزادی شهر بوکمال در شرق سوریه که دو روز پیش اتفاق افتاد، یک نقطه تحول بزرگ در مفاصل اصلی جنگ سوریه است، اما ...پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

المیادین نوشت: اعلام آزادی شهر بوکمال در شرق سوریه که دو روز پیش اتفاق افتاد، یک نقطه تحول بزرگ در مفاصل اصلی جنگ سوریه است، اما داعش به سرعت پاتکی را اعلام کرد که به سقوط دوباره این شهر انجامید. بازپس گیری بوکمال توسط داعش موجی از سوالها را در مورد حجم این نبرد و شرایط بازگشت این گروه به بوکمال، برانگیخته است. در این میان، رسانه های معارض ارتش سوریه و هم پیمانان آن نیز این خبر را تکرار می کنند؛ اما واقعیت امر چیست؟ چطور داعش طی چند ساعت بوکمال را پس گرفته است؟ آیا بوکمال بار دیگر به دست داعش افتاده یا آزاد شده است؟

به گزارش «انتخاب»، سرعت فروپاشی سلطه داعش بر بوکمال، دربردارنده پیامی مبنی بر کارآزمودگی محور مقاومت است؛ آن هم در جنگی که تکنولوژی های پیشرفته ارتباطاتی غایب بودند؛ چه بسا مهمترین عامل موفقیت، هماهنگی عالی بین نیروهای زمینی محور مقاومت بوده است.

پیش از اعلام ناگهانی آزادی بوکمال در تاریخ 9نوامبر، حرکت نیروهای دموکرات سوریه با حمایت آمریکا به سوی این شهر مطرح شده بود؛ این مساله دال بر آن است که نیروهای آمریکایی قصد داشتند مانع رسیدن ارتش سوریه به گذرگاههای رسمی با عراق شوند. در این رابطه، ارتش سوریه و هم پیمانان آن چاره ای جز حرکت برای قطع مسیر در برابر نیروهای قسد(نیروهای دموکرات مورد حمایت آمریکا) نداشتند.

در نبرد شرق سوریه دو قدرت حضور دارند که با داعش مبارزه می کنند؛ یکی ارتش سوریه و هم پیمانان آن بعنوان قدرت قانونی سوریه، در کنار نیروهای دموکرات و نیروهای آمریکایی که از مشروعیت لازم برخوردار نبوده و از سیاست امر واقع تبعیت می کنند.

با توجه به اینکه همه در برابر سیاست «امر واقع» قرار دارند، باید امر واقعی اعمال می شد تا نیروهای مورد حمایت آمریکا را متوقف کرده و مانع پیشروی آنها شود. به همین دلیل، ارتش سوریه و هم پیمانانش آزادی بوکمال را اعلام کردند. شاید این بیانیه نظامی در خصوص آزادی شهر بوکمال اقدامی تاکتیکی در مسیر جنگ استراتژیک بوده است.

ارتش سوریه هنوز وارد بوکمال نشده بود، بلکه از طرف شرق، نزدیک به این شهر قرار داشت و پیشروی ارتش و هم پیمانان آن از جمله حیدریون عراق، در نزدیکی مرزها و سیطره آنها بر روستای سویح، در ناحیه شرقی بوکمال، باعث نزدیکی هر چه بیشتر به این شهر می شد.

در این تاکتیک نظامی موفق، شهر در تیر رس آتش قرار گرفت، اما محورهای هجوم به بو کمال هنوز کامل نشده بود.(این نقشه نظامی قطع خطوط امداد داعش از طرف شرق، غرب و جنوب را می طلبید). با رسیدن به نزدیکی بوکمال از طرف شرق، ارتش به سرعت و با هدف تطبیق «امر واقع» آزادی شهر را اعلام کرد واین اعلام خط قرمزی بود برای جلوگیری از ورود نیروهای «قسد» به آن. نیروهای ارتش سوریه، با این اقدام بر گذشتن از خطوط قرمز آمریکایی در مورد جدایی مرزها بین سوریه و عراق نیز تاکید می کردند.

اعلام آزادی بوکمال و سپس عقب نشینی سریع از آن، آمریکایی ها را در برابر یک چالش بزرگ و تازه قرار داد؛ از این رو، تلاش کردند ارتش سوریه و هم پیمانان آن را در نبرد این شهر، ضعیف کنند.

یکی از فرماندهان میدانی در محور جنب بوکمال، در این باره گفت:« زمانی که آزادی بوکمال را اعلام کردیم، در ایستگاه دوم بودیم و تنها محور شرقی در نزدیکی این شهر قرار داشت؛ اما ناچار بودیم اعلام آزادی کنیم تا از ورود نیروهای دموکرات سوریه به آن جلوگیری نماییم».

وی افزود:«امروز از سه جهت در نزدیکی بوکمال هستیم؛ آمریکایی ها تلاش می کنند مانع از پرواز هواپیماها در منطقه شوند، اما ما از سه جهت این شهر را محاصره کرده ایم. به نظر می رسد آمریکایی ها به دنبال تضعیف فرسایشی ما در بوکمال هستند، اما ما مصمم به آزادی کامل آن هستیم».

این دیدگاه با اطلاعاتی مبنی بر تحویل اداره اتاق عملیات هم پیمانان ارتش (محور مقاومت) به سردار قاسم سلیمانی نیز در تلاقی است، بدین معنا، محور مقاومت قصد داشتند اراده رهبری آمریکایی در مورد بوکمال را بشکنند. این اراده محور مقاومت، مورد حمایت روسیه بوده است، از این رو نبرد مذکور آخرین نبرد علیه داعش در سوریه و «مادر مبارزات علیه نقشه آمریکایی در سوریه» نامیده می شود.

هنگامی که ارتش محاصره بوکمال را آغاز کردند، پس از گذشت ساعاتی از شروع مبارزه، داعش در بوکمال سقوط کرده و ارتش و هم پیمانان آن در بیش از نیمی از شهر مسلط شدند. اطلاعات بر این مساله تاکید می کند که داعش در برخی مناطق شهر با وجود حمایت کامل امریکا از آن، مورد محاصره قرار داشت.

تیم تحقیق وزارت مسکن: ۱۴۰واحد مسکن‌مهر در زلزله سرپل ذهاب ۱۰۰درصد ویران شده

پنج شنبه, ۲ آذر, ۱۳۹۶

چکیده : بررسی‌ها نشان می‌دهد در هر چهار سطح تخریب واحدهای مسکونی مهر، «ریزش نما» یکی از رایج‌ترین اشکال آسیب‌دیدگی بوده است. بررسی‌ها حاکی است از مجموع خرابی‌های مسکن مهر ۶۰ درصد مربوط به ساختمان‌های ساخته شده با اسکلت بتنی و ۴۰ درصد اسکلت فلزی بوده است.

گزارش تیم کارشناسی وزارت مسکن در باره تخریب زلزله استان کرمانشاه منتشر شد. به گزارش دنیای اقتصاد از مجموع کل واحدهای مسکن مهر کرمانشاه، ۱۴ بلوک مشتمل بر ۱۴۰ واحد مسکونی به‌طور ۱۰۰ درصد تخریب شده‌اند؛ ۳۴ بلوک مشتمل بر ۶۵۳ واحد با دیوارهای جانبی فروریخته، ۹ بلوک مشتمل بر ۱۷۲ واحد با ترک‌های به پهنای بیش از ۴ میلیمتر و ۳۷ بلوک مشتمل با ۷۲۹ واحد با ترک‌های به پهنای کمتر از ۴ میلی‌متر شناسایی شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در هر چهار سطح تخریب واحدهای مسکونی مهر، «ریزش نما» یکی از رایج‌ترین اشکال آسیب‌دیدگی بوده است. بررسی‌ها حاکی است از مجموع خرابی‌های مسکن مهر ۶۰ درصد مربوط به ساختمان‌های ساخته شده با اسکلت بتنی و ۴۰ درصد اسکلت فلزی بوده است.

تحلیل جروزالم پست از نشست سران ایران، روسیه و ترکیه در سوچی:

اوضاع منطقه پس از داعش به کدام سمت می‌رود؟ / مسکو، تهران و آنکار با وجود اختلافات در سوریه، هماهنگ پیش می‌روند؛ واشنگتن از قافله جا ماند / ترامپ برای مقابله با ایران استراتژی ندارد / قدرت‌های منطقه‌ای جای آمریکا را در خاورمیانه می‌گیرند

مسکو، ترکیه و ایران پیام های نمادینی به واشنگتن می فرستند مبنی بر اینکه این آمریکایی ها هستند که مقهور شرایط اند و دور از واقعیت نیست که دوران پس از داعش، قدرت های منطقه ای باشند که سیاستهایشان را دیکته می کنند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



جروزالم پست روز 19 نوامبر در گزارشی نوشت: مسکو، ترکیه و ایران پیام های نمادینی به واشنگتن می فرستند مبنی بر اینکه این آمریکایی ها هستند که مقهور شرایط اند و دور از واقعیت نیست که دوران پس از داعش، قدرت های منطقه ای باشند که سیاستهایشان را دیکته می کنند.

به گزارش «انتخاب»، سفیران ترکیه، روسیه و ایران در روز یکشنبه در کنفرانس خبری مشترک در آنتالیا، ملاقاتی خواهند داشت. این جلسه در واقع آمادگی آنها برای گردهمایی اصلی شان در سوچی در تاریخ 22 نوامبر محسوب می شود که بر موضوع سوریه تمرکز دارد، اما هدف واقعی آن، مربوط به تلاش مسکو برای به رخ کشیدن و نشان دادن نفوذاش در منطقه خاورمیانه است.

وزیر امور خارجه ترکیه، مولود چاووش اوغلو گفت جلسه برای پاسخ به این مساله بود که: "چگونه می توانیم ثبات و صلح در سوریه را بازگردانیم".

طبق آنچه روزنامه حریت دیلی نیوز ترکیه منتشر کرد، وزرای خارجه مسکو، آنکارا و تهران در آنتالیا دیدار خواهند کرد که در واقع پیش درآمد یک اجلاس سه جانبه در سوچی میان ولادیمیر پوتین، رجب طیب اردوغان و حسن روحانی به حساب می آید.

مقامات ترکیه در سال جاری به طور فزاینده ای منتقد سیاستهای آمریکا بوده اند. اردوغان آمریکا را متهم کرده به وعده اش در مورد خروج نیروهای مشترک، یگانهای مدافع خلق کرد (YPG) و نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) از مناطق آزاد شده از دست داعش عمل نکرده است.

"متاسفانه، دولت کنونی نیز به ما می گوید که در همکاری با نیروهای دموکراتیک سوریه(SDF) قرار دارد، البته این نام جدیدی است که آنها به یگانهای مدافع خلق کردی(YPG) داده اند. آمریکایی ها نباید این کار را انجام دهند."

اردوغان همچنین گفت: "ما قبل از آنها در اینجا بوده ایم و به خوبی می دانیم که هر کسی در این منطقه چه کاره است"
از جمله نظراتی که منعکس کننده دیدگاه های رسمی ترکهاست، می توان به سخنان ابراهیم کالین، مشاور ویژه رئیس جمهور ترکیه اشاره کرد. تو در دیلی صباح نوشت: "یک تحلیل روبه رشدی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا هم از داعش و هم یگانهای مدافع خلق کرد، به عنوان نیروی بالقوه موازنه گر در برابر حضور روسیه و ایران و به عنوان بهانه ای برای ماندن در شرق سوریه بهره می گیرد."
ترکیه یگانهای مدافع خلق کرد را به عنوان «شاخه سوری» حزب کارگران کردستان (PKK) و به این ترتیب به عنوان یک سازمان تروریستی می شناسد. در این زمینه، کالین ادعا می کند که در ماه اکتبر ائتلاف به رهبری آمریکا و نیروهای دموکراتیک سوریه اجازه داده اند صدها نفر از مبارزان داعشی و خانواده های آنها از رقه خارج شوند.
کالین نوشت: "این موضوع یکبار دیگر نوعی فقر مطلق در سیاست آنها را نشان می دهد که از یک سازمان تروریستی برای مبارزه با یکی دیگر استفاده می کنند،"
کالین می گوید ترکیه خواستار آن است که «تمامیت ارضی سوریه حفظ شود". همچنین جنگجویان خارجی که به نفع رژیم اسد می جنگند و نیز یگانهای حفاظت خلق کرد(YPG) باید سوریه را ترک کنند: "یک دولت انتقالی باید شکل بگیرد دولتی که همه ذینفعان سوری را شامل شود و زمینه را برای انتخابات آزاد و عادلانه آماده کند " وی استدلال می کند که یگانهای حفاظت خلق کرد "نمی تواند بخشی از راه حل سیاسی باشد" و این که اسد "آن فردی نیست که سوریه را به سوی یک حکومت دموکراتیک و فراگیر هدایت کند". جلسه ای که در سوچی برگزار می شود بر این موضوع ها تمرکز خواهد داشت.
روسها، با توجه به گفته های دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، نشست سران را به مثابه "تضمین کنندگان روند توافق سیاسی و ثبات و امنیت در سوریه."می نگرند. نشست سوچی تنها یک هفته و نیم پس از ملاقات پوتین و دونالد ترامپ در دانانگ ویتنام است. در آن دیدار، رؤسای جمهور توافق کردند که هیچ راه حل نظامی برای درگیری در سوریه وجود ندارد. بیانیه مشترکی در تاریخ 11 نوامبر قرائت شد. آنها در این بیانیه خواستار اجرای قطعنامه 2254 شورای امنیت، شامل اصلاح قانون اساسی و "انتخابات آزاد و عادلانه تحت نظارت سازمان ملل متحد"، شدند.
همچنین در این بیانیه بر اهمیت ارتباط در شرق سوریه بین نیروهای آمریکایی و روسی و تلاش برای"رفع اختالف" تاکید و برای آتش بس در جنوب غربی سوریه با اردن موافقت شد. این یک بیانیه عملی بود، در حالی که نشست سوچی به عنوان یک گام مهم دیپلماتیک با دلالتها و مفاهیم گسترده تر منطقه ای نگریسته شده است.
روسیه، ایران و ترکیه بر سر بحران سوریه اختلافهایی دارند، اما در طی سال گذشته، به نظر می رسد که رابطه آنها به سمت یک هماهنگی بیشتر پیش رفته است و آمریکایی ها از این قافله جامانده اند. رابطه ترکیه و ایران بعد از بحران قطر در ماه جولای و در طی رفراندوم استقلال کردستان در شمال عراق در ماه سپتامبر به یکدیگر نزدیک تر شد. ترکیه و روسیه نیز بر بحران پس از تیراندازی به سفیر روسیه در آنکارا فائق آمده اند.
از آن سو، دولت ترامپ در خانه با مشکلات سیاسی مواجه است، مانند روابطی که مشاور سابق امنیت ملی، مایکل فلین با ترکیه و رییس سابق کمپین ترامپ پل منفورت با عناصر طرفدار روسیه در اوکراین داشته اند، این مسائل تا حدودی، دست دولت ترامپ را برای ارتباط با مسکو و آنکارا بسته است.
علاوه بر آن، آنکارا از این موضوع خشمگین است که حضور ایالات متحده در شرق سوریه در حال افزایش بوده و قصد دارد در بلند مدت در این منطقه باقی بماند.
ترامپ در حال حاضر سیاست محکمی برای مقابله با ایران در منطقه ندارد؛ سیاستی که تاکنون هیچ عنصر عملی برای آن وجود نداشته است و تنها بر این مبنا بوده که عربستان سعودی را در اقداماتش در لبنان و خلیج فارس توانمند سازد. آنچه آمریکایی ها عملا ندارند، استراتژی بعد از داعش در عراق، سوریه و منطقه است.
نشست سه جانبه، ناتوانی استراتژی ایالات متحده را برای بازداشتن ایران (دشمن آمریکا) از قرار گرفتن در کنار ترکیه (متحد ناتو) و روسیه، نشان می دهد. متحدان واشنگتن در شرق سوریه باید از این نشست نگران باشند.

از فوکوشیما تا کرمانشاه و درس‌هایی برای آینده

حمید پورانکارشناس محیط زیست



فراموش کردن رخدادها و به تاریخ پیوستن آنها بخشی از ذات زمان و ذهن انسان است. گاه اتفاقاتی فراموش می‌شوند که نه تنها سرنوشت مردم یک منطقه بلکه در پاره‌ای موارد سرنوشت بسیاری از کشورها را برای سالها تغییر داده‌اند.

رخدادهایی با احتمال وقوع کم ولی با تاثیرات بسیار که در مواردی غیرقابل کنترل، گاهی ناشی از خطای انسانی و غالبا ترکیبی از این دو بوده‌اند.

زمین‌لرزه رودبار و منجیل، رکود اقتصای سال ۲۰۰۸، انفجار چاه نفت خلیج مکزیک، حوادث فوکوشیمای ژاپن و زلزله اخیر کرمانشاه، مثال‌هایی از این جمله‌اند.

این نوشتار کوتاه در نکوهش مجموعه‌ها یا افراد یا برای بیان مکرر آسیب‌های انسانی و مادی ناشی از این حوادث نیست، بلکه هدف آن تأملی در نحوه برنامه‌ریزی و روش مواجهه با رخدادهایی با احتمال وقوع اندک، اما با پیامدهای منفی بسیار است به این امید که در آینده خسارات چنین حوادثی کاهش یابد.

زمانی که تونی هیوارد در سال ۲۰۰۷ به ریاست شرکت "بی پی" برگزیده شد وعده داد که رعایت مسائل ایمنی را اولویت اصلی کار خود قرار دهد، از جمله قوانینی که او پیشنهاد داد، این بود که اگر کارمندی با لیوان قهوه خود در حال حرکت در محیط کار است، حتما آن لیوان مجهز به درپوش باشد.

اما سه سال بعد در زمان مدیریت او انفجار سکوی نفت در خلیج مکزیک بوقوع پیوست که منجر به یکی از بزرگترین و بدترین فجایع انسانی تاریخ آمریکا شد. کمیسیون تحقیق علت این فاجعه را ضعف مدیریتی در شناسایی ریسک‌های موجود، عدم ارزیابی صحیح و فقدان آمادگی برای آنها اعلام کرد.

این حادثه به وضوح نشان می‌دهد که شناسایی صحیح خطرات بالقوه چقدر با ابلاغ دستوری مجموعه‌ای از مقررات متفاوت است. شاید یکی از دلایل این است که مدیران اغلب توانایی خود را در تأثیرگذاشتن بر اتفاقات آینده دست بالا می‌گیرند و در مورد دقت پیش بینی‌هایشان و ارزیابی مخاطرات پیش‌رو اعتماد به نفسی بیش از اندازه دارند و به بازه بسیار محدودی از مسائلی که ممکن است اتفاق بیفتد، اکتفا می‌کنند. اما چنین نگاهی به شیوه‌ای خطی، (فقط) آینده را از روی شواهدی محدود که به سادگی در دسترس است استخراج می‌کند بدون اینکه به ضعفهای این روش در درک آینده‌ای به شدت نامعلوم و متغیر بیاندیشد.

متاسفانه در این مسیر افراد به شکل یک طرفانه‌ای سعی در تایید نظرات خود دارند به نحوی که تنها به مطالب و اطلاعاتی استناد می‌کنند که تایید کننده نظر آنها باشد.
به صورت کلی احتمال پیش‌بینی وقوع فجایع طبیعی که تاثیرات آنی به همراه خواهند داشت وجود دارد اما مشکل در تعیین زمان وقوع این پدیده‌هاست.
به عنوان مثال متاسفانه احتمال وقوع زلزله در بسیاری از مناطق شهری ایران وجود دارد اما زمان آن مشخص نیست و یا این که ما می‌دانیم زمانی در بخشی از کالیفرنیا در آمریکا زلزله روی خواهد داد اما کجا و چه زمانی را نمی توانیم پیش‌بینی کنیم.
زلزله و سونامی متعاقب آن که در سال ۲۰۱۱ در ژاپن به وقوع پیوست نیز از این نمونه است. حوادثی از جمله تخریب نیروگاه فوکوشیما در ژاپن نشان می‌دهد که چقدر سخن گفتن از اهمیت حیاتی چنین مخاطراتی و بیان لزوم آمادگی برای آنها ساده و مواجهه واقعی با آشفتگی رویدادهایی با احتمال وقوع کم اما با پیامدهای فراوان دشوار است.
شاید اولین نکته در این زمینه برنامه‌ریزی برای واکنش به این اتفاقات باشد. به عنوان مثال برنامه‌ریزی برای امکان وقوع یک زمین‌لرزه شدید و سونامی متعاقب آن در ژاپن از گذشته در نظر گرفته شده است حال آنکه در سال ۲۰۱۱ نه شرکت برق توکیو (تپکو) و نه دولت ژاپن پاسخگوئی مناسبی به توالی اتفاقاتی که رخ داد، نداشتند. این رویدادها اگر چه بعید بودند اما احتمال به وقوع پیوستنشان وجود داشت و باید در نظر گرفته می‌شدند.
در مورد نیروگاه فوکوشیما اگرچه دولت به سرعت هدایت بخش عمده ای از بحران پس از زمین‌لرزه و سونامی را بر عهده گرفت اما در ابتدا در زمینه اینکه چه کسی مسئولیت نیروگاه را به عهده دارد سردرگمی وجود داشت: آیا این شرکت تنظیم کننده مقرارت نیروگاه‌ها بود که باید وظیفه حل مشکل را به عهده می گرفت؟ نقش دولت در این زمینه چه بود؟ آیا مسئولیت حل مشکلات بوجود آمده خصوصی بود یا ملی؟
دولت ژاپن ابتدا (قبل از تشکیل یک نیروی کار مشترک) تصمیم‌گیریهای اصلی را به عهده شرکت برق توکیو (تپکو) گذاشت و بعد به انتقاد از این شرکت پرداخت، اگرچه بحرانی که به وقوع پیوست یک وضیعت اضطراری ملی بود و نیاز به تصمیم‌گیری در سطح ملی داشت. از سوی دیگر وجود اطلاعات گیج‌کننده بخش دیگری از مشکل بود.
سوالاتی اساسی در زمینه نیروگاه تخریب شده فوکوشیما وجود داشت از جمله اینکه عمق خسارات چقدر است. آیا سلامت مردم و وضعیت محیطزیست در معرض خطرند و چه اقداماتی برای کاهش ریسکهای موجود برداشته شده است. متاسفانه دولت و بخش خصوصی پاسخهای متناقض و گیج کننده‌ای به این گونه سوالات می‌دادند که تنها بر ابهامات موجود می‌افزود.
در این گونه موارد ضروری است که تنها یک مرجع رسمی جهت اطلاع‌رسانی انتخاب شود و این مرجع به شیوه‌ای قابل اطمینان و با صراحت کامل در مورد دانسته‌ها چیزهایی که هنوز مشخص نیستند و تلاشهای در حال انجام در جهت برطرف کردن نادانسته‌ها آگاهی رسانی کند. ابهام در نحوه اتخاذ تصمیم‌های لازم یا پروسه تصمیم‌گیری در پاسخگویی به مجموعه‌ای از بحرانهایی که رخ داده بودند نیز از جمله مشکلات مدیریتی نیروگاه فوکوشیما بود.
برای عموم مشخص نبود که فرآیند تصمیم‌گیری به چه شکل است و این تصمیم‌ها از میان کدام گزینه های موجود انتخاب می‌شوند. اتخاذ چنین روشی منجر به ایجاد این حس در بین شهروندان ژاپنی شد که نه دولت و نه بخش خصوصی قادر به اتخاذ تصمیمات صحیح و مدیریت فاجعه‌ای که رخداده بود نیستند.
متاسفانه در وقوع مجدد زمین‌لرزه و سایر فجایع طبیعی غیرقابل کنترل همچون سیل و یا رخدادهای ناشی از خطاهای انسانی تردیدی وجود ندارد؛ اما نکته مهم در مواجهه با این رخدادها نحوه مدیریت مخاطرات موجود و برنامه‌ریزی برای بدترین سناریوی ممکن است. نحوه مدیریت ریسک با روش مدیریت

استراتژی بسیار متفاوت است.
در مدیریت ریسک تمرکز بر نکات منفی, تهدیدها و شکسته است، نه بر فرصتها و موفقیتها. بیشتر مدیران نمی‌خواهند که هم اکنون در مورد اتفاقاتی که در زمان نامشخصی در آینده بوقوع می‌پیوندد هزینه کنند. آنها تلاششان برای بیان چیزهایی است که می‌توانند، نه تصمیم‌گیری در مورد نحوه واکنش به اتفاقاتی که از توان مدیریت آنها خرج است.
اما حقیقت این است که اینگونه فجایع به وقوع خواهند پیوست و ضروری است که تحلیل بدترین سناریوی ممکن در صورت بروز این وقایع و برنامه‌ریزی برای نحوه مواجهه با آنها توسط مجموعه‌های مستقلی صورت گیرد که منافعی در تاکیدی یکطرفه بر توانایی مدیریتی خود در صورت بروز این رویدادها نداشته باشند.

نوید محمدزاده در کنار پیرمرد کرمانشاهی که درخواست چادر داشت/عکس



آزادسازي بيشرفته ترين دستاورد علمي جهان (ويرايش زنوم انسان) از انحصار مافياي علمي و جهان سلطه بوسيله بيوهكرها و دراختيار عموم مردم با قيمت ارزان

گزارش ویژه مشرق؛

در نخستین گردهمایی بیوهکرها چه گذشت؛



چینی‌ها با سرمایه‌گذاری ویژه بر روی مهندسی ژنتیک قدرت زیادی در این حوزه کسب کرده‌اند و در حال حاضر چینی‌ها پیشروی ویرایش ژن در جهان هستند.

سرویس جهان مشرق- اخیراً چند صد تن از دانشگاهیان، دانشمندان و بیوهکرها (هکرهای زیستی) در مؤسسه فناوری ماساچوست مشهور به ام‌آی‌تی، دور هم جمع شدند تا نشستی را برگزار کنند که نخستین گردهمایی جهانی بیوهکرها نام گرفته است. بیوهکرها زیست‌شناس‌هایی هستند که خارج از آزمایشگاه‌های مرسوم کار می‌کنند.



جوزا زینر (Josiah Zayner)، محقق سابق ناسا که امروزه به عنوان یک بیوهکر فعالیت می‌کند

یکی از حاضران در نشست یادشده، **جوزا زینر (Josiah Zayner)**، دانشمند سابق ناساست که به یک بیوهکر تبدیل شده است. او می‌گوید: «برای این کار، به مدرک دانشگاهی (از مؤسسه فناوری ماساچوست) نیازی نداریم. این خود علم است که به هک زیستی اعتبار و مشروعیت می‌بخشد. اعتبار این علم به کارهای جالبی است که مردم در این حوزه انجام می‌دهند.» زینر در اوکلند، یکی از شهرهای بزرگ کالیفرنیا زندگی می‌کند. او در آنجا خانه‌ای را به یک آزمایشگاه علمی تبدیل کرده است و شرکتی را می‌چرخاند که کیت‌های مهندسی ژنتیک به مردم می‌فروشد. در آمریکا، ویرایش ژن به لحاظ فنی ممنوع نیست اما استفاده از بودجه فدرال برای این کار یا ممنوع است یا به دست آوردن آن فوق‌العاده دشوار است. زینر می‌گوید: «کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم این است که فناوری مهندسی ژنتیک را در دسترس مردم قرار دهیم. ما می‌خواهیم که مردم به همان آسانی که از یک برنامه نرم‌افزاری روی گوشی‌های هوشمند استفاده می‌کنند، از فناوری مهندسی ژنتیک هم بهره‌مند شوند.» قیمت کیت‌های تولیدی زینر، بسته به بافت سلولی و ارگانیسم‌های موجود در آزمایش، از حدود صد و پنجاه دلار شروع می‌شود. این کسب‌وکار و جنبش بیوهکری، موجودیت خود را تا حد زیادی مدیون ابزاری است که به اختصار CRISPR نامیده می‌شود و از آن برای ویرایش ژنوم استفاده می‌شود. زینر می‌گوید: « *CRISPR*فناوری بی‌نظیری است زیرا به شما اجازه می‌دهد تا به طور مستقیم هر توالی دلخواه را در ژنوم فرد و درون ژن‌های آنها هدف بگیرید و هر تغییری را که دوست داشته باشید در آن پدید آورید.»

ابزار یادشده، دو عنصر کلیدی دارد: یک پروتئین که مانند یک قیچی عمل می‌کند و چیزی که اساساً یک جی‌پی‌اس است و به قیچی می‌گوید که کجا را باید ببرد. این سامانه می‌تواند دقیقاً ژنی را که عامل بیماری خاصی است بریده و آن را جایگزین یا اصلاح کند. دکتر **امانوئل چارپینتیر**(Emmanuelle Charpintier) که در موسسه ماکس پلانک آلمان مشغول به

کار است یکی از دو نفری است که قابلیت‌های برش ژن CRISPR را کشف کرده است. او و همکار پژوهشی‌اش،**جنیفر دودنا** (Jennifer Doudna)، سامانه دفاعی طبیعی را در یک باکتری دست‌کاری کردند.**چارپینتیر** می‌گوید: «به نوعی نوار فیلم شباهت دارد. با این فناوری، فرد مسئول می‌تواند سرنوشت و داستان زندگی یک سلول یا ارگانیسم را ویرایش کند.»

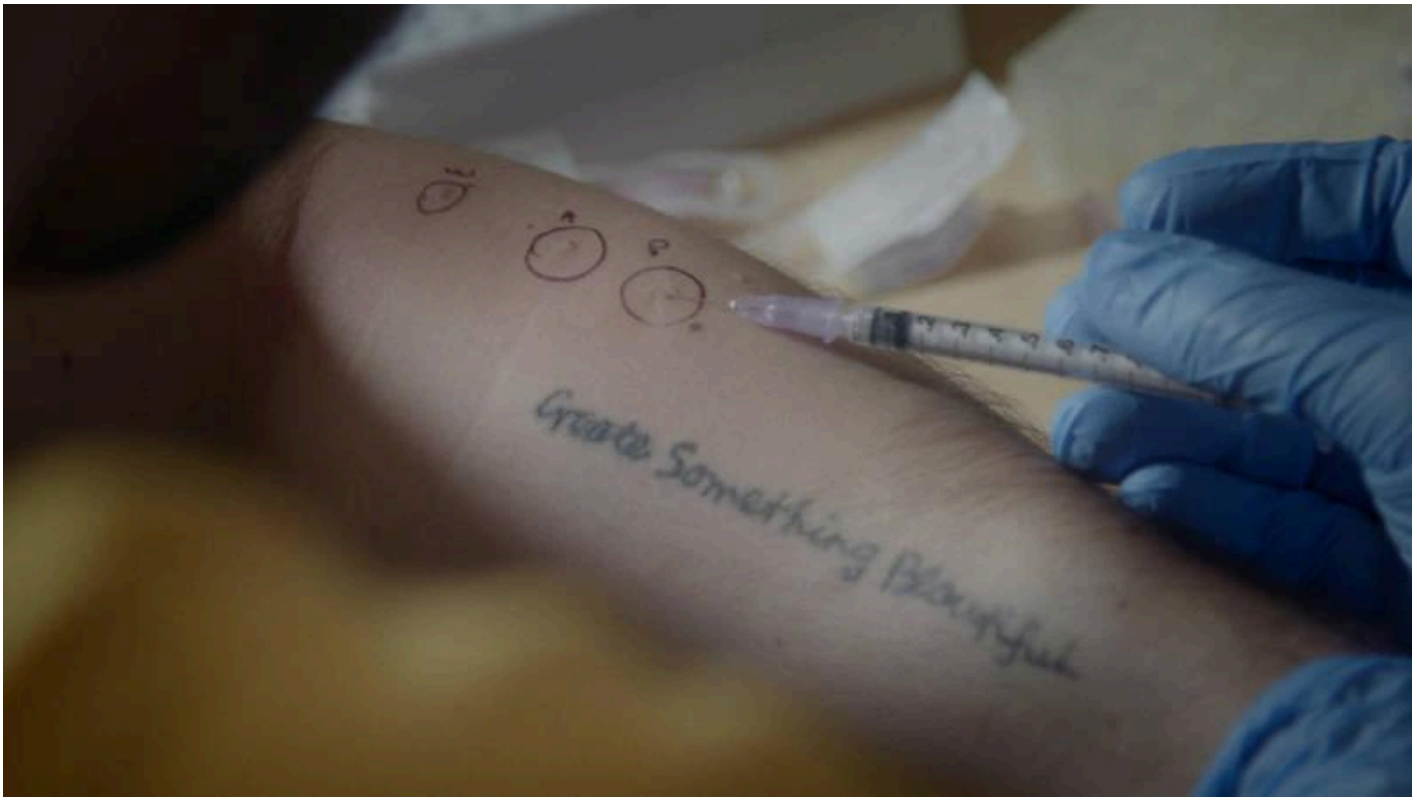


امانوئل چارپینتیر(موی مشکی) و جنیفر دودنا کسانی که قابلیت‌های برش ژن CRISPR را کشف کردند.

این ابزار درها رو به روی آزمایش‌هایی گشوده است که تا پیش از این اصلاً قابل تصور نبودند. بر خلاف رویکرد احتیاط‌آمیز دولت امریکا در تأمین بودجه برای اینگونه فعالیت‌های پژوهشی، چینی‌ها در این زمینه بسیار فعال هستند و پشتیبانی مالی اکثر پروژه‌های CRISPR را در دهها کشور به عهده گرفته‌اند. چین در حال حاضر پیشتاز کشورهایی است که نخستین بار دست به ویرایش ژن زده‌اند و از جمله می‌توان به پروژه جنین‌های انسانی ویرایش شده با CRISPR در سال 2015 اشاره کرد. (منبع: لینک)

دکتر لای لیانزو (Lai Liagnxue)، یکی از پژوهشگران پیشگام چینی در حوزه کار با CRISPR است. او می‌گوید: «تا به حال ابزار *CRISPR* را روی سگ، خوک، خرگوش و موش آزمایش کرده‌ام. جالب‌ترین نکته این است که کار بر روی حیوانات در عرصه زیست پزشکی بسیار آسان شده است. قبلاً چنین کاری به سال‌ها زمان و میلیون‌ها دلار سرمایه نیاز بود تا تنها بتوانیم ویرایش ژنتیکی روی یک جانور انجام دهیم. حالا این کار بسیار سریع و ارزان انجام می‌شود.» وی می‌افزاید: «از دیدگاه علمی، بسیار جالب است. هر دانشمندی این نوع فناوری را دوست دارد. آنها می‌توانند از این فناوری استفاده کنند تا هر آنچه را دوست دارند، بسازند.» او البته اذعان نمود که خیلی‌ها از عجیب و غریب بودن نتیجه

نهایی، نگران هستند: « CRISPRبه انسان‌ها قدرت فراوانی می‌بخشد. این که ما بتوانیم نقش خدا را بازی کنیم، خیلی از مردم را نگران می‌کند.»
دکتر لیانزو با خنده خود نشان می‌دهد که این نگرانی در چین چندان جدی نیست: «به گمان من، پیشگیری از بیماری مزیت واقعاً مناسبی است. اگر بتوان با ویرایش ژنتیکی جلوی برخی از بیماری‌های ژنتیکی را گرفت، چرا این کار را نکنیم؟ استفاده از این ابزار به استفاده‌کننده آن بستگی دارد. درست مانند بمب اتم. اگر از انرژی هسته‌ای برای تولید برق استفاده شود، اشکالی ندارد اما اگر از آن برای ساخت بمب اتم استفاده کنیم، کار نادرستی است.» کشمکش‌ها بر سر این قضیه زیاد است. CRISPR قرار نیست نوعی فناوری باشد که با آن بتوان همچون اسباب‌بازی برخورد کرد.



زینر در حال تزریق دستکاری کننده‌ها به خود

جوزا زینر با استفاده از ابزار CRISPR خود را به طور ژنتیکی دستکاری کرده است. او از این سامانه برای ویرایش ژن عضلات خود استفاده کرد تا رشد آنها سریع‌تر شده و عضلاتی بزرگ‌تر و قوی‌تر داشته باشد. او این کار را انجام داد تا به همه اثبات کند که ویرایش ژن، کار بسیار آسانی است و حتی بیوهکرهایی که خارج از آزمایشگاه‌های کوچک نیز مشغول به کار هستند، می‌توانند ژن‌ها را دستکاری کنند. زینر که با افتخار از خود به عنوان نخستین کسی یاد می‌کند که باCRISPR مورد آزمایش قرار گرفته، قصد دارد این فناوری را به طور منبع باز در دسترس همه مردم قرار دهد. او می‌گوید که روزانه چندین ایمیل دریافت می‌کند که نویسندگان آنها خواهان شرکت در اینگونه آزمایش‌ها هستند و تا به حال، هیچ‌یک از متقاضیان نگفته است که این کار ممکن است خطرناک باشد.
وی می‌افزاید: «من فکر می‌کنم که ما در میانه یک انقلاب ژنتیکی به سر می‌بریم. به گمان من، دوره جدیدی از حیات بشری آغاز شده است. با گونه‌های کاملاً جدیدی از انسان روبرو خواهیم بود.»
منبع:

/https://www.cbsnews.com/news/playing-god-crispr-dna-genetic-ethics

» کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس:

تلاش برای تحقیق و تفحص از شهرداری تهران بی‌نتیجه است/نمی‌خواهند فساد و رانت در جایی ثبت و منعکس شود

چهارشنبه, ۱ آذر, ۱۳۹۶

چکیده : همان کاری که احمدی‌نژاد با نفت ۱۲۰ دلاری کرد، شورای چهارم هم با درآمد شهرداری کرد. شهرداری برای ۱۰ سال آینده تراکم فروختند و میزان تراکمی که در این مدت فروخته شد در ۱۵ سال گذشته سابقه نداشته است، شهر را فروخته‌اند و جای سوال دارد که پول فروش شهر کجا رفته است. سوال روشن است، اما پاسخ مشخص نیست این سوال‌ها از آقای قالیباف نیز پرسیده شد، اما او همواره پاسخ را پیچانده و درست جواب نمی‌داد

کلمه – گروه خبر: قاسم میرزایی نکو، عضوکمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی معتقد است که دست‌هایی در کار هستند تا اجازه ندهند طرح تحقیق و تفحص از شهرداری در مجلس شورای اسلامی کلید بخورد. او می‌گوید که نمی خواهند فساد و رانت موجود در شهرداری افشا شود و اگر به همین شکل ادامه یابد مجبود خواهد بود تا پرونده‌ها را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند. میرزایی نکو گفته است که حسن روحانی با اختیارات و قدرتی که در اختیار دارد می‌توانست به این پرونده‌ها رسیدگی کند اما این کار صورت نگرفته است.

این نماینده مجلس، درباره امکان کلید خوردن دوباره طرح تحقیق و تفحص از شهرداری تهران گفت: نمی‌خواهند فساد و رانتی که در رابطه با شهرداری وجود دارد و همچنین بی‌مبالاتی‌ها هیچ کجا ثبت و منعکس شود. به همین دلیل ابر، ماه و فلک و خورشید همه دست به دست هم دادند که تحقیق و تفحص از شهرداری نتیجه نداشته باشد.

قاسم میرزایی‌نکو، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی به ایلنا گفت: هر جا که نظارت و شفافیت وجود نداشته باشد مسائل این چنینی اتفاق خواهد افتاد. به نظر من شهرداری در دو دوره قبل به صورت کامل رها شده بود، یعنی شهردار هر کار که می‌خواسته انجام می‌داده و شورا هیچ نظارتی بر آن نداشته است.

وی همچنین با اشاره به طرح تحقیق و تفحص از شهرداری تهران که در اسفندماه سال گذشته در مجلس شورای اسلامی رد شد، گفت: این طرح را در مجلس کلید زدیم اما با مسائلی روبرو شدیم که به انحای مختلف باعث شد؛ تحقیق و تفحص حذف شود. در ابتدا تصور می‌کردیم این مساله به خاطر کاندیداتوری آقای قالیباف است، اما پس از آنکه اطلاعات بیشتری به دست آوردیم، احساس خود من این بود که نمی‌خواهند فساد و رانتی که در رابطه با شهرداری وجود دارد و همچنین بی‌مبالاتی‌ها هیچ کجا ثبت و منعکس شود. به همین دلیل ابر، ماه و فلک و خورشید همه دست به دست هم دادند که تحقیق و تفحص از شهرداری نتیجه نداشته باشد.

وی در پاسخ به سوالی درباره امکان کلید خوردن دوباره طرح تحقیق و تفحص از شهرداری گفت: قبل از تحقیق و تفحص از سمت مجلس، خود شورای شهر باید اراده کرده و یک تیم کارشناسی به همراه مشاوران حرفه‌ای، عملکرد هشت ساله گذشته شهرداری و شورا را بررسی کنند.

این نماینده مجلس با تاکید بر اینکه این بررسی باید در یک محدوده زمانی مشخص صورت بگیرد، تصریح کرد: بررسی‌ها از عملکرد شهردار گذشته باید به طور دقیق صورت بگیرد، زیرا در غیر اینصورت و با عدم شفاف‌سازی مشکلات دیگری ایجاد می‌شود. این مسئله در مورد دولت هم صدق می‌کند، کاری که آقای روحانی به صورت کامل انجام نداد، این بود که مدارک دوران آقای احمدی‌نژاد را مکتوب نکرد و در زمان مناظره‌ها مدام از او پرسیده می‌شد که تا کی می‌خواهد همه چیز را به دوران ایشان نسبت دهد، این در حالی است که آقای روحانی باید مدارک دوران آقای احمدی‌نژاد را به طور کامل مکتوب می‌کرد.

او ادامه داد: آقای روحانی امکانات، قدرت، اختیارات و منابع اطلاعاتی آن را هم در دست داشت و با کنار هم قرار دادن آنها می‌توانست گزارشی ارائه دهد و مشخص کند، اوضاع از چه قرار است. حتی اگر نمی‌خواستند آن را انتشار دهند، حداقل برای مسئولان، دغدغه‌مندان و سران نظام ارسال می‌کردند، اما این اتفاق نیفتاد و نتیجه‌اش در مناظره‌ها مشخص شد. در همین راستا من حداقل خواهشی که از اعضای شورا دارم، این است که گزارشی این چنینی را تهیه و به صورت مکتوب ارائه دهند. با این اقدام محدودیت‌ها، قابلیت‌ها و همه پلشتی‌ها و زشتی‌ها برای خودشان و مردم روشن خواهد شد.

میرزایی‌نکو تصریح کرد: شهردار باید شفاف‌سازی کند یعنی ویترین شیشه‌ای ایجاد کرده و اطلاعات را در اختیار مردم قرار دهد. آنچه اهمیت دارد اطلاعات و منابعی است که در شهرداری وجود دارد.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در هر حال افرادی هستند که می‌خواهند کار کنند و نمی‌توان گفت همه در بدنه شهرداری رانت‌خوار هستند.

وی درباره اقدامات آینده کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس افزود: طرح تحقیق و تفحص از شهرداری اگر توسط کمیسیون شوراها مطرح شود؛ هیچ نتیجه‌ای نخواهد داد، چرا که باید از شهرداری و شوراهای

گذشته سوال کرد و شورا و شهرداری جدید، حرفی برای گفتن ندارند.
میرزایی‌نکو در پاسخ به این سوال که علت ضعف عملکرد نظارتی شوراهای شهر در دوره‌های گذشته را چه می‌داند، گفت: از نظر من ضعف عملکرد شورای شهر هیچ ارتباطی با مشکل قانونی ندارد. همان کاری که احمدی‌نژاد با نفت ۱۲۰ دلاری کرد، شورای چهارم هم با درآمد شهرداری کرد. شهرداری برای ۱۰ سال آینده تراکم فروختند و میزان تراکمی که در این مدت فروخته شد در ۱۵ سال گذشته سابقه نداشته است، شهر را فروخته‌اند و جای سوال دارد که پول فروش شهر کجا رفته است. سوال روشن است، اما پاسخ مشخص نیست این سوال‌ها از آقای قالیباف نیز پرسیده شد، اما او همواره پاسخ را پیچانده و درست جواب نمی‌داد
محمد باقر قالیباف شهردار سابق تهران اخیرا در سخنانی مدعی شد: من و همکارانم در شهرداری آمادگی داریم توضیح بدهیم. نفس بحث املاک نجومی سیاسی بود. اولین نفری که از طرف قوه قضاییه درخواست رسیدگی کرد خود من بود و مثل برخی خط قرمز نداشتم و نگفتم فلانی برادر یا فامیل من یا هم حزبی من است. گفتند در املاک شهرداری۲۴۰۰ میلیارد فساد مالی وجود دارد، اما بعد از تحقیقات قوه قضاییه رقمی که درآمده در حسابرسی کارشناسانه ۶ میلیارد شده است. این افراد با شعار برای مردم و در عمل برای جیب خود این کار را کردند.
مشخص نیست چرا با وجود چنین ادعاهایی طرح تحقیق و تفحص از شهرداری تهران تا کنون به سرانجام نرسیده است. اسفند سال ۹۵ نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان یک جلسه علنی که حاشیه هایی همراه داشت، تحقیق و تفحص از شهرداری تهران را رد کردند.
شهرداری تهران از تابستان سال ۹۴ با اتهام واگذاری املاک خود با تخفیف ۵۰ درصدی به افرادی در خارج از سازمان، از جمله تعدادی از اعضای شورای شهر و مدیران دادگستری، مواجه شده است. در این رابطه تعدادی از مدیران شهری احضار شدند و سازمان بازرسی نیز تخلف بودن برخی از واگذاری‌ها را تایید کرد.
محمود صادقی نماینده تهران، در سخنانی در حمایت از تحقیق و تفحص گفته بود که شهرداری برای جلوگیری از این تحقیق و تفحص از مدتها قبل مشغول لابی گری در مجلس بوده است. او با بیان اینکه شهرداری تهران برای فروش تراکم هلوگرام تهیه کرده گفت که شهرداری ظرف یکی دو ماه از این طریق تراکمی به ارزش ۱۰ میلیارد تومان به برادر یکی از اعضای کمیسیون عمران واگذار کرده است.
رحمت الله حافظی، عضو سابق شورای شهر تهران نیز گفته بود که واگذاری املاک توسط شهرداری تخلف بوده اما وقتی این موضوع در مجلس گشوده می‌شود «با لابی‌های جدی» مواجه می‌شود.
در اردیبهشت سال جاری هشت نماینده مجلس شورای اسلامی مجددا تقاضای تحقیق و تفحص از شهرداری در خصوص نحوه ساخت و ساز و هزینه‌ها و مدیریت نمایشگاه شهر آفتاب، نحوه تغییر کاربری‌ها و واگذاری املاک شهرداری تهران به ویژه بوستان مادر را تقدیم هیأت رییسه مجلس کردند.

رمزگشایی از حادثه ای مهم در یمن؛

پهپاد پیشرفته آمریکایی چطور در صنعا شکار شد؟/ اولین جرقه‌های مهم پدافندی در سرزمین محاصره شده +عکس



نباید فراموش کنیم که توانایی موشک های بالستیک یمنی نیز زمانی در حد ابتدایی و محدود به منطقه ای کوچک بود ولی کم کم دست بلند یمنی ها به پایتخت سعودی نیز رسید.

به گزارش سرویس دفاع و امنیت مشرق، بیش از دو سال از آغاز تهاجم ارتش سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس به یمن می گذرد و در این مدت علی رغم آنکه این نیروها حجم گسترده ای از حملات را به نقاط مختلف یمن ترتیب داده و هزاران نفر از مردم بی گناه این کشور را به قتل رسانده اند، اما به نتیجه خاصی نرسیده و نتوانسته اند حتی بخش کوچکی از این کشور را به تصرف خود در آورند. یکی از دلایل کشتار وسیع مردم یمن، آن است که آنچه به عنوان نیروی هوایی یمن و سامانه های معمول دفاع هوایی این کشور وجود داشته، در روزهای اول این جنگ عمدتا نابود شده اند و در این مدت نیروی هوایی طرف مقابله تقریبا بدون هیچ مشکلی در آسمان یمن جولان داشته است.

بر این اساس، بحث دفاع هوایی از جمله شاید مهم ترین مشکلات و کمبودهای نیروهای یمنی در حدود بیش از دو سال از آغاز تهاجم سعودی به حساب می آید؛ مسئله ای که به نظر می رسد اخیرا تغییراتی در آن ایجاد شده است.

جاسوس یانکی ها سرنگون شد

روز اول اکتبر سال 2017 میلادی، یک فروند پهپاد MQ-9 آمریکا در نزدیکی صنعا سرنگون شد و نیروهای یمنی اعلام کردند که آنها این عملیات را به انجام رسانده و توانسته اند این پهپاد آمریکایی که در حال جاسوسی و کسب اطلاع از مواضع و مناطق حساس پایتخت یمن بود را با موفقیت شناسایی و سپس در زمانی مناسب، سرنگون کنند.

سرنگونی پهپاد آمریکایی در یمن

اندکی بعد هم، فیلمی از شلیک یک موشک به سمت پهپاد مورد نظر و ساقط کردن آن منتشر شد. با دقت و رعایت اصول حفاظتی توسط نیروهای یمنی، در فیلم مذکور، پرتابگر و موشک به طور کامل تار شده اند و نمی توان از آن تصاویر به هویت کامل و دقیق موشک پی برد. البته دود خارج شده از پشت موشک حداقل نشانگر این مسئله بود که با یک سامانه پدافندی سوخت جامد رو به رو هستیم. در مدت کوتاهی پس از این کدهای دقیق، آمریکا نیز به از دست دادن این پهپاد اشاره کرد و مجبور شد به این اقدام مهم نیروهای یمن اعتراف کند ولی درباره دلایل از دست دادن این پهپاد و این که به چه شکلی بر فراز صنعا ساقط شده اشاره ای نکرد.

پهپاد MQ-9 ریپر در حقیقت مدل پیشرفته تر از MQ-1 پردیتور است که در برای امور شناسایی و تهاجم هوا به سطح توسعه پیدا کرده. این پهپاد ساخت شرکت General Atomics آمریکا است و هر فروند آن در حدود 17 میلیون دلار قیمت دارد. ارتفاع نهایی پرواز این پهپاد که به یک موتور توربوپراپ با قدرت 900 اسب بخار مجهز

است، 15 کیلومتر و سرعت نهایی آن 482 کیلومتر بر ساعت است و می تواند تا 1700 کیلوگرم محموله را حمل کند. موشک هوا به سطح هلفایر و بمب های سبک هدایت لیزری از جمله تسلیحات اصلی این پهپاد محسوب می شود.

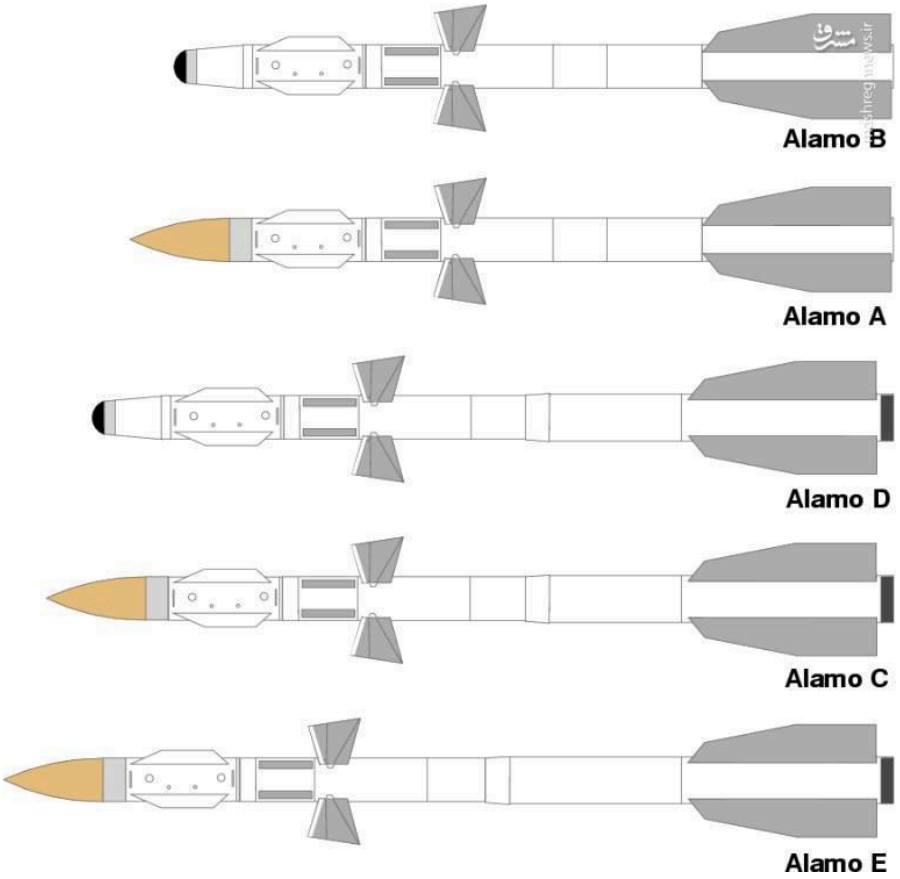
جاسوسی سعودی و یک احتمال نزدیک به یقین

اما اخیرا تصویری در شبکه های اجتماعی و سایت های تخصصی عربی در حال دست به دست شدن است که احتمالا می تواند حل کننده این معما باشد؛ تصویری که به ادعای سعودی ها به تاریخ 6 اسفند ماه 1395 تهیه شده و در آن یک تیر موشک هوا به هوای آلامو ساخت روسیه در پشت یک کشنده و خودرویی نیز در کنار آن قرار دارد که سعودی ها آن را منبع تامین قدرت این سامانه اعلام کردند. اما این موشک چیست و چطور از یمن سر در آورده است؟



تصویر گرفته شده توسط سعودی ها _ به شکل سرجنگی دقت کنید

موشک مورد نظر در حقیقت یک سلاح هوا به هوا برای جنگنده های میگ 29 یمنی است که**سالها پیش نزدیک به 100 تیر از آن توسط حکومت قبلی یمن خریداری و به ارتش این کشور تحویل داده شده است. سیستم هدایت اصلی این موشک به صورت هدایت نیمه فعال راداری است و در عین حال نمونه هایی از آن با هدایت فروسرخ نیز توسعه پیدا کرده است**. این موشک از سوخت جامد نیز بهره می برد، سرعت آن 4.5 ماخ و وزن سرجنگی آن نیز در حدود 39 کیلوگرم است.



نمایه گرافیکی از موشک های هوا به هوای سری آلامو _ موشک های اول و سوم از نوع هدایت فروسرخ هستند

نمونه های هدایت نیمه فعال راداری این موشک نیاز به رادار و باقی ماندن قفل راداری بر روی هدف و رساندن اطلاعات به موشک مورد نظر تا لحظه برخورد را دارد و تبدیل کردن آن از یک موشک هوا به هوا به یک موشک سطح به هوا اقدامی است که شاید در شرایط فعلی یمن تقریبا ناممکن باشد.

اما با دقت به تصویر گرفته شده توسط سعودی ها می توان به یک نکته جالب دیگر پی برد. موشک مورد نظر در این تصویر نه مدل هدایت راداری، بلکه مدل هدایت فروسرخ این موشک است. با استفاده از این موشک این احتمال بسیار قوی تر است که یمنی ها موفق شده باشند با فعال کردن این موشک ها و شلیک آن ها به سمت محدوده هدف مورد نظر و سپس فعال شدن جستجوگر فروسرخ موشک مذکور، روی هدف قفل کرده و آن را ساقط کنند.

فیلم منتشر توسط یمنی ها درباره سقوط پهپاد مورد نظر نشان دهنده این مسئله است که هدف در ارتفاع نه چندان بالایی قرار دارد و در نتیجه می توان تئوری مورد نظر را تا حدی زیادی صحیح اعلام کرد. برخی منابع و کارشناسان البته به استفاده از موشک های دوش پرتاب برای هدف قراردادن این پهپاد اشاره کردند که البته می تواند درست باشد اما سوالی که در این میان پیش میاید این نکته است که چگونه در این مدت خبری از این دوش پرتاب ها برای مقابله با متجاوزان نبوده است؟ که این موضوع نیز می تواند ناشی از حل مشکلات فنی برای استفاده از این سامانه ها باشد.

به هر حال هر آنچه که در یمن رخ داده است ، مشخصا نشان دهنده این مسئله است در حال حاضر و حداقل در شرایط فعلی، **یمنی ها دارای نوعی از دفاع هوایی (حداقل در ارتفاع پایین) برای مقابله با تهدیدات هوایی هستند**. بسیاری از کارشناسان این حرکت یمنی ها را نوعی اخطار و مجبور کردن هواپیماهای ائتلاف عربی به افزایش ارتفاع پروازی یا احتیاط در نزدیک شدن به مناطق حساس این کشور تفسیر کرده اند.

مسلما امروزه این توانایی یمنی ها در ابتدای راه قرار دارد و هنوز به سطح بالایی نرسیده اما بهتر است فراموش نکنیم که توانایی موشک های بالستیک یمنی نیز زمانی در همین حد ابتدایی بود ولی کم کم دست بلند یمنی ها به پایتخت سعودی نیز رسید. در این میان آنچه که طرف یمنی برای توسعه توانایی خود نیاز دارد مسئله زمان و تداوم ابتکارات خلاقانه است که می تواند 100 تیر موشک را به 100 تهدید مهم برای پرنده های کشتار جمعی سعودی و همپیمانان معدودش تبدیل کند.

راه اندازی MRI جمع بين تكنولوزي و تكنيكهاى ملي

عکس‌برداری از مردی بیمار در اتاق MRI بیمارستان لقمان‌الدوله منجر به بروز حادثه شد.

به گزارش مشرق، ساعت 10:30 صبح دوم آذر ماه مسئولان بیمارستان لقمان‌الدوله در تماس با سامانه 125 از آتش‌نشانان درخواست کمک کردند که بی‌درنگ با هماهنگی ستاد فرماندهی این سازمان، گروه امداد و نجات یک آتش‌نشانی به این بیمارستان اعزام شدند.

حمید میرزاقلی؛ افسر آماده منطقه پنج سازمان آتش نشانی تهران که به اتفاق نیروهای عملیاتی در محل حادثه حاضر شده بود، درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: خدمه بیمارستان، مرد بیماری را که پایش شکسته بود به قصد عکس‌برداری از پای وی به اتاق MRI منتقل کردند و بدون توجه به وزنه دو کیلویی که برای تعادل پای آسیب‌دیده این بیمار استفاده شده بود، او را بر روی تخت مخصوص دستگاه قرار دادند.



وی افزود: در پی این کار، ناگهان وزنه دو کیلویی که بر روی تخت بیمار قرار داشت، با قدرت تمام به داخل تونل دستگاه MRI کشیده، منجر به از کار افتادن دستگاه شد و به رغم تلاش متصدیان دستگاه برای بیرون کشیدن وزنه، این کار آنان هیچ نتیجه‌ای نداد.

این افسر آماده آتش‌نشانی تصریح کرد: به دنبال تقاضای کمک مسئولان بیمارستان از آتش‌نشانی، بلافاصله گروه امداد و نجات یک سازمان در بیمارستان حضور یافته و پس از بررسی‌های اولیه، عملیات خود را آغاز کردند.

وی با اشاره به این که این عملیات بالغ بر سه ساعت به طول انجامید، خاطرنشان کرد: نجاتگران آتش‌نشانی پس از ایمن‌سازی محل، با تکنیک کار با طناب و قرقره‌های متعدد سرانجام موفق شدند وزنه دو کیلویی را بدون هیچ گونه خسارتی از درون دستگاه بیرون آورند.

مسئولان بیمارستان در پایان این عملیات ضمن اظهار تشکر از تلاش آتش‌نشانان، اعلام کردند که اگر تلاش امدادگران آتش‌نشانی نبود، تعمیر و بازسازی این دستگاه گران‌قیمت بالغ بر 2 میلیارد ریال هزینه در پی داشت.

عملیات آتش‌نشانان بدون هیچگونه آسیب و خسارتی به پایان رسید و نیروهای عملیاتی پس از سه و نیم ساعت تلاش مستمر به ایستگاه خود بازگشتند.





تکنیکهای ملي در جهت خودکفايي





منبع: پایگاه خبری 125

پنج سال زندان در عربستان برای انتشار یک پست در فیس بوک در حمایت امنیت عزاداري

سه شنبه, ۳۰ آبان, ۱۳۹۶

چکیده : دادستانی عربستان سعودی یک کارمند شیعه را به جرم انتشار یک مقاله در فیس بوک به پنج سال زندان محکوم کرد.

دادستانی عربستان سعودی یک کارمند شیعه را به جرم انتشار یک مقاله در فیس بوک به پنج سال زندان محکوم کرد.

به گزارش فارس این کارمند در فیس بوک خود از گروه‌های داوطب مردمی که امنیت مراسم‌های عزاداری را برقرار می‌کنند حمایت کرده بود. با حکم دادستانی این کارمند شیعه عربستانی به ۵ سال زندان و ۳ میلیون ریال سعودی غرامت محکوم شده است.

ضرب‌وشتم مجید قرباني کهریزک در زندان اختصاصی سپاه

چکیده : مجید مقدم، یکی از شکنجه شدگان و شاهدان جنایت کهریزک که در بند ۸ زندان اوین به سر می برد، اخیرا به بهانه پیدا کردن نوشته منتشر نشده ای از او به جایی خارج از زندان اوین که احتمالا بند یک الف سپاه در شرق تهران بوده، منتقل و مورد شکنجه قرار گرفته است.

مجید مقدم، یکی از شکنجه شدگان و شاهدان جنایت کهریزک که در بند ۸ زندان اوین به سر می برد، اخیرا به بهانه پیدا کردن نوشته منتشر نشده ای از او به جایی خارج از زندان اوین که احتمالا بند یک الف سپاه در شرق تهران بوده، منتقل و مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است.

به گزارش کلمه، مقدم که پیش از این با وعده مرخصی و آزادی مشروط از او خواسته بودند تا این موضوع را خبری نکند، حالا با خلف وعده مسوولان قضایی مواجه شده و حتی وعده آزادی او با سیستم دستبند الکترونیک که قرار بوده تا به صورت آزمایشی برای برخی زندانیان انجام شود نیز محقق نشده است.

پاسخ به حیدری‌فر، دلیل لجاجت با مقدم

یکی از بانیان اصلی جنایت کهریزک، علی‌اکبر حیدری فر، بازپرس سابق و معاون وقت سعید مرتضوی است. او امروز به دلیل جرایم مالی و اخلاقی متعدد در بند ۸ زندان اوین است. همان جایی که مجید مقدم نیز در آن بند به سر می برد. اخیرا مصاحبه ای از حیدری فر در روزنامه شرق درباره آن جنایت منتشر شد که پاسخ مجید مقدم به عنوان یکی از شاهدان کهریزک را در همان روزنامه در پی داشت. اما نکته جالب این است که حاج مرادی، دادیار ناظر بر زندان اوین به مادر مجید مقدم بابت جوابیه فرزندش اعتراض کرده و گفته که او حق نداشته در این باره حرفی بزند. یعنی این که حیدری فر که خود او در دادگاه قوه قضاییه محکوم فاجعه کهریزک شناخته شده، حق دفاع از آن جنایت را دارد ولی یکی از قربانیان آن شکنجه‌گاه حق پاسخ ندارد!

حاج مرادی همچنین در پاسخ به مادر مجید مقدم که نسبت به شکنجه فرزندش در خارج از زندان اوین اعتراض کرده، ضمن تکذیب ماجرا عنوان داشته که برو شکایت کن. حرفی که به بسیاری از شکنجه شدگان دیگر هم گفته می شود. نکته قابل توجه این که بعد از ضرب و شتم شدید مقدم در بازداشتگاه سپاه، مدتی او را در همان زندان نگهداری کردند تا آثار شکنجه برطرف شود، با این حال از آن جا که برخی آثار آن باقی مانده بودء به زور از او خواسته بودند تا نوشته ای را امضا کند که طبق آن از پله ها زمین خورده و کبودی ها و شکستگی سرش بابت آن بوده است.

طبق اخبار دریافتی کلمه، علت شکنجه و آزار مقدم نوشته ای بوده که بنا بر ادعای زندانبانان در آن مقدم از اعتصاب غذا به عنوان یک روش اعتراضی دفاع کرده و بنا به برداشت ماموران سپاه، در این نوشته از سایر زندانیان دعوت به اعتصاب شده است.

مجید مقدم در صورت بهره مند نشدن از آزادی مشروط که حق قانونی اوست، تا اسفند ۹۷ دوره محکومیتش به طول می انجامد. این در حالی است که وی با مشکل کمر درد شدید در زندان مواجه است.

آمریکا (جعل اسکناس را مخصوص خود اعلام کرد و) 'شبکه جعل اسکناس ریال یمني برای نیروي قدس سپاه پاسداران' را تحریم کرد



وزارت دارایی آمریکا شبکه ای از افراد و شرکت ها که ادعا می کند برای نیروی قدس سپاه پاسداران ایران ریال یمنی به ارزش بالقوه صدها میلیون دلار جعل می کرد را تحریم کرده است.

این تحریم ها چهار شرکت و دو شخص "مسئول چاپ پول جعلی" را در بر می گیرد. نام این افراد رضا حیدری و محمود سیف اعلام شده است.

وزارت دارایی روز دوشنبه گفت که این شبکه محدودیت های صادراتی اتحادیه اروپا را برای انتقال تدارکات و تجهیزات لازم برای جعل پول دور می زد.

وزارت دارایی گفت این دو نفر از شرکت های "فورنت تکنیک" و "پرینتینگ تریدینگ سنتر" در فرانکفورت و "رایان پرینتینگ" و "تجارت الماس مبین" در تهران برای دور زدن این محدودیت ها و خریداری تجهیزات لازم برای چاپ اسکناس ها استفاده می کرد.

دولت آمریکا می گوید این پول برای نیروی قدس سپاه چاپ می شد که از سال ۲۰۰۷ موضوع تحریم های آمریکاست.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا ماه پیش سپاه پاسداران را حامی تروریسم اعلام کرد و به وزارت دارایی دستور داد تحریم های شدید تازه ای را برای محدود کردن دسترسی آن به کالاها و منابع مالی وضع کند.

استیون منوچین وزیر دارایی در بیانیه ای گفت که نقشه جعل اسکناس آشکارکننده "فریبکاری در سطوح عمیقی است که نیروی قدس حاضر است آن را علیه شرکت هایی در اروپا، دولت هایی در خلیج فارس، و باقی جهان برای حمایت از فعالیت های بی ثبات کننده اش در جهان" به کار می گیرد.

او نوشت: "جعل (اسکناس) ضربه ای به قلب نظام مالی جهان است، و این واقعیت که عناصری در دولت ایران در آن دست دارند کاملا غیرقابل قبول است."

براساس این بیانیه تاسیسات چاپ "پردازش تصویر رایان" متعلق به شرکت "تجارت الماس مبین" است که رضا حیدری مدیرعامل آن است و مسئول خریداری تجهیزات و مواد لازم برای جعل ریال یمنی بوده است.

به گفته وزارت دارایی نیروی قدس از این پول برای پیش بردن فعالیت هایش استفاده می کند.

در این بیانیه آمده است: "حیدری از شرکت های صوری و سایر شیوه ها برای پنهان کردن مشتری های نهایی شرکت از چشم فروشندگان اروپایی استفاده می کرد. او بخش های لجستیکی مربوط به خریداری و انتقال تجهیزات به ایران را با محمود سیف، مدیرعامل شرکت تجارت (الماس مبین) هماهنگ می کرد."

دولت آمریکا دو ماه پیش تحریم هایی را بر اشخاص و شرکت هایی که به انجام حملات سایبری به بانک های آمریکایی یا در حمایت از سپاه پاسداران ایران متهم می کرد اعمال کرد.

به علاوه دولت ترامپ در ماه اکتبر تحریم های تازه ای علیه سپاه پاسداران اعمال کرد که گفت به دلیل حمایت این نهاد نظامی از حزب الله لبنان، حماس و طالبان است.

توضیح: البته این گزارش از سوي ضدانقلاب یمین ادعا شده و از سوي نیروهای انقلابي یمني تکذیب شده

است، سالهاست بانك ذخيره يمن در عدن كه منبع اسكناسهاي يمني است در دست نيروهای اشغالكر بوده و اجازه انتقال وجوه نقدي به نواحي نيروهای مردمي و ارتش را نمي دهد

سطح مدیریت کلان کشور در حد کشور افریقایي توگو!! انبار کردن هلال احمر اجناس کمکهای مردمي و نرساندن به مناطق سبب شکستن انبارها که حاوی 380 هزار جادر بود و خالي شد و 90 هزار جادر بین 33 هزار خانواده توزیع و آخرش به بسیاری از خانواده ها نرسید!!!!

مدیرکل روابط عمومی هلال احمر در گفت وگو با «تابناک»؛
بین 30 هزار خانواده آسیب دیده 90 هزار چادر توزیع کردیم، به بسیاري نرسید!
در این پروتکل ها تأکید بر آن است که در هنگام وقوع زلزله، پیش از هر اقدام دیگر، افراد محبوس در زیر آوار نجات یابند؛ اما در زلزله کرمانشاه، متأسفانه شرایط بر اساس استانداردهای جهانی پیش نرفت و نجات جان افراد زیر آوار از اولویت اول خارج شد. متأسفانه در دو روز آغازین سوء مدیریت بحران مشهود بود و مشکل ایجاد شده در عدم تأمین امنیت کافی سبب شد به خوبی عملیات توزیع صورت نگیرد.

هشت روز از زلزله مهیب و دردناک شهرستان های غربی استان کرمانشاه می گذرد و در این مدت، بسیاری از نهادهای مربوطه، نهایت تلاش خود را برای کمک رسانی به مردم حادثه دیده کرمانشاه انجام دادند؛ تلاش هایی که البته مروری بر جزئیات آن، نشان می دهد، برخی اشکالات مدیریتی، خسارات این زلزله خانمان برانداز را افزایش داد.

به گزارش «تابناک»، از جمله نهادهای درگیر در عملیات امداد و نجات مناطق زلزله زده کرمانشاه که در روزهای گذشته با حمایت چشمگیر مردمی رو به رو شد، سازمان هلال احمر بود؛ سازمانی که رئیس روابط عمومی آن مدعی است، تا کنون چیزی حدود 75 میلیارد تومان فقط در بخش توزیع اقلام هزینه کرده و البته مردم چیزی حدود 35 میلیارد تومان به این سازمان کمک کرده اند.

اسماعیل رمضانی، مدیر کل روابط عمومی جمعیت هلال احمر در رابطه با هزینه های انجام شده این سازمان و همچنین کمک های دریافتی از سوی مردم گفت: تا کنون سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، رقمی معادل 75 میلیارد تومان از منابع خود برای تأمین نیازهای ضروری زلزله زدگان استان کرمانشاه هزینه کرده است؛ هزینه ای که البته باید بدانید، تنها شامل اقلام مورد نیاز مناطق زلزله زده است و هزینه های دیگر مثل پرسنل، جابجایی و... را شامل نمی شود.

وی افزود: در شرایط کنونی و به دنبال اعلام نیاز سازمان به کمک های مردمی، چیزی حدود 35 میلیارد تومان کمک مالی از سوی مردم نواندیش کشورمان صورت گرفته است که پیش بینی می کنیم، در روزهای آتی این مبلغ افزایش بیابد.

رمضانی تأکید کرد: پیش از این و در زلزله های قبلی که آخرین مورد آن زلزله ورزقان بود و در جریان کمک های آن زمان، مردم چیزی حدود 21 میلیارد تومان جمع آوری شد، همه این کمک ها صرف موارد اولیه و تأمین مایحتاج ضروری مردم مثل پتو، چادر و... می شد؛ اما در زلزله اخیر و بنا به رأی جمعی مدیران ارشد سازمان هلال احمر بنا داریم، این مبلغ جمع آوری شده را در بخش هایی که لزوماً وظیفه سازمان نیست، هزینه کنیم.

مدیر کل روابط عمومی هلال احمر با تأکید بر اینکه هنوز جزئیات دقیق فضاهایی که مبلغ جمع آوری شده هزینه خواهد شد، مشخص نیست، افزود: تلاش ما بر این است که با کمک منابع مالی جمع آوری شده، گام مؤثری در حل مشکلات اصلی مردم زلزله زده برداریم و این موضوع با تأمین مایحتاج غذایی و اقلام حمایتی مثل پتو و چادر تفاوت دارد.

وی ادامه داد: مطمئن باشید حتی یک ریال از کمک جمع آوری شده مردم جایگزین منابع قبلی که صرف تهیه مایحتاج مردم شد نخواهد شد و ما تلاش می کنیم با رایزنی با دولت، کسری های ایجاد شده را در بخش منابع مالی سازمان جبران کنیم.

رمضانی با اشاره به اینکه سازمان هلال احمر 28 بالگرد قابل استفاده و فعال در سطح کشور دارد، افزود: بنا به دلایل مختلف، از جمله نبود فضای نشست و برخاست مناسب در مناطق زلزله زده و نیز ترافیک هوایی شدید شکل گرفته، ما در فرایند امداد رسانی به مردم شهرستان های غربی استان کرمانشاه، تنها 10 بالگرد را به کار گرفتیم که هر یک در روز، 13 بار نشست و برخاست کردند.

این مقام مسئول در مورد مراکز متعدد تصمیم گیر و مشکلاتی که این شرایط پیش آورد، گفت: ما مسئول ستاد بحران نیستیم و تنها یکی از سازمان های درگیر در مدیریت بحران هستیم که توسط وزارت کشور یا استانداری ها مدیریت می شود، اما در همه بحران ها از جمله زلزله اخیر مردم تصورشان این بود که هر مشکلی را باید نیروهای هلال احمر برطرف کند. برای مثال برخی قطع بودن آب و برق و یا آینده وضعیت مسکن های تخریب شده را نیز از هلال احمر مطالبه می کنند، این در حالی است که هر یک از این بخش ها، مسئول مرتبط خود را دارد.

رمضانی اضافه کرد: در زلزله کرمانشاه، پروتکل های امدادرسانی جهانی رعایت نشد. برای مثال در این پروتکل ها تأکید بر آن است که در هنگام وقوع زلزله قبل از هر اقدام دیگر افراد محبوس در زیر آوار نجات یابند، اما در زلزله کرمانشاه، متأسفانه شرایط بر اساس استانداردهای جهانی پیش نرفت و نجات جان افراد زیر آوار از اولویت اول خارج شد.

وی با انتقاد از سوء مدیریت ها در فرایند امدادرسانی ادامه داد: برخی افراد که الزاماً در سازمان مسئولیتی نداشتند، به اجبار و به زور پلمپ در انبارهای هلال احمر را شکستند و بدون هیچ گونه محاسبه و برنامه ریزی، عملیات انتقال اقلام ضروری را به مناطق زلزله زده در دستور کار قرار دادند؛ اقدامی ما نتوانستیم در برابر آن مقاومت کنیم.

این مقام مسئول در رابطه با چرایی عدم ورود صلیب سرخ جهانی به مسأله افزود: صلیب سرخ جهانی بر اساس اعلام نیاز کشورها، وارد عملیات کمک رسانی می شود و چون زلزله کرمانشاه در سطحی نبود که ما نتوانیم از مدیریت و امداد رسانی به حادثه دیدگان آن ناتوان باشیم به صلیب سرخ اعلام نیاز نکردیم.

وی با تأکید بر اینکه اگر پروتکل های جهانی امداد و نجات رعایت می شد، یقین بدانید حجم خسارات به مراتب کمتر بود، اضافه کرد: تنها در یک مورد به شما بگویم که هنگام زلزله در انبارهای هلال احمر چیزی حدود 380 هزار چادر بود و هرچند در جریان زلزله چیزی حدود 33 هزار خانواده آسیب دیدند و تنها سازمان ما 90 هزار چادر توزیع کرد، ولی به بسیاری از خانواده ها چادر نرسید و مشخص نشد اقلام کمکی به چه شکلی توزیع شد.

او در پایان گفت: متأسفانه در دو روز آغازین سوء مدیریت بحران مشهود بود و مشکل ایجاد شده در عدم تأمین امنیت کافی سبب شد به خوبی عملیات توزیع صورت نگیرد.

توانایی هارپ براي ايجاد زلزله / روس‌ها اين اقدام امريكا در هائيتي را افشا كردند/ ارتباط زلزله كرمانشاه با هارپ؟

هارپ

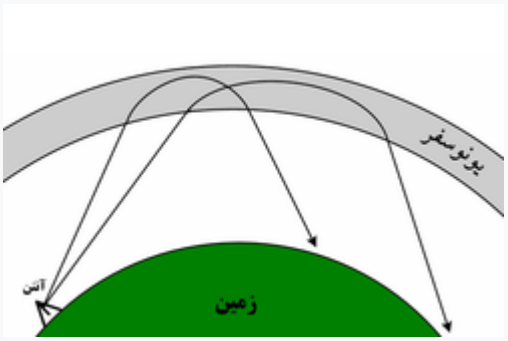
از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

مختصات: ۳۰′۲۳°۶۲″ شمالی ۰۳′۰۹°۱۴۵″ غربی

این مقاله دربارهٔ پروژه‌ای پژوهشی است. برای ساز هارپ، چنگ را ببینید.



ساختمان هارپ در گاکونا ایالت آلاسکا



رفتار امواج رادیویی در برخورد با لایه یونوسفر

برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا (به انگلیسی: High Frequency Active Auroral Research Program) معروف به **هارپ** (به انگلیسی: HAARP)، یک پروژهپژوهشی است که در سال ۱۹۹۳ برای بررسی و پژوهش دربارهٔ لایهٔ یونوسفر با استفاده از امواج رادیویی ELF/ULF/VLF تأسیس شده‌است.

این تأسیسات مشترکاً توسط نیروی هوایی آمریکا، نیروی دریایی آمریکا، دانشگاه آلاسکا در فیربنکس، و نزدیک به ۱۵ دانشگاه آمریکایی دیگر اداره و استفاده می‌شود. شرکت سازنده این تأسیسات، شرکت BAE Advanced Technologies است.[۱]

این سیستم در حال حاضر از یک مجموعه آنتن‌های مخصوص شامل ۱۸۰ برج آنتن آلومینیومی به ارتفاع ۵۰/۲۳ متر تشکیل شده که بر روی زمین پهناوری به مساحت ۲۳،۰۰۰ متر مربع در آلاسکا نصب شده‌است. این آنتن‌ها امواج مافوق کوتاه ELF/ULF/VLF را با ۳٫۶ مگاوات[۲][۳] ERP تولید کرده و به یونوسفر می‌فرستند.

هارپ پروژه‌ای علمی است و از طریق آن دانشمندان با ایجاد تغییراتی در یونوسفر که دورترین و ناشناخته‌ترین بخش جو زمین است امکان مطالعه در مورد آن را پیدا

کرده و آن را به صورت یک آزمایشگاه طبیعی درمی‌آورند. هارپ این کار را با امواج رادیویی فرکانس بالا که توسط رادارهای خود منتشر می‌کند انجام می‌دهد. بخشی از این امواج در ارتفاع ۱۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتری از سطح زمین جذب شده و باعث افزایش شتاب الکترون‌ها در آن منطقه و در نتیجه گرم شدن یونوسفر می‌شوند.
هارپ در دوران جنگ سرد با این هدف راه‌اندازی شد که روش‌هایی را برای ارتباط با زیردریاییهای مجهز به سلاح اتمی کشف کند. این زیردریایی‌ها در آن زمان اهمیت استراتژیکی فراوانی داشتند چرا که اصل «تضمین نابودی متقابل» در جنگ اتمی را محقق می‌ساختند. اما این پروژه با احتمالات فراوانی در مورد هدف و کاربردهای آن گره خورده‌است. تئوری‌های گوناگونی در مورد آن مطرح شده و از انتشار پرتوهای مرگ تا کنترل ذهن به آن نسبت داده شده‌است. تکمیل هارپ حدود دو دهه طول کشیده و ۲۵۰ میلیون دلار هزینه‌های ساخت و عملیاتی آن بوده‌است.[۴]

محتویات

[نهفتن]

- ۱تاریخچه و کاربردها
- ۲ توانایی‌های هارپ
- ۳تأسیسات مشابه در جهان
- ۴جستارهای وابسته
- ۵منابع
- ۶پیوند به بیرون

تاریخچه و کاربردها[ویرایش]

پروژه هارپ در اصل برای تسهیل ارتباطات زیردریایی‌های مجهز به سلاح اتمی طراحی شد. در زمان جنگ سرد زیردریایی‌هایی سوخت هسته‌ای مجهز به موشک‌های دارای کلاهک اتمی آمریکا و شوروی در آب‌های عمیق حرکت کرده و یک بازی پیچیده پنهان شدن از همدیگر و جستجو کردن یکدیگر را به راه انداخته بودند. آن‌ها با رفتن به زیر آب خود را از شناسایی مخفی می‌کردند اما با این کار امکان ارتباط با آن‌ها کم می‌شد. یکی از راه حل‌هایی که برای این مشکل پیشنهاد شد استفاده از الکتروجت‌ها بود. یعنی انتشار ذرات باردار در یونوسفر مانند یک آنتن واقعی عمل کرده و امکان فرستادن پیام به زیردریایی‌ها را فراهم می‌کند. وقتی در اواسط دهه ۱۹۸۰ این فرضیه به‌طور آزمایشگاهی ثابت شد تلاش برای ساخت تأسیساتی به این منظور هم آغاز شد. در آن زمان نیروی هوایی آمریکا در حال برچیدن سایت‌های راداری بود که وظیفه رهگیری بمب‌افکنهای شوروی را داشتند. یکی از این تأسیسات در گاکونا قرار داشت که مکان ایده‌آلی برای ساخت تأسیسات هارپ بود. در این مرکز نیروی دریایی امکان بررسی امواج ELF را داشت و یک گرمکننده یونوسفری هم برای دانشمندان فراهم می‌شد ضمن اینکه ادامه حیات این تأسیسات نظامی را در آلاسکا تضمین می‌کرد.[۴]
با این وجود حتی پیش از آغاز ساخت هارپ بحث‌هایی در مورد این که چنین تأسیساتی برای چه منظور ساخته و استفاده خواهد شد درگرفت. تد استیونس سناتور وقت آلاسکا در یک کنفرانس خبری در سال ۱۹۹۰ گفت که با این تأسیسات انرژی شفق شمالی به زمین آورده می‌شود و مشکل کمبود انرژی زمین حل خواهد شد. پسر یک نماینده دیگر آلاسکا هم گفت که هارپ در واقع یک سیستم دفاع

موشکی است. به گفته نیکلاس پاپادولوس از مؤسسان هارپ این اشتباهات به این دلیل بود که یکی از مشاوران شرکت سازنده هارپ قابلیت‌های احتمالی بسیار عجیبی را در مورد این اختراع به ثبت رسانده بود. برای مثال اینکه از تکنولوژی مشابه هارپ می‌توان به عنوان یک سپر دفاعی برای تبدیل گاز طبیعی به میکروویو استفاده کرد که می‌توانند موشک‌های شوروی را سرنگون کنند. به گفته پاپادوپولوس این ادعا حتی در گروه مشورتی دفاعی جیسون مورد بررسی قرار گرفت.[۴]

با فروپاشی شوروی اهمیت ارتباط با زیردریایی‌ها کاهش یافت و حامیان تأسیس هارپ کاربردهای دیگری را برای این پروژه مطرح کردند تا توجیهی برای ادامه ساخت آن باشد. برای مثال پیشنهاد شد در مورد قابلیت امواج برای نقشه‌نگاری سنگرهای زیرزمینی دشمن همچون سنگرهایی که کره شمالی از آن استفاده می‌کند، مطالعه شود.[۴]

در سال ۲۰۰۲ نیز پیشنهاد شد تا در مورد امکان استفاده از تأسیسات هارپ برای مقابله با تأثیرات منفی یک انفجار اتمی در ارتفاع بالای جو زمین مطالعه شود. چنین انفجاری با آزاد کردن الکترون‌های با انرژی بالا ماهواره‌های نزدیک به زمین را در خطر قرار خواهد داد. یک سناریوی این است که اگر امریکا در جریان یک حمله نظامی اقدام به شلیک موشکی با کلاهک اتمی کند که در ۱۲۰ کیلومتری زمین منفجر شود. در این صورت اتمسفر پر از الکترون‌های قاتلی می‌شود که در طول چند روز سیستم الکترونیکی تمام ماهواره‌های نزدیک به زمین را از بین می‌برند و این به معنای خسارتی چند صد میلیارد دلاری است. در چنین حالتی آیا با انتشار امواج رادیویی می‌توان این الکترون‌ها را از اتمسفر خارج کرد یا نه. به گفته مدیر برنامه هارپ با توجه به کمبود داده‌ها در این حوزه هیچ‌کس نمی‌تواند با اطمینان بگوید آیا چنین کاری ممکن است یا خیر چون این تئوری جلوتر از مشاهدات عملی است. یک گروه از دانشمندان نیوزیلندی هم در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۶ نوشتند که هر نوع تلاشی برای از بین بردن آثار رادیواکتیو انفجار اتمی در جو به اختلال بیشتر در سیستم‌های ارتباطی و ناوبری منجر می‌شود. برخی نیز معتقدند مقابله با انفجار اتمی در جو کاری غیرواقعی است. فیلیپ کویل از مدیران سابق آزمایشگاه لایومور و از آزمایش‌کنندگان ارشد سلاح‌ها در دوره بیل کلینتون می‌گوید: «به عقیده من تحقیقات علمی برای فهم بهتر از یونوسفر تلاشی باارزش است اما کسی نمی‌داند چه میزان انرژی برای انتقال الکترون‌ها لازم است یا تزریق چنین انرژی عظیمی چه تغییراتی در یونوسفر ایجاد خواهد کرد.[۴]»

توانایی‌های هارپ[ویرایش]

نظریات متعددی در مورد «خطرات پروژه»،[۵] یا استفاده از این تأسیسات بعنوان یک سلاح تا کنون عنوان گردیده‌است. از ایجاد وقوع زمین لرزه‌های متعدد در مناطق مختلف جهان، تا کنترل آب و هوا،[۶] ده‌ها ادعای مختلف در مورد پروژه هارپ عنوان گردیده‌است.[۷][۸][۹] مشهورترین این نظریات از طرف گزارش روزنامه پراودا در روسیه[۱۰] و نیز هوگو چاوز در سال ۲۰۱۰ مطرح گردید که در آن مدعی شدند آمریکا با این تأسیسات زلزله هائیتی را خلق کرد.[۱۱] پرس تی‌وی گزارش یک وب‌سایت ونزوئلایی را به نقل از منبعی روسی با عنوان ناوگان شمالی روسیه به عنوان یک گزارش تأیید نشده نقل کرد که نیروی دریایی آمریکا قصد داشته با استفاده از پروژه

هارپ زلزله‌ای را در ایران ایجاد کند که «اشتباهاً هائیتی مورد اصابت امواج زلزله‌ساز آن قرار گرفت». در این گزارش به موارد متعدد دیگری که در مورد هارپ مطرح شده از جمله ارتباط آن با زلزله سیچوان در چین و زلزله ۶٫۵ ریشتری کالیفرنیا اشاره کرده بود.[۱۲]

در سال ۲۰۰۲ هم ۹۰ نماینده دومای روسیه درخواست کرده بودند تا ممنوعیتی برای انجام پروژه‌های ژئوفیزیکی عظیم همچون هارپ وضع شود چون این برنامه قادر خواهد بود به یک سلاح تمام و کمال نظامی تبدیل شود که با انتشار حجم عظیمی از امواج رادیویی فرکانس بالا قدرت تأثیرگذاری بر کل کره زمین را دارد. به گفته آن‌ها این جهش نظامی از نظر کیفی قابل مقایسه با جهش بشر از سلاح‌های فلزی به سلاح‌های آتشین یا سلاح‌های متعارف به بمب اتمی خواهد بود. به ادعای آن‌ها این برنامه نظامی قادر به تخریب ارتباطات رادیویی، و تجهیزات فضاپیماها و راکت‌ها است، احتمال وقوع تصادفات خطرناکی در شبکه‌های الکتریکی و خط لوله‌های نفت و گاز را بالا می‌برد و می‌تواند تأثیر منفی بر سلامتی مردم تمام مناطق بگذارد.[۱۳] مشابهاً، برخی نیز مدعیند که توفان کاترینا توسط تأسیسات مشابه روس‌ها ساخته شده تا به آمریکا ضرر بزند.[۱۴][۱۵]

با اینکه امکان کنترل آب و هوا و غیره توسط پروژه‌هایی مثل هارپ از طرف افرادی چون جسی ونتورا مورد بررسی قرار گرفته،[۱۶] اما منابع متعدد دیگری نیز، از جمله نیروی هوایی آمریکا،[۱۷] این مباحث را مورد بررسی قرار داده‌اند. لیکن با اینکه چنین موضوعاتی از طرف منابع مختلف بسیاری مطرح گردیده‌اند،

تأسیسات مشابه در جهان[ویرایش]

«تأسیسات سورا در روسیه با هارپ قابل قیاس است».[۲۲]



در سال ۱۹۹۹، کمیسیون روابط خارجه و امنیت و دفاع اروپا در گزارشی به پارلمان اروپا از احتمال استفاده از هارپ بعنوان یک سلاح ابراز نگرانی کرده[۲۳] و خواستار پایبندی به مفاد قطع‌نامه‌های سازمان ملل در اینباره[۲۴] گردید.[۲۵] با اینحال اتحادیه اروپا در نروژ، و روسیه در نیژنی نووگورود نیز تأسیسات مشابهی در حال فعالیت دارند که از هارپ پرقدرت‌تر می‌باشند.[۲۶] بگفتهٔ روزنامه روسی پراودا در سال ۲۰۰۵، «در حالیکه سیاستمداران روسی در مورد پروژهٔ هارپ کماکان ابراز وحشت می‌کنند، اما به این نکته کاملاً بی‌توجهند که روسیه تأسیسات همانندی در ۱۵۰ کیلومتری شمال نیژنی نووگورود دارد که دارای قدرت مشابه با تأسیسات هارپ است، و مدتهاست مورد استفاده دانشمندان روسی بوده‌است».[۲۷]

در مقایسه با هارپ ۳٫۶ مگاواتی، سایر تأسیسات مشابه جهان بر حسب Effective Radiated Power عبارتند از:

- EISCAT در نروژ[۲][۳] با قدرت ۱۳۰۰ مگاوات[۲۸]
- فرستنده صدای آمریکا در دلانو در کالیفرنیا (تصاویر) با قدرت ۳۰ مگاوات

- SURA یا Radiophysical Research Institute در روسیه با قدرت ۱۹۰ مگاوات[۲۹]
- آرسیبو با قدرت ۲۰ مگاوات
- HIPAS یا High Power Auroral Stimulation Observatory (آزمایشگاه پلاسمای دانشگاه یوسی‌الای در فیربنکس) با قدرت ۷۰ مگاوات

جستارهای وابسته[ویرایش]

- دانشگاه آلاسکا در فیربنکس

منابع[ویرایش]

1. پرش به بالا↑ BAE SYSTEMS North America: News and Information: News Releases
2. پرش به بالا↑ UNM Today: Scientists Detect Lowest Frequency Radar Echo from the Moon
3. پرش به بالا↑ The HAARP IRI as described in the EIS
4. ↑ پرش به بالا به:۴٫۰ ۴٫۱ ۴٫۲ ۴٫۳ ۴٫۴ Atmospheric physics: Heating up the heavens Nature, 23 April 2008
5. پرش به بالا↑ History and Applications of HAARP Technologies: The High Frequency Active Auroral Research Program
6. پرش به بالا↑ شماره دسامبر سال ۲۰۰۷ نشریه اکولوژیست
7. پرش به بالا↑ Environmental Modification Techniques (ENMOD) and Climate Change *GlobalResearch*
8. پرش به بالا↑ *Haarp: The Ultimate Weapon of the Conspiracy*. Jerry E. Smith. Adventures Unlimited Press, 1998. ISBN 0-932813-53-4
9. پرش به بالا↑ *Angels don't play this HAARP: advances in Tesla technology*. Nick Begich, Jeane Manning. Earthpulse Press, 2002. ISBN 0-9648812-0-9
10. پرش به بالا↑ پراودا
11. پرش به بالا↑ Hugo Chavez Mouthpiece Says U.S. Hit Haiti With Earthquake Weapon *فاکس نیوز*
12. پرش به بالا↑ گزارش پرس تی وی
13. پرش به بالا↑ Russian Parliament Expresses Concern About HAARP
14. پرش به بالا↑ یو اس ای تودی
15. پرش به بالا↑ پراودا
16. پرش به بالا↑ پخش از شبکه کابلی ترو تی‌وی در آمریکا
17. پرش به بالا↑ Weather as a Force Multiplier: Owning the Weather in 2025
18. پرش به بالا↑ HAARP Myths
19. پرش به بالا↑ نشریه پاپیولار مکانیکس
20. پرش به بالا↑ نشریه Wired
21. پرش به بالا↑ روزنامه شهر انکوریج
22. پرش به بالا↑ *The SURA array is an ionospheric modification facility»*

with power level comparable to that of the present HAARP array." Proceedings of the 2003 IEEE Radar Conference: May 5-8, 2003, Marriott Hotel, Huntsville, Alabama. IEEE Aerospace and Electronic Systems Society, 2003. ISBN 0-7803-7920-9 pp.156
23. پرش به بالا↑ EUROPEAN PALIAMENTوب‌گاه اتحادیه اروپا
24. پرش به بالا↑ Convention on the Prohibition of Military
25. پرش به بالا↑ Haïti: La guerre environnementale en question
26. پرش به بالا↑ «*The most capable HF transmitters currently operating are located in Russia and Norway and have effective radiated powers (ERP) of roughly one billion watts (1 gigawatt)*". [۱]
27. پرش به بالا↑ USA and Russia supposedly develop secret meteorological weapons - Pravda.Ru
28. پرش به بالا↑ Erp @ Eiscat
29. پرش به بالا↑ Sura Ionospheric Heating Facility

گزارش ویژه مشرق/

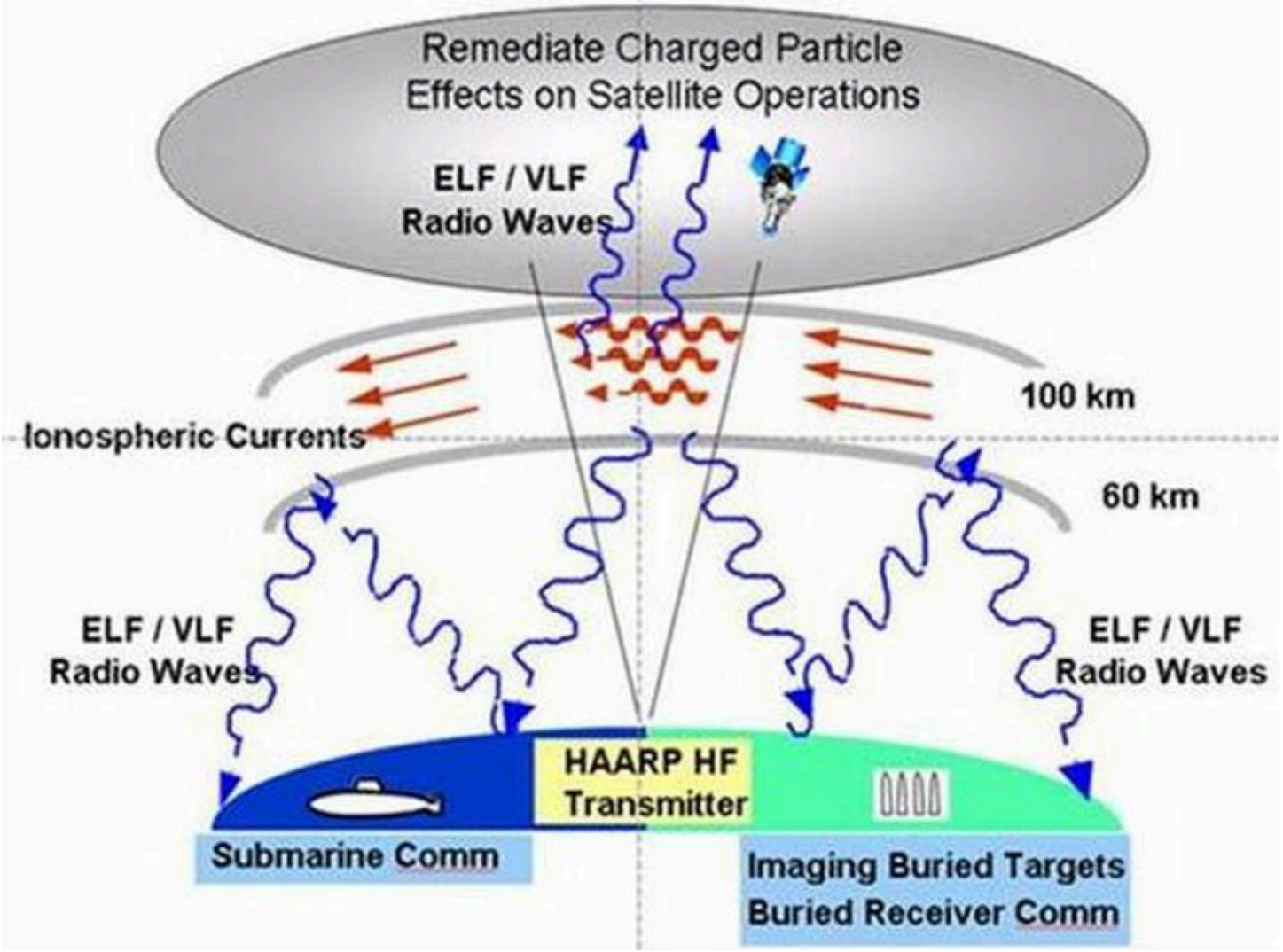
آیا هارپ سلاح جدید آمریکا در جنگ های آینده است؟

از هارپ (HAARP) چه می دانیم؟ آیا این تکنولوژی مخوف واقعیت دارد؟ دستکاری در آب و هوا تا چه میزان ممکن است؟ آیا هارپ سلاح جدید آمریکا در جنگ های غافلگیرانه آتی است؟ برای راز گشایی از این سوالات با گزارش های ویژه مشرق همراه شوید....

به گزارش مشرق، انستيتو تحقيقات استراتژيك كالج جنگ ارتش آمريكا داراي نشريه‌اي داخلي با نام"انقلاب در امور نظامي" است. به عنوان مقدمه‌اي بر اين گزارش بخشي از يكي از مقالات اين نشريه بسنده خواهد بود:
"چيزهايي كه براي ما اهميت دارند به مرور زمان تغيير مي‌كنند و تكنولوژي با پيشرفت خود به افق‌هاي جديدي مي‌رسد. در زمان جنگ سرد، تسليحات و پروژه‌هاي رواني، مراحل ابتدايي خود را مي‌گذراندند. اما در زمان كنوني كه علوم الكترونيك و بيوالكترونيك را در دسترس داريم، لازم خواهد بود در قراردادهاي اخلاقي و حد و حدود ذهني خود كه از به كارگيري تكنولوژي‌هاي به بازي گيرنده روح و روان دشمن ممانعت مي‌كند؛ تجديد نظر كنيم.
در صورت فراهم شدن اين بازنگري، شركت هاي خصوصي و نيمه خصوصي را تشويق خواهيم كرد كه به بهره برداري و توسعه تكنولوژي‌هاي متناسب با اين اهداف بپردازند. **در نتيجه خواهيم توانست با به كارگيري انواع تسليحات جديد مانند ميكروبي، رواني و ساير تكنولوژي‌هاي پيشرفته وارد عمل شده و به اهداف خود برسيم.**"

هارپ سلاحي براي بي ثبات كردن كشورها

"هارپ" به صورت يك فرستنده امواج الكترومغناطيسي عمل مي‌كند كه هدف آن تاثير گذاري بر آسمان و الكترون هاي آزاد لايه يونوسفر است. اين سيستم، الكترون‌هاي اين لايه را در ارتفاع تقريبا 275 كيلومتري به جنبش وامي‌دارد. در حالت عادي اين لايه داراي دمايي معادل 1400 درجه سانتيگراد است كه در اثر اين تحريك انرژي فراواني در آن به وجود آمده و در نتيجه دما تا 20درصد افزايش مي‌يابد و اين ناحيه به حالت انبساطي در مي‌آيد.



تاثير گذاري بر آسمان و الكترون هاي آزاد لايه يونوسفر

"زبيگنيو برژينسكي"، مشاور "جيمي كارتر" رئيس جمهوري سابق آمريكا و مشاور كنوني "اوباما" معتقد است كه **"هارپ"** سلاحي براي بي‌ثبات كردن كشورهايي است كه با واشنگتن اتحاد و همسويي ندارند. به گفته او "با استفاده از تكنولوژي‌هاي جديد و روش هايي كه اين تكنولوژي‌ها در اختيار كشورهاي بزرگ قرار مي‌دهند؛ اين كشورها مي‌توانند حتي بدون آنكه نيروهاي امنيتي خود را در جريان قرار دهند جنگ‌هايي سريع و غافلگيركننده به راه بياندازند."



برژينسكي اضافه مي كند: "اكنون تكنولوژي‌هايي در اختيار ماست كه به كمك آنها مي‌توانيم تغييراتي در آب وهوا ايجاد كرده و شرايطي مانند خشكسالي و طوفان به وجود آوريم كه اين امر مي تواند توانايي هاي دشمنان احتمالي ما را تضعيف كرده و آنها را به پذيرش شرايط ما مجبور كند.»

ممنوعيت تحقيقات نظامي در فضا بر اساس مصوبات سازمان ملل متحد استفاده از تسليحات الكترو مغناطيسي و نيز استفاده از فضابراي انجام هرگونه تحقيقات و عمليات نظامي ممنوع مي باشد، اما

دولت‌هاي خودكامه اي مانند دولت آمريكا همانگونه كه بسياري قطعنامه هاي ديگر سازمان ملل و شوراي امنيت را نقض مي كنند؛ در اين زمينه نيز تعهدي نداشته و در نهان فعاليت هاي گسترده اي انجام مي‌دهند. هارپ را مي‌توان يكي از ده‌ها پروژه مخفي و مخرب دانست كه از طرف سياستمداران آمريكايی حمايت شده و روز به روز به گسترش فعاليت‌ها و نيز توان تخريبي آن افزوده مي‌شود.



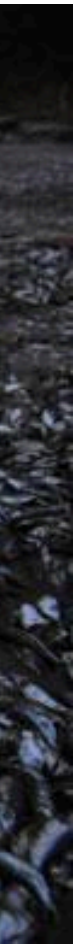
حفره معروف به حفره هارپ كه گاهي در آسمان نقاط مختلف ديده مي شود.

شدت حوادث كنوني با طبيعت ناهمخوان است بشر در طول هزاران سال با حوادث و بلاياي طبيعي بسياري دست به گريبان بوده است و همواره اين حوادث را جزئي طبيعي از زندگي خود بر روي كره زمين دانسته است. اما در دهه های اخير اتفاقاتي روي داده كه با حافظه تاريخي او در مورد طبيعي بودن اين حوادث ناسازگار است. بدون شك، فجايع طبيعي در هر دوراني همراه با خساراتي بوده است. اما، آنچه كه امروز اتفاق مي افتد نسبت به گذشته شدت بي سابقه اي دارد.

اين درحالي است كه بي نظمي هاي بزرگ جوي و حوادثي مانند سيل، توفان، زلزله و فعاليت‌هاي آتشفشاني همگي عموماً به تأثيرات گازهاي گلخانه اي ربط داده مي شود. ذوب شدن يخ‌هاي قطبي و دوره هاي گرمايي و سرمايي كاملا بي سابقه و شديد در نقاط مختلف زمين نيز به پديده گرم شدن كره زمين احاله مي گردد. اما به اعتقاد برخي از متخصصين و حتي سياستمداران ردپاي تكنولوژی های پيشرفته در توليد و هدايت اين حوادث با اهداف سياسي و استعماري كاملا معلوم بوده و نشانه‌هاي فراواني از دخالت‌هاي بشري در آن ديده مي شود.

اتفاقات عجيب اتفاقات عجيب فراواني در سال هاي اخير روي داده است كه به باور دانشمندان غير از دخالت يك عامل الكترومغناطيسي هدايت شونده چيز ديگري نمي‌تواند مسبب آنها باشد. براي مثال خشك سالی‌هاي بزرگ، آتش فشان‌ها، زلزله‌ها و سونامي‌هاي ويرانگر سال‌هاي اخير، وقوع سيل ها و توفان هايی نظير طوفان كاترينا در نيواورلئان و طوفان گانو در عمان، مرگ عجيب هزاران ماهي ساردين در سواحل شيلي، سقوط جنازه های سوخته كلاغ ها از آسمان سوئد، مرگ صدها هزار ماهی در آركانزاس، بارش جسد هزاران پرنده سياه بال قرمز مرده در لوئيزانا و كنتاكی، مرگ دسته جمعيميليون‌ها

ماهي در خليج "چزاپيک" آمريکا، مرگ صدها تن ماهی در سواحل برزيل و ده ها هزار خرچنگ در انگليس، مرگ ماهي ها و دلفين هاي سوخته خليج فارس، مرگ دسته جمعي نهنگ‌ها در استراليا هيچ کدام حالت طبيعي نداشته و احتمال مي‌رود در اثر آزمايش‌ها و حمله هايي در اثر امواج هدايت شونده روي داده باشند.





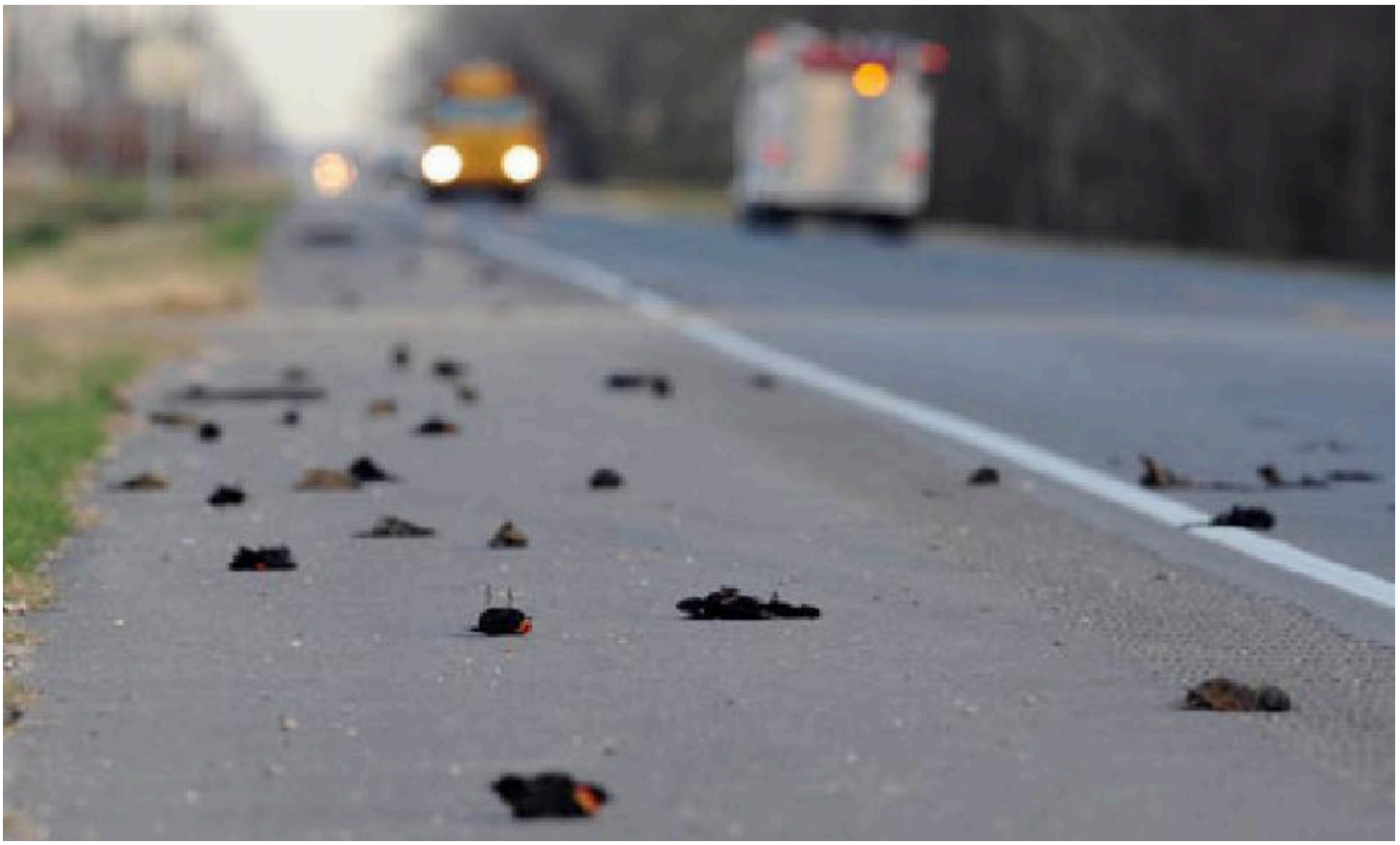
مرگ دسته جمعي هزاران ماهي در سواحل شيلي دلفين هاي سوخته خليج فارس





جنازه های سوخته کلاغ ها در سوئد

مرگ دسته جمعي دلفين ها



بارش جسد هزاران پرنده سياه بال قرمز

منشا مشكوك اين حوادث

در اين ميان اما گزارش هاي مفصلي منتشر مي شود كه منشا اين اتفاقات را طبيعي ندانسته و در نتيجه دخالت هدفمند سيستمها و تكنولوژي هاي پيشرفته اي مانند "هارپ" مي دانند. تكنولوژي هايي كه به استناد گفته‌هاي برژينسكي، مشاور اوباما، مي توانند توانايي‌هاي ملت‌هايي را كه آمريكا دشمن خود مي‌داند تضعيف كرده و آنها را به پذيرش سياست‌هاي توسعه طلبانه آمريكايي مجبور كند.

نيروي تزريقي به يونوسفر توسط هارپ، نوسانات موجي فراواني در اين لايه ايجاد مي‌كند به طوريكه امواجي با طول موج هاي خاص و فركانس هاي پايين كه بازه‌اي از 40 هرتز تا يك هزارم هرتز را شامل مي‌شود؛ به وجود مي‌آيند. اين فركانس‌هاي پايين داراي برد عميقي تا هزاران كيلومتر بوده و قادرند بر روي زمين به اهداف وسيعي از بدن انسان گرفته تا اعماق دريا‌ها نفوذ كنند.

اين پروژه تا كنون مورد توجه افراد فراواني بوده و اقدامات افشاگرانه‌ي نيز انجام شده است. از جمله مي توان به دكتر **" نيك بگيش"** يكي از دو مولف كتاب **"فرشتگان اين هارپ را نمي نوازند"** اشاره كرد كه در 1997 طي مقاله اي در روزنامه واشنگتن پست اشاره مي كند كه 40 درصد بودجه تجهيزات نيروي هوايي آمريكا مربوط به پروژه هاي مخفي است. اين نويسنده مدعي شد كه اين پروژه ها تا جايي امنيتي هستند كه حتي كنگره آمريكا نيز از ابعاد و زواياي كامل آن بي خبر است. در اين كتاب به زواياي پنهان هارپ به عنوان يك اسلحه پرداخته شده است.

دكتر بگيش هارپ را يك سلاح معرفي مي كند

نگراني هاي بين المللي

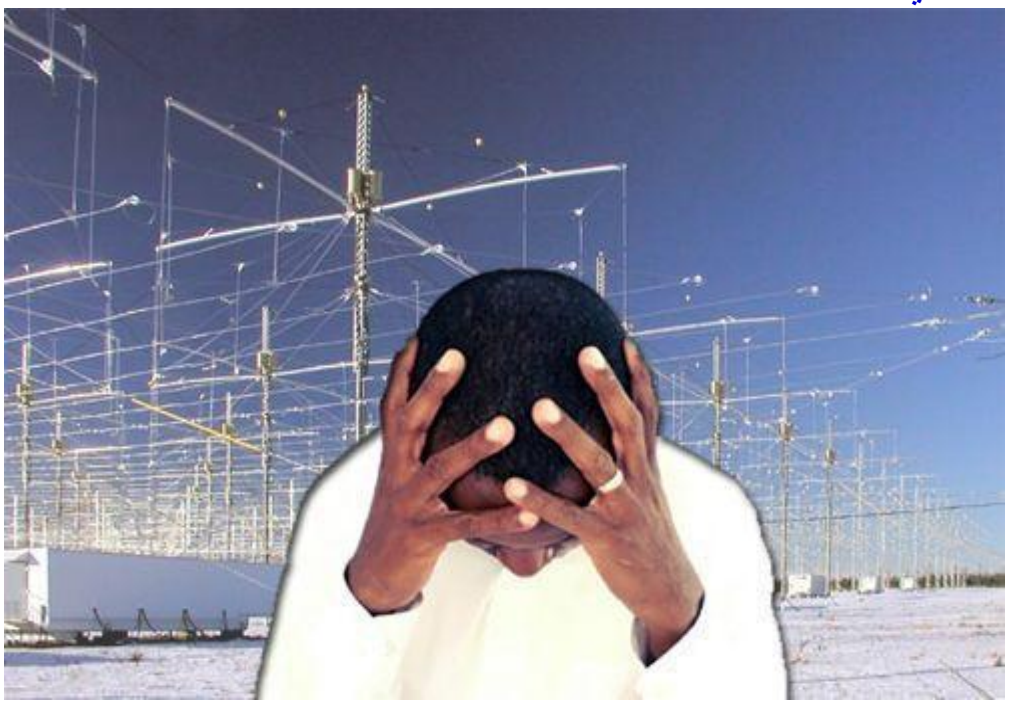
در اين ميان هارپ نگراني برخي از سياست مداران و كارشناسان تسليحاتي كشورهاي ديگر را نيز باعث شده است. براي مثال نمايندگان پارلمان اروپا در اين مورد تحقيقاتي را آغاز كرده و يك كارشناس انرژي به نام **"گراتان هيلي"** را براي مشاورت در اين مورد به كار گرفته‌اند. هيلي هم اكنون درحال جمع آوري

اسناد و مداركي است تا به كمك آنها بتواند راهي براي افشا و درنتيجه خاتمه دادن به اين طرح پيدا كند. **"مگوا هالووت"** كه رئيس گروه سبزهاي پارلمان اروپاست، مسئوليت پيگيري اين پرونده را به عهده دارد. او در حال پيگيري درخواست سبزها براي وادار ساختن پارلمان اروپا به اعمال فشار بر ناتو است تا از دولت آمريكا در مورد هارپ توضيح بخواهد. به نظر هالووت اين نوع تسليحات علاوه برپيامدهاي خطرناك زيست محيطي، آزادي هاي فردي و دموكراسي را نيز به خطر مي‌اندازد.

هارپ يك سلاح است

از نظر تاريخي " هارپ " پروژه اي است كه در ۱۹۹۳ در ظاهر جهت بررسی و پژوهش درباره لايه يونوسفر جو زمين با استفاده از امواج راديويی شروع به كار كرد. اما تاريخ شروع تحقيقات بر روي امواج براي بررسي امكان استفاده از آنها به عنوان سلاح‌هاي مرگبار به دهه هاي قبل برمي‌گردد.

به بياني مي‌توان گفت كه سيستم هارپ، نتيجه تلاش‌ها و پژوهش‌هاي حداقل پنجاه ساله ارتش آمريكاست كه كاركرد آن تنها محدود به بررسی و پژوهش درباره لايه يونوسفر نبوده و قادر است برايشناسايي پايگاه هاي مخفي اعماق زمين را جستجو كند، تمامي ارتباطات راديويی و موجي را متوقف سازد، بر رفتارها و حالت رواني انسان‌ها تأثير بگذارد، جريانات جوي را تغيير دهد، با متمركز ساختن امواج بر روي اهداف هوايي مانند هواپيماها و دسته‌هاي بزرگ پرندگان آن‌ها در آسمان بسوزاند و برشته كند، لرزش‌هاي شديدي در لايه‌هاي مختلف كره زمين ايجاد كرده و زلزله توليد كند و يا انفجارهايي به قدرت بمب‌هاي هسته‌اي ايجاد كند.



امواج هارپ بر حالت رواني افراد تاثير منفي دارد

با اين توصيف مي‌توان هارپ را يك اسلحه عظيم نوين دانست كه هزينه های آن به طور مشترك از طرف نیروی هوایی و دریایی ارتش آمریکا، آژانس تحقیقاتی پروژه های دفاعی پیشرفته ی آمریکا و دانشگاه آلاسکا تامین می‌شود. در واقع "هارپ" يك سلاح تمام عيار آب و هوايي است كه با ارسال يک انرژي عظيم به لايه فوقاني اتمسفر، مولكول هاي تشكيل دهنده آن را به جنبش درآورده و به بازتاب قوي انرژي حاصل از اين جنبش وادار مي‌كند كه اين انرژي پس از هدايت شدن توسط سيستم هارپ مي تواند اختلالات گسترده‌اي مانند خشكسالي، بارش برف و باران، سرماي شديد، سونامي، توفان، زلزله و... در نقطه معيني از كره زمين به وجود آورد.

هارپ شامل ده ها برج آنتن آلومنیومی بر روی زمینی به مساحت 23 هزار متر مربع در آلاسکا است که امواج مافوق کوتاه تولید کرده و به یونوسفر می‌فرستند. هريك از اين آنتن ها به فرستنده اي به قدرت يك ميليون وات متصل است. قدرت نهايي اين آنتن‌ها با توسعه بيشتر به يك ميليارد واتافزايش يافت كه از 360 آنتن به دست مي‌آيد. فرستنده ها توسط 6 توربين به قدرت هريك 3600 اسب بخار تغذيه مي شوند و به ازاي هر روز 95 تن مازوت مصرف مي‌كنند.



آنتن هاي هارپ

احتمال بزرگنمايي هدف دار

اما نگاه ديگري نيز وجود دارد كه تمامي گفته‌ها در مورد هارپ را يك بزرگنمايي و پروپاگانداي تبليغاتي از طرف خود آمريكا مي‌داند و معتقد است كه نه هارپ و نه هيچ تكنولوژي بشري ديگري حداقل با توجه به محدوديت هاي دانش كنوني نمي‌تواند چنين قدرتي داشته باشد و كارهايي با اين وسعت انجام دهد. ديدگاه مذكور اين تبليغات را در راستاي ترساندن ديگر ملت ها از آمريكا و به انقياد و انفعال كشيدن آنها دانسته و باوري به كارايي هارپ در ايجاد خشكسالي، زلزله، توفان و ديگر اتفاقاتي كه به طور مثال ذكر شد ندارد.

براي مثال دكتر ناصر حافظي مقدس، زمين شناس، مهندس زلزله شناسي و استاد دانشگاه در گفتگو با كيهان درباره پديده هارپ مي گويد: "پروژه مطالعاتي هارپ درخصوص مطالعه اصول فيزيكي كنترل كننده يونوسفر است كه علاوه بر آمريكا چند كشور ديگر نيز در آن مشاركت دارند. هدف اصلي اين پروژه بهبود ارتباطات راديويي بوده است اگرچه ارتش آمريكا در اين پروژه بدنبال كنترل و نظارت بر ارتباطات راديويي مي باشد.

دكتر حافظي مقدس مي‌افزايد: "مطرح شده كه آمريكا در ادامه پروژه جنگ ستارگان بدنبال نوعي سلاح

الكترومغناطيسي جديد است كه با فشرده سازي بخشي از يونسفر و انعكاس آن امواج الكترومغناطيسي با فركانس بالا كه قدرت حرارتي زياد دارند را به مناطق مورد نظر در سطح كره زمين وارد كند. اين مطلب فرضيه هايي است كه مشخص نيست قابليت اجرايي داشته باشد." اين مهندس زلزله شناسي به ارتباط هارپ و زلزله اشاره مي كند و مي گويد: "منشأ شايعاتي كه درخصوص ارتباط زلزله با پروژه هارپ وجود دارد شايد از اين طريق مي باشد كه زلزله هاي بزرگ همراه با تغييرات وسيع در اتمسفر بالاي منطقه كانوني مي باشند و اغتشاشاتي را در كره يونسفر ايجاد مي كنند. تلاش هايي جهت استفاده از اين پديده براي پيش بيني زلزله نيز در حال انجام است. اما اينكه با هدايت امواج الكترومغناطيس بتوان در يك منطقه زلزله ايجاد نمود توجيه علمي ندارد.



دكتر محمدعلي رحماني نيا، زمين شناس، كارشناس زلزله شناسي و استاد دانشگاه نيز در تحليل موضوع هارپ مي گويد: "در وهله اول بايد اشاره كنم كه "هارپ" پروژه اي است توسط چند كشور جهان از جمله آمريكا، روسيه، ژاپن، كانادا و... دنبال مي شود و هدف آنها نيز شناخت لايه آيونوسفر و مطالعه آن است و در واقع پروژه هارپ فقط مختص آمريكا يا يك كشور خاصي نيست، از طرفي هم ارتش آمريكا در بخش نيروهاي دريايي و هوايي پروژه اي را درباره جنگ ستارگان دنبال مي كنند و هدفشان اين است كه بتوانند امواج الكترومغناطيسي را بر روي زمين برگردانند، كه اگر بتوانند اين كار را انجام دهند خواهند توانست حرارت زيادي را در نقطه اي از زمين ايجاد كنند."
دكتر رحماني نيا در ادامه تصريح كرد: "اگر زلزله طبيعي اتفاق بيافتد در لايه يونوسفر اختلالاتي ايجاد مي‌شود و از اين اختلالات ايجاد شده در واقع مي‌توان وقوع برخي زلزله ها را پيش بيني كرد، از همين موضوع آمريكاييان بحث هارپ را پيش كشيده اند و در واقع با اين اقدام مي خواهند اذهان عمومي مردم جهان را فريب داده و به نفع خود از آن بهره برداري كنند."
با توجه به سابقه نظام آمريكا در سوءاستفاده‌هاي گسترده و غير انساني از علوم و دانش‌هاي گوناگون بايد گفت كه به نظر مي‌رسد "هارپ" كه به معناي ساز "چنگ" است؛ اين بار توسط جانيان آمريكايي

در **سمفوني به ويراني كشيدن كره زمين و تهديد زيستن انسان** در آن نواخته مي‌شود.

آیا ادعاها درباره ابر سلاح آمریکایی ها صحت دارد

تأسیسات تحقیقاتی آمریکا موسوم به "برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا" یا به شکل اختصار "هارپ"، قرار است فعالیت در حوزه عملیات نظامی را متوقف کرده و به "کنترل غیرنظامی" دربیاید.

گروه بین‌الملل مشرق- تأسیسات تحقیقاتی آمریکا موسوم به "برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا" یا به شکل اختصار "هارپ"، قرار است فعالیت در حوزه عملیات نظامی را متوقف کرده و به "کنترل غیرنظامی" دربیاید. دانشگاه آلاسکا به زودی این سایت را در اختیار خواهد گرفت و از آن برای ادامه آزمایش‌های بحث‌برانگیز آمریکا استفاده خواهد کرد. شاید این انتقال نشان دهنده ادعاهای گزاف درباره این پایگاه باشد.

به گفته "مارمیان گرایمز" سخنگوی دانشگاه آلاسکا، "نیروی هوایی تا تاریخ 11 آگوست کنترل هارپ را در اختیار دارد و سپس طبق توافق صورت گرفته، دانشگاه به مدت دو سال به آن دسترسی پیدا می‌کند. در این مدت دو طرف به مذاکرات ادامه خواهند داد تا درباره انتقال زیربنای این سایت نیز به توافق برسند."

زمانی که هارپ کار خود را آغاز کرد، هدف رسمی و اعلام شده آن، تحقیق درباره یونوسفر بود؛ لایه فوقانی اتمسفر با ارتفاع 60 تا 1000 کیلومتری که توسط تشعشعات خورشیدی یونیزه می‌شود. تأسیسات هارپ را شبکه غول‌پیکری از فرستنده‌های رادیویی و آنتن‌هایی تشکیل می‌دهند که می‌توانند بخش‌هایی از یونوسفر را گرم کنند. این گرما به الکترون‌ها سرعت می‌دهد و محیط را برای آزمایش‌های دانشمندان نظامی آماده می‌کند.

هارپ از مدت‌ها پیش، هدف نظارت شدید افرادی قرار دارد که معتقدند ارتش آمریکا از این سایت برای تحقیقات درباره همه چیز از تغییرات آب و هوایی گرفته تا سلاح‌های مبتنی بر"دستکاری محیط زیست" تا آزمایش‌های محرمانه‌تر مانند روش‌های الکترونیکی و روانی کنترل ذهن استفاده می‌کند. پنتاگون میلیون‌ها دلار هزینه صرف ساخت هارپ کرده و تا همین سال‌های اخیر یعنی 2007 هم هزینه‌های هنگفتی برای آن انجام می‌داد تا آن‌که کار ساخت سایت به طور رسمی به پایان رسید.

از این رو طبق اخبار قبلی، عجیب به نظر می‌رسید که چرا تنها چند سال پس از تکمیل این سایت، نیروی هوایی تصمیم گرفته آن را تعطیل کند. اکنون با این خبر جدید مشخص می‌شود که هارپ همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. همچنین طبق توافق انجام شده، این مرکز به دانشگاه آلاسکا سپرده می‌شود که از مدت‌ها پیش در تحقیقات این مرکز نقش داشته است. از سوی دیگر، دولت آمریکا و پنتاگون نیز قرار است به حمایت‌های مالی از این مرکز ادامه بدهند. بنابراین افراد کنجکاو درباره هارپ همچنان به دنبال این خواهند بود که بفهمند در این مرکز چه اتفاقاتی می‌افتد.



مقر "برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا" موسوم به "هارپ"

زمین لرزه ژاپن کار آمریکا بود

در آخرين افشاگري توسط يكي از مقامات آمريكايي فاش شد كه زمين لرزه ژاپن نيز يكي از اقدامات خرابكارانه آمريكا بوده است.

به گزارش مشرق، باشگاه خبرنگاران به نقل از شبكه سي ان ان نوشت: فرماندار سابق ايالت مينه سوتاي آمريكا فاش كرد كه آمريكا سامانه اي به نام هارپ دارد كه مي تواند عامل بسياري از بلاياي طبيعي نظير زمين لرزه و سونامي ژاپن باشد.

وي افزود: سامانه هارپ كه در آلاسكا واقع است، سامانه اي متشكل از ?? آنتن مخصوص است كه ميليونها وات برق را به صورت امواج روي نقطه مشخصي در يونسفر جو متمركز مي كند كه بازتاب آن به زمين مي تواند خرابيهاي زيادي به بار اورد.

به گفته اين مقام، با اين وسيله مي توان هواپيماها را سرنگون كرد، حركت ابرها و تغييرات آب و هوايي را كنترل كرد.

براساس اين گزارش، دولت آمريكا اين پروژه را غير سري مي نامد در حاليكه به نظر فرماندار سابق ايالت مينه سوتا دولت به مردم دروغ مي گويد زيرا وقتي وي مي خواست از آن بازديد كند به وي اجازه ورود ندادند.

استفاده سازمان سیا از آب و هوا به‌عنوان یک سلاح



به عنوان مثال می‌توان به قرار دادن ابری در استراتوسفر مانند ابری که معمولاً در نتیجه فوران آتشفشان ایجاد می‌شود برای مقابله با گرم شدن جهان اشاره کرد. این اقدام می تواند باعث انعکاس نور خورشید و سرد شدن زمین شود.

گروه جنگ نرم مشرق- به گزارش راشاتودی، یک دانشمند آمریکایی نگرانی خود را از این مساله که گروهی از افراد اطلاعاتی ممکن است از آب و هوا بعنوان یک سلاح استفاده کنند ابراز داشت. وی از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) خواست این موضوع را باز کرده و درباره آن شفاف‌سازی نماید.
وی همچنین خواستار انجام تحقیقی جهانی برای محدودسازی این استفاده خصمانه شد.
پروفسور آلن روباک نگران است که مبادا آژانس‌های دولتی آمریکا علاقمند به سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد تغییرات آب و هوایی به منظور بررسی استفاده از این تغییرات بعنوان سلاح باشند.
او به عنوان مثال به قرار دادن ابری در استراتوسفر مانند ابری که معمولاً در نتیجه فوران آتشفشان ایجاد می‌شود برای مقابله با گرم شدن جهان اشاره می‌کند. وی گفت این اقدام می تواند باعث انعکاس نور خورشید و سرد شدن زمین شود. اگرچه این اقدام بسیار ارزان و سریع است، اما می‌تواند تاثیرات جانبی بسیاری را نیز در پی داشته باشد.

یکی از مشکلات این فناوری این است می‌تواند مانع رسیدن نورخورشید به یک کشور خاص در جهان شود. به عنوان مثال، می‌توان به تاثیرات فوران آتشفشان کارکاتوا در سال 1883 در تغییر الگوی آب و هوایی جهان اشاره کرد. چهار سال بعد از این فوران به طرز غیرمعمولی سرد بود و در سراسر جهان شاهد بارش برف سنگینی بودیم.
وی به پایگاه راشاتودی گفت: نمی‌توانیم بدون توجه به یک قسمت از جهان، آب و هوای نقطه دیگر را تحت کنترل داشته باشیم. تاثیرات قراردادن ابر در استراتوسفر تنها به یک نقطه خاص منحصر نشده، بلکه تاثیرات جهانی دارد. استفاده از این تکنیک به عنوان یک سلاح دشوار است، اما این همان چیزی است که آنها دنبالش می‌گردند.
این دانشمند هواشناسی از دانشگاه راتگرز همچنین گفت که افراد سرویس اطلاعاتی آمریکا که بسیار علاقمند به در اختیار گرفتن آب و هوا هستند با وی تماس‌هایی داشته‌اند. او گفت: چند سال پیش، من تماسی از چند نفر داشتم که می‌گفتند که برای سازمان سیا کار می‌کنند. آنها از من پرسیدند که آیا مشاوری در زمینه کنترل آب و هوا کار می‌کند؟ آیا من اطلاعاتی در این زمینه دارم؟
روباک فوراً متوجه شد که آنها بصورت غیرمستقیم از وی سوال می‌کنند که آیا آمریکا می‌تواند آب و هوای جای دیگری را کنترل کند.
روباک در ادامه افزود: نمی‌دانم انگیزه سازمان سیا چیست. حدس می‌زنم که آنها می‌خواهند از آمریکا محافظت کنند. وی از سازمان سیا خواست درباره اهداف و علاقه خود درباره کنترا آب و هوا شفاف‌سازی کنند. او در این‌باره گفت: به نظر من این تحقیق باید به صورت بین‌المللی انجام شود تا تردید

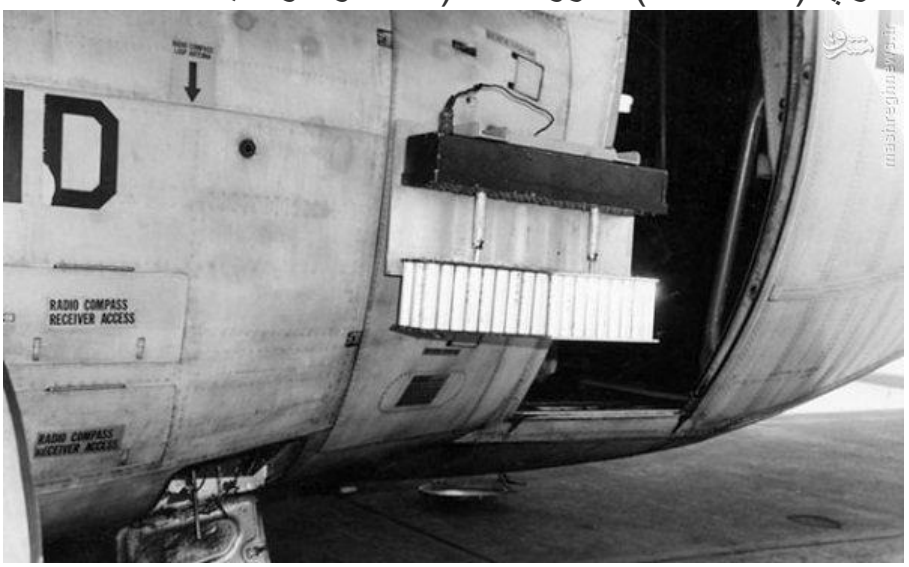
استفاده از این فناوری برای اهداف خصمانه از بین رود.
استفاده از آب و هوا به عنوان سلاح مطابق کنوانسیون تغییرات زیست محیطی که در اکتبر 1978 اجرایی شد ممنوع است. با این حال، برخی رهبران جهان آمریکا را به نقض این کنوانسیون متهم کرده‌اند.
برنامه پژوهشی «یونوسفر فعال با فرکانس بالا» آمریکا معروف به هارپ بخاطر سهیم بودن در تغییرات آب وهوایی مورد انتقاد قرار گرفته است. در سال 2010، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران گفت که این تاسیسات در ایجاد سیا در پاکستان دخیل بوده است. وی این مساله را در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرد.
در همین سال، هوگو چاوز رئیس‌جمهور فقید ونزوئلا مدعی شد که آزمایشات در تاسیسات هارپ باعث ایجاد زلزله مهیب هائیتی شد.
پیش از این، آمریکا از تغییر آب و هوا برای کمک به نیروهای مسلح کمک گرفته بود. در دهه 1960، گروهی از محققان در عملیاتی با نام پروژه خشم طوفان تلاش کردند تا از قدرت مخرب طوفان بکاهند. از فناوری‌های مشابه‌ای نیز در زمان جنگ ویتنام استفاده شد. در آن زمان، ذراتی در ابرها استفاده شد تا بارش ابرها افزوده شده و زمین باتلاقی شود. طبق گزارش‌روزنامه نیویورک تایمز، در این پروژه 21 میلیون دلار هزینه شد.

نگاهی به پروژه کنترل آب و هوا در جنگ ویتنام توسط آمریکا



شعار غیررسمی نیروهایی عملیاتی آمریکا در آن سال‌ها این بود: «گل آلود کن، جنگ راه نینداز». پروژه با باردار کردن ابرها با نقره یدید (با فرمول شیمیایی AgI) بر فراز کشورهایی مانند لائوس و ویتنام عملیاتی شد. این کار حدود ۲,۰۰۰ بار در طول برنامه ۵ ساله عملیات، صورت گرفت.
به گزارش **گروه جنگ نرم مشرق**- دکتر براون در فیلم *Back to Future: Part II* (سال ۱۹۸۹) می گوید: «چه قدر بد است که اداره پست به اندازه هواشناسی به دردبخور نیست.» مقایسه عجیبی است اما نه وقتی که پی ببرید چگونه هواشناسی می تواند دنیا را تغییر دهد. در فیلم، دولت می توانست آب و هوا را دستکاری کند. اما آیا آن زمان آینده را اینقدر پیشرفته می دیدند؟

آینده ای که ما در آن زندگی می کنیم بسیار پیشرفته تر از آن است که ۲۵ سال پیش تصور می شد. کنترل آب و هوا از امور علمی-تخیلی به نظر می آید اما تعجب نکنید؛ کاری است که در دنیای واقعی با آن تاریخ را رقم زنده اند.در حقیقت، این کار واقعاً انجام شده و سال ها قبل تر از ۱۹۸۹، ارتش آمریکا، طی پروژه ای محرمانه در طول جنگ ویتنام دست به این اقدام زد.
از مارس ۱۹۶۷ تا جولای ۱۹۷۲، ارتش آمریکا سالانه بیش از ۳ میلیون دلار خرج عملیات محرمانه در جنوب شرقی آسیا می کرد. هدف این عملیات، افزایش فصل بارندگی های موسمی و به راه انداختن سیل و طوفان در Ho Chi Minh Trail که سیستم حمل و نقل دشمن برای منابع و تجهیزات به شمار می رفت، بود. آمریکایی ها می خواستند باعث رانش زمین، طغیان رودخانه ها و به طور کلی، مزاحم حرکت سربازان ویتنام شمالی شوند. این عملیات، بزرگترین دستکاری در آب و هوا برای اهداف نظامی به شمار می رفت و هنوز هم مشخص نیست که چطور اینقدر خوب به اجرا در آمد.
نام های زیادی روی این عملیات گذاشته شد؛ عملیات Motorpool، Popeye و Intermediary-Compatriot همگی از نام های این پروژه هستند. بنا به گزارش ها، تغییر نام، آن هم به دفعات به دلایل امنیتی و عدم توانایی افراد در یادگیری نام ها صورت گرفته است.
اسمش را هر چه می خواهید بگذارید، در هر صورت هدف این کار بسیار جاه طلبانه بود. قدرتی که تصور می شد دست انسان از آن کوتاه است، حالا سلاحی شده بود بود برای بشر و علیه بشر؛ انسان حالا در کار خدا دست برده بود. و یانکی‌ها پی برده بودند که مانع حرکت نیروهای دشمن شدن، از بمب و موشک و کشتن در آن مقطع مؤثرتر است. شعار غیررسمی نیروهایی عملیات یاد شده این بود: «گل آلود کن، جنگ راه نینداز»
پروژه با باردار کردن ابرها با نقره یدید (با فرمول شیمیایی AgI) بر فراز کشورهایی مانند لائوس و ویتنام عملیاتی شد. این کار حدود ۲,۰۰۰ بار در طول برنامه ۵ ساله عملیات، صورت گرفت.
باردار کردن ابرها در اواخر دهه ۶۰ میلادی کاری فراتر از تصور به شمار می رفت. بعد از جنگ جهانی دوم، آزمایش های گسترده ای توسط ارتش آمریکا و شرکت جنرال الکتریک روی آن انجام شده بود و آرپا (ARPA) نیز با کامپیوترهای بسیار پیشرفته دهه ۶۰ روی کاربردهای نظامی آب و هوا مطالعه می کرد. عملیات پاپ آی (Popeye) به عنوان اولین نمونه موفق که از فناوری کنترل و آب و هوا استفاده کرده، شناخته می شود. بعدها ARPA توانست به روش های پیشرفته ای در کنترل آب و هوا دست پیدا کند که به هارپ (HAARP) معروف شد (جست و جو کنید ARPA Weather Control).



واحدهای باردار کننده ابرها با هواپیماهای *WC-130A Hercules*

جیمز راجر فلمینگ (James Rodger Fleming)، نویسنده کتاب "سیطره بر آسمان: تاریخ تحولات کنترل اقلیم و آب و هوا"، از نظر فنی شرح می دهد که مشخص نیست چطور عملیات موفقیت آمیز بوده است. فلمینگ امکان وقوع این عملیات را کم می داند و در مقایسه با مورخان محافظه کار، شفاف تر

صحبت کرده است. اما یک مسأله است که همه بر سر آن توافق دارند، مبهم بودن چگونگی انجام این عملیات، تکرار آن را برای ارتش ها در آینده با دشواری همراه کرده است:
اگرچه بعضی مدعی شدند که عملیات پاپ آی عامل افزایش ۱ تا ۷ اینچی بارش سالانه در Ho Chi Minh Trail بوده، هیچ اطلاعات علمی مبنی بر تأیید این مدعا جمع آوری نشده است. ژنرال وستمورلند معتقد است که در طول انجام پروژه، مقدار باران «افزایش چشمگیری نداشته است». ضمناً حتی اگر باردار کردن ابرها در ویتنام یک یا دو پیروزی تاکتیکی برای ما به همراه آورده باشد (که نیاورد)، پنهان کاری های شدید در رابطه با عملیات، انکارهای پس از آن و پاسخ ندادن ارتش به کنگره، منجر به شکست استراتژی دستکاری آب و هوا شدند.
به محض لو رفتن نام عملیات پاپ آی، طبیعتاً کلیت عملیات مورد نگرانی عموم قرار گرفت. امروز بعضی افراد ماجرای شکست عملیات را «واترگیت جنگ افزار آب و هوایی» نامیدند. این نام گذاری چندان هم بی مناسبت نیست چرا که شکست این استراتژی در دولت نیکسون رخ داد و وقتی او در ماجرای واترگیت استعفا داد، این نام را روی استراتژی شکست خورده کنترل آب و هوا نیز گذاشتند.
وقتی عملیات در ۱۹۷۱ لو رفت، مقامات دولت نیکسون در ابتدا آن را تکذیب کردند. جک اندرسون، ستون آرای واشنگتن پست در مارس ۱۹۷۱ ماجرا را برای اولین بار لو داده بود.
تکذیبات مقامات دولت نیکسون بسیار قاطعانه و بدون ابهام بودند. مشاور دفاع نیکسون، ملوین لِرد (Melvin Laird) وقتی شهادت داد که «ما هیچ گاه چنین فعالیتی را در شمال ویتنام انجام ندادیم»، داشت در روز روشن دروغ می گفت.
در جولای ۱۹۷۲، نیویورک تایمز داستان خودش از عملیات را با جزئیات بیشتری منتشر کرد و فضای عمومی را به هم ریخت. برخی از اسناد جنگ ویتنام (معروف به Pentagon Papers)، در نیویورک تایمز چاپ شدند. در مقاله نیویورک تایمز نوشته شده بود: «دروغ گفتند، نه تنها به ملت، بلکه به کنگره هم دروغ گفتند.» رسانه ها در این دوران سعی داشتند تصویر واضح تری از آنچه که ارتش آمریکا انجام داده به مردم ارائه دهند. تنها چند روز بعد از لو دادن عملیات توسط نیویورک تایمز، عملیات پاپ آی متوقف شد.
تحت فشار مردمی که از ارتش آمریکا ناراضی بودند، هر دو ملجس کنگره برای تصویب قانون منع استفاده نظامی از کنترل آب و هوا شتافتند. از سال ۱۹۷۴ تنظیم عهدنامه ای به این منظور در سازمان ملل در دستور کار قرار گرفت اما وقتی در سال ۱۹۷۸ امضا شد و به تصویب رسید، تقریباً بی فایده بود. این پیمان، کشورها را از دستکاری محیط زیست برای استفاده در جنگ منع می کرد اما شکاف های بسیاری در آن دیده می شد.
اگرچه امروز دنیا فهمیده که استفاده کردن از کنترل آب و هوا برای مقاصد نظامی سلاح بسیار خطرناکی است و آن را منع کرده، اما موسسات آمریکایی هنوز هم بسیار فکر آن را در سر می پرورانند. ماه قبل یک محقق اقلیم شناسی گزارش داد که سازمان CIA از او خواسته که درباره چگونگی تأثیرگذاری یک کشور خارجی بر آب و هوای آمریکا تحقیق کند.
شاید بشود گفت نمی توان به قول آن ها اعتماد کرد. جنگ های متعددی در دنیا جریان دارند و چه بسا جنگ های بزرگ تری پیش رو باشند. بنابراین احتمالاً هنوز زمانش نرسیده که آخرین استفاده نظامی از آب و هوا را در تاریخ جست و جو کنیم.
منبع: دیجیاتو

هارپ چیست ، آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟



آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

هارپ چیست

هارپ چیست ؟ اول از هر چیزی باید بدانید که **هارپ** (یا به عبارت دیگر برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا) به عنوان یک پروژه تحقیقاتی و پژوهشی می باشد که انگونه که به نظر می آید تاسیس آن برای بدست آوردن اطلاعاتی در مورد معادل زیرزمینی و لایه آیونوسفیر در سال 1993 صورت گرفته است. ولی در اصل برای تکمیل یک سلاح نو "پروژه ای با تکنولوژی جنگ ستارگان" بنیان گذاری شده است.در واقع می توان گفت که پروژه هارپ برای راحت کردن ارتباط های زیردریایی که به سلاح اتمی مجهز است، طراحی شده است.

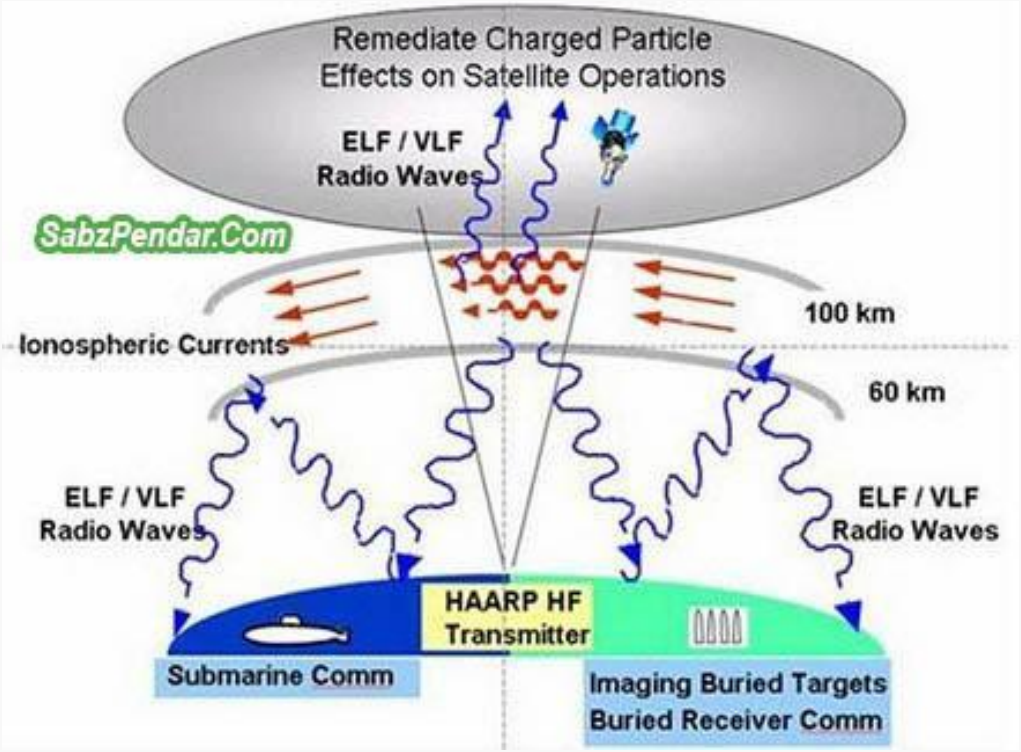


آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

هارپ چیست ، آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

با توجه به **زلزله های اخیری که در ایران و عراق** اتفاق افتاده است این گمان می رود که هارپ سبب شده تا این زلزله ها رخ دهند.برنامه ی که تحت عنوان هارپ صورت می گیرد را می توان شامل تلاش های دانست که سبب تغییراتی در یونوسفر می شود که در فاصله بین پنجاه تا صدکیلومتری بخش جو قرار گرفته است. این کار توسط هارپ به وسیله رادارهای انجام می شود که انتشار امواج رادیویی فرکانس بالا را برعهده دارند. قسمتی از این موج ها در سطح زمین در ارتفاع صد تا سیصد و پنجاه

کیلومتری جذب می شوند و در نهایت سبب می شوند که شتاب الکترون ها در آن منطقه زیاد شود و یونوسفر گرم شود. بعد از اینکه امواج آنتن ها به یونوسفیر برخورد کرد و به زمین بازگشت می تواند علاوه بر نفوذ به عمق دریا به دیگر جاها نیز برود و همچنین به عمق زمین نفوذ کند.



آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

هارپ چیست ، آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

در اصل در واکنش ارسال امواج از زمین ،یونوسفر نیز واکنش نشان خواهد داد و اقدام به تولید فرکانس های فوق کوتاهی می نماید که بعد از برخورد به زمین به درون آن می روند و سبب می شوند برخی از واکنش های زیست محیطی رخ دهد و حتی این امکان وجود دارد که به وسیله این فرکانس های توانمند سبب شوند در زمین خرابی یا زلزله پدید آید.

البته این دانش علمی می تواند به وسیله استفاده های تحقیقاتی در حیطه شناخت عمق زمین و معادن و ... سبب شود که خشکسالی ، سونامی ، سیل ها و طوفان های عظیم ، آتشفشان ها رخ دهد.



آیا هارپ باعث زلزله کرمانشاه شد؟

زلزله کرمانشاه یا تکنولوژی جنگ ستارگان؟

با اینکه این موضوعات از بسیاری از دیدگاه به حاشیه رانده شده است ولی برخی از محققان و دانشمندان می گویند که ایجاد چنین اسحله های مدرنی می تواند موجب شود تا یک زمین نابود شود یا خسارت های

جدی به زمین وارد گردد و هزاران نفر جانشان را از دست بدهند.
هارپ چیست ؟ | آیا هارپ باعث زلزله می شود ؟ باید بدانید که نمی توان به صورت قطعی اعلام کرد که پروژه هارپ سبب وجود چنین خطاها و خسارت های شده است و باید برای هر موضوعی تحقیقات و پژوهش های علمی فراوانی توسط دانشمندان و متخصصان صورت بگیرد تا اثبات یک موضوع ثابت شود زیرا که امروزه بسیاری از اتفاقات زیست محیطی که در دنیا و همچنین کشورمان اتفاق می افتد به علت عدم توجه به مسائل محیطی مانند قطع بی رویه درختان و از بین بردن جنگل ها و ... می باشد ارتباط زلزله کارمانشاه با هارپ در حد یک فرضیه است که هنون اثبات نشده در زیر کلیپی آماده کرده ایم از زلزله مکزیکو که ادعا شده این زمین لرزه در اثر پروژه هارپ بود است
http://dl2.sabzpendar.com/movies/haarp-earthquake.mp4

زلزله کرمانشاه یا تکنولوژی جنگ ستارگان؟

آبان 23, 1396 تیتر اصلی, خبرهای اختصاصی, سرخط خبرها, علم و تکنولوژی

زلزله رخداده در مناطق غربی ایران و در بخش‌هایی از عراق که همراه با طیفی از نور در آسمان برخی از این شهرها بود، تردیدها پیرامون غیرطبیعی بودن این حادثه را افزایش داد. بنابر اطلاعات دریافت شده از چند منبع، به‌نظر می‌رسد زلزله‌ی رخ داده در ایران و عراق طبیعی نبوده و ناشی از آزمایش سلاح‌های مدرن ذیل برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا مشهور به "پروژه هارپ" در منطقه باشد.

برنامه پژوهشی یونوسفر فعال با فرکانس بالا مشهور به "پروژه هارپ" به عنوان یک پروژه تحقیقاتی و پژوهشی" جهت به دست آوردن اطلاعاتی در مورد معادل زیرزمینی و لایه آیونوسفیر در سال ۱۹۹۳ صورت گرفت. ولی در اصل برای تکمیل یک سلاح نو "پروژه‌ای با تکنولوژی جنگ ستارگان" بنیان‌گذاری شده است.

بر اساس این برنامه انتشار امواج رادیویی به‌وسیله رادارهایی با مقاصد مختلف انجام می‌شود.

به‌طوری‌که بخشی از این موج‌ها در سطح زمین، در ارتفاعی بین یکصد تا سیصد و پنجاه کیلومتری جذب می شوند و در نهایت سبب می‌شوند که شتاب الکترون‌ها در آن منطقه افزایش یافته، گرم شدن یونوسفر را درپی‌دارد تا جایی که سطح مورد برخورد، به سمت طیف سرخ تغییر رنگ می‌دهد.

نکته مهم دیگر اینکه پس از این که امواج آنتن‌ها به سطح یونوسفیر برخورد کرد و به زمین بازگشت می‌تواند علاوه بر نفوذ به عمق دریا، به عمق چند کیلومتری زمین نیز نفوذ کند.

تاثیرگذاری بر آسمان و الکترون‌های آزاد لایه یونوسفر

طبعا در پاسخ به ارسال امواج از زمین، یونوسفر نیز واکنش نشان داده، اقدام به تولید فرکانس‌های فوق کوتاهی می‌کند که پس از برخورد به سطح زمین به عمق این کره‌ی خاکی رفته، واکنش‌های زیست محیطی مختلفی را درپی‌دارد و حتی ممکن است این فرکانس‌های توانمند موجب شوند تا در زمین خرابی یا زلزله پدید آید.

با توجه به تصاویر منتشر شده از آسمان شهرهای زلزله زده که طیف وسیعی از رنگ‌های قرمز کم‌رنگ تا سرخ را شامل می‌شود، احتمال استفاده از این تکنولوژی توسط دولت‌های منطقه یا دولت‌های غربی را بالا برده است. البته هنوز اسنادی در این خصوص یافت یا منتشر نشده است و در صورت دسترسی به

سرعت منتشر خواهد شد.
با این که این موضوعات از بسیاری از دیدگاه به حاشیه رانده شده است ولی برخی از محققان و دانشمندان معتقدند که پدیدآمدن چنین سلاح‌های مدرنی می‌تواند موجب شود تا زمین با نابودی مواجه شده و یا خسارت‌های جدی به این کره خاکی وارد شود و هزاران نفر جانشان را از دست بدهند.

بررسي علل زلزله

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

گویا آی تی – نیمه ژانویه سال ۲۰۱۰ که زلزله‌ای با قدرت هفت ریشتر جنوب پورتو پرنس پایتخت کشور هائیتی را لرزاند و با ۳۰۰ هزار کشته، مرگ‌آورترین زلزله تاریخ مدرن بشریت نام گرفت، هوگو چاوز رهبر ونزوئلا در واکنش به آن، ایالات متحده را متهم کرد که دارد ادای «خداوند» را درمی‌آورد. او گفت: «آمریکایی‌ها دارند «خدابازی» درمی‌آورند و این بار هائیتی قربانی زلزله ویرانگری شده است.» اشاره هوگو چاوز به کزارشاتي بود که زلزله هائیتی را محصول آزمایش‌های آمریکا در حوزه پروژه هارپ می‌دانست.

در زلزله ۷٫۳ ریشتری کرمانشاه نیز شایعه مشکوک بودن زلزله مطرح شد. اگرچه کسی به آن وقعی ننهاد، بررسی این احتمال پیرامون زلزله از منظر علم به‌خصوص علم فیزیک، سبب شد با پروفسور علی نیری، دانشمند و فیزیکدان ایرانی مقیم آمریکا و استادیار فیزیک در دانشگاه چپمن کالیفرنیا، گفت‌وگو کنیم. پروفسور نیری در بین سال‌های ۲۰۰۴–۲۰۰۲ به عنوان پژوهشگر و استادیار مدعو در مرکز نظریات بنیادین (IFT) در دانشگاه فلوریدا کار کرده است. پس از آن، تا سپتامبر سال ۲۰۰۷ به عنوان عضو هیأت علمی در گروه فیزیک انرژی‌های بالا در دانشکده فیزیک دانشگاه هاروارد مشغول به پژوهش و تدریس بوده است. در حال حاضر، دکتر نیری عضو مرکز تحقیقات فیزیک نظری کاولی در دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا و استادیار فیزیک در دانشگاه چپمن و گروه فیزیک انرژی‌های بالا و کیهان‌شناخت دانشکده فیزیک و اخترشناسی دانشگاه کالیفرنیا در اروین است.

از نظر فیزیکی چه تناسبی بین وقوع زلزله با چنین آزمایش‌هایی وجود دارد؟

می‌توانم با اطمینان بالایی بگویم که نخستین بار شایعه هارپ در ارتباط با زلزله هائیتی مطرح شد و آقای هوگو چاوز رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا این مسئله را مطرح کردند که پیش از آن هم توسط افراد دیگر مطرح شده بود که هارپ چنین قدرتی دارد، اما به‌طور مشخص به زلزله‌ای وابسته نشده بود.

اساسا هارپ چیست و آیا کشورهایی مثل ایران به چنین تکنولوژی یا تکنیکی دست پیدا کرده‌اند؟

تکنولوژی هارپ خیلی تکنولوژی سختی نیست. اما نمی‌دانم ایران به آن دست پیدا کرده یا خیر. علت اینکه آمریکایی‌ها این تکنولوژی را به آلاسکا بردند این است که آلاسکا بسیار به قطب شمال نزدیک است و آنجا می‌توان شفق‌های قطبی را دید. ذرات باردار الکتریکی‌ای که به دام میدان مغناطیسی زمین می‌افتند به نزدیک قطب که می‌رسند حرکت نوسانی انجام می‌دهند. این حرکت شتاب‌دار ذرات الکتریکی سبب تابش امواج الکترومغناطیسی می‌شود که پس از آن نورهای بسیار زیبای سبز، آبی و بنفش را می‌توانید ببینید. نزدیک بودن این به قطب سبب می‌شود که بتوانند بررسی‌های بهتری نسبت به تأثیرات امواج الکترومغناطیسی در یونکره انجام دهند. ساختار هارپ همان‌طور که گفتم شامل فرستنده‌های رادیویی بسیار بسیار قوی است. در ضمن، روس‌ها هم به این ادعا که هارپ وسیله‌ای نظامی‌ست دامن زدند. دلیل این است که روس‌ها به خوبی آگاهند که چرا آمریکایی‌ها دارند تلاش می‌کنند فیزیک یونکره را بفهمند. این یک جنگ الکترونیکی برای منحرف کردن موشک‌هایی خواهد بود که از کشوری متخاصم به آمریکا فرستاده شود یا هر کشور دیگری که قصد استفاده از این تکنولوژی را داشته باشد. فعلا حتی به آن مرحله هم نرسیده‌اند. نیروی هوایی آمریکا از سرمایه‌گذاری مجدد در این پروژه منصرف شده است. بنابراین، یا به نتایج لازم رسیده‌اند یا فکر می‌کنند آنچنان که باید و شاید این پروژه برای آنها کاربردی نداشته است. به هر حال روس‌ها تمایل داشتند از آمریکایی‌ها عقب نیفتند و به این شایعات دامن زدند که هارپ یک پروژه علمی نیست بلکه سلاح کشتارجمعی‌ست. باز هم تکرار می‌کنم که «کنترل جنگ‌های الکترونیکی» یک مسئله واقعی‌ست، اما اینکه بخواهد زلزله مصنوعی ایجاد کند و شرایط اقلیمی را تغییر دهد یا افکار و اذهان را کنترل کند اساسا غیرعلمی و شبه‌علمی است.

زلزله از نظر علمی، به‌خصوص از نظر علم فیزیک، چطور می‌تواند تعریف شود که برای مردم هم قابل فهم باشد؟

زلزله از لحاظ زمین‌شناختی (بنابر فرضیه علمي رایج) محصول حرکت صفحات بزرگ تکتونیکی زمین است. زمین که بخشی از منظومه خورشیدی ماست در زمان تشکیل به حالت مذاب بوده و بعد که آرام‌آرام دمای آن کمتر شده است به حالت سنگی و صخره‌ای درآمده است و این صفحات که قاره‌ها را تشکیل داده‌اند بسیار بسیار

بزرگ هستند و انرژی بسیار زیادی برای حرکت دادن این صفحات لازم است. در بین صفحات گسل‌هایی وجود دارد که هنگام حرکت صفحات گسل‌های فعال سبب می‌شود لرزشی در زمین رخ داد که به صورت امواج مختلف، امواج اولیه و امواج ثانویه می‌توانند در سطح زمین حس شوند. بنابراین، چندین نوع موج داریم که این امواج به شکل سطحی می‌توانند بسیار مخرب باشند. سه موج وجود دارد که در امواج زلزله تولید می‌شود. در زلزله انرژی زیادی به طور ناگهانی آزاد می‌شود؛ از این جهت بسیار شبیه به یک انفجار است. تعریف فیزیکی انفجار یعنی آزاد شدن انرژی زیادی را در زمانی کوتاه شاهد باشیم. معمولا در انگلیسی به مرکز زلزله Epicenter می‌گویند و از این جهت ما می‌توانیم با روش‌های متفاوت کنونی تعیین کنیم که مرکز زلزله در چه عمقی بوده است. متأسفانه برخی از دوستان توجه ندارند که انرژی عظیم رها شده از زلزله بسیار بسیار بیشتر از انرژی‌ای است که در بمب‌های اتمی وجود دارد.

بهتر است این روند را با چند مثال عنوان کنم، زیرا تقریبا از زلزله طبس به این طرف هر وقت زلزله آمده است سعی کرده‌ایم به جای اینکه به مسائل زمین‌شناختی و ناآگاهی خودمان به ساخت سازه‌های مقاوم در برابر زلزله بپردازیم آن را گردن عاملی به غیر از مسائل زمین‌شناختی و علمی بیندازیم. حتی در زلزله بم اشاره شد که آزمایش‌ها یا انفجارات اتمی ممکن است که سبب این زلزله شده باشند. در سال ۱۹۳۵ بود که چالرز ریکتر، یا طوری که در فارسی معروف است ریشتر (بخاطر اینکه تلفظ فرانسوي آنست و زماني که این اصطلاح برای اولین بار در ایران مطرح شد زبان علمي رایج در ایران فرانسوي بود)، روشی را پیدا کرد تا بتوانیم انرژی بسیار عظیمی که به دلیل حرکات صفحات تکتونیکی در زمین رها می‌شود را اندازه‌گیری کنیم. جالب است بدانید که در ابتدا واحد اندازه‌گیری را ریشتر اعلام کرد که اندازه محلی است، اما بعدا این مقیاس به نام ریشتر یا ریکتر شناخته شد. اگر زلزله‌ای حدود مقیاس ریشتر ۶ باشد انرژی‌اش حدودا معادل با یک میلیون تُن TNT است که تقریبا برابر با بزرگ‌ترین بمب هسته‌ای است که ساخته شده و می‌توان از آن استفاده کرد، اما چون مقیاس ریشتر لوگاریتمیک است وقتی شما از ۶ به ۷ می‌رسید و زلزله‌ای که اخیرا در مرز بین ایران و عراق رخ داد و بنا به گفته سازمان زمین‌شناسی آمریکا مرکز آن در حلبچه عراق بود ۱۰ تا ۳۰ بار بزرگ‌تر از انرژی است که در مورد زلزله ۶ ریشتری استفاده شده است. سؤال واضح این است که بشر توانسته کدام سلاح هسته‌ای یا غیرهسته‌ای را بسازد که چنین انرژی عظیمی تولید کند. بنابراین این تا حدی ناشی از عدم شناخت کافی ما در رابطه با مسائل زمین‌شناختی است.

هارپ چطور و چرا برای مردم کشورهایی مثل ما مهم شده است؟

متأسفانه اولین بار در کشورهای اسلامی این شایعه توسط دکتر عطارالرحمان که ریاست بخش علمی سازمان کنفرانس اسلامی را دارند در سال ۲۰۱۰ مطرح شد و بسیار در جهان اسلام این مسئله هوادار پیدا کرد، البته ایشان هم متأثر از نویسنده‌ای آمریکایی بود که ایشان هم با نوشتن کتابی در این زمینه اعتقاد داشتند که هارپ پروژه‌ای علمی نیست بلکه وسیله‌ای است برای کشتار جمعی. در صورتی که باید دید هارپ چیست؛ HAARP مخفف کلماتی است که به معنای پروژه تحقیقاتی یا پژوهشی در زمینه یون‌کره یا شفق‌های فعال با فرکانس بالاست، مخفف High Frequency Active Auroral است که H از High Frequency می‌آید، Active به معنای فعال و Auroral به معنای شفق قطبی که به علت ذرات باردار الکتریکی برآمده از بادهای خورشیدی است و نهایتا Research project که A اول از Active به معنای فعال آمده است و A دوم از Auroral به معنای شفق که به دلیل وجود میدان مغناطیسی و یون‌کره زمین است و R از Research به معنای پژوهش آمده است و نهایتا P از project به معنای پروژه آمده است. این پروژه کاملا علمی بوده و این شایعات به این دلیل است که در این پروژه علمی نیروی هوایی آمریکا، نیروی دریایی ایالات متحده و بخش پژوهشی وزارت دفاع آمریکا سرمایه‌گذاری کرده بودند. معمولا هر پروژه‌ای که ارگان‌های نظامی در آن دخالت داشته باشند شایعات زیادی پشت آن صورت می‌گیرد. به هر حال باید این را گفت که در سال ۲۰۱۴ نیروی هوایی آمریکا گفت که علاقه‌ای ندارد در این زمینه تحقیق کند. اساسا این تحقیقات قرار بوده که برای بررسی فیزیک یون‌کره انجام گیرد. علت دخالت سازمان‌ها این بوده است که با بررسی فیزیک یون‌کره، قصد اولیه این بوده است که ببینند به چه ترتیب می‌توانند سیستم‌های الکترونیکی دشمن را از طریق فرستادن امواج رادیویی با فرکانس بالا کور کنند یا سپر دفاعی الکترونیکی ایجاد کنند.

آیا اساسا هارپ امکان تولید زلزله‌های بزرگ را دارد؟ بعضی از مردم می‌گویند نوری در کرمانشاه دیده‌اند و

این شایعه با کمک برخی رسانه‌ها تقویت شد.
هارپ و هزاران هزار برابر قوی‌تر از هارپ امکان به وجود آوردن زلزله‌های مصنوعی را ندارند. اینکه تغییرات اقلیمی چه تأثیری دارند؛ تمام چیزی که شرایط آب‌وهوایی ما را تعیین می‌کند در دو لایه تحتانی یا زیرین اتمسفر است، استراتوسفیر و تراپوسفیر دو لایه‌ای هستند که بسیار بسیار پایین‌تر از لایه یون‌کره هستند و امواج الکترومغناطیسی اساسا نمی‌تواند تأثیری روی این دو لایه داشته باشد، پس این هم باز ناشی از ناآگاهی است، برای من عکس‌هایی فرستاده شده که نور قبل از زلزله را دیده‌اند و این نشان‌دهنده هارپ است، اولا این عکس‌ها توسط هیچ آدم متخصصی گرفته نشده است و نمی‌توان صحت یا عدم صحت آن را تأیید کرد، اما چیزی که به EQL یا Earth Quiet Light (نور زمین لرزه) مشهور است تا به الان به لحاظ علمی رد شده و مقوله‌ای شبه‌علمی است که باز هم باید به این مسئله توجه داشت. بنابراین به طور کلی قصد دارم بگویم هارپ و یا حتی سلاح‌های اتمی ما امکان به وجود آوردن زلزله‌ای با این قدرت را ندارند، اما اگر شما گسل‌های فعالی دارید طبیعتا اولا در آن عمق نمی‌توانیم چنین انفجارهایی را انجام دهیم، انفجارهای اتمی بسیار بسیار نزدیک سطح زمین است.

چرا شخصیت‌های علمی و دانشمندان از شبکه‌های اجتماعی دوری می‌کنند و در دسترس نیستند تا به مردم توضیحات کافی بدهند و از پریشانی ذهن‌ها در مواقع بحرانی جلوگیری کنند؟

یک دلیل این است که وقت چنین کارهایی را ندارند، اما یک بدی هم دارد. در ابتدای قرن بیستم دانشمندان چهره‌های شناخته‌شده و سلبریتی‌های جامعه بودند. این روزها دانشمندان از توده مردم فاصله گرفته‌اند، البته قصد ندارم وارد دلایل بشوم؛ زیرا آن بحث مفصل دیگری‌ست، اما این فاصله گرفتن و عدم ارتباط مستقیم دانشمندان با جامعه سبب شده است قرن بیست‌ویکم که قرنی‌ست که بیشترین پیشرفت‌های علمی در آن صورت گرفته است...

چه نهادهایی باید درباره این مسئله حرف بزنند؟

به نظر من قطعا اولین نهادهایی که باید مورد استناد قرار گیرند نهادهای علمی هستند. سازمان ژئوفیزیک دانشگاه تهران، دانشکده‌های زمین‌شناسی، زمین‌شناسان، در وهله دوم فیزیک‌دانان، مهندسی سازه و متخصصین این رشته.

منبع: جماران (با اقتباس نظرات الترناتیو و عدم تکرار نظرات وابسته به سیستم رایج حاکم امریکایی)

گردشکار ۹ صفحه‌ای سازمان اطلاعات سپاه برای بازداشت احمدی‌نژاد



گردشکار ۹ صفحه‌ای سازمان اطلاعات سپاه برای بازداشت احمدی‌نژاد

با زلزله‌ی مهیب غرب کشور و توجه افکار عمومی برای یاری رساندن به آسیب‌دیدگان این زلزله، صادق لاریجانی زمینه را بیش از پیش برای بازداشت محمود احمدی‌نژاد مهیا دیده است. رئیس پر حاشیه قوه قضائیه معتقد است تا نگاه مردم به سمت مناطق زلزله‌زده است، بازداشت تیم احمدی‌نژاد باید سریعا انجام شود.

یک منبع آگاه به خبرنگار «آمدنیوز» اطلاع داده است که صبح امروز گردش کار نه صفحه‌ای سازمان اطلاعات سپاه به همراه فایل‌های صوتی و تصویری از اقدامات محمود احمدی‌نژاد و تیم همراه وی، برای «عباس جعفری دولت‌آبادی» دادستان تهران ارسال شده و اکنون این گزارش در انتظار دستور دادستان مانده است.

بنا بر این گزارش، «شش تیم عملیاتی هفت نفره» برای بازداشت محمود احمدی‌نژاد و برخی یارانش با استفاده از عناصر عملیاتی سازمان اطلاعات سپاه و حفاظت اطلاعات قوه قضائیه تشکیل شده است.

این شش تیم قرار است علاوه بر بازداشت نفرات یاران احمدی‌نژاد و وی، به برخی اماکنی که اسناد و اطلاعات محرمانه در آن مخفی شده ورود کرده و این محل‌ها را از اسناد پاک‌سازی نمایند. همچنین بر اساس این طرح قرار است ساختمان دفتر بنیاد ایرانیان نیز پلمپ شود.

روز گذشته نیز وب‌سایت دولت بهار در داخل کشور توقیف شد که چون دامنه آن بر سرورهای جهانی قرار گرفته بود، این وب‌سایت در خارج کشور در دسترس است. همچنین صبح امروز وب‌سایت «احمدی‌نژاد دات آی آر» نیز توسط کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسدود گردید.

بر اساس تقسیم‌بندی عملیاتی، قرار است سازمان اطلاعات سپاه «هدایتِ تأمین» عملیات را عهده‌دار باشد و عملیات بازداشت مستقیما با هدایت «صادق لاریجانی» و «عباس جعفری دولت‌آبادی» انجام شود. عناصر حفاظت اطلاعات قوه قضائیه نیز عملیات بازداشت را انجام خواهند داد.

همچنین تیم عملیات برون‌مرزی هم برای این عملیات طراحی شده که قرار است این تیم، چهار نفر از نزدیکان احمدی‌نژاد را که اسناد و مدارک محرمانه‌ی نظام را در اختیار دارند، در یکی از کشورهای

همسایه ایران ترور کنند.
تمامی شش تیم عملیات داخلی در مقر عملیاتی حفاظت اطلاعات قوه قضائیه واقع در خیابان حجاب، بلوار کشاورز مستقر شده‌اند و آماده دستور برای انجام عملیات بازداشت هستند. تیم عملیات خارجی نیز در یکی از کشورهای همسایه ایران حضور دارد و قرار است با تأیید نهایی شناسایی محل سوژه‌ها، عملیات‌ها همزمان در داخل و خارج کشور انجام شود.
ساعتی قبل یک نماینده از سپاه حفاظت انصارالمهدی به مدت ۴۵ دقیقه با سر تیم حفاظتی محمود احمدی‌نژاد دیدار گفت‌وگو کرده و پس از این ملاقات، سرتیم حفاظتی احمدی‌نژاد برای ملاقات با وی به محل اقامت او مراجعه کرده و با وی دیدار کرده است. از محتوای سخنان رد و بدل شده در این جلسه جزییاتی در دست نیست.
از سوی دیگر «اسماعیل خطیب» رئیس سازمان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه طی گزارشی، آخرین اطلاعات پرونده و برنامه‌ریزی‌ها برای بازداشت احمدی‌نژاد را در اختیار آیت‌الله علی خامنه‌ای قرار داده است. این در حالی است که صادق لاریجانی با ارسال این گزارش از سوی خطیب برای رهبری مخالفت کرده است.
این منبع آگاه می‌گوید: «بست نشینی» تیم احمدی‌نژاد در حرم حضرت عبدالعظیم واقع در شهرری از بیست روز قبل توسط سردار زیبایی‌نژاد (نجات) در سازمان اطلاعات سپاه طراحی شده و عناصر نفوذی در دفتر احمدی‌نژاد با هدایت تصمیم‌گیران این دفتر، وی را در سناریوی طراحی شده توسط اطلاعات سپاه قرار داده‌اند.
چندی قبل محمود احمدی‌نژاد با اعزام واسطه‌ای به رهبری اطلاع داده است که اگر سپاه و قوه قضائیه بخواهند برای «بازداشت ما» اقدام کنند و رهبری ممانعتی از این امر نکند، مسئولیت واکنش‌های احتمالی و عواقب این اقدام بر عهده آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.
رهبری در مقابل این پیغام احمدی‌نژاد راه سکوت را انتخاب کرده و تا کنون پاسخی به پیغام وی نداده است.
این گزارش آخرین تحولات پرونده بازداشت احمدی‌نژاد را شامل می‌شود و در صورت اخذ تصمیمات بعدی، موارد جهت اطلاع مردم منتشر خواهد شد. ممکن است با رسانه‌ای شدن این پرونده، برخی زمان‌بندی‌ها برای اجرای عملیات بازداشت احمدی‌نژاد تغییر پیدا کند.

دیپلمات پیشین آمریکایی: آمریکا در کابوس انسانی یمن نقش مستقیم دارد

دیپلمات اسبق و رئیس کنونی اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا با انتقاد از حمایت این کشور از مواضع عربستان سعودی، بر نقش مستقیم واشنگتن در «کابوس انسانی یمن» تاکید کرد.

کد خبر:۷۴۸۸۴۱
تاریخ انتشار:۲۹ آبان ۱۳۹۶ - ۱۱:۵۰:20 November 2017

دیپلمات اسبق و رئیس کنونی اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا با انتقاد از حمایت این کشور از مواضع عربستان سعودی، بر نقش مستقیم واشنگتن در «کابوس انسانی یمن» تاکید کرد.

به گزارش فارس، در حالی که حمایت‌های غرب از جنگ ائتلاف به رهبری عربستان سعودی علیه یمن ادامه دارد، رئیس اندیشکده مطرح آمریکایی از مواضع حمایتی واشنگتن از ریاض انتقاد کرده است.

در هفته‌های اخیر سازمان‌های امدادی بین‌المللی و نهادهای وابسته به سازمان ملل بارها درباره وضعیت ناگوار انسانی در یمن که تحت محاصره ائتلاف به رهبری عربستان سعودی است، هشدار داده‌اند اما این محاصره در سایه حمایت‌ها آمریکا و غرب از ریاض، همچنان ادامه دارد.

حالا خبرها حاکی است یک برنامه با موضوع «جنگ یمن» در شبکه سی‌بی‌اس پخش شده اما در آن اشاره‌ای به مواضع آمریکا در حمایت از عربستان سعودی نشده است.

دیپلمات اسبق و رئیس کنونی اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا با انتقاد از این موضوع تصریح کرد: «خوب است که برنامه 60 دقیقه (شبکه سی‌بی‌اس) روی جنگ یمن تمرکز می‌کند؛ منازعه‌ای که کمتر از آنچه باید درباره آن گزارش پخش شده و به آن پرداخته شده است».

ریچارد هاس در توئیتر خود افزود: «اما چرا هیچ اشاره‌ای به نقش مستقیم و غیر مستقیم آمریکا در حمایت از سیاست (عربستان) سعودی نشد؟ آمریکا به آنچه که یک شکست مفتضحانه استراتژیک و کابوس انسانی(در یمن) است، کمک می‌کند».

یعلون: سعودی‌ها مترجم ما هستند

موشه یعلون، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی گفت: این تصادفی نیست که ما می‌شنویم، عادل الجبیر آنچه را ما به زبان عبری می‌گوییم، به زبان عربی می‌گوید.

وی افزود: ما به سادگی ایران را دشمن مشترک خود می‌بینیم. نظام ایران که خواهان محو اسرائیل از روی نقشه است، عربستان را تهدید می‌کند.

پیش از این، یووال اشتاینیتز، وزیر انرژی رژیم صهیونیستی در مصاحبه‌ای گفت که تل‌آویو روابط مخفیانه با ریاض داشته است.



این وزیر صهیونیست تأکید کرد: اسرائیل روابطی سرّی با کشورهای اسلامی و عربی زیادی داشته است.
وی افزود: ما مشکلی نداریم که روابط خود با این کشورها را مخفی کنیم و اگر طرف مقابل ما می‌خواهد این روابط را مخفی کند، ما به تصمیم آن احترام می‌گذاریم.

هفته گذشته نیز گادی ایزنکوت، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی در مصاحبه با یک نشریه آنلاین عربی (ایلاف) گفته بود، اسرائیل آماده به اشتراک گذاشتن اطلاعات جاسوسی با عربستان سعودی است. وی تأکید کرده بود، تل‌آویو و ریاض منافع مشترکی در رویارویی با ایران دارند.

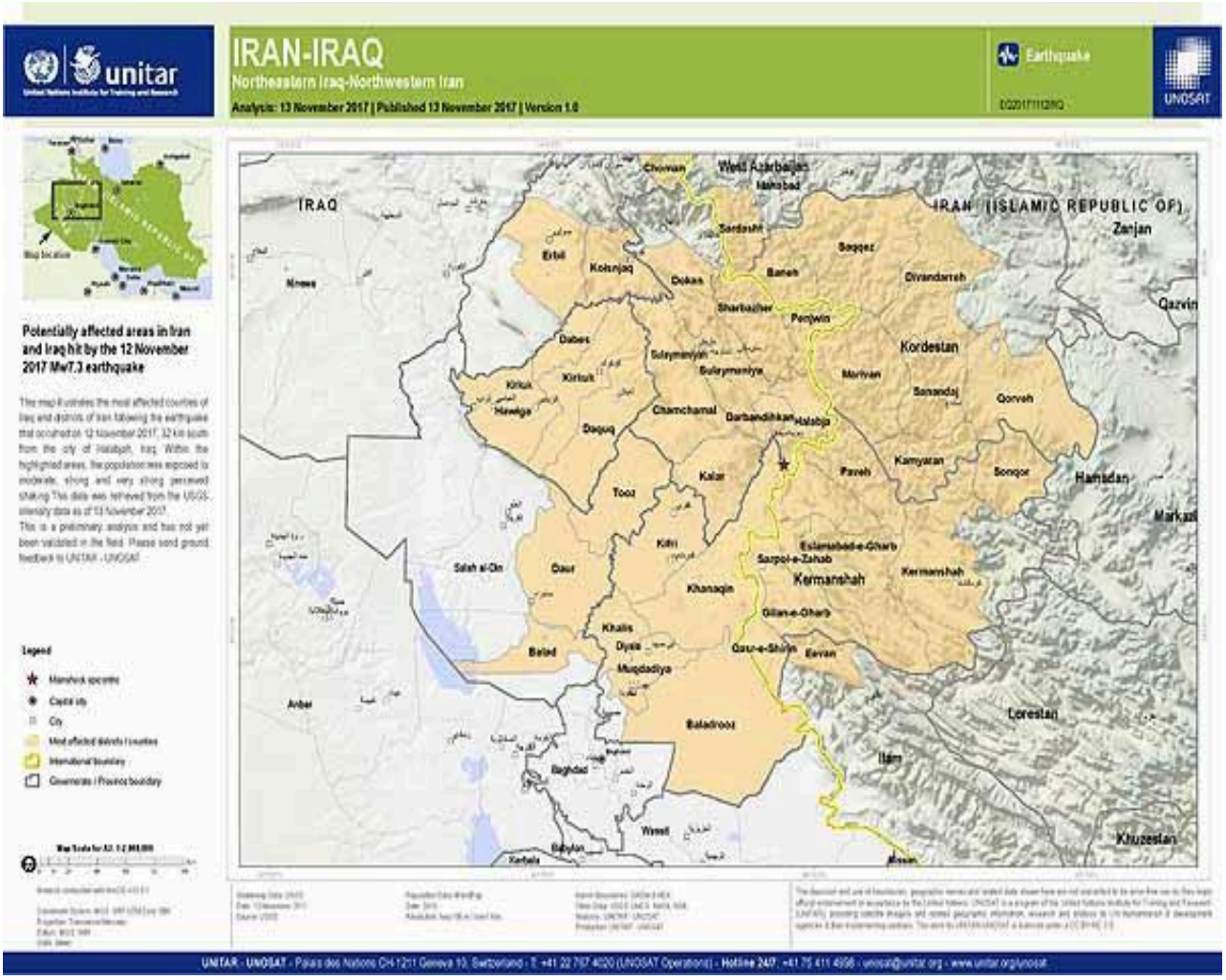
گزارش سازمان ملل از میزان خسارت وارد آمده به سرپل ذهاب

در حالی که هنوز زلزله‌زدگان غرب کشورمان با برخی مشکلات ابتدایی دست به گریبانند، سازمان ملل گزارش هایی در این خصوص تهیه و منتشر می‌کند که می‌توان با مراجعه به آنها تصویر بهتری از واقعه روی‌داده و ابعاد آن به دست آورد.

کد خبر:۷۴۹۲۰۲
تاریخ انتشار:۳۰ آبان ۱۳۹۶ - ۱۸:۵۲21 November 2017

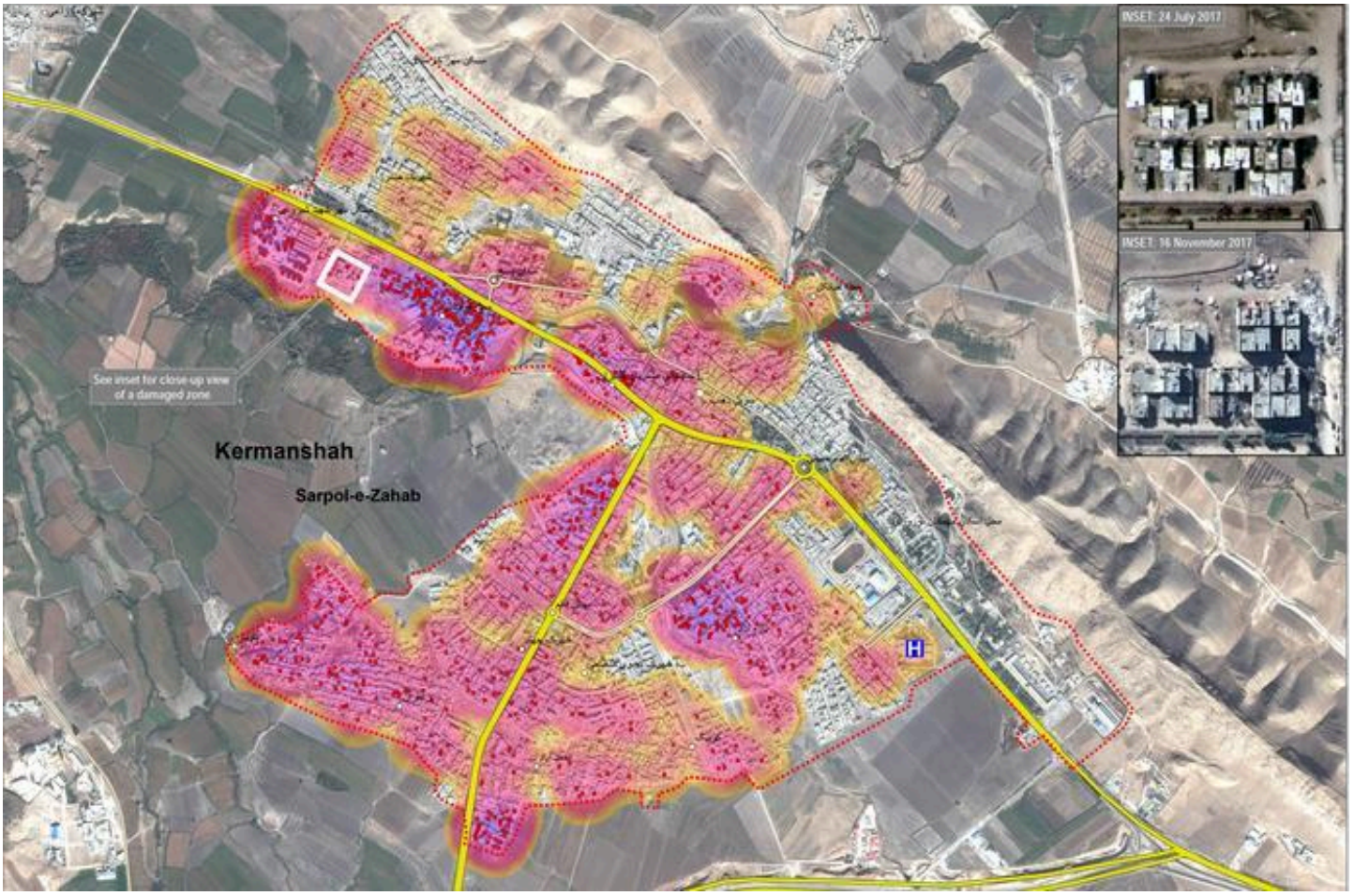
در حالی که هنوز زلزله‌زدگان غرب کشورمان با برخی مشکلات ابتدایی دست به گریبانند، سازمان ملل گزارش هایی در این خصوص تهیه و منتشر می‌کند که می‌توان با مراجعه به آنها تصویر بهتری از واقعه روی‌داده و ابعاد آن به دست آورد.

به گزارش «تابناک»، از جمله این گزارش ها، گزارشی‌ست که چند روز پیش توسط موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد (unitar) منتشر شد و حکایت از آن داشت که در محدوده وقوع زلزله در غرب کشورمان و شرق عراق، جمعیتی حدود 4 میلیون و 700 هزار نفر ساکن هستند که این زلزله و امثال آن توانسته یا خواهد توانست بر زندگی ایشان تاثیر بگذارد.



جمعیت بزرگی که اهالی سرپل ذهاب تنها کسری از آن را شامل می‌شدند و در این زلزله، خسارات سنگینی متوجه ایشان شد. خسارت‌هایی که در گزارش اخیر موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته و نقشه‌ای تهیه و به آن منظم شده که بر اساس آن بهتر می‌توان فهمید زلزله "ازگله" چه بر سر شهر سرپل ذهاب آورده است:

این نقشه میزان خسارت‌های وارده به ساختمان‌ها و سازه‌های شهر سر پل ذهاب را نشان می‌دهد که بر اساس مقایسه تصاویر تهیه شده توسط ماهواره Pleiadesدر تاریخ های 24 جولای و 16 نوامبر سال 2017 به دست آمده است.



برای دیدن تصویر در ابعاد بزرگتر روی آن کلیک کنید

بر مبنای این بررسی، از حدود 9700 سازه بررسی شده در تصاویر ماهواره‌ای، تقریبا 683 سازه آسیب دیده است که این آسیب ها در محدوده مسکن مهر و محله‌های پیرامون اداره پست شهر بیشتر بوده است. این گزارش می‌افزاید که تقریبا در 7 درصد سازه‌های آسیب دیدهِ بررسی شده، تخریب کامل رخ داده است.

از جمله نکات جالب توجه دیگر در این گزارش، مشخص کردن محدوده های آسیب دیده سرپل ذهاب بر اساس خسارت های وارد آمده به سازه هاست که با طیف رنگی زرد تا بنفش (زرد: خسارت کمتر و بنفش: خسارت بیشتر) مشخص شده و بر اساس آن، قسمت عمده بافت شهری سرپل ذهاب بر اثر زلزله دچار خسارت شده است.

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که هنوز هیچ گزارش یا ارزیابی خاصی توسط نهادهای مسئول در کشورمان در خصوص میزان خسارت های زلزله اخیر تهیه و منتشر نشده و حتی وعده تهیه و ارائه گزارش هایی از این دست نیز ارائه نشده است؛ درست مثل زلزله های بزرگی که پیشتر در کشورمان رقم خورده و به رغم سپری شدن سالها از وقوعشان، گزارش جامع و کاملی در خصوص میزان خساراتی که به دنبال داشتند در اختیار عموم قرار نگرفته است!

دعوت از صد شخصیت اقتصادی عراق برای سفر به ریاض

روزنامه الریاض به نقل از یک دیپلمات سعوی در سفارت عربستان در بغداد نوشته است که از صد شخصیت عراقی از سرمایه داران و متخصصان امور مالی، از جمله رئیس بانک مرکزی، رئیس کمیته نظارت مالی و همچنین وزیر ورزش و جوانان عراقی برای سفر به ریاض دعوت کرده است.

این دیپلمات سعودی، هدف از فراخوان این شخصیت های عراقی به ریاض را گسترش همکاری ها به ویژه در زمینه اقتصادی، مالی و سرمایه گذاری بین دو کشور ذکر کرده است.

این دیپلمات سعودی در خصوص پذیرش این دعوتنامه ها از سوی شخصیت های عراقی دعوت شده، سکوت کرده است.

برخی رسانه های عراقی به تازگی خبر دادند که دولت عراق اخیرا از پذیرش محمد بن سلمان ولی عهد عربستان که قرار بود، اوایل ماه نوامبر جاری به بغداد بیاید، به دلیل اوضاع سیاسی بی ثبات منطقه و عدم تمایل عراق به قرار گرفتن در صف سعودی ها، خودداری کرده است.

عربستان با شصت شرکت و بیش از دویست تن در نمایشگاه بین المللی بغداد که در اواخر مهرماه در پایتخت عراق برگزار شده بود، شرکت کرد؛ اقدامی که از سوی کارشناسان و تحلیگران منطقه به عنوان خیز سعودی ها در عراق تعبیر شد. به باور این افراد با شکست گروه تروریستی داعش در عراق ـ که از سوی سعودی ها حمایت همه جانبه می شد ـ این بار آل سعود در لباس دیگری برای ضربه زدن به مردم عراقی وارد میدان شده است.

تسنیم گزارش می‌دهد

مدارسی که "جان" می‌گیرند/ "مدارس کپری" همچنان کلاس درس دانش‌آموزان سیستان و بلوچستانی+ تصاویر



نزدیک به ۱۰ سال است که نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان برنامه حذف مدارس کپری را آغاز کرده اما همچنان برخی دانش‌آموزان استان در مدارس کپری و غیراستاندارد درس می‌خوانند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از **زاهدان**،روستای «ملک آباد» در بخش "آشار" از توابع شهرستان مهرستان 40 دانش‌آموز در شش مقطع تحصیلی دارد در حالی که هنوز مکانی برای تحصیل دانش‌آموزان خود ندارد.

دانش‌آموزان این روستا در کپری تحصیل می‌کنند که حتی گنجایش همه آنها را ندارد و گاهی دانش‌آموزان مجبورند روی سنگ ریزه‌های بیابان و زیر آفتاب سوزان بنشینند.

علیرضا راشکی مدیرکل نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان چندی پیش در گفت‌وگو با تسنیم از وجود 50 کلاس درس کپری در استان خبر داد و گفت: برنامه پژوهشی برای کپرزدایی تعریف شده و نتایج آن در ماه‌های آینده اطلاع‌رسانی می‌شود.

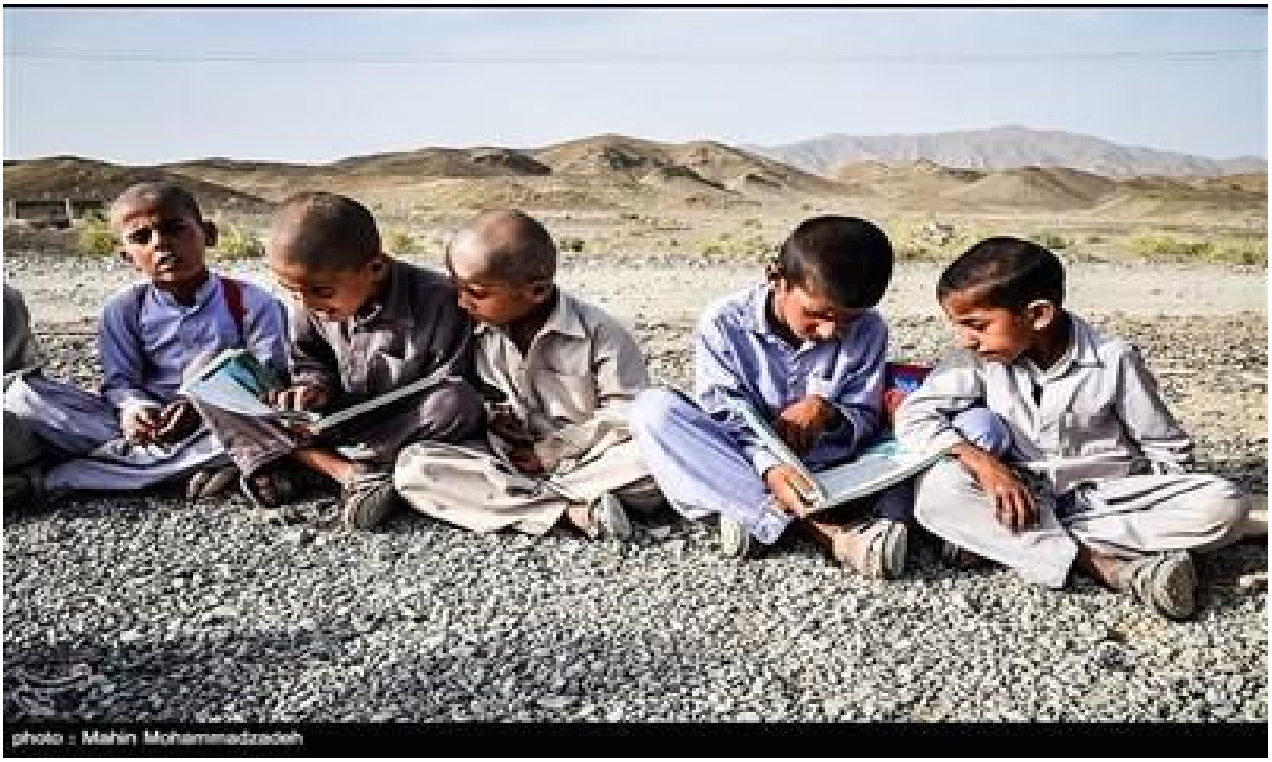
این مدارس در حالی همچنان کلاس درس دانش آموزان جنوب استان است که بهمن‌ماه سال 86 حبیب‌الله دهمرده استاندار وقت سیستان و بلوچستان گفته بود، به زودی جشن کپرزدایی در استان برگزار می‌شود.



یک سال بعد یعنی در بهمن 87 علی‌محمد آزاد استاندار وقت سیستان و بلوچستان نیز با اعلام اینکه به زودی جشن کپرزدایی در استان برگزار می‌شود، گفته بود: امروز سیستان و بلوچستان یکی از استان‌های خوب کشور در رابطه با فضاهای آموزشی است.

به گفته مدیرکل نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان، علاوه بر وجود مدارس کپری، 6 هزار و 200 کلاس درس تخریبی و 600 کلاس خشتی و گلی در استان فعال است که جان هزاران دانش‌آموز را تهدید می‌کند.

طبق اعلام سازمان نوسازی مدارس برخی مدارس نامناسب و نیازمند نوسازی در سواحل استراتژیک مکران قرار دارند که قرار است با همکاری وزارت آموزش و پرورش، نیروی دریایی و مشارکت خیران مشکلات آن‌ها برطرف شود.



مدارسی که جان می‌گیرند

دو ماه قبل "فریبا چاردیواری" کودک چابهاری که برای گرفتن کتاب‌های درسی خود به مدرسه رفت، زیر آوار دیوار فرسوده مدرسه گرفتار شد و جان باخت. پس از این اتفاق، پدر این کودک از وضعیت ایمنی مدارس این شهر انتقاد کرده و خواشتار رسیدگی و ایمن‌سازی آنها شد.

پیش از این در فروردین‌ماه امسال نیز "حمیدرضا گنگوزهی"، معلم خاشی برای نجات جان دانش‌آموزان از زیر آوار دیوار فرسوده یک مدرسه جان خود را از دست داد.

پس از این حادثه علی اصغرفانی وزیر سابق آموزش و پرورش دستور داد که مدرسه‌ای به نام "فریبا چهار دیواری" در روستایی که حادثه در آن رخ داده بود، بسازند.

علیرضا راشکی مدیرکل نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان نیز درباره بهبود شرایط تمام مدارس فرسوده به خبرنگار ما گفته که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای سیستان و بلوچستان ردیف اعتباری ویژه‌ای به نام «ایجاد فضای آموزشی» در اعتبارات سال 95 و برنامه ششم توسعه لحاظ کرده که براساس آن یک بسته حمایتی 600 میلیارد تومانی تعریف شده است.



وی افزود: قرار است براساس این بسته حمایتی 152 میلیارد تومان در سال 95 و مبلغ 448 میلیارد تومان در سال‌های 96 و 97 به استان اختصاص یابد.

راشکی خاطرنشان کرد: برنامه حذف مدارس خشتی و گلی از سطح استان تاکنون 40 درصد پیشرفت فیزیکی داشته است که در صورت تامین اعتبار تا ابتدای سال آینده تحصیلی تمامی مدارس خشتی و گلی از سطح استان برچیده می‌شود.

مدیرکل نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان ادامه داد: اکثر کلاس‌های درس خشتی و گلی در مناطق روستایی و محروم شهرهای جنوبی استان نظیر سراوان، سیب و سوران، راسک، جاسک و قصرقند دیده می‌شود که از نظر ما این مدارس پس از مدارس کپری نا به سامان‌ترین فضاهای آموزشی استان هستند.

ورود نهادهای اجتماعی برای رفع محرومیت‌های آموزشی

غیر از دولت، نهادهای اجتماعی و خیریه نیز برای بهبود شرایط نامناسب مدارس سیستان و بلوچستان درست به‌کار شده‌اند؛ بنیاد برکت وابسته به ستاد اجرایی امام خمینی(ره) از جمله این نهادها است که امسال همزمان با شروع سال تحصیلی جدید پنج مدرسه با 18 کلاس درس در شهرستان‌های کنارک، نیمروز، هیرمند و خاش را به بهره‌برداری رساند.

به گفته کارشناسان آموزش و پرورش، بنیاد برکت تاکنون در ساخت 70 مدرسه در مناطق محروم سیستان و بلوچستان مشارکت داشته و 30 واحد آموزشی جدید نیز تا پایان سال در استان می‌سازد.



این نهاد تاکنون 200 مدرسه با رویکرد محرومیت‌زدایی از مناطق محروم کشور ساخته است و برنامه ساخت مدارس زیادی را نیز در دستور کار دارد.

خیران بومی و غیربومی به همراه گروه‌های جهادی نیز از گروه‌های دیگری هستند که تاکنون کمک‌های زیادی برای حل نارسایی‌های بخش فضای آموزشی کرده‌اند.

به‌گزارش تسنیم، امید است با تداوم این کمک‌ها و توجه ویژه دولت، پرونده محرومیت‌های عرصه آموزش در استان سیستان و بلوچستان برای همیشه بسته شود.

پشت‌پرده دادگاه‌های بین‌المللی از نگاه حقوق‌دان ایتالیایی

تاریخ انتشار:۲۹ آبان ۱۳۹۶ - ۱۴:۲۴20 November 2017

وکیل برجسته و کارشناس حقوق بین‌الملل ایتالیایی از وجود فساد گسترده در دستگاه قضایی غرب خبر داد و گفت: متأسفانه دادگاه‌های بین‌المللی نظیر لاهه نیز از سیاست‌های دیکته شده آمریکا و دیگر ابرقدرت‌ها تأثیر می‌پذیرند.

پرفسور «کارلو کوربوچی»در نشست تخصصی «نگاهی بر روند قضاوت در غرب» اظهار کرد: در حال حاضر شاهدیم که فساد در دستگاه قضایی غرب و آمریکا که تحت تأثیر برنامه آمریکا بر اتحادیه اروپا بوده بیداد می‌کند.

وی برای مثال به وضعیت دستگاه قضایی ایتالیا اشاره کرد و گفت: «هزینه هنگفت» و «بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضا» سبب شده مراجعه مردم برای حل مشکلات قضایی به پائین ترین سطح در ایتالیا برسد بطوریکه آمارها نیز گویای همین موضوع است، در ایران با 80 میلیون نفر سالانه 15 میلیون پرونده وارد سیستم قضایی می‌شود اما در ایتالیا با 65 میلیون جمعیت در سال 2017 فقط 200 هزار پرونده وارد سیستم قضایی این کشور شده است.

وی تأکید کرد: متأسفانه از سال 2001 به بعد تحولات عجیبی در سیستم قضایی اروپا شکل گرفت، برجسته‌سازی «تروریسم اسلامی» از یک‌سو، تهاجم بر حریم خصوصی افراد به این بهانه از سوی دیگر، افزایش میزان زندانیان و هزینه‌های سنگین متحمل شده به بهانه تروریسم اسلامی نیز فقط نمونه‌هایی از تغییرات در سیستم قضایی اروپا است.

پروفسور کوربوچی در پاسخ به تأثیر تخصص گرایی و کارگروهی در حوزه حقوق اظهار کرد: این موضوع تنها در حوزه حقوق صدق نمی‌کند بلکه ما در تمامی موارد نیز دو محور «تخصص گرایی» و «کار گروهی» را باید موردتوجه قرار دهیم.

وی افزود: تجربه نشان داده که هر آنجا که از خرد جمعی و تکیه‌بر تخصص استفاده‌شده نتایج مفید به‌فایده تری کسب کرده‌ایم، البته که حوزه حقوق به تخصص و خرد جمعی بیشتری برای احقاق حقوق مردم و رعایت اصل انصاف و عدالت نیاز دارد.

دلایل افت ارزش پول ایران و چند نکته دیگر



هفته گذشته مطلبی درباره ارزش ریال در برابر ارزهای معتبر مثل دلار داشتیم و این که طی سال‌ها ریال ارزشش را در برابر این ارزها از دست داده و از قدرت خرید آن کاسته شده است. ارزش مبلغی از تومان امروز با ارزش بیست سال پیش آن تفاوت فراوانی دارد.

همچنین شیوه تبدیل ارزش مبلغی در یک مقطع زمانی را نسبت به مقطعی در گذشته توضیح دادیم.

بیشتر بخوانید: **پنج میلیون تومان بیست سال پیش امروز چقدر ارزش دارد؟**

در این مطلب به برخی از سوال‌های ارسالی مخاطبان بی‌بی‌سی فارسی درباره مسایل مربوط به اقتصاد ایران پاسخ می‌گوییم.

- **چرا ارزش پول ایران نسبت به خیلی از کشورهای دیگر که اقتصاد شان از ایران بدتراست،پایین‌تر است؟**

دلیل ضعف ارزش پول یک کشور در برابر کشورهای دیگر علاوه بر قدرت اقتصادی، تابع عوامل متعدد دیگری است.

در اصل، ارزش پول یک کشور در نهایت تابع دریافت‌های ارزی آن کشور (شامل ارز ناشی از صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی، کمک مالی) در مقایسه با پرداخت‌های ارزی (واردات، سرمایه‌گذاری در خارج، هزینه اقدامات سیاسی و نظامی در خارج و کمک به کشورهای دیگر) باید باشد.

اگر پرداخت‌های ارزی بیش از دریافت‌ها باشد، نرخ ارز خارجی افزایش می‌یابد.

عامل دیگر در این زمینه، نرخ تورم داخلی است. تورم به معنی کاهش ارزش پول ملی یک کشور است که قاعدتا بر ارزش نسبی آن در برابر ارزهای دیگر تاثیر می‌گذارد.

علاوه بر عناصر اقتصادی، عوامل دیگری نیز بر نرخ برابری پول یک کشور تاثیر می‌گذارد. یکی از این عوامل، نگرش دولت در قبال نرخ ارز خارجی است.

ممکن است بعضی دولت‌ها به دلایل مختلف از کاهش یا افزایش نرخ برابری پول خود حمایت کنند. به خصوص در مورد کشورهایی که نرخ ارز داخلی به جای بازار آزاد بین المللی، توسط دولت تعیین می‌شود خواست دولت مستقیما بر نرخ ارز تاثیر دارد.

در ایران، یکی از منابع اصلی تامین بودجه دولت، دریافت ارز حاصل از فروش نفت خام است. تا اواخر دهه ۱۳۶۰ دولت در تدوین بودجه نرخ ثابت دلار را مبنی قرار می‌داد و در برابر آن، مقدار معینی ریال را به عنوان درآمد نفتی وارد بودجه می‌کرد.

اگر کمبودی در عواید نسبت به هزینه‌ها وجود داشت، این کمبود به صورت کسری در بودجه منعکس می‌شد. از اواخر آن دهه گاه دولت برای تامین کمبود درآمد پولی، نرخ ارز را چه به طور مستقیم و چه با دخالت در بازار آزاد افزایش می‌داد و در برابر آن پول بیشتری وارد بودجه می‌کرد.
این تصور وجود داشته که چاپ کردن پول بیشتر در برابر مقدار ثابت ارز خارجی برخلاف اقدام به افزایش نقدینگی باعث تورم نمی‌شود که تصور درستی نیست. بعضی از کارشناسان دولتی هم معتقد بوده‌اند که از آنجا که کاهش نرخ ریال در برابر ارز خارجی به معنی کاهش بهای اجناس داخلی در بازار خارجی است، این اقدام به صادرات کمک می‌کند.
این نظر هم چندان درست نبوده زیرا کاهش مکرر نرخ ارز باعث تورم داخلی شده و قیمت اقلام صادراتی را افزایش می‌دهد و به زودی، امتیاز ناشی از تغییر در نرخ ارز را از میان می‌برد. این اقدام همچنین دور باطل افزایش نرخ ارز، تورم ناشی از آن و افزایش مجدد نرخ ارز را به‌همراه دارد.
عامل دیگر تاثیر نگرانی از تحولات سیاسی داخلی و خارجی بر بازار ارز است و بحران های مختلف مانند وخامت روابط خارجی، تحریم و جنگ طبیعتا باعث نگرانی درباره آینده اقتصاد کشور و بی‌اعتمادی به ریال و خرید ارز خارجی می‌شود که قیمت آن را افزایش می‌دهد.
بنابراین حتی اگر یک کشور از نظر اقتصادی وضعی بهتر از از کشور دیگری داشته باشد، ممکن است روند تحولات ارزی آن بدتر باشد. البته ادامه وضعیت بدتر ارزی دیر یا زود می‌تواند اقتصاد یک کشور را تضعیف کند.
شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که برگردان انگلیسی Consumer Price Index است و بطور اختصار به آن CPI می‌گویند، معیار اندازه‌گیری تغییرات قیمت کالاها و خدماتی است که به مصرف خانوارها می‌رسد.
این کالاها و خدمات، علاوه بر اقلام مصرفی، مهمترین اقلام غیرمصرفی سبد هزینه خانوار را هم در بر می‌گیرد.
CPI کاربردهای گوناگونی از جمله در برآورد قدرت خرید پول کشور، هزینه واقعی خانوارها و تعدیل مزد دارد.
بانک مرکزی بطور سالانه و ماهانه این شاخص را اعلام می‌کند. قدیمی‌ترین داده‌های موجود بانک مرکزی مربوط به سال ۱۳۱۵ خورشیدی است و آخرین آمار اعلام شده به مهر ماه امسال (۱۳۹۶) برمی‌گردد. یکی از موارد کاربردی این شاخص محاسبه ارزش پول در گذشته به روز است. این شاخص با تورم رابطه مستقیم دارد.
براساس برنامه ششم توسعه ایران رشد اقتصادی سالانه باید در چهار سال آینده به طور متوسط هشت درصد باشد
استفاده از دلار در ایران دو جنبه دارد. یکی به عنوان "معیار" تعیین نرخ برابری ریال و یکی به عنوان ارز مهم تجاری.
اینکه چرا همیشه در ایران از دلار به عنوان شاخص و نشاندهنده ارزش ریال یا سایر ارزها استفاده می‌شود بیشتر به جنبه تاریخی و سنت بازار ارز ارتباط دارد.
در دهه‌های پیش، تجارت جهانی با استفاده از چند ارز مهم صورت می‌گرفت که شامل دلار آمریکا، پوند بریتانیا، و فرانک فرانسه بود.
معمولا کشورهایی که پیشتر مستعمره بریتانیا یا فرانسه بودند از پوند و فرانک در تجارت خارجی استفاده می‌کردند و ترجیح می‌دادند عواید صادرات خود را به این ارزها دریافت کنند.
اینها در "حوزه" پوند و فرانک قرار داشتند. در مورد دلار، پس از جنگ دوم جهانی، برتری اقتصادی آمریکا از جمله در صحنه تجارت خارجی باعث شد تا دلار به عنوان یک ارز نیرومند و قابل قبول در کشورهای مختلف مورد قبول قرار گیرد و حوزه دلار به تدریج به بزرگترین حوزه ارزی تبدیل شود و با کاهش اهمیت اقتصادی سایر کشورهای دارای ارز معتبر، جای آنها را بگیرد.
در حال حاضر نیز، با توجه به بزرگی اقتصاد آمریکا - که حدود ۲۵ درصد کل تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده - و وسعت مبادلات آن، طبیعی است که دلار همچنان یک ارز معتبر باشد. البته شاید اگر روزی چین هم تصمیم گرفت ارز خود را آزاد کند، پول آن کشور هم به یک ارز معتبر جهانی تبدیل شود.
از آنجا که بخش مهمی از عواید ارزی ایران از محل فروش نفت خام بود و بهای نفت خام و عواید پرداختی هم عمدتا به دلار محاسبه و پرداخت می شد طبیعی بود که این کشور معاملات خارجی خود را عمدتا به دلار انجام دهد و در "حوزه دلار" قرار گیرد.
این سنت همچنان حفظ شده و برخلاف شعارهای سیاسی، اکثر دست اندرکاران سیاست و اقتصاد ایران همچنان به برتری ایالات متحده از جمله در حوزه اقتصاد اعتقاد و به استحکام پول آن کشور اطمینان دارند. تغییر به ارز دیگر هم مستلزم تصمیم دولت و مهمتر از آن، پذیرش عمومی آن است.

ادعای اقدام شرم‌آور سعودی‌ها علیه همسر حریری



تاریخ انتشار:۲۷ آبان ۱۳۹۶ - ۱۱:۰۰18 November 2017

افشاگر اسرار درونی آل سعود موسوم به مجتهد که در دنیای مجازی فعالیت دارد در تازه‌ترین پیام خود در شبکه اجتماعی توییتر از آزار و اذیت جنسی همسر سعد حریری، نخست وزیر مستعفی لبنان، به دست رژیم آل سعود خبر داد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، مجتهد در این پیام آورده است: «ای عرب ها، ای مسلمانان، ای آزادگان، همسر سعد حریری، نخست وزیر لبنان، به دست خوک‌های آل سعود و مزدوران آن‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفت».

شایان ذکر است نخست‌وزیر لبنان روز 13 آبان در پایتخت عربستان، در اقدامی غیرمنتظره ابراز نگرانی کرد و مدعی شد فضای فعلی لبنان شبیه شرایط پیش از ترور پدرش رفیق حریری (نخست‌وزیر اسبق لبنان) است.

از سوی دیگر، میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، حریری و خانواده‌اش را گروگان عربستان سعودی خوانده بود و خواستار بازگشت او به کشورش شده بود.

نخست‌وزیر مستعفی لبنان، که امروز ریاض را به مقصد پاریس ترک کرده است، ناهار را در کاخ الیزه مهمان رئیس‌جمهور فرانسه خواهد بود.

یک سال گذشت؛ هدیه برجام به اقتصاد ایران چه بود؟

یکسال از اجرای برنامه توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی موسوم به برجام می‌گذرد؛ توافقی که بخصوص در حوزه اقتصاد دست ایران را تا حد زیادی بسته بود.

توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان نزدیک به ۲۰ ماه طول کشید و در دو مرحله انجام شد. مرحله اول مربوط به یک توافق موقت بود که در ژنو سوئیس به دست آمد و مرحله نهایی، اجرای توافق جامع هسته‌ای (برجام) است که یکساله شده است.

وزارت امور خارجه ایران، در سالگرد این توافق گزارش سه‌ماهه خود درباره توافق جامع هسته‌ای ایران را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارائه کرده است که در این گزارش ضمن برشمردن دستاوردهای ایران پس از رفع تحریم‌های بین‌المللی به "موانع و چالش‌های" موجود هم پرداخته است.

بعضی از مهمترین دستاوردهای اقتصادی توافق بزرگ هسته‌ای ایران بعد از یکسال در زیر آورده شده است.

AFP/GETTY IMAGES/

دسترسی ایران به پول‌های مسدود شده

بنابر اعلام بانک مرکزی ایران، پس از جرای توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی بیش از ۹ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار از پول‌های مسدود شده ایران در زمان تحریم‌ها آزاد شد. این پول مرتبط با بدهی‌های نفتی دیگر کشورها به ایران در بانکهای امارات، بریتانیا، هند، یونان، نروژ و ایتالیا بوده است.

روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال هم دو هفته پیش در گزارشی به نقل از مقام‌های کنونی و پیشین دولت آمریکا گفته بود در سه سال اول پس از توافق اولیه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۳ با قدرت‌های بزرگ جهانی بیش از ۱۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از نقاط مختلف جهان به صورت "نقد و شمش طلا" به ایران برگشته است.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، با تایید این گزارش گفت که رقم دقیق این دریافت‌ها را اعلام نمی‌کند "ولی رقمی که داده شده بود، با خست داده شده و بیش از آن چیزی است که اعلام شده است."

اتصال بانک‌های ایران به سیستم سوئیفت

پس از رفع تحریم‌های بین‌المللی، شبکه بانکی ایران توانست بعد از ۴ سال به سیستم پیام رسانی مالی موسوم به سوئیفت متصل شود. بانک صادرات که اخیرا از لیست تحریم‌ها خارج شده هنوز به این سیستم متصل نیست.

سوئیفت (انجمن جهانی ارتباطات راه دور میان بانکی) شبکه‌ای است که موسسات مالی از طریق آن می توانند اطلاعات مربوط به مبادلات مالی را به شکلی ایمن، استاندارد و قابل اعتماد، ارسال و دریافت کنند. ایران در سال ۲۰۱۲ از استفاده از سوئیفت محروم شده بود.

+ اتصال بانک‌های ایران به سوئیفت پس از ۴ سال محرومیت

افزایش صادرات نفت ایران

تحریم‌های نفتی آمریکا و اروپا در سال ۲۰۱۲ میزان صادرات نفت ایران را به حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش داده بود اما بعد از اجرای توافق هسته‌ای (برجام) صادرات نفت ایران به بیش از دو برابر زمان تحریم‌ها رسید.

براساس آخرین آمارهای ارائه شده توسط وزارت نفت ایران، صادرات نفت این کشور پس از رفع تحریم‌ها به ۲ میلیون و ۴۴۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

به گفته اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری ایران، در کمتر از یک سال گذشته میزان صادرات نفت و میعانات گازی به بالاترین سطح در تاریخ پس از انقلاب رسیده است. بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران هم درآمد حاصل از فروش نفت و میعانات گازی تا پایان سال ۱۳۹۵ را ۴۱ میلیارد دلار برآورد کرده است.

یکی از کشورهایی که واردات نفت از ایران را افزایش داده هند است. موسسه تحقیقات نفتی تامسون رویترز گفته است پالایشگاه‌های هندی پس از لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران خرید نفت از این کشور را از سرگرفته‌اند و واردات سالانه نفت هند از ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی به رکورد جدیدی در پانزده سال گذشته دست یافته است.

وزارت نفت ایران می‌گوید عواید حاصل از فروش نفت بدون "مشکل عمده‌ای" از طریق شبکه بانکی بین‌المللی دریافت می‌شود.

+ زنگنه: درآمد نفتی ایران امسال به ۴۱ میلیارد دلار می‌رسد

+ صادرات نفت ایران به هند 'چهار برابر شده است'

+ مشاور روحانی: در زمان تحریم شیوه خرید نفت ایران از سوی هند و چین تحقیرآمیز بود

حمل و نقل هوایی

در یکسال اخیر، بعد از حدود ۴ دهه امکان خرید هواپیمای مسافربری از شرکت‌های سازنده ممکن شد. اولین هواپیمای ایرباس خریداری شده، هفته گذشته برای اولین بار در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست.
شرکت هواپیماسازی ایرباس ماه گذشته قرارداد فروش ۱۰۰ فروند هواپیمای مسافربری به ایران را نهایی کرد و بوئینگ هم با امضای قراردادی رسمی ۸۰ هواپیما به ایران خواهد داد.

+ اولین هواپیمای ایرباس در فرانسه به ایران تحویل داده شد

+ بوئینگ امضای قرارداد رسمی با ایران را تایید کرد

حمل و نقل ریلیو دریایی

شرکت آلمانی زیمنس تفاهم‌نامه‌ای با شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی امضا کرده و متعهد شده است که در توسعه راه آهن ایران مشارکت کند. پروژه‌هایی که زیمنس در ایران انجام می‌دهد شامل کشیدن خط آهن برقی بین تهران و مشهد و راه‌اندازی قطار پرسرعت بین تهران و اصفهان است.
در حمل و نقل دریایی، شرکت صنایع سنگین هیوندای کره جنوبی گفته است که سفارشی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار برای ساخت ۱۰ کشتی برای خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده است. این اولین سفارش ساخت کشتی ایران از زمان برچیده شدن تحریم‌های بین‌المللی است. قرارگاه سازندگی سپاه از امضای این قرارداد ابراز نارضایتی کرده است.
شرکت کشتیرانی مرسک، بزرگ‌ترین شرکت حمل و نقل دریایی جهان هم تایید کرده است که بعد از سال‌ها فعالیت‌های تجاری خود را با ایران از سر می‌گیرد. این شرکت گفته است که از این به بعد مشتریان مرسک که به مقصد یا از مبدا ایران رفت و آمد می‌کنند، می‌توانند به طور کامل از شبکه جهانی و ناوگان و تجهیزات حمل و نقل این شرکت استفاده کنند. مرسک حدود چهار سال پیش و در پی تشدید تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران فعالیت‌های خود را در این کشور متوقف کرد.

+ زیمنس بین تهران و مشهد 'خط آهن برقی می‌کشد'

+ شرکت راه آهن ایران از نهایی شدن قرارداد ۴ میلیارد یورویی با ایتالیا خبر داد

+ کدام شرکت‌های بزرگ حمل و نقل به ایران می‌روند؟

توریسم و هتلداری

بعد از توافق هسته‌ای ایران و رفع محدودیت‌ها، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی فعالیت خود را برای ارائه خدمات در زمینه سفر به ایران شروع کردند.
یازده روز بعد از اعلام این توافق، وزارت خارجه بریتانیا توصیه‌های قبلی خود در ارتباط با پرهیز از سفرهای غیرضروری به ایران را تغییر داد. در این بیانیه، بخشی از دلیل این تغییر را کاهش خصومت با بریتانیا در دولت حسن روحانی عنوان شده بود.
گروه هتل‌های زنجیره‌ای "اکور" فرانسه، اولین شرکت بزرگ هتلداری جهان بود که پس از توافق هسته‌ای در ایران هتل راه‌اندازی کرد.
دو هتل پنج ستاره با نامهای "ایبیس" و "نووتل" که چسبیده بهم هستند، در فرودگاه "امام خمینی" راه اندازی شده‌اند. سال گذشته هم گروه هتل‌های زنجیره‌ای "ملیا" اعلام کرد که قصد دارد در ایران هتلی مجلل راه‌اندازی کند. ساخت این هتل و مجموعه اطراف آن از چند سال پیش با سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌دار ایرانی آغاز شده است.

+ سرمایه‌گذاران خارجی برای ساخت هتل‌های زنجیره‌ای به ایران می‌روند

+ ایران، مقصد جدید گردشگران ایتالیایی؟

AFP/GETTY IMAGES

خودروسازی

شرکت خودروسازی رنوی فرانسه حدود سه ماه پیش، قراردادی را به منظور احیای حضور پررنگ خود در ایران امضا کرد. براساس این قرارداد، ظرفیت تولید این خودروساز سالانه ۱۵۰ هزار خودرو در ایران افزایش خواهد یافت. ظرفیت کنونی تولید خودروی رنو در ایران ۲۰۰ هزار خودرو در سال است.

شرکت فرانسوی پژو-سیتروئن که پیش از تحریم‌ها از فعال‌ترین شرکت‌های خودروسازی در ایران بود، گفته است که با قرارداد پنج ساله‌ای به ارزش ۴۰۰ میلیون یورو برای تولید، تحقیقات و توسعه به ایران باز می‌گردد و انتظار دارد در سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت ایران خودرو، سالانه حدود دویست هزار دستگاه خودرو در ایران تولید کند.
+ رنو برای تولید سالانه ۱۵۰ هزار خودرو در ایران توافقنامه سرمایه‌گذاری مشترک امضا کرد

IMAGES

افزایش صادرات فرش ایران

وزارت خارجه ایران در گزارش سه ماهه خود درباره "برجام" از افزایش صادرات فرش ایران خبر داده است. بر این اساس ایران در ۸ ماهه اول سال جاری(۱۳۹۵) حدود ۲۰۵ میلیون دلار فرش به کشورهای دیگر صادر کرده است.
براین اساس، پس از لغو تحریم‌ها ایران توانست حدود ۵۱ میلیون دلار فرش به آمریکا صادر کند. این در حالی بود از سال ۲۰۱۰ میلادی تا اوایل سال ۲۰۱۶ صادرات فرش ایران به ایالات متحده آمریکا متوقف شده بود.

واردات دارو

با وضع تحریم‌های گسترده اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران بازار دارو در این کشور به شدت ملتهب شد. در آن زمان، با وجود صدور مجوزهای عمومی از سوی خزانه‌داری آمریکا برای صادرات دارو به ایران، بانک‌های خارجی از انجام مبادلات مالی با ایران سرباز می‌زدند. مشکلات کمبود دارو در ایران باعث شده بود شمار زیادی از ایرانیان خارج از کشور به منبع تامین داروهای تخصصی مورد نیاز بستگان داخل ایران تبدیل شوند.
بگفته وزارت بهداشت ایران، پس از اجرای برجام امکان خرید و تامین داروهای خارجی و تجهیزات پزشکی با قیمت حتی نصف دوران تحریم میسر شد. بر اساس آمارهای رسمی در ایران، در حال حاضر کمبود دارویی از ۳۰۰ قلم در دوران تحریم به ۳۰ قلم کاهش یافته است.

تعامل جناحهای سیاسي شبیه روابط کشورها = نزدیکي ایران و ترکیه و ایران و قطر بعد از جدایي قبلي

روزنامه کیهان نوشت: حمید بقایی و علی‌اکبر جوانفکر می‌گوید پرونده قضایی آنها نه توسط قوه‌قضائیه بلکه از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی بررسی شود. این دو که به همراه حبیب‌الله خراسانی، ضمن حضور در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) مدعی بست‌نشینی شده‌اند. یادآور می‌شود محمود احمدی‌نژاد روز چهارشنبه ضمن حضور در کنار بقایی و مشایی در حرم عبدالعظیم؛ اظهارات تندی علیه «خانواده لاریجانی» عنوان کرد.

این در حالی است که او و حلقه حامیان نزدیک وی، ضمن لابی‌گری گسترده در مجلس هشتم، عامل اصلی ریاست علی لاریجانی و کنار رفتن حداد عادل از ریاست مجلس بودند. با این حال، روابط لاریجانی و احمدی‌نژاد از میانه راه به وخامت گرائید که اوج آن در اقدامات دور از شأن طرفین در ماجرای استیضاح وزیر کار و رفاه (بهمن 91) با آتش بیاری کسانی چون علی مطهری بود.

جالب این که علی مطهری نیز جزو سهمیه احمدی‌نژاد برای فهرست انتخاباتی جبهه متحد اصولگرایان بود.

حلقه احمدی‌نژاد رفتار زیگزاگی مشابهی نیز با کسانی چون مرحوم هاشمی رفسنجانی و سید حسن خمینی داشته‌اند؛

زمانی، احمدی‌نژاد بیشترین مجادلات و خصومت‌های دوطرفه را با هاشمی داشت اما پس از رد صلاحیت مشایی و هاشمی در انتخابات 92، پیشنهاد اعتراض هماهنگ و مشترک را به هاشمی داد.

همچنین اگرچه احمدی‌نژاد و سید حسن خمینی درگیری‌های متعدد از جمله در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) داشتند، اما سیدحسن یکی از دفاتر فعالیت احمدی‌نژاد و اطرافیانش را در شمال شهر تهران تأمین کرده است.

اسرائیل شامیر در صفحه فیس بوکش نوشت؛

دستگیری خاندان پادشاهی و برخی بازرگانان در عربستان و نیز ماجرای حریري بخاطر نزدیکي به ایران

شامیر می افزاید: آنچه در این میان اتفاق افتاد، این بود که آژانس امنیت ملی آمریکا، مذاکرات این افراد و سعد حریری را شنود کرده و آن را در اختیار محمد بن سلمان گذاشته است. شامیرهمچنین می افزاید، جراد کوشنر، داماد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، کسی بود که این شواهد را در اختیار ولیعهد عربستان گذاشت و در گفت وگوی طولانی که تا اوایل صبح هم ادامه داشت، او را به انجام چنین برخوردهایی متقاعد کرد.

کد خبر:۷۴۸۷۹۳
تاریخ انتشار:۲۹ آبان ۱۳۹۶ - ۰۹:۲۳20 November 2017

داستان بازداشت شاهزاده ها و بازرگانان سعودی توسط محمد بن سلمان، ولیعهد کنونی عربستان سعودی، از آن دست اتفاقاتی بود که به دلیل بسته بودن محیط رسانه ای عربستان سعودی، هر کسی ماجرایی از آن، برای خود تعریف می کند؛ اما روز گذشته، اسرائیل شامیر نویسنده یهودی، داستان مهیج تری از این اتفاق را در صفحه فیس بوک خودش گزارش داده است.

به گزارش «تابناک»؛ وی در صفحه فیس بوکش نوشته، تمام افرادی که بازداشت شده اند، کسانی بوده اند که به دنبال سازش با ایران و در تلاش برای ایجاد صلحی فراگیر در خاورمیانه بوده اند و رابط این افراد با حکومت ایران نیز، شخص سعد حریری، نخست وزیر لبنان بوده است.

بر اساس این گزارش، شامیر می افزاید: شامیر می افزاید: آنچه در این میان اتفاق افتاد، این بود که آژانس امنیت ملی آمریکا، مذاکرات این افراد و سعد حریری را شنود کرده و آن را در اختیار محمد بن سلمان گذاشته است. شامیرهمچنین می افزاید، جراد کوشنر، داماد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، کسی بود که این شواهد را در اختیار ولیعهد عربستان گذاشت و در گفت وگوی طولانی که تا اوایل صبح هم ادامه داشت، او را به انجام چنین برخوردهایی متقاعد کرد که لازم است، با این افراد برخورد کند و در نهایت روز بعد، ولیعهد عربستان همه این افراد و البته سعد حریری را به نوعی بازداشت کرد.

این نویسنده می افزاید: سعد حریری به سرعت به ریاض فراخوانده شد و در آنجا وسایل ارتباطی از او گرفته و نطق استعفایش را برای او آماده کردند تا در تلویزیون العربیه بخواند. بدین ترتیب هم صحنه قدرت در عربستان سعودی به نفع بن سلمان یکپارچه شد و طرفداران صلح در منطقه در عربستان سعودی در محدودیت گرفتار شدند و هم فضا در عربستان سعودی به نفع اعراب تندرو و اسرائیل مساعد گشت.

فارغ از درستی یا نادرستی، ادعای اسرائیل شامیر، آنچه عملا به عنوان نتایج تحولات اخیر در عربستان به چشم می خورد، اولا تحکیم قدرت بن سلمان در این کشور و تضعیف حداکثری رقبا و مخالفان وی است؛ همکاری و همراهی با ایران هم که این روزها بهترین بهانه برای بسط اقتدارگرایی در همه کشورهای عربی در خاورمیانه است و از سویی دیگر نتیجه دیگر تحولات عربستان، تقویت افراط گرایان در این کشور، همراستا با سایر افراط گرایان عرب و البته رژیم صهیونیستی است.

فرهاد تجری در گفت و گو با تابناک؛

سرپل ذهاب دیگر جایی برای زندگی ندارد/ مردم سرپل ذهاب باید به شهرهای مجاور بروند

این نماینده مجلس گفت: آخرین وضعیت در این منطقه به این شکل است که هم اکنون بحث چادر و اسکان اضطراری به پایان رسیده و باید به فکر اسکان موقت باشیم؛ البته در بخش روستایی، برخی اقتضائات وجود دارد و در بخش شهری هم برخی اقتضائات دیگر.

وی ادامه داد: شهر سرپل ذهاب به کلی ویران شده و ساختمان های باقی مانده نیز استحکام لازم را ندارند؛ بنابراین، از آنجا که جایی هم وجود ندارد تا این مردم بتوانند آن را اجاره کنند، باید یا به شهرهای مجاور بروند و یا به مرکز استان هجوم آورند؛ بنابراین، انتظار می رود که اسکان موقت به سرعت انجام شود تا این مردم بتوانند به سمت ساخت و ساز پیش بروند. البته این هم زمان زیادی می برد و باید تسهیلات ویژه ای در اختیار مردم این نقاط قرار داد تا بتوانند از این وضعیت خلاص شوند.

آغاز به کار قطار سریع السیر مکه تا مدینه

به گفته مقامات عربستانی ظرفیت جابجایی مسافر با قطار بین حرمین شریفین در آینده به ۶۰ میلیون نفر در سال خواهد رسید که اکثر آنها را حجاج و عمره گزاران و زائران تشکیل خواهند داد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

با حضور خالد الفیصل امیر مکه و معاونش عبدالله بن بندر قطار مکه به مدینه آغاز به کار کرد.

به گزارش «انتخاب»؛ نخستین حرکت آزمایشی قطار سریع السیر بین حرمین مکه و مدینه با حضور امیر مکه، وزیر حمل و نقل و شماری دیگر از مقامات عربستان صورت گرفت.

با راه اندازی قطار سریع السیر حرمین، فاصله مدینه تا مکه به دو ساعت و نیم کاهش خواهد یافت.

این پروژه شامل احداث بیش از ۴۵۰ کیلومتر خط آهن الکتریکی میان مکه مکرمه و مدینه منوره و مجهز به سیستم پیشرفته ارتباطی و تامین قطارهای سریع السیر با جدیدترین فناوری‌های روز در قطارهای جهان است.

مقامات سعودی اعلام کردند که قطار الحرمین در سال ۲۰۱۸ و پس از تکمیل جوانب ایمنی و رفاهی آن به بهره‌برداری کامل خواهد رسید. این قطار بر اساس استانداردهای بین‌المللی از ایمنی بالایی برخوردار است و تمامی وسایل رفاهی در آن در نظر گرفته شده است.

این قطار شامل ۵ ایستگاه است که از مکه مکرمه آغاز و پس از عبور از جده و شهر اقتصادی ملک عبدالله به شهر مدینه منوره می رسد. این مسیر در ۱۵۰ دقیقه طی می‌شود که پیشتر بیش از ۷ ساعت طول می‌کشید.

به گفته مقامات عربستانی ظرفیت جابجایی مسافر با قطار بین حرمین شریفین در آینده به ۶۰ میلیون نفر در سال خواهد رسید که اکثر آنها را حجاج و عمره گزاران و زائران تشکیل خواهند داد.

مسئولان این پروژه در این باره تاکید کردند: قطار حرمین از بهترین قطارهای جهان به شمار می‌رود و روند جابجایی مسافران و زائران بین این دو شهر مقدس را تسهیل بخشد.












خروج
Way Out



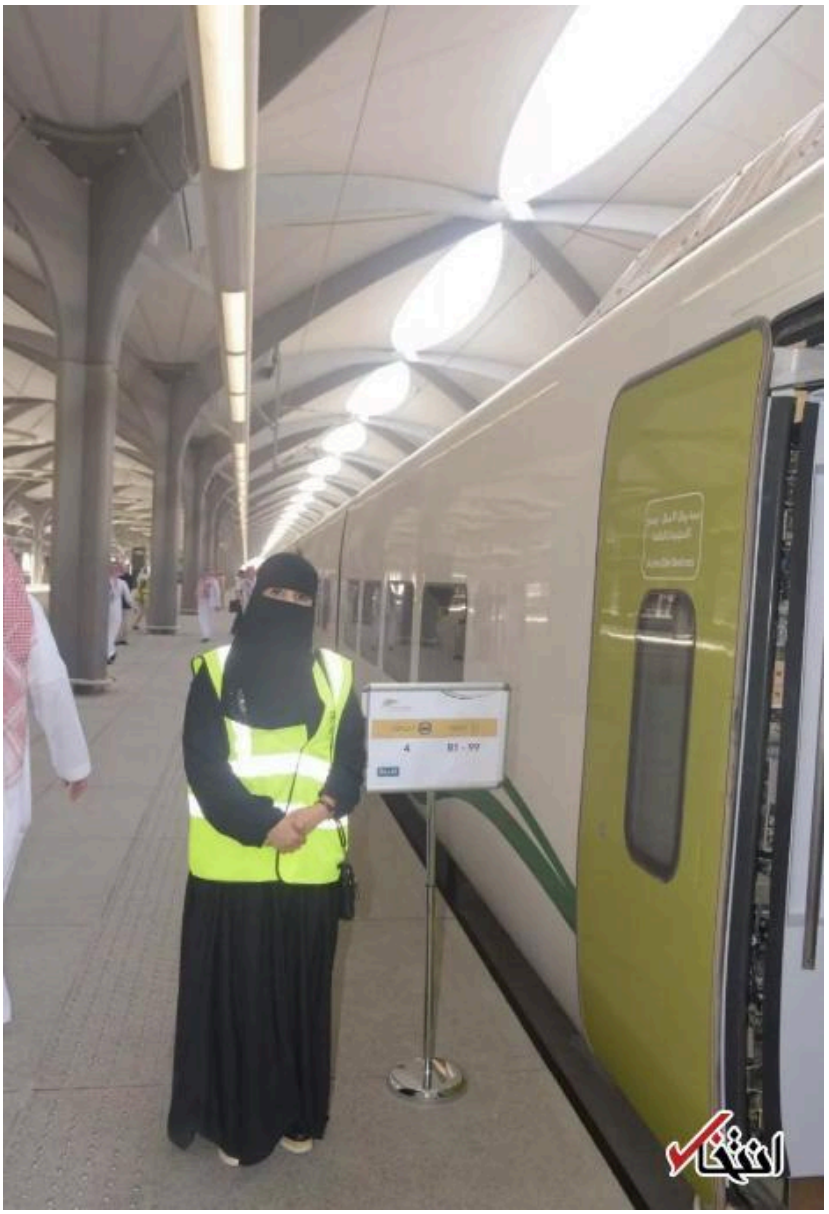


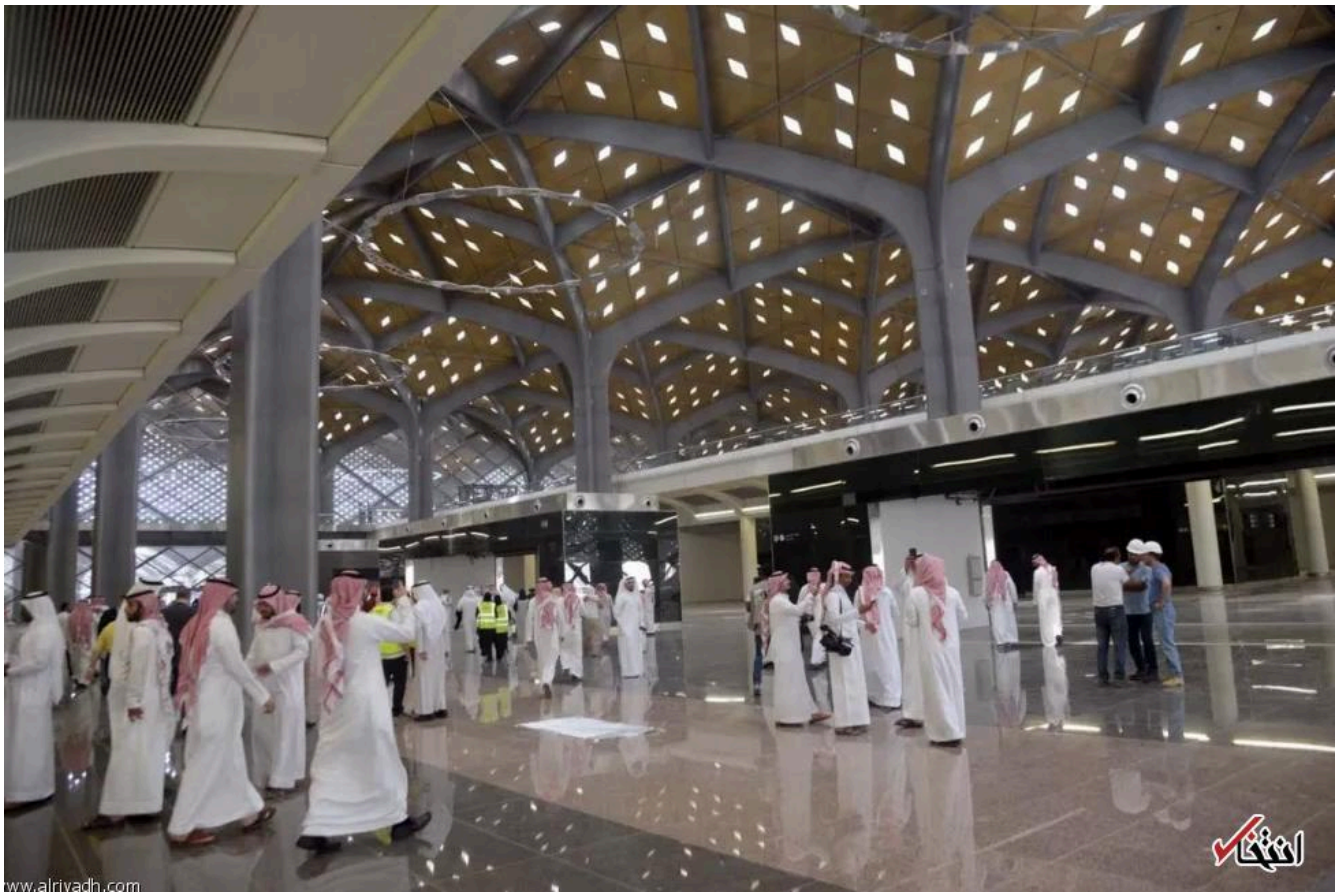

BUSINESS
قطار الحرمين السريع
HARAMAIN HIGH SPEED RAILWAY
VISION
رحلة صاحب السمو الملكي الأمير خالد الفيصل
٢٠١٧/١١/٢٠ | ١٠:٤٥ | جدة → مكة المكرمة | ٢٠١٧/١١/٢٠ | ١١:٣٥
FROM → TO
20 NOV 2017 | 10:45 | JEDDAH → MAKKAH | 20 NOV 2017 | 11:35
TICKET | CLASS | TRAIN NUMBER | COACH | SEAT
Single | Business | 0101 | 1 | 13
Welcome Aboard!
SAR
أهلا وسهلا
His Royal Highness Prince Khalid Al Faisal





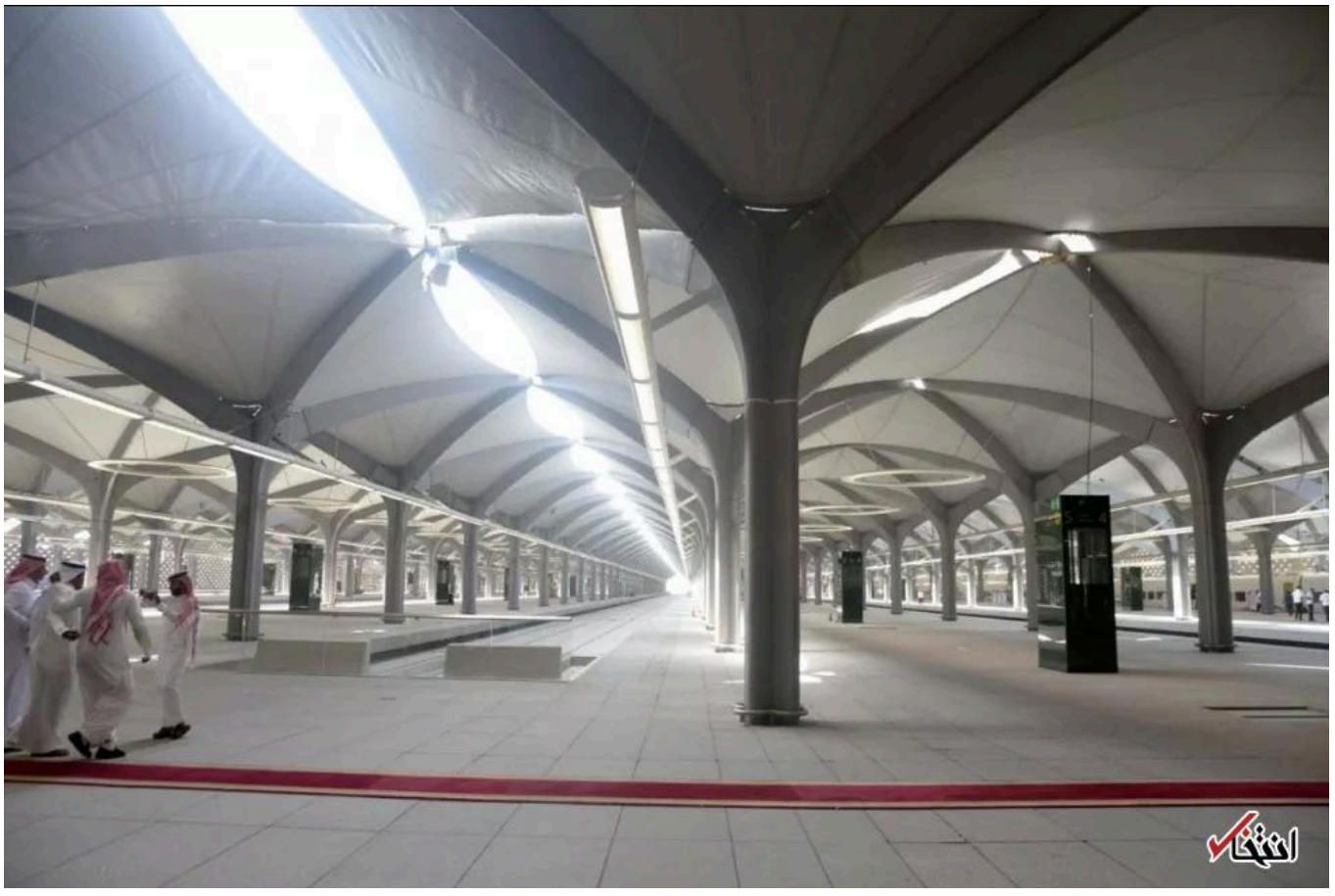





www.alriyadh.com







نوبخت: انتقاد به مسکن مهر سرپل ذهاب باید انجام می‌شد؛ این انتقاد به پیمانکار است نه دولت قبل/ اینکه به هر انتقاد دولت برچسب سیاسی کاری بخورد درست نیست

سخنگوی دولت پایان داعش را به نیروهای مسلح عراق و سوریه، حشدالشعبی و مستشاران ایرانی علی الخصوص سردار سلیمانی تبریک گفت.
سخنگوی دولت با اشاره به اینکه انتقاد رئیس‌جمهور از مسکن مهر سر پل ذهاب به‌جا و به حق بود، گفت: نباید هر انتقاد دولت را به معنای سیاسی کاری تلقی کنند.

به گزارش تیک ؛ محمدباقر نوبخت صبح امروز (سه‌شنبه) در نشست خبری خود درباره واکنش‌ها به انتقاد رئیس‌جمهور از مسکن مهر سر پل ذهاب اظهار کرد: تخریب مسکن مهر در اثر زلزله بیشتر از سایر ساختمان‌ها بود.برخی ساختمان‌ها که در مسیر گسل هم بودند آسیب جدی ندیدند. مسلما برای هر دلسوزی این سوال پیش می آید که چرا مسکن مهر اینگونه تخریب شد؟ آیا نمی شد از این خسارات پیشگیری کرد؟

وی در ادامه افزود: طبیعی است که برای رئیس‌جمهور این سوال پیش آید که چرا خسارات مسکن مهر زیاد است.البته همه مسکن‌های مهر سراسر کشور را یک پیمانکار نساخته است و نمی توانیم بگوییم که مسکن مهر سراسر کشور مشکل دارد. نباید برای مردم احساس ناامنی ایجاد کنیم، ولی باید مسکن مهر بازبینی شود. موضع رئیس‌جمهور به حق و به جا بود و نباید هر انتقادی که دولت می کند برچسب سیاسی خورده و تخطئه شود.

نوبخت با بیان اینکه انتقاد دولت به پیمانکار بر می گردد نه دولت قبلی خاطر نشان کرد: اگر این انتقاد مطرح نمی شود در واقع به معنای آسان گذشتن دولت از این موضوع مهم بود. البته این انتقاد سیاسی نبود. این انتقاد به کیفیت پایین مسکن مهر سر پل ذهاب بود نه به مسکن مهر کل کشور. باید همه مسکن مهر سراسر کشور و حتی سایر مسکن‌ها بازبینی شوند.

نوبخت همچنین درباره اقدامات دولت برای جبران خسارات مردم در مناطق زلزله‌زده گفت: دولت 281 میلیارد تومان برای اسکان موقت، ترمیم و مرمت خانه‌ها و احداث و بازسازی واحدهای صد در صد تخریب شده به صورت بلاعوض و 659 میلیارد تومان به صورت تسهیلات ارزان قیمت پرداخت می کند که تخصیص بودجه آن هم داده شده است تا این تسهیلات به چهار هزار و 500 خانوار شهری و 11 هزار خانوار روستایی برسد.

همکاری چینی‌ها برای توسعه پالایشگاه آبادان قطعی شد/ مذاکره با ژاپنی‌ها، ترکیه‌ای‌ها، قطری‌ها و عمانی‌ها

بزرگترین سرمایه‌گذاری‌خارجی ایران بعد از توافق هسته‌ای و برگ‌برنده در جنگ‌نفتی با ترامپ

سینوپک چین قراردادی ۲.۷میلیارد دلاری را با شرکت ملی نفت ایران در ماه ژانویه امضا کرد تا واحدهای تولید بنزین با کیفیت بالا در ایران ایجاد کند. همچنین شرکت ژاپنی Marubeni فعال در حوزه انرژی و JGC Corp نیز در گفت‌وگوهای جداگانه‌ای با طرف ایرانی بوده‌اند. گفته شده است که شرکت‌های ترکیه‌ای، قطری و عمانی نیز در گفت‌وگو با مقام‌های محلی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی و گازی ایران بوده‌اند. /این سیلوها می‌توانند به ایران در جنگ با ترامپ کمک کنند و از لحاظ استراتژیک مهم محسوب می‌شوند.

آفتاب‌نیوز :

سرویس اقتصادی- شبکه خبری «بلومبرگ» در گزارشی اشاره می‌کند که ایران در حال نوسازی و بهره‌برداری از قدیمی‌ترین پالایشگاه نفت در آبادان است. سیلوهای غول‌پیکر و زرد و خاکی‌رنگی که علامت گلوله‌باران در دهه ۸۰ میلادی از دوران جنگ ایران و عراق نیز بر روی آن‌ها دیده می‌شوند نشانه‌ای از درگیری حال حاضر آن هم از نوع اقتصادی برای ایران هستند اما این سیلوها می‌توانند به ایران در جنگ با ترامپ کمک کنند و از لحاظ استراتژیک مهم محسوب می‌شوند.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، بلومبرگ می‌نویسد با کمک چین، هدف ایران این است که پالایشگاه آبادان که یک قرن از عمر آن می‌گذرد به منبعی مهم برای درآمدزایی دولت تبدیل شود.



این شبکه خبری می‌افزاید: هدف آن است که این پالایشگاه جنگ‌زده یکی از اصلی‌ترین تولیدکنندگان سوخت کربنی ایران باشد تا دیگر آن کشور متکی به واردات این نوع سوخت نباشد. اظهارات اخیر ترامپ در مورد برنامه هسته‌ای ایران و برجام سبب شده تا ایران بار دیگر به این فوریت پی ببرد که بایستی منابع پتروشیمی و نفتی خود را مورد بهره‌برداری قرار دهد. ایران با کمک چینی‌ها می‌خواهد کیفیت سوخت را با استفاده از پالایشگاه آبادان بهتر کند و وابستگی به واردات سوخت را کاهش دهد.

رییس سابق امور نفت و گاز خزر در وزارت نفت ایران در این‌باره می‌گوید که با موضع اخیر ترامپ دولت ایران باید منابع خود را جمع‌آوری کرده و سیاستگذاری ملی‌ای را در حوزه انرژی در سطح کلان تعریف کند. این موضوع اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد توجه دولت ایران است. او می‌گوید سرمایه‌گذاری برای پالایشگاه آبادان بسیار مهم است و برای اقتصاد ایران در سطح کلان دارای اهمیت استراتژیک است.

بلومبگر در ادامه اشاره می‌کند که سینوپک چین قراردادی ۲.۷میلیارد دلاری را با شرکت ملی نفت ایران در ماه ژانویه امضا کرد تا واحدهای تولید بنزین با کیفیت بالا در ایران ایجاد کند. همچنین شرکت ژاپنی Marubeni فعال

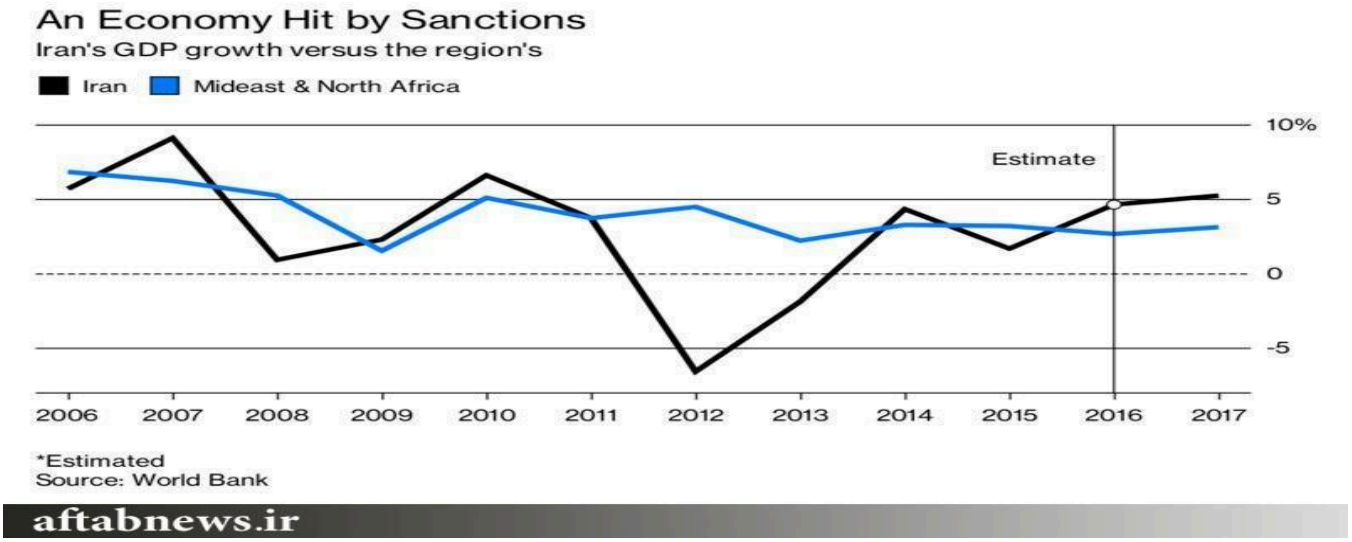
در حوزه انرژی و JGC Corp نیز در گفت‌وگوهای جداگانه‌ای با طرف ایرانی بوده‌اند. گفته شده است که شرکت‌های ترکیه‌ای، قطری و عمانی نیز در گفت‌وگو با مقام‌های محلی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی و گازی ایران بوده‌اند.



بلومبرگ می‌نویسد این بزرگترین سرمایه‌گذاری خارجی از دوران لغو تحریم‌ها پس از برجام به این سو بوده است. نوسازی و بازسازی کل پالایشگاه ظرف چهار تا پنج سال آینده صورت خواهد گرفت.

ایران به طور متوسط روزانه ۱۰ میلیون بنزین وارد می‌کند تا تقاضای مصرف‌کنندگان را پاسخگو باشد و در برنامه تازه خود می‌خواهد محصولات سوختی با کیفیت پایین را کاهش دهد. «جان استورات» تحلیلگر حوزه انرژی در شرکت مشاوره «وود مکنزی» می‌گوید: «ایرن بدنبال رهبری سایر بازیگران منطقه‌ای است و تلاش می‌کند تا مقدار زیادی از منابع هیدروکربنی خود را استخراج کند. این کیفیت سوخت تولید شده را به میزان قابل ملاحظه‌ای متفاوت از گذشته خواهد ساخت».

این شبکه خبری اشاره می‌کند که تولید نفت ایران پس از لغو تحریم‌ها به دنبال برجام به بالاترین میزان خود از سال ۲۰۱۰ میلادی به این سوء رسیده است. با این حال، آن کشور هنوز تولید کافی بنزین نداشته است. با لغو تحریم‌ها در ژانویه ۲۰۱۶، روحانی به دنبال توسعه سریع پالایشگاه ستاره خلیج فارس توسط قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء تحت مدیریت سپاه و همچنین تجدید پالایشگاه آبادان بوده است.

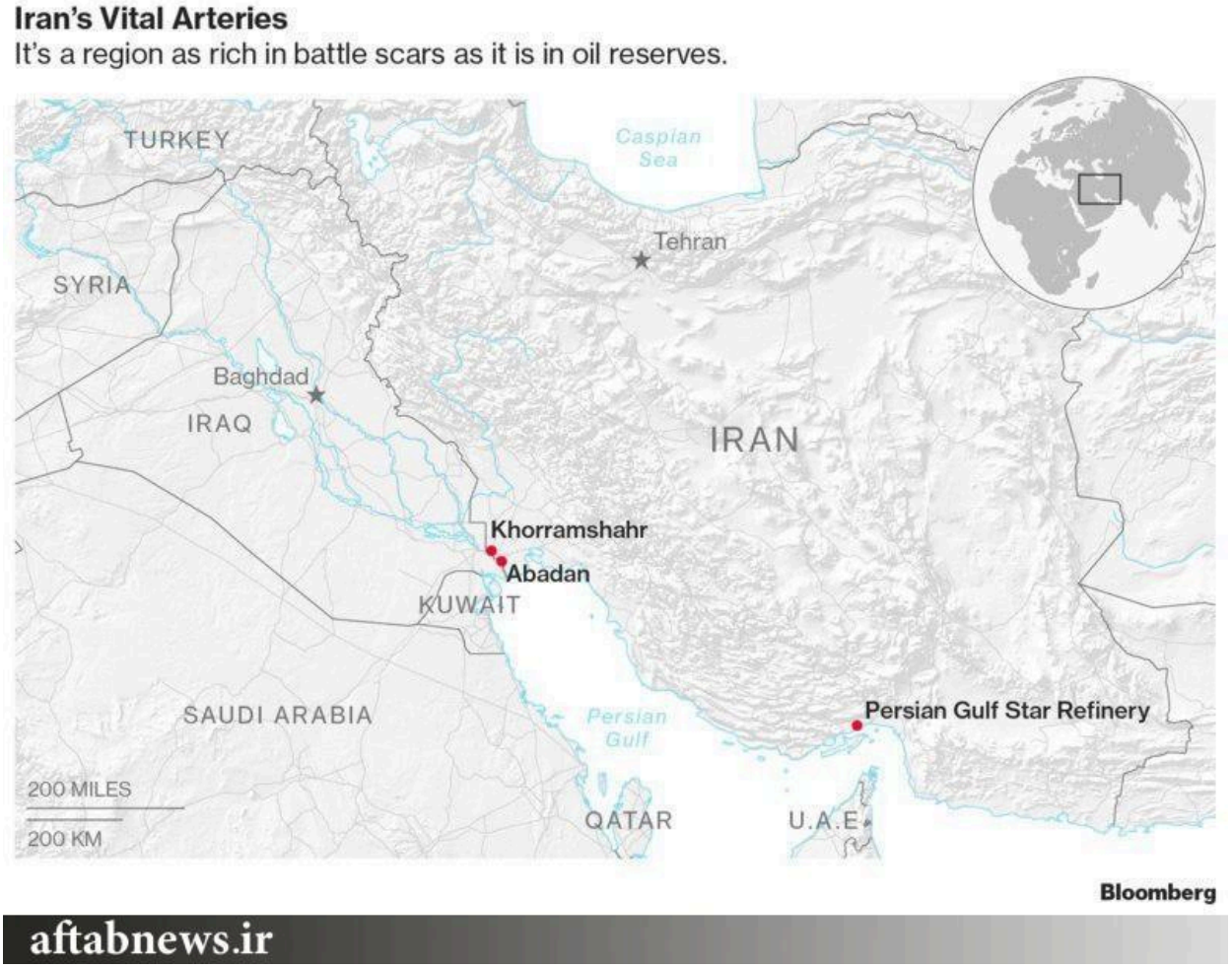


بلومبرگ اشاره می‌کند که پالایشگاه آبادان تاریخ غنی‌ای دارد و سابقه آن به پیش از سال ۱۹۱۲ میلادی باز می‌گردد زمانی که شرکت نفت انگلو - پرشین به رهبری برتیش پترولیوم آن را تکمیل کرد و به منبع اصلی تامین سوخت برای نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا تبدیل شد. دولت ایران در سال ۱۹۵۱ میلادی کنترل آن مرکز را در دست گرفت. از آن زمان آنجا مرکز مورد توجه آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها برای بازگشت‌شان به منظور کنترل بر صنعت نفت ایران بود. دو سال پس از آن کودتایی در ایران روی داد. این پالایشگاه موتور محرکه اصلی برای اقتصاد ایران بود و روزانه ۶۵۰ هزار بشکه تولید داشت. پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ میلادی و تهاجم عراق که طولانی‌ترین درگیری در طول قرن بیستم بود آن پالایشگاه به شدت هدف حملات عراقی‌ها قرار گرفت. آبادان در حال حاضر ۳۸۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌کند و ۴۰ درصد از سوخت با کیفیت پایین که به عنوان مازوت شناخته می‌شود را به خود اختصاص داده است. برنامه هدف‌گذاری‌شده رساندن تولید آن پالایشگاه به ۵۴۰ هزار بشکه در روز و حذف کامل مازوت از آن است».



عبدالله نورانی آن روزها و پالایشگاه آبادان را به یاد می‌آورد. او در گذشته یک افسر جوان ارتش بود. او می‌گوید دو شرط مهم پیشرفت اقتصادی، پالایشگاه نفت و بنادر و خطوط حمل و نقل هستند. او می‌افزاید: «اما متاسفانه ما هنوز به سطح ۴۰ سال پیش هم نرسیده‌ایم».

بلومبرگ می‌نویسد بخشی از توسعه پالایشگاه آبادان پیش از پیروزی انقلاب توسط پیمانکاران بریتانیایی و امریکایی صورت گرفت. همچنین هنوز هم تلفن‌های آلمانی با شماره‌های چرخشی در اتاق‌های کنترل آن پالایشگاه وجود دارند و نماد سازنده برتیانیایی جرثقیل «هربرت موریس» را می‌توان بر روی تیرهای فولادی مشاهده کرد. در فاصله کوتاهی از پالایشگاه پیش از انقلاب هتلی رو به دریاچه ساخته شده بود که برای سرگرمی کارگران نفتی بریتانیایی و ایرانی کاربرد داشت و اکنون بوروکرات‌ها و اقتصاددانان دولتی در آنجا سکونت دارند و در تلاش برای جذب سرمایه به خرمشهر و آبادان هستند. همچنین، مناطق آزاد تجاری اروند بخشی از اصلاحات اقتصادی آن منطقه هستند و یکی از شش منطقه بدون مالیات ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خواهد بود. معاون سرمایه‌گذاری در سازمان منطقه آزاد اروند می‌گوید که هر روز با سرمایه‌گذاران خارجی برای جذب سرمایه گفت‌وگو می کند. او می‌گوید: «در حال ساخت شهری برای پیمانکاران چینی هستیم و با لهستانی‌ها و آلمانی‌ها و دیگر شرکت‌های اروپایی صحبت می‌کنم. هنوز فاصله زیادی داریم تا آبادان که به عنوان پیشتاز شهرهای مدرن ایران بوده است را به نقطه هدف برسانیم اما تغییرات محسوسی در چند سال اخیر در آن شهر روی داده‌اند».



aftabnews.ir

نگرانی از روابط کوشنر و محمد بن‌سلمان

افشاگری گاردین و ایندیپندنت از یک "دوستی‌شوم" و بزرگترین خطر برای خاورمیانه

گاردین و ایندیپندنت دو نشریه مطرح بریتانیایی در مطالب تازه‌ای به اتحاد ایجاد شده میان شاهزاده «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی و «جارد کوشنر» داماد دونالد ترامپ رییس‌جمهوری امریکا و خطر این موضوع برای خاورمیانه پرداخته‌اند.

آفتاب‌نیوز :

سرویس بین الملل-«گاردین» در سرمقاله خود می‌نویسد:«علیرغم آن که یمن در گرسنگی دست و پا می‌زند و تحت حملات ریاض قرار دارد ترامپ بیش از پیش به عربستان نزدیک می‌شود.

به گزارش **آفتاب نیوز**، محمد بن سلمان مرد جوان و عجولی است. جارد کوشنر مشاور ترامپ نیز همین خصوصیت را دارد. ترکیب آن دو با هم می‌تواند خطرناک باشد. این دو مرد به دوستان یکدیگر تبدیل شده‌اند. کوشنر ۳۶ ساله در اکتبر سال جاری سومین سفر خود را به عربستان سعودی انجام داد. او با سلمان ۳۲ ساله صحبت‌های بسیاری داشت. مدت کوتاهی پس از دیدار آن دو با یکدیگر سه اتفاق افتاد: سلمان شروع به پاکسازی گسترده‌ای از میان رقبای سلطنتی کرد، او کودتایی خاموش را در لبنان راه‌اندازی کرد و نیروهای مسلح سعودی یمن را محاصره کردند و بنادر و مسیرهای هوایی، دریایب و زمینی آن را علیرغم فاجعه انسانی که جان یمنی‌ها را تهدید می‌کند، بستند.



اما ترامپ هیچ انتقادی از عربستان سعودی نکرد و در عوض برای پاکسازی‌ها، او را در پیامی توئیتری ستود. پیوند میان کوشنر و محمد بن سلمان سبب افزایش نگرانی میان دیپلمات‌ها آمریکایی و مقامهای نظامی آمریکا شده است. این که ترامپ می‌خواهد سیاست خارجی امریکا را در چه مسیری قرار دهد به خود او مربوط است اما تبعات بی‌ثبات‌سازی منطقه برای همگان است و مسئله‌ای مربوط به همه است. نتیجه اقدامات عربستان سعودی در یمن یکی از فقیرترین کشورهای جهان گسترش خشونت، بیماری و سوء تغذیه مردم بوده است».

گاردین می‌افزاید: «ترس و وحشت عربستان سعودی از رقیب بزرگ منطقه‌ای خود ایران در قلب محاسبات و اشتباهات سلمان در سیاست خارجی است و زنگ خطری برای متحدان غربی و خریداران نفت و تامین کنندگان تسلیحات است. رکس تیلرسون پس از مجبور شدن حریری به استعفا از نخست‌وزیری لبنان هشدار داد که لبنان نباید به محلی برای مناقشات نیابتی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شود. انتقادهای مکرر او در قبال ریاض و تهران بوده است. فرانسه و آلمان نیز درباره افزایش بی‌ثباتی در منطقه ابراز خطر کرده‌اند. بریتانیا نیز در اقدامی غیرمنتظره خواستار اجازه دادن عربستان به یمن برای دسترسی سریع به منابع مالی و انسانی شد. این غیرمعمول بود چرا که معمولا بریتانیا و ریاض روابط نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. البته ممکن است بوریس جانسون انگیزه‌های پنهانی داشته باشد او قرار است بزودی به تهران سفر کند تا درباره موضوع نازنین زاغری، شهروند بریتانیایی بازداشتی در ایران صحبت کند و احتمالا این موضع انتقادی را علیه عربستان پیش از سفر خود به ایران با انگیزه‌های سیاسی اتخاذ کرده است».

گاردین در پایان می‌نویسد: «عربستان سعودی نه تنها از جانب ایران تحت فشار است بلکه با معضلاتی چون

کاهش درآمدهای نفتی و سرمایه ملی و افزایش تقاضای اصلاحات دست و پنجه نرم می‌کند. تغییرات بزرگ بدون شک ضروری هستند اما رفتار سلمان نگران‌کننده است به خصوص آنکه ترامپ او را همراهی می‌کند».

در واشنگتن برای جنگ با ایران تلاش مشابهی در حال انجام است

«پاتریک کاکبرن» خبرنگار باسابقه روزنامه بریتانیایی «ایندیپندنت» نیز در مطلبی با مضمونی مشابه اشاره می‌کند که امروز بزرگترین تهدید برای خاورمیانه اتحاد جارد کوشنر داماد ترامپ و محمد بن سلمان ولیعهد جوان سال عربستان سعودی است. همان گونه که نئومحافظه‌کاران و راست‌گرایان در سال ۲۰۰۳ میلادی برای جنگ با عراق و آغاز یک دوئل با یکدیگر متحد شدند، می‌بینیم که در واشنگتن نیز برای جنگ با ایران تلاش مشابهی در حال انجام است و این اتحاد قوی‌تر از هر زمان دیگری است.

کاکبرن که به طور مداوم به منطقه سفر می‌کند می‌نویسد: «من روز یکشنبه گذشته در هتل سعدون بغداد بودم در حالی که دیوارها و کف اتاق شروع به لرزش کردند. در مورد شانس برقراری ثبات در عراق می‌نوشتم! زمین‌لرزه اما بسیار شدید بود و من را تکان داد. اول به اشتباه فکر کردم که باید انفجاری عظیم سبب تکان خوردن همه چیز شده باشد. اما بعد فهمیدم زمین‌لرزه بوده است.

من هرگز فکر نمی‌کردم که بغداد در منطقه زلزله‌خیز باشد. ابتدا به زیر میز رفتم و پس از آن به سمت حمام شروع به خزیدن کردم. امن‌ترین مکان احتمالی در صورت انفجار یک بمب و فکر می‌کنم که امن‌ترین مکان در صورت بروز زمین‌لرزه در آن اتاق نیز همانجا بود. پس از اتمام لرزش به لپ‌تاپم برگشتم و توئیت‌های هشداردهنده را دیدم. زلزله‌ای معادل ۷.۳ ریشتر آمده بود. در عراق تنها ۹ نفر فوت کرده بودند اما آسیب‌ها در ایران فاجعه‌بار بود و بیش از ۵۰۰ تن جان خود را از دست داده بودند.

در زمان‌های قدیم یک زلزله علامت شومی به شمار می‌آمد: یک هشدار درباره فرارسیدن رویدادهای بد. شکسپیر نیز در این باره کم نگفته است گفته که در دوران ترور و خشونت و شکست زلزله‌هایی روی داده‌اند. این موضوع درباره عراق صدق نمی‌کند. اکنون دولت مرکزی قوی‌تر از گذشته شده است، داعش را پس از محاصره‌ای ۹ ماهه در موصل شکست داده است و از طریق مسالمت‌آمیز موضوع جدا شدن احتمالی کردستان عراق را تقریبا فیصله داد و بار دیگر کنترل کرکوک را در دست گرفته است».

کاکبرن در ادامه اشاره می‌کند با این حال، خطر واقعی برای صلح از ترکیبی از اتحاد سه‌گانه به گوش می‌رسد: محمد بن سلمان شاهزاده سعودی، جارد کوشنر داماد ترامپ و نماینده او در خاورمیانه و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل. او می‌افزاید: «احتمالا سعودی‌ها و امریکایی‌ها درباره تمایل اسرائیل به جنگ اغراق می‌کنند. نتانیاهو همیشه در مورد جنگ لفاظی کرده است اما در مورد درگیری واقعی نظامی محتاط است. به جز در غزه که بیش از جنگ دست به کشتار عمومی زده است. در مورد قدرت نظامی ارتش اسرائیل بیشتر اغراق می‌شود. آن ارتش از سال ۱۹۷۳ میلادی به این سو به طور جدی در جنگی پیروز نشده است. رویارویی‌های قبلی این ارتش با حزب‌الله لبنان بسیار بد بوده‌اند. ژنرال‌های اسرائیلی می‌دانند که تهدید به اقدام نظامی می‌تواند موثرتر از ورود جدی اسرائیل به جنگی واقعی باشد چرا که جنگ به معنای از دست دادن کنترل وضعیت خواهد بود».

کاکبرن اما اشاره می‌کند که حتی اگر اسرائیل قصد نداشته باشد با حزب الله یا ایران مقابله کند این بدان معنا نیست که دیگران نیز دوست ندارند که اسرائیل این کار را برای‌شان انجام دهد. او می‌نویسد: «حیدر العبادی اخیرا به من گفت که بزرگترین ترس او از درگیری احتمالی میان امریکا و عراق است. این می‌تواند به طور مستقیم یا از طریق نیروهای نیابتی باشد اما در هر دو مورد صلح شکننده کنونی را به پایان خواهد رساند. از نگاهی خوش‌بینانه سیاست امریکا در عراق و سوریه عمدتا توسط پنتاگون و نه کاخ سفید اداره می‌شود و از زمان اوباما تاکنون تغییر زیادی نکرده است. پنتاگون توانسته داعش را با موفقیت از بین ببرد. جنگ در عراق و سوریه برنده و بازنده داشته است: اسد در سوریه هم چنان در قدرت است و دولت شیعه در بغداد نیز به قدرت خود ادامه می دهد.

امروز خطر بزرگ در خاورمیانه این است که شاهزاده بن سلمان و جارد کوشنر ظاهرا درک غلطی از جهان اطراف‌شان دارند. واقعیت آن است که ایران تصمیم گرفته تا از رویارویی با امریکا خودداری کند. در عراق گزارش شده که ایران از انتخاب مجدد عبادی به عنوان نخست وزیر حمایت خواهد کرد همان چیزی که امریکا می‌خواهد. ایران می‌داند که در عراق و سوریه به اندازه کافی موفق شده است.

هیچ‌کس از جنگ و درگیری در خاورمیانه سود نمی‌برد اما جنگ‌ها معمولا توسط کسانی به راه می‌افتند که قدرت محاسبه درست منافع خود و زیان‌شان را ندارند. اکنون نوعی تفکر نومحافظه‌کارانه و راست‌گرایانه بر

امریکا و عربستان سعودی حاکم شده است مانند وضعیت مشابه ۲۰۰۳ در زمان حمله به عراق».

در زلزله 1357 طبس: شاه با خوشحالی به خواهرش گفت چقدر کشته شدند؟

زمین‌لرزه مخرب طبس در بیست و پنجم شهریور ماه سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد/ بنا بر برخی آمار، ۲۵هزار نفر را به کام مرگ کشاند؛ آن هم در شهرستانی که ۳۵هزار نفر بیشتر جمعیت نداشت. / **زمان زلزله :** حدود ساعت ۱۹ و ۳۶ دقیقه (بعدازظهر ۲۵) شهریور ماه سال ۱۳۵۷ ماه مبارك رمضان شب نیمه ماه هنکام افطار و ماه در کسوف کامل. / خسارت‌های عمده این زمین‌لرزه۷/۴ ریشتری در شعاع ۳۰ کیلومتری طبس بود که این زمین‌لرزه حتی در تهران به فاصله مستقیم ۵۴۰ کیلومتر و در مشهد به فاصله مستقیم ۳۸۰ کیلومتر نیز احساس شد / و شهری باستانی با قدمت ۴هزار ساله با خاک یکسان شد و تمام مکان‌های تاریخی شهر به کلی ویران گشت؛ زلزله‌ای مهیب که هنوز آثارش در برخی از نقاط طبس بزرگ دیده می‌شود. / **پیامدهای اجتماعی زلزله** زلزله‌های شدید و مرگبار همواره با تبعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی گوناگونی همراهند ولی رخداد زلزله ویرانگر طبس خصوصا در کوران مبارزات انقلاب اسلامی، پیامدها و حاشیه‌های بیشتری را به همراه داشت و زمان بازسازی زلزله طبس نیز به زمان اوج انقلاب اسلامی و سپس، برقراری دولت موقت و سال‌های اول انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی مربوط شد. در چنین شرایطی و بر پایه گزارش‌های موجود بازسازی کامل شهر طبس عملا تا سال ۱۳۶۱ و در زمانی که کشور در گیر جنگ تحمیلی هم شده بود، طول کشید. همه اینها موجب شد که زلزله طبس و بازماندگان آنها در شرایط بدی هم از نظر رخداد ناگهانی این سانحه مهم قرار گیرند و هم به دلیل موقعیت خاص سیاسی کشور، بازسازی این شهر جزو اولویت‌های اصلی قرار نگیرد. قابل ذکر است؛ در بازسازی طبس، چهره شهر کاملا تغییر یافت و امروزه متاسفانه اثری از میراث تاریخی و فرهنگی گذشته طبس جز در عکسها و یادهای مردمان بازمانده از زلزله باقی نمانده است. ولی قطعا مهمترین سرمایه ای که از بین رفت، جان اکثریت قاطع شهروندان طبس و هم میهنان عزیزمان بود که در سالروز وقوع آن به روان همه آنها درود می‌فرستیم.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

کیهان نوشت: چند روزی است که از زلزله کرمانشاه می‌گذرد و قلب مردم ایران داغدار است؛ اما در همین چند روز اخیر و در شبکه‌های اجتماعی به خصوص تلگرام، تصویری منتشر شده که حاکی از حضور محمدرضا پهلوی به همراه فرح دیبا در میان مردم زلزله‌زده طبس در سال 1357 است و به واسطه همین عکس، این چنین القا می‌کنند که شاه در زلزله طبس میان مردم رفت اما اصل ماجرا چه بوده است؟

بعد از حادثه خونین هفده شهریور پنجاه و هفت و کشتار گسترده مردم تهران در میدان شهدا (ژاله سابق)، رژیم پهلوی با انتقادات و مشکلات گسترده‌ای روبرو می‌شود به نحوی که هیچکس از درون رژیم مسئولیت حادثه هفدهم شهریور را قبول نمی‌کند، در همین اثنا، زلزله طبس در بیست و پنجم شهریور اتفاق می‌افتد و بهترین فرصت برای رژیم پهلوی در جهت سرگرم کردن انقلابیون و مردم خشمگین به وجود می‌آید، اما اینکه شاه و دربار پهلوی چه استفاده از زلزله طبس کردند و چه تفکری درباره کشته شدن مردم ایران در زلزله طبس داشتند، موضوعی است که باید به آن اشاره شود.

«آلبرتو بلیجی» یکی از روزنامه‌نگارانی که شرحی درباره زندگی اشرف نوشته، در قسمتی از شرح حال اشرف، در کتاب «زندگی و عیاشی‌های اشرف» درباره گفت‌وگوی وی با محمدرضا درباره زلزله طبس اشاره می‌کند. بلیجی در ادامه از شادی «اشرف» از وقوع زلزله در «طبس» خبر می‌دهد و نوار مکالمه «اشرف» و «محمدرضا» که از طریق رابط خود در ساواک به دست آورده را بازگو می‌کند، جایی که اشرف در کمال شقاوت و بی‌رحمی حادثه زلزله طبس را به برادر تاجدارش تبریک می‌گوید:

«اشرف: داداش من برای شما یک خبر خوب دارم، یک مژده...

شاه: چیه این خبر؟ چی شده؟!

اشرف: (با هیجان) زلزله اومده، طبس با خاک یکسان شده...

شاه (با تعجب): این که مژده نداره!

اشرف: چرا مژده نداره داداش؟! کشتار آنقدر زیاده که هم مذهبی‌ها و هم کمونیست‌ها چه بخواهند چه نخواهند باید به آنها برسند...

شاه (کمی خوشحال): مگر چقدر کشته شدند؟

اشرف: خیلی، خیلی زیاد (با هیجان) داداش تو خوشحال نیستی؟

شاه (مأیوس): نه گمان نمی‌کنم با خبر این زلزله شورش متوقف بشه... ولی تو راست میگی، زلزله همه رو مشغول

می‌کنه، ما می‌تونیم فوری دست به کار بشیم.
اشرف (با خوشحالی): دیدی گفتم داداش...
شاه: خبر کی به تو رسید؟

اشرف (با هیجان): همین الان، مژده هم دادم، شما هم باید به من مژدگانی بدهید.»
بعد از این خبر بود که محمدرضا شاه بعد از اعلام عزای عمومی همراه با دوربین‌های تلویزیونی به طبس رفت تا علاوه بر گمراه ساختن افکارعمومی، با نمایش صحنه‌های تلویزیونی دلجویی از زلزله‌زدگان، ضلع سوم مثلث شوم خود یعنی تزویر را نیز تکمیل نماید و مردم را برای مدتی از تظاهرات انقلابی منصرف کند و فرصتی برای تجدید قوا و تجدید آرایش سیاسی - نظامی فراهم نماید.
اما مراجع تقلید مشهد و تهران و قم و اصفهان و سایر بلاد از همان ابتدای انتشار خبر زلزله مهمترین ستادهای امداد را تشکیل داده و طبق رویه آن زمان که مردم با مراجع تقلید مرتبط بودند و در این مواقع کلیه امدادها و کمکها را از طریق ایشان مي رساندند به كمك مردم طبس شتافتند، حتی فرزند برومند آیت الله کلبایکاني و رئیس دفتر و مؤسسات خیریه و علمیه ایشان در راه امداه زلزله زدکان طبس جان باخت حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - پس از این اقدام رژیم، از نجف پیامی صادر نموده و ضمن احساس همدردی با زلزله‌زدگان و فراخوان جهت کمک به آنها، به افشای ماهیت رژیم شاه پرداختند.
علما، روحانیون و مردم مبارز هم بلافاصله پس از زلزله در راه کمک‌رسانی به هموطنان زلزله‌زده‌شان قدم گذاشتند. علما با انتشار اطلاعیه‌هایی به همدردی با اهالی جنوب خراسان پرداختند و با اعلام شماره حساب‌هایی (مثل حکومت) از مردم خواستند که کمک‌های خود را از این طریق به دست نیازمندان برسانند. به این‌ها اعزام هیات‌هایی از سوی علما برای کمک به زلزله‌زدگان را هم اضافه کنید. آیات عظام شیرازی، گلپایگانی، شریعتمداری، آشتیانی و قمی نمونه‌ای از علمای فعال در این زمینه بودند. جالب است که از شهرهای دور و نزدیک به خصوص شهرهای نزدیک طبس بسیاری از مردم به محض شنیدن خبر زلزله از طریق منابعی مثل مساجد، کمر همت بستند و عازم آن شهر شدند.
جالب است که رسانه‌های خارجی هم روحانیون را نخستین گروه‌هایی خوانده‌اند که برای کمک‌رسانی عازم طبس شدند. حتی آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلیس نیز در خاطرات خود به نقش فعال روحانیون و دانشجویان مشهدی و دیگر داوطلبان مخالف رژیم در کمک به زلزله‌زدگان و تامین مایحتاج آن‌ها اشاره کرده است.[۱۱]
۱۱- غرور و سقوط، سر آنتونی پارسونز، ترجمه: دکتر منوچهر راستین، انتشارات هفته، ص ۱۲۲

غلامحسين سلاميان كه در زمان وقوع زلزله طبس جوان 20 ساله اي بود در گفت وگو با ما، خاطرات خود را از آن شب به يادماندني و پرالتهاب اينطور بازگو مي كند؛
بنده حقير نيز در زمره اين عزيزان هستم كه در روز 25 شهريور مطابق با 14 شوال در حالي كه دو هفته از ماه مبارك رمضان سپري شده بود غم بزرگي را در عنفوان جواني در حاليكه 20 سال بيشتر نداشتم با تمام وجود لمس كردم. زيرا در آن روز من كليه عزيزانم را از جمله پدر، مادر، برادر و خواهرانم و چندين نفر از اقوام نزديك حدود 97 نفر را در آن شب هنگاميكه بايد نور ماه چراغي براي روشن كردن خرابه ها مي شد تا مردم بازمانده بتوانند عزيزان خود را از ميان خروارها خشت و خاك پيدا كنند و مجروحين را نجات دهند ماه هم نقاب بر چهره گرفت و در ماه گرفتگي كامل غم مضاعفي بر دل همه گذاشت آنچه كه

براي من به عنوان يك درس بزرگ و نشانه اي از عظمت و قدرت لايزال الهي بود حوادثي بود كه در آن شب ظلماني اتفاق افتاد.
نجات كودك 3 ساله اي بود كه به لطف خدا پس از 72 ساعت زنده از زير خروارها خاك بيرون آورده شد.

(انشاي يك نوجوان شاهد صحنه كه در آن سال شرح واقعه را در انشای مدرسه اش نوشته)

بنام خدا موضوع انشا : تابستان را چگونه گذراندید ؟

تابستان سال 57 من کلاس چهارم دبستان را در بیرجند تمام کرده بودم بعد از تعطیل شدن مدرسه حدودا" تیر ماه بود که برای گذراندن تعطیلات به طبس رفتیم. آن سالها بدلیل شغل پدرم ، در بیرجند زندگی میکردیم و هر ساله تقریبا" اغلب تعطیلات را مخصوصا" عید نوروز و تابستان را به همراه خانواده به طبس می رفتیم ودر منزل خودمان واقع در میدان شاه آن زمان ایام را سپری میکردیم . شمال ما باغ گلشن طبس و دریای ما هم استخر آب روستاهای اطراف بود. .برادرم و خواهرم دوران دبیرستان خود را در طبس میگذراندند تا مادر بزرگ تنها نباشد . تابستان 57 خیلی قشنگ آغاز شد شاید زیبایی اش برای من این بود که وقتی به طبس رسیدیم پدرم به خاطر موفقیت در امتحانات برایم دوچرخه خریده بودند ، یادش بخیر آقای ضرابی یک کلام دوچرخه را با 320 تومان به پدرم فروخت ، مغازه ایشان دقیقا" کنار ساختمان مخابرات قبل از زلزله و دیوار به دیوار خانه ما بود ، و به عبارتی پشت مغازه های مسگر ها. هی .. یادش بخیر که چه صفایی داشت ، صبح زود صدای چکش مسگر ها بلند میشد و تا غروب ادامه داشت ، مخصوصا" تابستانها که بچه مدرسه ایها هرکدام قلم و چکشی بدست می گرفتند تا هم مشغول باشند و هم با حکاکی در سینی های مسین یادی از خود بجای گذاشته باشند .
شبهای باغ گلشن واقعا" زیبا بود ، اصلا آدم باور نمی کرد که در کویر است ،... بگذریم روزها می گذشت و می گذشت و ما باید با نزدیک شدن مدارس دوباره به بیرجند برمی گشتم ، روز 20 شهریور پدرم از بیرجند به طبس آمدند تا باتفاق به بیرجند برگردیم ، چند روزی بیشتر تا اول مهر باقی نمانده بود گفتتند سری به اقوام بزنیم و کم کم آماده برگشتن شویم ، حدودا" صبح روز 24 شهریور بود که برای خداحافظی از اقوام ساکن در اطرف طبس، از شهر خارج شدیم ، غافل از اینکه باید با طبسی های و فامیل ساکن در طبس خداحافظی کنیم ، مخصوصا" دختر عمه ام که آن روز اصرار داشت با ما همسفر شود ، ولی نشد ، های های گریه میکرد که دایی جان من هم می خواهم با شما بیایم . هیچ نمی دانستیم دیگر هیچوقت او را و حتی چهره معصومش را نخواهیم دیدید .... مادرش میگفت فردا، دایی بر میگردند و قرار است به امام زاده برویم (امام زاده حسین بن موسی الکاظم) . به هر حال فردای آن روز با اصرار مادرم به طبس برنگشتیم، روز 25 شهریور قرار بود شام را در روستا و در نزد عموی مادرم باشیم که با اصرار ایشان حدود ساعت 5 غروب بود که به منزل ایشان رفتیم. هوا واقعا" گرم بود و از هر روز شاید گرمتر بود بر خلاف سایر روزها که اغلب طوفانی بود آن روز اصلا" طوفانی در کار نبود و روی همین اصل فرشی در ایوان پهن کردیم ومشغول صحبت بودیم دقایقی از ساعت 7 گذاشته بود ، آن وقتها در روستاها برق نبود و سر شب باید چراغهای توری را پر نفت می کردند که تا آخر شب که شب نشینی طول میکشید (به قول طبسی ها چراغانی) چراغ توری ، تاب آورد ، چراغ توری را تازه آماده کردند و آویزان بر زنجیر بلندی که به همین منظور از سقف بلند ایوان آویزان شده بود. هوا رفته رفته تاریک می شد ، در طبس ، چه در روستا ها و چه در شهر اغلب مردم معمولا چند

تا مرغ و خروس و مرغابی و بو قلمون داشتند ، منازل اغلب بزرگ با حیاطهای بزرگ و حوض آبی هم در وسط حیاط بود که در آن ماهی نگهداری می شد.ما بچه ها در حیاط بازی میکردیم ناگهان فکر کردم چیزی در آب حوض افتاد ، و به سمت دریاچه رفتیم ماهی ها به سطح آب آمده بودند و هراسان بودند همزمان صدای بوقلمون ها پیشی گرفته بود و در پی آن سایر ماکیان همصدا شده بودند و بال بال میزدند و بی تابی می کردند. ، تقریبا" در چند لحظه ظاهرا" این صدا از تمام روستا بگوش میرسید ، خفاشها به طرز عجیبی از این طرف به آن طرف و از آن طرف به این طرف در پرواز بودند ، البته همه این اتفاقات شاید یک تا دو دقیقه شاید هم کمتر طول کشید ، خیلی دقت نداشتیم ، ولی آنقدر موضوع غیر عادی بود که توجه همه جلب شده بود. ناگهان یکی از بستگان که تجربه تلخ زلزله فردوس را به خاطر داشت فریا زد چراغ توری دارد تکان میخورد ممکن است زلزله باشد ، دقیقا" خاطرم هست هنوز هیچ کس هیچ عکس العمل خاصی را نشان نداد ه بود که صدای کوبید ه ای (مثل جسم سنگینی که از پشت بام می افتد) فضا را پر کرد و زمین به شدت شروع به تکان خوردن کرد ، چراغی که آویزان بود ابتدا حالت پاندولی داشت و لی در یک لحظه حا لت تقریبا" چرخشی بخود گرفته بود ، زلزله فرا رسید تقریبا" رو طاقچه ها واقعا" چیزی نماند و آنچه بر آن نهاده بودیم بر زمین افتاد. سبوهای آب که بر دیوارها تکیه داده شده بود افتاد و شکست ، ایوانها ترک برداشت ولی هنوز از طبس خبری نبود ، حدود ساعت 9 بود که یکی از اقوام که جان سالم از زلزله طبس بدر برده بود ، سراسیمه وارد شد ...و فریاد زد .. طبس...طبس..... و شروع کرد به فریاد و ناله و در جایش نشست... که ... همه مردند.... همه رفتند... طبس خراب شد..... راستش در آن لحظه فقط گریه و ناله ....بود ... پدرم فورا" جوانها را جمع کردند و گفتند سریعا" هرچه بیل و کلنگ و چراغ قوه دارید با خودتان بر دارید .تا برویم . یادم هست چندین دبه 20 لیتری هم آب برداشتیم و تقریبا" وانت پراز نیروی کمکی به راه افتایم هرچه به طبس نزدیکتر می شدیم موضوع را بیشتر حس می کردیم..پسلرزه ها ی زلزله کاملا" واضح بود چندین بار ماشین از جاده منحرف شد .... من خودم که حتی پسلرزه های 2 سال بعد زلزله طبس را شاهد بودم و در منطقه قاینات (زلزله زیرکوه 1378) هم حضور داشتم .. چنان پسلرزه های را ندیدم ... مثل آدمی که تب لرز دارد ،واقعا" زمین میلرزید ..... 40 یا 50 دقیقه طول کشید که به طبس رسیدم، شهر در غبار و تاریکی بود ... فریاد و فغان همه جا را پر کرده بود.....البته هنوز دیوارهایی بر جا بود که بعدا" و در اثر پس لزره ها خراب شد... خیابان باغ گلشن تقریبا" مسدود بود ، هیچ جایی قابل شناسایی نبود ، بیشتر از روی درختها و آب انبارها می شد حدود آدرس را پیدا کرد. آب انبارها آگر چه آسیب دیده بود ولی پا برجا مانده بود ..... منزلمان که ادرس کاملا سر راستی داشت و دور میدان مرکزی شهر بود را با زحمت پیدا کردیم .... صدای ناله اجازه نمی داد از کجا شروع کنیم ..... دقایقی بعد از کند و کاو پیکر مادر بزرگم را یافتیم ، خدایش رحمت کند ...لحظات سختی بود .... تا صبح کند و کاو ادامه داشت مرده و زنده ...از زیر خروارها خاک بیرون کشیده میشدند.....زمین حرارت داشت شب طوفانی شده بود و ماه گرفتگی بر شدت تاریکی و غربت افزوده بود..... دوست داشتیم به هر ناله ای پاسخ بدهیم ولی واقعا" امکان ناپذیر بود.... دیوارهای گلین و پهن بر سر هر جنبنده ای فرود آمده بود در اولین لحظات او را به دیار ابدی فرستاد و آنان که فریاد داشتند یا آنان بودند که

در سردابها (زیرزمین) بودند و یا آنان بودند که در مسیرهای رفت و آمد تقریبا" آوار کمتری را تحمل می کردند .....صبح نزدیک می شد و با طلوع فجر خرابی طبس نمایانتر می شد.....نزدیک صبح بود که پس از تلاش فراوان پیکر دیگر بستگان هم تقریبا بدست آمد ، اغلب جنازه ها فقط از روی لباس شناخته می شدند و گرنه قابل شناسایی نبودند.....شاید اولین گروههایی که به امام زاده رسیدیم ما بودیم ..... تا مکانی را برای دفن اجساد بیابیم ....زمین طبس که قبلا" با بیل دستی قابل حفر بود ، آن روز با کلنگ کنده نمی شد ، گویی خاک غربال شده را غلطک کوبی نموده بودند..... به همین دلیل اغلب جنازه ها در گورستانهای جمعی دفن شد که به ماشین های سنگین حفر شده بود . ..... باد سرد صبحگاهی کویر، بوی مرگ طبس را به چهار سوی عالم برد و روز بعد رادیو با اعلام خبر زلزله طبس، مردمی را روانه طبس نمود تا به فر یاد آسیب دیدگان برسند..... اگرچه افرادی حتی تا روزهای بعد از زلزله از مرگ نجات یافتند ولی تقریبا" بسیاری از ساکنان طبس در اولین دقایق جان باختند ..... و چه راست می گفت عمه ام که فردا قرار است همه با هم به امام زاده برویم .....روحشان شاد و یادشان گرامی باد

....اگرچه از آن صبح سالیان سال میگذرد ... امام زاده بازسازی شد و شهر عوض شد ولی چهره به خاک خفته طبس در آن روز برای بازماندگان زلزله فراموش نشدنی است... طبس را اگر هزاران بار زیباتر از قبل بسازند بازهم برای طبسیها ،آن طبس نمی شود



دو برادر روحانی که لباسها را از تن خارج کرده و به کفن، نماز و دفن جنازه ها میپردازند

TABAS -IRAN

زلزله طبس- شهریور ۱۳۵۷

www.tabasenc.ir
Tabas Encyclopedia
طبس گلشن دانشنامه



TABAS -IRAN

زلزله طبس- شهریور ۱۳۵۷

www.tabasenc.ir
Tabas Encyclopedia
طبس گلشن دانشنامه

تخريب ساختمانهاي سقف تخت و تير آهني و سالم ماندن بافت معماري كهن و طاقهای اجري كنبدي




www.Tabasenc.ir
فیلمی کامل از زلزله 25 شهریور 1357 طبس گلشن
01:04
00:51 / 06:30


Photo:
TABAS-IRAN
حلوان - طبس - ایران
www.tabasenc.ir
Tabas Encyclopedia
طبس گلشن
دانشنامه



Photo:

TABAS-IRAN

اصفهک- طبس - ایران

www.tabasenc.ir
Tabas Encyclopedia



Photo:

TABAS-IRAN

اصفهک- طبس - ایران

www.tabasenc.ir
Tabas Encyclopedia



همه ديوارهای ساخت جديد ويران شده! اما ديوارطولاني قديمي سمت جب تصوير بابرجاست!! و قسمت مياني كه در دوران جديد ترميم شده بود ويران كشته است!!!



همه اب انبارها باقي مانده بود و طاقهای اجري كهن نجات يافته و تنها خسارت جزيي ديده بود، البته خانه های خشتي سقف تخت و نيز كنبدي غيراصولي ويران شده بود و مثل ساختمانهای كهن آجري و با معماري اصولي نبود

اشنايي با معماري كهن طبس

http://anthropology.tabasenc.ir/?cat=66

همين تفاوتها سبب توجه بسياري از مهندسان محقق همچون بروفسور نادرخليلي كشت و مطالعه روي سازه های كهن به عنوان مقاوم در برابر زلزله را شروع كردند

آیا زلزله طبس به دفن زباله های هسته ای ربطی دارد ؟

در کتاب خاطرات ایت الله سیدمحمد خامنه ای[برادر مقام معظم رهبری] چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران آمده است :

"زلزله ی شدیدی رخ داد. به دنبال آن، چند نفر از آنجا به ما نامه نوشتند که این زلزله نبوده بلکه انفجار مربوط به زباله های اتمی ای بوده که آمریکایی ها و شاید اسراییل آنها را در حوالی شهر دفن می کردند. نحوه ی تخریب شهر شباهتی به زلزله نداشت و صدای زیاد و شعله ایجاد کرده بود.

علاوه بر آن عده ای آمریکایی آمده و آنجا مقیم شده بودند و محموله هایی را می آوردند و در فلان محل در طبس دفن می کردند. به احتمال قوی، این محموله ها زباله ها و زایده های اتمی بوده که منشا انفجار شد. آنها حتی دلیل می آوردند که آمریکایی ها مدت کوتاهی پیش از وقوع حادثه سوار ماشین هایشان شده و به شهر دیگری رفتند. اعمال و قراین دیگری هم بود از

جمله سوختگی هایی که به برخی افراد در روز حادثه عارض شده بود و می گفتند از آثار رادیواکتیو است.

کنار مطالب بالا به مطالب دیگری از منابع دیگر نیز برخورد می کنیم از آن جمله:

در گزارشی مربوط به سه روز بعد از زلزله از قول یکی از علمای تبریز، آیت الله محمدعلی قاضی طباطبایی آمده: «از آن موقع که زباله‌های اتمی ۳۳ کشور دنیا را در کویر لوت و اطراف طبس دفن کردند، آنجا مرتبا زلزله می‌شود، چون همان زباله‌ها منفجر می‌شوند. قبل از آن هم یک شهر چند هزار نفری را به کشتن دادند. این‌ها در نتیجه خیانت‌های آن‌ها است و بعدا اعلام می‌کنند اینجا سابقه زلزله وجود دارد، در صورتی که سابقه زلزله از همان روزی است که زباله‌های اتمی را آنجا دفن کرده‌اند.» منبع: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج۱۱، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۳۷۹

در متن گزارشی مربوط به اوایل آذرماه سال ۱۳۵۷، درباره دفن زباله‌های اتمی در کویر ایران که عنوان «جامعه روحانیت طبس» در پایین آن به چشم می‌خورد، خطاب به امام به همین موضوع پرداخته شده: «همان گونه که مستحضر هستید در حدود یک سال قبل، ایران یک قرارداد اتمی با کشورهای امپریالیستی سوئد، آلمان غربی، آمریکا و اتریش به امضا رساند که بر اساس آن غربی‌ها بتوانند زباله‌های اتمی خود را در کویر مرکزی ایران دفن کنند. در رابطه با این موضوع یک شرکت خارجی در تاریخ ۱۸ فروردین سال ۵۷ در طبس و اطراف آن مشغول به کار شد... همه چیز عادی بود تا آنکه شامگاه شنبه ۲۵ شهریورماه پیش آمد که ناگهان در ساعت ۷/۵ به فاصله دو ثانیه طبس و توابع آن با خاک یکسان شد و ۲۷ هزار نفر انسان مظلوم حاشیه کویر قربانی یک توطئه بین‌المللی شدند. مردم طبس معتقدند که این حادثه یک حادثه طبیعی نبوده و بر اثر یک آزمایش اتمی [که] در کویر ایران انجام شده صورت گرفته است...»

- منبع:اسناد انقلاب اسلامی، ج۴، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۶۷۰ و ۶۷۱.

رویای زندگی درمریخ به تاریخ پیوست؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

مریخ محیطی بسیار خشک و بدون رطوبت دارد و اگر چه ممکن است میلیون‌ها سال پیش یک اقیانوس سراسری در آن موجود بوده باشد .

مطالعات جدید سازمان فضایی آمریکا(ناسا) حاکی از آن است رگه‌های تیره‌رنگی که در سطح مریخ دیده می‌شوند نمی‌توانند ارتباطی با وجود آب در گذشته این سیاره داشته باشند.

مریخ محیطی بسیار خشک و بدون رطوبت دارد و اگر چه ممکن است میلیون‌ها سال پیش یک اقیانوس سراسری در آن موجود بوده باشد اما امروزه مقداری آب و یخ ممکن است در زیر سطح قطب‌های آن وجود داشته باشد.

در سال 2011 مدارگرد ناسا در مریخ رگه‌های تاریکی از گرد و غبار را در مریخ مشاهده کرد که در تابستان ایجاد شده و در زمستان محو می‌شوند و محققان در آن زمان دلیل این پدیده را نفوذ جریان‌های آب می‌دانستند اما بررسی‌های جدید ناسا نشان می‌دهد که این پدیده ارتباطی با نفوذ آب ندارد.

هزاران نمونه از این رگه‌های تیره در مریخ مشاهده شده است. این علامت‌ها در فصل بهار در اواخر مارس به صورت صخره‌ای سنگی ظاهر می شوند و طی ماه‌های گرمتر و با گرم‌تر شدن هوا این رگه ها فشرده تر می‌شوند تا زمانی که زمستان آنها را از بین ببرد و سال آینده مجددا این روند تکرار می‌شود.

رگه‌های مشابه در زمین همراه با آب آشامیدنی هستند و این مشابهت سبب شده بود که محققان این کشف را به عنوان نشانه‌ای روشن از وجود مواد مرطوب در سیاره سرخ بدانند.

مدارگرد ناسا در مریخ سال‌ها به بررسی این رگه‌ها پرداخته است اما بررسی‌های جدید حاکی از آن است که صرفا پستی و بلندی‌های شنی سبب ایجاد این رگه‌ها شده است.

"کالین داندس"(Colin Dundas) محقق ارشد این تحقیق گفت: ما تصور می‌کردیم که می‌توانیم در این قسمت‌ها می‌توانیم نشانه‌هایی از آب پیدا کنیم اما بررسی‌های جدید ما نشان می‌دهد که مریخ بسیار خشک‌تر از آن است که داده‌های پیشین نشان می‌داد.

محققان با شبیه‌سازی سه‌بعدی تصاویر ارسالی از مدارگرد مریخ از 10 منطقه مختلف در مریخ این پدیده را بررسی کرده‌اند و متوجه شده‌اند که این رگه‌ها همگی در دامنه‌هایی با شیب تندتر از 27 درجه ایجاد شده‌اند.

این موضوع نشان می‌دهد که اگر آب عامل ایجاد این رگه‌ها بود می‌بایست در زوایای با شیب کمتر نیز به چشم می‌خوردند اما این اتفاق رخ نداده است.

به گفته محققان این تحقیق مهمترین عامل ایجاد این رگه‌ها ماسه خشک است اما همچنان این نظریه نیز چالش‌هایی در برابر خود دارد از جمله اینکه چرا نظم ایجاد این خطوط همواره حفظ شده و اینکه چرا پس از تشکیل به شدت فشرده می‌شوند.

در حالی که گزارش تمام پاسخ‌ها را ندارد، برخی از توضیحات احتمالی را ارائه می‌دهد. نمک‌های هیدراته شده در شن و ماسه در این مناطق شناسایی شده و محققان معتقدند که این نمک‌ها می‌توانند خود را با جذب بخار آب در جو هیدراته کنند. این اتفاق باعث ایجاد قطرات کوچکی از آب نمکی می‌شود که می‌تواند این اشکال را ایجاد کند. تغییر مقدار آب در هوا با عوض شدن فصل‌ها، می‌تواند به توضیح چرخه کمک کند.

مطالعه نزدیک این خطوط می‌تواند به باز کردن رمز و رازهای مریخ کمک کند و به نوبه خود می‌تواند جزئیات مفیدی را برای مهاجران آینده و کاوشگران در سیاره سرخ افشا کند.

منبع: ایسنا

زلزله های شدید در 100 سال اخیر ایران

سال وقوع	شهر	شدت (ریشتر)	تلفات
1288	سیلاخور	7.4	8هزار کشته
1309	سلماس	7.4	2500 کشته
1339	لار	6.7	400کشته
1341	بوئین زهرا	7.2	10هزار کشته
1347	دشت بیاض و فردوس	7.4	10هزار و 500کشته
1351	قیر	6.9	4هزار کشته
1356	خورگو	7	128کشته
1357	طبس	7.8 -7.7	19 تا 25 هزار کشته
1358	قائن	7.1	130 کشته
1360	سیرچ	7.4	1300 کشته
1369	رودبار و منجیل	7.4	35هزار کشته
1376	بیرجند	7.3	1500
1381	آوج	6.6	–
1382	بم	6.6	26هزار کشته
1383	فیروزآباد	6.3	–
1383	زرند	6.4	612 کشته
1391	آذربایجان شرقی	6.2	306 کشته
1392	بوشهر	6.1	40 کشته
1392	منطقه فاقد سکنه در سراوان	7.7	1 کشته

مرگبارترین زلزله‌های تاریخ ایران

منبع : خبرگزاري كار ايران

۲۲ دسامبر سال ۸۵۶ میلادی برابر با 16ذ شعبان 242 هجری قمری، بزرگترین زلزله تاریخ ایران با ۷.۹ ریشتر در دامغان اتفاق افتاد. قربانیان این زلزله در متون تاریخی 200 هزار نفر ذکر شده‌اند.

۲۳ آگوست سال ۸۹۳ میلادی برابر با دوم جمادی‌الثانی 280 هجری قمری در اردبیل زلزله‌ای روی داد که۱۵۰ هزار قربانی گرفت. البته قدرت این زلزله ثبت نشده است.

1 سپتامبر 1962، 10 شهریور 1341 زلزله ای با قدرت 7.3 ریشتر در ساری رخ داد که در پی آن 294 روستا به کلی از بین رفت و 100هزار کشته برجا گذاشت.

21 اوت ۱۰۴۲ میلادی برابر با 25 ذی‌الحجه 421 هجری قمری در تبریز، زلزله‌ای با قدرت ۷.۶ ریشتر، ۴۰ هزار قربانی گرفت. ضمن اینکه ۱۸ نوامبر ۱۷۲۷ در همین شهر زلزله‌ای که قدرت آن ثبت نشده، ۷۷ هزار قربانی گرفت.

۷ ژوئن 1755 مصادف با 26 شعبان 1168 در کاشان زلزله‌ای روی داد که ۴۰ هزار کشته داد. قدرت این زلزله هم ثبت نشده است.

۲۳ ژانویه ۱۹۰۹، اول محرم 1327 در سیلاخور منطقه بروجرد زلزله‌ای با قدرت ۷.۳ ریشتر ۶ هزار قربانی گرفت.

10 ژوئیه 1909،21 جمادی الاول 1327 در نواحی مرکزی فلات ایران زلزله ای با قدرت7.3 ریشتر پنج هزار 500 قربانی بر جا گذاشت.

۲۵ مه ۱۹۲۳، 9 شوال 1341 در تربت حیدریه زلزله‌ای با قدرت 7.5 ریشتر، دو هزار و 200کشته برجای گذاشت.

اول مه 1929، 21 ذیقعده 1347 در نواحی غرب ایران زلزله‌ای با قدرت ۷.۴ ریشتر، 33 هزار و 30 قربانی گرفت.

۶ می 1930، 16 اردیبهشت 1309 هجری شمسی زلزله‌ای با قدرت ۷.۲ ریشتر در سلماس دو هزار و 500 کشته برجا گذاشت.

27 نوامبر 1945، 6 آذر 1324 زلزله ای با 8.2 ریشتر بلوچستان و سواحل شمالی دریای عمان را لرزاند. این زلزله حدود 4 هزار کشته داشت و بخش‌هایی از کراچی هند را هم لرزاند.

۵ اوت 1947، 13 مرداد 1326 در پانس بلوچستان ایران زلزله‌ای با قدرت ۷.۳ ریشتر ۵۰۰ قربانی گرفت.

۱۲ فوریه 1953، 23 بهمن 1331 تورود در نزدیکی دامغان زلزله‌ای با قدرت ۶.۵ ریشتر اتفاق افتاد که 970 قربانی داشت.

۲ فوریه 1957، 13 بهمن 1335 زلزله‌ای با قدرت 7.4 ریشتر در سراسر استان مازندران 2 هزار کشته برجا گذاشت.

۱۳ دسامبر 1957، 22 آذر 1336 در صحنه کرمانشاه زلزله ای با 7.3 ریشتر 2هزار قربانی گرفت.

آوریل 1960 در شهرستان لار زلزله ای که قدرت آن ثبت نشده به قوع پیوست که 450 قربانی نیز داشت.

سپتامبر ۱۹۶۲ در بوئین زهرا در نزدیکی تهران زلزله‌ای با قدرت ۷.۱ ریشتر بیش از 11 هزار قربانی داشت.

۱۰ فوریه سال ۱۹۶۵ در شهر بستان آباد، زلزله‌ای با قدرت ۵.۱ ریشتر ۲۰ قربانی گرفت.

۳۱ آگوست سال ۱۹۶۸ در شهر فردوس در استان خراسان رضوی، زلزله‌ای با قدرت ۷.۳ ریشتر حدود 10 هزار قربانی برجا گذاشت.

۱۰ آوریل ۱۹۷۲ زلزله‌ای با قدرت ۷.۱ ریشتر در جنوب ایران ۵۰۵۴ قربانی گرفت. این زمین‌لرزه موجب ویرانی 1000 کیلومتر مربع شد.

21 مارس سال 1977 زلزله‌ای در جنوب کشور با قدرت 6.9 ریشتر به وقوع پیوست. در پی این زمین‌لرزه 167 نفر کشته و 35 روستا ویران شدند. در منطقه بندرعباس 7000 نفر بی سرپناه شدند و نکته قابل تامل این که بعد از 90 دقیقه، پس لرزه‌ای با قدرت 6 ریشتر موجب ویرانی هرچه بیشتر منطقه شد.

آوریل سال 1977 زلزله‌ای در منطقه اصفهان رخ داد که شدت آن به ثبت نرسید و 900 کشته برجا گذاشت.

۱۶ سپتامبر ۱۹79 در شهر طبس زلزله‌ای با قدرت ۷.۸ ریشتر ۱۵ هزار قربانی گرفت.

۱۱ ژوئن سال ۱۹۸۱ در جنوب ایران (کرمان) زلزله‌ای با قدرت ۶.۹ ریشتر ۳ هزار قربانی گرفت.

۲۸ جولای سال ۱۹۸۱ در جنوب ایران (کرمان)، زلزله‌ای با قدرت ۷.۳ ریشتر 15 هزار نفر کشته داشت.

۲۰ ژوئن ۱۹۹۰ زلزله‌ای با قدرت ۷.۴ ریشتر در منجیل و رودبار همزمان با برگزاری رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۰، ۴۰ تا 50 هزار قربانی گرفت. در پی این زمین‌لرزه 60 هزار زخمی، 400 هزار نفر بی سرپناه در منجیل و رودبار برجا ماند و تقریبا تمام سازه‌ها از بین رفت.

در خلخال و نوشهر صدمات سنگینی به شهر وارد شد و در تهران نیز لرزه‌هایی محسوس بود. قدرت این زلزله 7.4 در مقیاس ریشتر بوده و حتی قسمت‌هایی از تبریز و اراک و مرزهای شمال غربی ایران و کشورهای همسایه لرزید.

متاسفانه پس لرزه‌ای که روز بعد از زمین لرزه با قدرت 5.3 ریشتر زمین را لرزاند سبب شد تا 20 تن از ساکنان شهر منجیل و لوشان کشته شوند.

28 فوریه سال ۱۹۹۷ زلزله اردبیل با قدرت 5.5 ریشتر ۱۱۰۰ قربانی گرفت.

۱۰ می سال ۱۹۹۷، در شهر بیرجند و قائن زلزله‌ای با قدرت 7.1 ریشتر 1613 قربانی گرفت.

۱۴ مارس سال ۱۹۹۸، در شهر گلباف کرمان زلزله‌ای با قدرت ۶.۶ ریشتر ۵ قربانی گرفت.

۲۲ ژوئن سال ۲۰۰۲ زلزله‌ای با قدرت ۶.۵ ریشتر در ابهر و غرب ایران 261 قربانی گرفت.

۲۶ دسامبر سال ۲۰۰۳ زلزله‌ای هولناک در بم با قدرت ۶.۶ ریشتر دست کم 40 هزار قربانی گرفت.

۲۸ می سال ۲۰۰۴ زلزله‌ای در استان مازندران، حد فاصل شهرهای فیروزآباد، کجور و مرزن آباد با قدرت ۶.۳ ریشتر دست کم ۳۵ قربانی گرفت. صدمات جانی و مالی این زمین لرزه محدود بوده و یکی از علل آن، تراکم کم جمعیت در پیرامون مرکز زمین لرزه است. لرزش ناشی از این رویداد در بخش‌های وسیعی از کشور حس شد؛ در تهران نیز مردم را دچار وحشت کرد.

۲۲ فوریه سال ۲۰۰۵ در شهر زرند زلزله‌ای با قدرت ۶.۴ ریشتر دست کم ۶۰۲ قربانی گرفت.

۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ در شهر قشم زلزله‌ای با قدرت ۶ ریشتر ۱۳ قربانی گرفت.

۳۱ مارس ۲۰۰۶ در شهر بروجرد زلزله‌ای با قدرت ۶.۱ ریشتر ۷۰ قربانی گرفت.

۱۰ سپتامبر سال ۲۰۰۸ زلزله ای با 6.1 ریشتر ۷ قربانی گرفت.

۲۷ آگوست ۲۰۱۰ در شهر دامغان زلزله ای با قدرت ۵.۹ ریشتر ۱۹ قربانی گرفت.

۲۰ دسامبر سال ۲۰۱۰، زلزله‌ای با قدرت ۶.۵ ریشتر در حسین‌آباد ۱۱ قربانی گرفت.

۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۱ زلزله‌ای با قدرت ۵.۳ ریشتر در شهر کهنوج، ۲ قربانی گرفت.

11 آگوست سال 2012 در استان آذربایجان غربی 3 زمین لرزه که بزرگ ترین آن 6.2 ریشتر قدرت داشت روی داد. در پی این زلزله 306 نفر کشته شدند.

"روح داعشی‌گری در برخی از ما وجود دارد"

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه داعش ابزار دست آمریکا، صهیونیسم و عربستان بوده گفت که امروز داعش رو به اضمحلال است ولی ممکن است روح داعشی‌گری در برخی از ما وجود داشته باشد.

آفتاب‌نیوز :

در یادداشت علی مطهری آمده است: اگر بخواهیم برای پیروزی نیروهای مقاومت اسلامی بر داعش نمونه‌ای در تاریخ پیدا کنیم، باید از پیروزی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بر خوارج یاد کنیم. زمانی که جنایت‌ها و خشونت‌های خوارج را در تاریخ می‌خواندیم با خود می‌گفتیم چگونه چنین افرادی با ادعای ایمان اسلامی در صدر اسلام پیدا شدند. پیدایش داعش در زمان ما ثابت کرد که استعداد پدید آمدن گروه‌هایی مثل خوارج همیشه وجود دارد. آنجا که جهالت توأم با خشکه‌مقدسی می‌شود و گروهی مقدس نادان پدید می‌آیند منافقان زیرک آنها را ابزار دست خود می‌سازند و به جنگ حق می‌آیند. داعش بدون تردید ابزار دست آمریکا و صهیونیسم و متأسفانه عربستان که اخیراً به دامان اسرائیل رفته است بود و هست. علی علیه‌السلام خوارج را چنین توصیف می‌کند:

«مردمی خشن، فاقد اندیشه عالی و احساسات لطیف. مردمی پست، برده‌صفت، اوباش که از هر گوشه‌ای جمع شده‌اند. اینها کسانی هستند که باید اول تعلیمات ببینند، آداب اسلامی به آنها تعلیم داده شود، در فرهنگ و ثقافت اسلامی خبرویت پیدا کنند. باید بر اینها قیّم حکومت کند.»

این توصیف بر خوارج امروز یعنی گروه داعش نیز صدق می‌کند. واقعاً نیاز به یک روان‌شناسی و تحقیق عمیق اعتقادی و روانی درباره این گروه است که چگونه تعداد قابل توجهی از جوانان کشورهای اسلامی به این گروه پیوستند و حاضر به فداکاری بودند به طوری که طبق گزارش سردار سلیمانی حدود شش هزار نفر از آنها در عملیات انتحاری، خود را منفجر کردند.

شهید آیت‌الله مطهری می‌گویند گروه خوارج منقرض شده ولی روح خارجی‌گری ممکن است در برخی از ما وجود داشته باشد. امروز نیز داعش رو به اضمحلال است ولی ممکن است روح داعشی‌گری در برخی از ما وجود داشته باشد.

منبع: ایسنا

حمله تند سعدحریری به روحانی و تمجید از عربستان و محمدبن‌سلمان

سعد حریری نخست وزیر لبنان که از ریاض اعلام استعفا کرد، در گفت‌وگو با مجله "الرجل" که به زودی متن کامل آن منتشر خواهد شد، بار دیگر به بدگویی از ایران و به ستایش عربستان پرداخت.

آفتاب‌نیوز :

سعد حریری در اظهارات خود علیه ایران مدعی شد، حسن روحانی کسی نیست که برای ما تصمیم بگیرد که چکار کنیم. ایران تلاش می‌کند قدرت خود را در منطقه نشان دهد و تبلیغاتی که ایرانی‌ها می‌کنند و خود را کسانی نشان می‌دهند که در سوریه قدرت دارند بخشی از این موضوع است اما این "تحکم" کجاست.

به گزارش آفتاب‌نیوز، او که امشب به بیروت بازمی‌گردد، گفت: زمانی که ایرانی‌ها با جان و دل از بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه دفاع می‌کردند، روسیه مداخله کرد. اگر روسیه نبود اسد سقوط می‌کرد.

وی در تملق از عربستان و ولیعهد آن گفت: محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی درایت دارد و کمتر رهبری در جهان چنین دیدگاه و درایتی دارد که چالش و مشکل را ببیند و در جهت رفع این چالش عمل کند.

حریری افزود: نسلی جوان را در عربستان خصوصا با محمد بن سلمان شاهد هستیم که برای اشاعه چنین امیدی تلاش می‌کند.

سعد حریری ادامه داد، رهبر و پیشوا نمی‌تواند ناامید باشد.
نخست وزیر مستعفی لبنان در ادامه گفت: ملک سلمان نیز حافظه خوبی دارد و هیچ چهره و اسمی را فراموش نمی‌کند. او نیز دیدگاهی برای توسعه ریاض به طور گسترده دارد و این کار را با جمع کردن میراث گذشته و نگاهش به آینده صورت می‌دهد. از این رو امروز شاهد دستاوردهایی هستیم که او زمانی که امیر ریاض بود، در سر می‌پروراند.

به نوشته خبرگزاری ایسنا، مجله الرجل مجله عربستانی و اولین مجله عربی تخصصی در زمینه مردان است.

بشارتهاي قلابي وزير ارتباطات (افزايش سرعت كاهش هزينه) سبب شد تا
عجله کاربران اینترنت برای تمدید سرویس‌های حجمی فعلی



تعرفه‌های اینترنت تا ۱۰ آذر تغییر می‌کنند و در فرصت باقی مانده بین کاربران عجله برای خرید یا تمدید سرویس حجمی دیده می‌شود.

به گزارش مشرق، چندی پیش وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از تعرفه‌های جدید اینترنت ثابت پرده برداشت و اعلام کرد: تغییر روش فروش اینترنت از حجمی به غیر حجمی و تعرفه‌های جدید تا پیش از دهم آذرماه اجرایی می‌شود.

از آخر دولت یازدهم برنامه جدی تغییر فروش اینترنت از حجمی به غیر حجمی در دستور کار است که هر بار ارائه تعرفه‌ها مورد اعتراض کاربران قرار می گرفت.

جدول آخرین تعرفه‌هایی که قرار است اجرایی شوند به‌شرح زیر است:

تعرفه ارائه خدمت دسترسی پرسرعت ثابت مبتنی بر سیم مسی (ADSL)	
نرخ بیت دانلود (بیت برثانیه)	سقف* تعرفه ماهانه ارایه خدمت (هزار ریال)
512K	125
1M	200
2M	250
3M	350
4M	400
8M	500
16M	800
تعرفه ارائه خدمت دسترسی پر سرعت ثابت مبتنی بر VDSL و فیبر	
20M	2000
30M	2500
50M	3000

* کف تعرفه ماهانه هریک از سطوح جدول فوق به میزان 80% سقف تعرفه ماهانه سطح مربوط، تعیین میشود.

انتشار این تعرفه‌ها نیز با واکنش کاربران اینترنت مواجه شد و اغلب کاربران به دلیل کم شدن سرعت دسترسی و افزایش قیمت، نسبت به تعرفه‌های جدید اعتراض کردند.

در این میان نظرات درباره به‌صرفه بودن یا نبودن تعرفه‌های جدید نسبت به تعرفه‌های فعلی متفاوت است.

اما پس از انتشار این تعرفه‌ها، بین کاربران اینترنت تعجیل و شتاب برای خرید یا تمدید سرویس‌های حجمی در مهلت باقیمانده تا توقف فروش حجمی اینترنت و اجرای تعرفه‌های جدید دیده می‌شود.

بسیاری از کاربران اعلام می‌کنند که مایلند پیش از اینکه تعرفه‌ها تغییر کند و به تعبیری گران شود حداقل برای یک سال دیگر سرویس فعلی خود را ادامه دهند.

پیرو عجله کاربران، شرکت‌های اینترنتی نیز از چند روز زمان باقیمانده برای فروش بیشتر بهره می برند.
برای مثال یکی از شرکت‌ها «آخرین فرصت خرید سرویس‌های حجمی با حداکثر سرعت ممکن» را یادآوری کرده است.
محتوای این تبلیغ نشان می‌دهد، اشکال محدود شدن و کم شدن سرعت اینترنت در تعرفه‌های جدید مشهود است که مورد توجه کاربران و شرکت اینترنتی نیز قرار گرفته است.



منبع: فارس

سوء استفاده متصديان سينما از جنسيت بازيكران به عنوان شرط استخدام و ترقي جايگاه سينمايي

روایت بازیگر زنی که صدبار مورد آزار جنسی قرار گرفت



به جرات می‌توانم بگویم در هر پروژه‌ای که کار کرده‌ام با تبعیض و آزار جنسی مواجه شده‌ام.حداقل 100 ماجرای این چنینی را پشت سر گذاشته‌ام. فکر می‌کنم خیلی از بازیگران زن مثل من به همین وضع دچار بودند.

به گزارش مشرق ، مثل بسیاری از بازیگران هالیوود، ناتالی پورتمن هم در حال زیر و رو کردن کارنامه‌اش است که با آزارهای جنسی متعدد همراه بوده است. پورتمن که در فستیوال والچر لس آنجلس حاضر شده بود و درباره موج اعتراض زنان فعال در صنعت سینمای هالیوود گفت: به جرات می‌توانم بگویم در هر پروژه‌ای که کار کرده‌ام با تبعیض و آزار جنسی مواجه شده‌ام. او اعتراف کرد که هر چه بیشتر به تجربه‌های گذشته رجوع کرده ، بیش‌تر متوجه فاجعه شده است..

اول با خودم گفتم من قصه‌ای شبیه این برای تعریف کردن ندارم! ولی بعد که کمی فکر کردم دیدم حداقل 100 ماجرای این چنینی را پشت سر گذاشته‌ام. فکر می‌کنم خیلی از بازیگران زن مثل من به همین وضع دچار بودند. یعنی با شروع این موج اعتراضی تازه نشستند و با خودشان اتفاقات دوران کاری شان را مرور کردند و این بار از زاویه‌ای جدیدی به آن نگاه کردند. اتفاقاتی که شاید تا پیش از این به نظرشان جزئی جدا نشدنی از کار در هالیوود بوده و تلاش کردند به آن توجه نکنند.

پورتمن به یاد می آورد یک بار تهیه کننده‌ای از او دعوت کرد، با هواپیمای شخصی‌اش همراه با تیم همکار او در کمپانی سفر کنم. دعوتش را پذیرفتم و وقتی داخل هواپیما شدم، فهمیدم فقط ما دو نفر در هواپیما هستیم. اتفاقی نیفتاد اما برای من این وضعیت دشوار بود و به شدت اذیت شدم و به او اعتراض کردم.یادم می آید مدتی در دوران جوانی‌ام، اصلا و ابدا حاضر نبودم بعضی از صحنه ها را بازی کنم. چون از مرورهای که درباره نقش می خواندم احساس کردم تصویری از من در ذهن مخاطب در حال شکل گرفتن است که دوست ندارم آنرا تقویت کنم.پورتمن معتقد است بخشی از منزوی کردم زنان در لوکیشن فیلم عامدانه است. دور کردن زنان از یکدیگر نوعی استراتژی مدیریتی است.تازه می فهمیم هیچ کدام از قربانیان فکر نمی کردند صدها نفر دیگر هم در شرایط مشابهی قرار دارند.

منبع: روزنامه سینما



حمید بقایی، معاون محمود احمدی‌نژاد در دوره ریاست جمهوری، روز چهارشنبه، ۲۴ آبان، ضمن امتناع از شرکت در دادگاه خود اعلام کرد که به همراه علی‌اکبر جوانفکر، مشاور آقای احمدی‌نژاد و حبیب‌الله خراسانی، ذیحساب نهاد ریاست جمهوری، در اعتراض به رفتار قوه قضائیه در حرم عبدالعظیم حسنی «بست» می‌نشینند.



ویدئو کنایه های احمدی نژاد و مشایی به رهبری: فرقی ندارد کی در انتخابات پیروز میشود! ملت طومار شما را به زودی در هم خواهد پیچید!

۱۷ می ۲۰۱۷
ویدئوها , سیاست

احمدی نژاد: ملت طومار همه شما را به زودی در هم خواهد پیچید! ... تفاوتی ندارد کی در انتخابات پیروز میشود:



سخنان جنجالی احمدی‌نژاد در آمل: کارشان تمام است، زباله‌ای در مسیر مردمند! (ویدیو)

افشای بُعد جدیدی از شکنجه بازداشتی‌ها در ریاض/ شاهزاده‌ها از پا آویزان شدند

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

یک روزنامه انگلیسی تأکید کرد شاهزاده‌های بازداشت‌شده در عربستان توسط مأموران امنیتی وابسته به یک شرکت آمریکایی مورد شکنجه قرار گرفته و از پا آویزان شده‌اند.

روزنامه انگلیسی «دیلی‌میل» در گزارشی به ارائه توضیحات بیشتری در باره بازداشت شاهزاده‌ها و مسئولان سعودی پرداخت.

بر اساس این گزارش، شاهزاده‌های بازداشت‌شده در عربستان از سوی مأموران امنیتی وابسته به یک شرکت آمریکایی مورد شکنجه واقع شده و از پا آویزان شده‌اند؛ افراد بازداشت‌شده همچنین مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و به آنها توهین شده است.

دیلی‌میل افزود مأموران مذکور وابسته به شرکت خصوصی آمریکایی «بلاک‌واتر» هستند که در بازجویی و شکنجه مشهور است؛ این مأموران به خواست محمد بن سلمان ولی‌عهد عربستان اقدام به این کار کرده‌اند.

در ادامه این گزارش آمده است بن سلمان حدود 194 میلیارد دلار از حساب افراد بازداشت شده را مصادره کرده است.

بن سلمان این بازجویی ها را شخصا رهبری می‌کند زمانی که مسأله‌ای داشته باشد سوال‌ها را برای بازداشت‌شده‌ها می‌فرستد، اگر به این سوالات در حالت عادی جواب دهند که مسأله حل شده است اما در صورت عدم پاسخگویی، مأموران برای شکنجه وارد اتاق افراد بازداشت شده می‌شوند.

از جمله افراد شکنجه‌شده، ولیدبن‌طلال است. پیش‌تر «میدل ایست آی» از شکنجه شاهزاده‌های عربستانی بازداشت شده از جمله «متعب بن عبدالله» پسر ملک عبدالله خبر داد و اعلام کرد تعدادی از شاهزاده‌های بازداشت شده به دلیل مشکلاتی که در نتیجه شکنجه برایشان به وجود آمده، راهی بیمارستان شده‌اند.

افشاگری روزنامه ترکیه ای از شکنجه شاهزادگان سعودی، توسط ماموران آمریکایی

روزنامه ینی شفق ترکیه در گزارشی نوشت: رسانه های خبری انگلیس مدعی شدند که شاهزادگان دستگیر شده در عربستان توسط ماموران آمریکایی شکنجه می شوند.

آفتاب‌نیوز :

وبسایت اینترنتی روزنامه ینی شفق در گزارشی اعلام کرد: مطبوعات انگلیس ادعا کردند که شاهزادگان و وزرای سعودی در بند که در هتل های هفت ستاره نگهداری می شوند، توسط مزدوران شرکت های خصوصی امنیتی آمریکا با نظارت محمد بن سلمان ولیعهد عربستان تحت شکنجه قرار گرفته اند.

به گزارش **آفتاب نیوز**، ینی شفق با استناد به اخبار رسانه های انگلیسی افزود: ولیعهد عربستان در اتاق بازجویی فقط به پرسیدن سوالات نرم و ساده از شاهزادگان می پردازد و پس از خروج او از اتاق، مزدوران آمریکایی شروع به کتک زدن، سیلی زدن و شکنجه شاهزادگان می کنند.

این رسانه مدعی شد: هدف ولیعهد عربستان از این دستگیری و شکنجه ها، دستیابی به ثروت 194 میلیارد دلاری این شاهزادگان است.

11 تن از شاهزادگان و چند نفر از وزرا و مقامات عالیرتبه سعودی پنجم نوامبر ماه جاری به جرم فساد در عربستان دستگیر شدند.

ایرنا

در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس محبان اهل بیت(ع)

رهبر انقلاب: هر جا به حضور ما در مقابله با استکبار نیاز باشد کمک خواهیم کرد

رهبر معظم انقلاب اسلامی، اتحاد و همدلی امت اسلامی در شرایط کنونی را از اوجب واجبات دانستند.

آفتاب‌نیوز :

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز (پنج‌شنبه) در دیدار مهمانان شرکت‌کننده در اجلاس «محبان اهل‌بیت(ع) و مسئله تکفیری‌ها»، اتحاد و همدلی امت اسلامی در شرایط کنونی را از اوجب واجبات دانستند و گفتند: جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه جبهه استکبار و صهیونیسم برای ایجاد جنگ و نزاع میان مسلمانان ایستاده و خواهد ایستاد و به اذن پروردگار در این مبارزه پیروز خواهد شد همانگونه که شجره خبثه داعش در عراق و سوریه قطع شد.

به گزارش آفتاب‌نیوز، رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: اگرچه داعش در عراق و سوریه به نقطه پایان خود رسید اما نباید از کید و مکر دشمنان غافل بود زیرا امریکا و صهیونیسم و دنباله‌های آنها، از دشمنی با اسلام دست نخواهند کشید و ممکن است توطئه ای همچون داعش و امثال آن را در منطقه ای دیگر طراحی و اجرا کنند.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه نمی توان دشمن را نادیده گرفت و باید بیدار و هوشیار بود، افزودند: یکی از اقتضائات این بیداری، محبت و برادری میان امت اسلامی است و لازمه این محبت نیز مقابله با عواملی است که صراحتاً با دنیای اسلام دشمنی و یا به دشمنان اسلام کمک می کنند.

ایشان، حب اهل بیت علیهم السلام را یکی از زمینه های مناسب برای ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان دانستند و گفتند: مهمترین وظیفه محبان اهل بیت علیهم السلام در کشورهای مختلف، آگاهی بخشی به مسلمانان درخصوص حقایق دنیای اسلام و ایجاد روحیه بیداری و هوشیاری در قبال توطئه ایجاد اختلاف در درون امت اسلامی است.

رهبر انقلاب اسلامی، مسلمانان در کشورهای مختلف را یک واقعیت تحمیل‌شده بر جبهه استکبار و کفر برشمردند و خاطرنشان کردند: دنیای اسلام امروز می تواند مقابل کفر و استکبار بایستد و نظام اسلامی در ایران که به دنبال تحقق کامل شریعت اسلامی است، وسیله پیروزی بر دشمنان اسلام خواهد بود.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به حدود ۴۰ سال توطئه و فشار و تحریم از جانب امریکا و صهیونیسم بر ضد نظام اسلامی، گفتند: با وجود همه این فشارها، جمهوری اسلامی ایران به لطف خداوند، پیشرفت‌های شگرفی داشته و با کمال قدرت و قوت در مقابل جبهه استکبار ایستاده است و با صراحت اعلام می کنیم جمهوری اسلامی ایران در هر جایی که برای مقابله با کفر و استکبار، نیاز به حضور باشد، کمک خواهد کرد و در بیان این موضوع ملاحظه هیچ‌کس را نمی‌کنیم.

بررسي مواردي كه مسلمانان نياز داشته اند اما حكومت ايران در آنجا حضور نيافته است (ذكر به ترتيب معكوس و نزديكتر)

1- حضور در آراكان و منع تجاوز و كشتار فاجعه اميز عليه مسلمانان ميانمار
2- حضور در نيجريه و منع كشتار مظلومانه هزاران شيعه
3- حضور در مصر و منع جنايت عليه بزركان تشيع و شرايط سخت شيعه
4- حضور در شرق عربستان و منع جنايت عليه بزركان تشيع و تخريب شهرهاى شيعه
5- حضور در بحرين و منع تعدي و كشتار هفت ساله مردم شيعه
6- حضور در افغانستان و منع جنايت عليه فعالان تشيع و شرايط سخت شيعه نه تقويت طالبان و حكمتيار كه از نواصبند
7- حضور در باكستان و منع جنايت عليه فعالان تشيع و شرايط سخت شيعه
8- حضور در آذربايجان و منع جنايت عليه بزركان تشيع و شرايط سخت شيعه نه ملاقات هاى مكرر با آليوف آمر جنايات كه هربار بركشته حمله جديد كرده است
9- حضور در قره باغ و منع جنايت عليه بزركان تشيع و شرايط سخت شيعه نه بيمان اخوت و مودت و كمكهاى مالي بي حساب به كشور متجاوز ارمنستان

10- حضور در بوسني و هرزكوين و منع جنايت عليه مسلمانان و شرايط سخت و نسل كشی صربها
11- حضور در سين شيانك و ختن چين و منع جنايت عليه مسلمانان و رفع شرايط سخت حتی ممنوعيت روزه داري ووو
12- حضور در عراق و منع جنايت عليه بزركان تشيع مثل ايت الله صدر و شرايط سخت شيعه و كشتارهای مليوني 1990 بعد انتفاضه شعبانيه
13- حضور در كشمير و منع جنايت عليه مسلمانان و شرايط سخت آنها
14- حضور در هندوستان و منع جنايت عليه مسلمانان و شرايط سخت و سوزاندن خانه ها و محلات مسلمانان توسط هندوان افراطي
15- حضور در يمن و منع جنايت عليه مسلمانان و شرايط سخت آنها و رفع محاصره و امداد غذايي و درماني
16- و حضور در بسياري جاهای ديكر و منع جنايت عليه مسلمانان و مؤمنان كه شرحش در كزارشهای خبري رسانه های جهاني تا كنون منتشر شده است
* اكر كفته شود كه حكومت ناتوان از همه اين موارد بوده است يا اينكه به مصلحت نبوده است آنوقت از دادن شعار كلي و مطلق برهيز كرد و آنرا مقيد نمود به هرجا كه ممكن و يا ميسور باشد
* اما با همه اينها حكومت مي توانسته كه حكومت متجاوز به مسلمانان (قره باغ) مثل ارمنستان را تقويت نكند؟ اكر حمايت از مسلمانان قره باغ نمي كند
* و در هر حال حكومت ايران مي توانسته به بقيه اين متعديان تذكر و اعلاميه سياسي بدهد و در صحنه های بين المللي عليه اين تعرضات موضع بكيرد و افشاكري نموده و حمايت از مسلمانان نمايد، در حاليكه در برخي موارد مثل ميانمار سالهای كذشته سكوت يا ترديد و تكذيب كرده و در بسياري موارد جشم خود را بسته است.

بیش از ۲۰۰ نفر در حمله به مسجدی در مصر کشته شدند

در اثر تیراندازی و انفجار در مسجدی در مصر ده‌ها نفر کشته و زخمی شده‌اند.

در چند ساعت پس از حمله شمار قربانیان اعلام‌شده افزایش یافته است. منابع مصری می‌گویند در این حمله ۲۳۵ نفر کشته و بیش از ۱۲۰ نفر هم مجروح شده‌اند.

محل حادثه مسجد روستای روضه در شهرستان بئرالعبد در شمال شبه‌جزیره سینا است. این شهرستان در غرب شهر عریش و در ساحل دریای مدیترانه است.

روز جمعه، ۳ آذر (۲۴ نوامبر)، منابع خبری مصر گزارش کردند که افراد مسلح به مسجد روضه حمله کردند و پس از انفجار بمب در این مسجد، آن را به گلوله بستند.

گفته می‌شود که هنگام این حمله، گروهی از ماموران امنیتی و اعضای خانواده‌های آنان مشغول عبادت در مسجد بودند.

این مرگبارترین حمله از زمان اوج فعالیت مسلحانه شورشیان اسلامگرا در سال ۲۰۱۳ در مصر است.

عبدالفتاح سیسی رییس جمهوری مصر در پی گفتگو با مقام‌های امنیتی گفت با قدرت قهری به این حمله پاسخ خواهد داد.

هیچ گروهی هنوز مسئولیت حمله به مسجد روضه را برعهده نگرفته است اما شبه‌نظامیان نزدیک به داعش پیشتر مسئول حملات زیادی در این منطقه بوده‌اند.

این عده معمولا نیروهای امنیتی و کلیساها را هدف قرار می‌دهند و این حمله مرگبار به مسجد صوفیان مصر کشور را در بهت فروبرده است.

حمله چگونه روی داد؟

شاهدان عینی می‌گویند ده‌ها مردم مسلح با خودرو وارد محل شدند و مسجد را که مملو از عبادت‌کنندگان بود منفجر کردند و هنگام فرار نیز به سوی آنها آتش گشودند.

گفته می‌شود این عده برای بستن راه‌های منتهی به مسجد خودروهای پارک شده در محدوده اطراف مسجد را به آتش کشیدند.

تصاویر منتشر شده ردیف بدن‌های خون‌آلود قربانیان را که کف زمین مسجد دراز شده‌اند را نشان می‌دهد. گزارش‌ها حاکی از مجروح شدن دست کم ۱۰۰ نفر است.

یکی از ساکنان محل که اعضای خانواده‌اش نیز در مسجد بوده‌اند به خبرگزاری رویترز گفته است مردان مسلح هنگام ترک محل به مردم و به آمبولانس‌ها تیراندازی می‌کردند.

قربانیان مسجد روضه چه کسانی هستند؟

مهرداد فرهمند: روستای روضه که مسجد جامع آن هدف یکی از خونینترین حملاتی شد که مصر شاهدش بوده، مرکز قبیله‌ای است به نام آل جریر در استان سینای شمالی بر کرانه دریای مدیترانه.

اعضای این قبیله پیرو یکی از طریقتهای صوفی به نام جریریاند که از فرقه‌های جدید صوفیه به شمار می‌رود و عمر آن بیش از چند دهه نیست. جریریه در واقع شعبه‌ای از طریقت صوفی بزرگی به نام احمدیه یا بدویه‌اند که پایه‌گذارش سید احمد بدوی از عرفای بزرگ قرن هفتم هجری بود و آرامگاهش در شعر طنطا در شمال، زیارتگاه بسیار مهم و محترمی نزد

مصریان است

عریش در شمال صحرای سینا قرار دارد و این منطقه محل فعالیت اعضای گروه‌های اسلامگرای تندرو بوده است که به خصوص اعضای واحدهای نظامی و امنیتی مصر را هدف حمله قرار می‌دهند.
از زمان برکناری محمد مرسی، رئیس جمهوری سابق مصر، در چهار سال پیش، بر شدت اقدامات خشونت‌آمیز این گروه‌ها افزوده شده است.
به گزارش تلویزیون مصر، در پی این حمله، جلسه امنیتی دولت مصر به ریاست عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری، تشکیل شد.

قربانیان کشتار مسجد روضه کیستند؟



روستای روضه که مسجد جامع آن هدف یکی از خونین‌ترین حملاتی شد که مصر شاهدش بوده، مرکز قبیله‌ای است به نام آل جریر (بر وزن سهیل) در استان سینای شمالی بر کرانه دریای مدیترانه.
اعضای این قبیله پیرو یکی از طریقتهای صوفی به نام جریریاند که از فرقه‌های جدید صوفیه به شمار می‌رود و عمر آن بیش از چند دهه نیست. جریریه در واقع شعبه‌ای از طریقت صوفی بزرگی به نام احمدیه یا بدویه‌اند که پایه‌گذارش سید احمد بدوی از عرفای بزرگ قرن هفتم هجری بود و آرامگاهش در شعر طنطا در شمال، زیارتگاه بسیار مهم و محترمی نزد مصریان است.
جشن میلاد سید احمد بدوی از اعیاد مهم مصر به شمار می‌رود و هر ساله صدها هزار نفر از سراسر مصر برای شرکت در این جشن به شهر طنطا می‌روند و در آرامگاه شیخ گرد

می‌آیند.

- **بیش از ۲۰۰ نفر در حمله به مسجدی در مصر کشته شدند**

شیخ عید ابوجریر که اهل بندر عریش، مرکز استان سینای شمالی بود، طریقتی را از احمدیه منشعب کرد که به نام خود او شهرت یافت. قبیله جریر که شیخ عید به آن تعلق داشت بخشی از قبیله بزرگتری به نام سوارکه، از قبائل بدوی عربی است که بخشی از آن در شمال سینا و بخشی در اسرائیل ساکن است.

این قبیله سابقه طولانی در مبارزه با اسرائیل دارد و شیخ عید هم سال‌ها قبیله خود را در مبارزه با اسرائیلی‌ها فرماندهی کرد. در زمانی که شبه جزیره سینا به اشغال اسرائیل درآمد، شیخ عید جنبش مقاومتی علیه اسرائیل شکل داد اما عمرش به پایان اشغال این شبه جزیره کفاف نداد و در سال ۱۹۷۱ از دنیا رفت و در اقامتگاهش در روستای سعود به خاک سپرده شد.

با اینکه بیشتر صوفیان اهل رواداری و آسانگیری در احکام شریعت هستند، اما طریقت جریری، آدابی سختگیرانه بر پیروانش اعمال می‌کند. از جمله اینکه شیخ عید، موسیقی را حرام و رفتن زنان را به بازار ممنوع کرد. با اینکه اهل طریقت جریری به سختگیری در احکام شریعت شهرت دارند، اما این وجه اشتراکشان با افراطیون اسلامی، آنان را از حمله افراطیون در امان نگه نداشته است.

کشتار نمازگزاران مسجد روضه هم نخستین حمله به اهل این طریقت نبوده است.

سال گذشته، افراد داعش که در سینا تحت عنوان انصار بیت المقدس فعالیت می کنند، یکی از مشایخ طریقت جریری را به نام شیخ سلیمان ابوحراز که حدود یکصد سال سن داشت، ربودند و سپس ویدیویی منتشر کردند که در آن، شیخ را متهم به شرک و غیب‌گویی کردند و سرش را بریدند.

1- رفتن با عنوان و روش امداد و كمك بسيار خوب است اما عنوان كردشكري دادن مذموم و مرود است،
2- اين تخم لق را سالهاست كه كل حكومت و رسانه ها نسبت به مسئله والاي زيارت به ناروا روا داشته و زيارت را مرتبا با عنوان كردشكري ديني مطرح مي كنند
3- اين روشها در اثر نفوذ و تسلط ملحدان در لايه هاى بالاي حكومت است كه در جهت دين زدايي و وهن و مسخ شعائر ديني برنامه ريزي و تلاش مي كنند، ساير متصديان يا ساكتند يا همراه يا اصلا سواد فهميدن اين نكات را ندارند = الحمدلله كه بعضا در موضوع زلزله بيدار شده اند

تنبیه یا تشویق برای مجریِ تور زلزله‌گردی؟

مدیرکل نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری درحالی از برخورد با مجریِ تور زلزله‌گردی خبر داد که معاون گردشگری استان اصفهان معتقد است، با توجه به نیت خیرخواهانه و خلاقانه در اجرای این تور، باید مجری آن تشویق شود.

آفتاب‌نیوز :

همزمان با روزهای بحرانی امدادرسانی به زلزله غرب، فردی به تبلیغ تور زلزله‌گردی به قیمت ۱۳۵ هزار تومان اقدام کرد، بهانه هرچه بود، گردشگری یا کمک رسانی، به هر حال با واکنش‌هایی همراه شد. اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران اعلام کرد «با متخلفان و سودجویانی که به بهانه «گردشگری سیاه» به برگزاری تور بازدید از مناطق زلزله‌زده غرب ایران اقدام کرده‌اند، برخورد می‌کند»، به اعتقاد استادان گردشگری نیز بازدید از مناطق زلزله زده کرمانشاه «گردشگری سیاه» تلقی نمی‌شود و اجرای تورهایی به این انگیزه، مردود و مذموم شناخته شده است.

ولی تیموری - مدیرکل نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری - نیز به ایسنا خبر داد که برخورد لازم با آژانس متخلف و هنجارشنکن به عمل آمده است.
او تاکید کرد: این تور با روح کُد اخلاق گردشگری مغایرت دارد و به هیچ وجه مورد تایید سازمان نیست.
مجری این تور که در اصفهان فعالیت می‌کرد، با پیگیری دفتر نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری، شناسایی و ضمن متخلف خواندنش، به اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان احضار شد و تذکرهای مربوطه را دریافت کرد که البته به حذف تبلیغ تور زلزله و ممانعت از اجرای آن منجر شد.
بنا به اظهارات مجری تور زلزله، هدف از این اقدام جلب مشارکت مردم و اعزام افراد خیّر و متمول به همراه حدود ۵۰ میلیون تومان اجناس غیرنقدی برای کمک به زلزله‌زدگان استان کرمانشاه بوده که نسبت به نحوه اطلاع‌رسانی و بازتاب نادرست آن در رسانه‌ها نیز معترض شده است.

با این حال دفتر نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری اعلام کرده با توجه به ابعاد و آثار منفی خبر منعکس شده از تور زلزله، مقرر شده استان اصفهان از این موضوع به راحتی عبور نکند و صحت و سقم نظرات میرعامل آن شرکت را بررسی و تصمصیم قاطعی درباره آن بگیرد.

محسن یارمحمدیان ـ معاون گردشگری استان اصفهان ـ پس از بررسی‌هایی که انجام داده و احضارهای پی‌درپی مجری تور زلزله، به ایسنا گفت: وقتی از تهران (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری) اطلاع دادند که چنین توری از استان اصفهان برگزار می‌شود، مدیر شرکت گردشگری مربوطه را احضار کردیم، توضیحات و مستنداتی ارایه کرد که نشان می‌داد نیت کاملا خیرخواهانه بوده و ۵۰۰ کارتن حاوی کمک‌های نقدی جمع‌آوری شده و پیشنهادهایی نیز از سوی بانیِ این کمک‌ها مطرح شد که خودشان هم در منطقه حضور داشته باشند تا در جریان نحوه‌ی توزیع کمک‌ها قرار گیرند که در پی آن قرار شد افراد متمول در محل وقوع حادثه حضور داشته باشند تا ضمن ابراز همدردی، کمک مالی نیز انجام دهند.

او سپس این سوال را مطرح کرد که «چگونه ممکن است توری که با ۱۳۵ هزار تومان برگزار می‌شود، شرکت‌کنندگان آن قرار است در چادر اسکان داشته باشند و همه هزینه‌ها را هم خودشان پرداخت کنند، انگیزه کسب سود و درآمد داشته باشد؟» و در ادامه بیان کرد: اتفاقا ما معتقدیم خلاقیتی در جریان این تور واقع شده که در نوع خود جالب بوده، ولی متاسفانه شیطنت‌هایی، ماجرای آن را به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشانده است.
وی افزود: ما مدیر شرکت مجری این تور را احضار کردیم و تذکرهای لازم را دادیم و مانع اجرای این تور و حتی ادامه تبلیغات آن شدیم، ولی به نظر من به خاطر این خلاقیت باید این شخص تشویق شود. با این حال طبق دستور رسیده از سازمان و با وجود ارایه مستنداتی از نحوه کمک‌رسانی و اهداف خیرخواهانه، ولی ما مانع اجرای این تور شدیم.

معاون گردشگری استان اصفهان با پذیرش این نکته که زمان اجرای این تور مناسب نبود، اظهار کرد: من از این اقدام دفاع نمی‌کنم، چون معتقدم نقدهای ظریفی به این عمل وارد است، به هرحال قشری که قرار بود به انگیزه کمک‌رسانی و همدردی در این مناطق حاضر شوند به خاطر شکاف طبقاتی، ظاهر متفاوت و شرایط روحی زلزله‌زده‌ها، اثر منفی بیشتری داشتند که با توجه به این نکته، زمان حاضر برای اجرای این تور به هیچ وجه مناسب و سنجیده نبود. ضمن این‌که در شرایط زمانی حاضر به هیچ یک از تورها اجازه اجرای چنین تورهایی را نمی‌دهیم.
وی گفت: قطعا نقدهایی به این تور وارد بود، اما می‌توانستیم آن را بدون زاویه مطرح کنیم. به نظر من قرار بود اتفاق مثبتی رخ دهد و افراد متمول با حضور در منطقه کمک‌های بهتری انجام دهند که خب حالا این شرایط دیگر وجود ندارد.

یارمحمدیان اظهار کرد: آژانسی که مجری این تور بود، سال‌ها است بدون تخلف در اصفهان فعالیت می‌کند و خوش‌سابقه محسوب می‌شود و تا پیش از این حتی یک بار هم مورد تخلف نداشته و احضار نشده است، حالا هم اگر برخورد درستی نشود و سرکوب اتفاق افتد و ممکن است در هیچ زمینه‌ای خلاقیت صورت نگیرد.

ولیعهد عربستان سعودی ضمن تشریح سیاست داخلی و خارجی خود، حکومت جمهوری اسلامی و رهبر آن را مورد انتقاد شدید قرار داده است.

ولیعهد سعودی در مورد برنامه خود برای اصلاحات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران را عامل تحولات منفی در منطقه و کشورش قلمداد کرد و گفت که پس از وقوع این انقلاب، حکومتی با عقایدی افراطی و برای پیشبرد بنیادگرایی اسلامی در ایران روی کار آمد که در نظر داشت این انقلاب را به سایر کشورهای منطقه صادر کند. به گفته او، عربستان سعودی نیز که راه درست مقابله با این تهدید را نمی‌دانست، متقابلا از نگرش سنتی خود نسبت به اسلام که نگرشی معتدل بود فاصله گرفت و به بنیادگرایی گرایش یافت و در رقابت با ایران، به صدور اسلامگرایی افراطی روی آورد که نتیجه آن حمایت از گروه‌های تندرو مانند طالبان بود.

محمد بن سلمان در این مصاحبه گفت که هدف او از اصلاحات، تغییرات جدید و ابداعی در کشورش نیست بلکه صرفا بازگشت به "اسلام اصیل" است که، به گفته او، تا قبل از انقلاب ایران در عربستان سعودی وجود داشت. او گفته است که برداشت او از اسلام "برداشت جدیدی" نیست بلکه "بازگرداندن اسلام به اصل آن بر مبنای سنت پیغمبر و شیوه زندگی در عربستان سعودی تا قبل از انقلاب ایران است." ولیعهد سعودی اظهار داشت که در زمان پیغمبر در عربستان نمایشنامه موزیکال اجرا می‌شد، زن و مرد با هم معاشرت می‌کردند و یهودیان و مسیحیان از احترام برخوردار بودند. او افزود: "اولین قاضی تجاری در مدینه یک زن بود و اگر پیغمبر همه اینها را قبول داشت، آیا باید بگوییم که او مسلمان نبود؟!"

خبرنگار نیویورک تایمز گفته است که در این مصاحبه، یکی از همراهان ولیعهد سعودی تصاویری از دهه ۱۹۵۰ عربستان نشان داد که زنان بدون حجاب در خیابان‌ها رفت و آمد می‌کردند.

سکوت پایدار پایداریها/چرا آقاتهرانی، حسینیان، حائری شیرازی، سقای بی‌ریا و... درقبال بست نشینی سکوت کردند؟

همزمان با بست‌نشینی یاران محمود احمدی‌نژاد در حرم شاه عبدالعظیم (ع)، جای خالی برخی دیگر از یاران او بیش از همیشه احساس شد. همان‌هایی که پشتیبانی قوی برای رییس دولت‌های نهم و دهم محسوب می‌شدند، این روزها کنج عزلت گزیده‌اند تا شمار حامیان دولتمرد بهاری در همان چند بست‌نشین خلاصه شود.

آفتاب‌نیوز :

محمود احمدی‌نژاد این روزها از هر فرصتی برای رسانه‌ای شدن خود و حلقه نزدیکانش استفاده می‌کند. از بازداشت حمید بقایی گرفته که برای آزادی‌اش جشن راه می‌اندازد تا برگزاری دادگاه مجدد او که پروژه بست نشینی در حرم حضرت عبدالعظیم را با بدرقه یاران گرمابه و گلستانش کلید می‌زند. او که بدون وجود هیچ مانعی همچنان به تمام فعالیت‌های خارج از عرف خود ادامه می‌دهد، و در آخرین اقدام باز هم یارانش را راهی شهر ری می‌کند، سیلی از انتقادات را هم به دنبال خود راه انداخته که در میان آن جای برخی از حامیان او خالی است.

به گزارش **آفتاب نیوز**، حامیانی که روزی به حمایت از گفتمان 3 تیر برخاستند و نقش زیادی در پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات سال 88 ایفا کردند، مدت‌هاست دریافته‌اند که رییس دولت متبوع‌شان آنها را به قله آرزوهایشان نخواهد رساند.

حکم ابقای وزیر اطلاعات از سوی رهبر انقلاب، اولین جرقه جدایی حامیان سرسخت محمود احمدی نژاد را زد. خانه‌نشینی رییس دولت دهم که به تبع همین موضوع انجام گرفت، تا مدتی برخی حامیان او را در هاله‌ای از سکوت فرو برد. چهره‌هایی چون آقاتهرانی که ولایتمداری را یک اصل مهم در چارچوب فعالیت‌های سیاسی خود می‌دانستند، معترض لجاجت احمدی‌نژاد بودند. از آن پس رفتارهای احمدی‌نژاد یکی پس از دیگری، چهره اصلی او را نمایان ساخت تا بخشی از حامیان اصلی‌اش نه تنها دست از حمایت همه جانبه از او بکشند بلکه تصمیم به تشکیل جبهه‌ای بنام «پایداری» بگیرند.

جبهه‌ای که در سال 90 تشکیل شد، ترکیبی از دولتمردان نهم و دهم و برخی از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی بود. بیزاری از جریان انحرافی یعنی حلقه مشایی، بقایی، جوانفکر و... گرداگرد محمود احمدی نژاد، از اصول این جبهه شناخته شد تا آنها راهشان را از رییس دولت مستقر و دار و دسته‌اش جدا سازند. با این حال آنچه که آنها را همچنان دارای صفت «احمدی‌نژادی‌ها» کرد، تبدیل شدن‌شان به منتقد تند و تیز دولت حسن روحانی بود. دولتی که با روی کارآمدنش و با دیدن حجم وسیعی از خرابی‌هایی که در اثر 8 سال مدیریت غلط ایجاد شده بود، ناچار به طرح مسائلی در ارتباط با دولتمردان گذشته بود، با تقابل جبهه پایداری‌ها روبه رو شد.

در آن روزها که تعدادی از اعضای این جبهه در پارلمان حضور داشتند اولین سنگ بنای مخالفت با تصمیمات دولت را بنا نهادند؛ از دیپلماسی روحانی بویژه مخالفت با برجام گرفته تا کارشکنی‌هایی که با رمز «فتنه» در عدم ارائه رای اعتماد به اعضای کابینه در پیش گرفتند. آنان با تمام اعتراضاتی که با نگاه موشکافانه خود به همه اقدامات دولت یازدهم داشتند، در عوض نه تنها هیچ واکنشی به اقدامات دولت قبل نداشتند بلکه به دولتمردان جدید هم معترض می‌شدند که چرا همه تقصیرات را به گردن گذشتگان می‌اندازند.

پایداری‌ها اگرچه از چهره‌های فعال عرصه سیاسی بودند و از هیچ مصاحبه‌ای علیه دولت حسن روحانی خودداری نمی‌کردند، اما در برابر هرگونه اقدام محمود احمدی‌نژاد و اطرافیانش سکوت اختیار کردند. آنان به هیچ روی حاضر نبوده و نیستند که کلمه‌ای در مخالفت با مردان بهاری حرف بزنند تا مبادا در تضاد با پشتیبانی‌های گذشته‌شان باشد. هرچه هست آنان تاکنون دلیل این انفعال‌شان را اعلام نکرده‌اند و همچنان به سکوت خود ادامه می‌دهند. سکوت اعضای شاخص جبهه پایداری معلوم نیست که ناشی از به انزوا رفتن آنان به دلیل اختلافات موجود است و یا به علت برنامه‌های انتخابات آتی است که این گروه در سر می‌پروراند.

رفتن به انزوا

«عامل اصلی شکست‌های پیاپی اصولگرایان»، عنوانی است که به جبهه پایداری داده می‌شود. اختلافاتی که در درون این جبهه ایجاد شده بود نه تنها اعضای آن را، بلکه اصولگرایان را هم با خود به پایین کشید، تا آنان عملا جایگاهی در سیاست ایران نداشته باشند چه برسد به اینکه بخواهند در مورد اقدامات محمود احمدی‌نژاد و یاران نزدیکش اظهارنظر کنند. شاهد این مدعا، صحبت‌هایی است که از سوی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز مطرح شد که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری گفت: «در آن ائتلاف (انتخابات مجلس دهم) افرادی وارد

شدند که سهم بیش از حد خواستند. این یعنی هوای نفس و سقوط. قصد داریم تا از تمام احزاب و تشکل‌های اصولگرا که جمعیت قابل توجهی دارند، دعوت کنیم تا مبادا یک گروه بگوید، چرا ما غایب بودیم. در انتخابات مجلس هم من این را گفتم اما نشنیدند. گفتم که باید همه اصولگرایان دعوت شوند اما نپذیرفتند.» این سخنان بدان معناست که اعضای جبهه پایداری بیش از اینکه خود گوشه نشینی و به انزوا رفتن را برگزیده باشند، از سوی جریان اصولگرایی کنار زده شدند.

اما این تمام مشکلات جبهه پایداری نیست. آنان خیلی زود دچار ریزش نیرو شده و ناپایداری بر جبهه پایداری سایه افکند. رسایی و کوچک‌زاده اولین کسانی بودند که از این جبهه جدا شدند و بعد از آن هم لنکرانی، حسینیان و نبویان از شورای مرکزی کنار کشیده و کمتر در جلسات حضور یافتند. با این حال آنها شانس خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم هم محک زدند. حمایت از رییسی از جمله اقداماتی بود که این جبهه در دستور کار قرار داد و در نهایت هم چیزی جز شکست عایدش نشد.

سکوت تاکتیکی یا پارادوکسی‌کال

جبهه پایداری با شکست در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری یکبار دیگر به محاق رفت. اعضای آن به هیچ روی حاضر به نشان دادن واکنش به هیچکدام از اتفاقات سیاسی کشور نیستند. نه دیگر نقدی علیه دولت روحانی دارند و نه جمعیتی را سازماندهی می‌کنند که اعتراض دلواپسی‌شان بلند شود. آنها در سکوت کامل خبری بسر می‌برند و حتی قصد ندارند اظهار نظری در مورد رفتارهای خارج از اصول احمدی‌نژاد مطرح کنند.

اعضای جبهه پایداری همچنان حاضر نیستند از رای و حمایتی که در دهه 80 از محمود احمدی‌نژاد داشتند ابراز ندامت کنند و حتی تاکید دارند که به حمایتشان افتخار می‌کنند. این درحالی است که احمدی‌نژاد از «حامی ملت» به «حامی رفقایش» تبدیل شده و با مظلوم نمایی در قبال اتهامات قضایی آنها، به روسای قوای سه گانه می‌تازد. اعضای این جبهه همانطور که در قبال 11 روز خانه نشینی احمدی‌نژاد سکوت کردند، در قبال نامزدی او برای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم علی رغم توصیه رهبری نیز سکوت کردند و هم اکنون نیز در قبال اتهاماتی که او به رئیس دستگاه قضا به عنوان یکی از مسئولین منصوب رهبری می زند نیز سکوت پیشه کرده اند. سکوتی که نشانه موضع پارادوکسیکال -متناقض- آنهاست که از یکسو خود را مدافع ولایت فقیه معرفی می کنند و از سوی دیگر در چنین مقاطعی در لاک سکوت فرو می روند. چه آنکه این روزها هیچ خبری از چهره‌هایی چون آقاتهرانی، حسینیان، حائری شیرازی، روانبخش، سقای بی‌ریا و ... نیست و هیچ نقدی به اظهارات اخیر احمدی نژاد و بست نشینی بقایی ندارند. حتی لیدر این جریان آیت الله مصباح یزدی هم در این موضوع و موارد برشمرده شده گذشته، سکوت پیشه کرده است.

آنچه که بیش از همه گزینه‌ها برای این سکوت محتمل است، انتخابات پیش رو و اشتیاقی است که پایداری‌ها برای به دست گرفتن دوباره پارلمان دارند. آنها تاکنون به خوبی فهمیده‌اند که حمایت از فردی که دیگر هیچ پایگاه اجتماعی در کشور ندارد، نخواهد توانست آنها را به آمال و آرزوهایشان برساند. اگر هم بخواهند به انتقاد از عملکرد او بپردازند، در واقع به معنی بر گردن گرفتن تمام خساراتی است که در یک دوره هشت ساله به کشور تحمیل شده است. با این حال نمی‌توان از یک مهم گذشت و آن اینکه اعضای این جبهه به زعم برخی از چهره‌های اصولگرا، در حال تقویت خود هستند و فعلا قصدی برای ورود به مسائل سیاسی ندارند.

مانیفست «پوتین برای روسیه و جهان چیست؟

راشیا تودی- ترجمه رضا نافعی

ولادمیر پوتین برای نخبگان غرب تبدیل به معما شده است. معمایی که برای آن پاسخی نمی یابند این است که چرا: برغم تمام تلاش هائی که برای ابلیس جلوه دادن او صورت می گیرد، در داخل و خارج تا این حد مورد ستایش قرار می گیرد؟ در حالی که اگر خوب به سخنان او توجه کنند در خواهند یافت که او در پی دست یافتن به چیست: به حق حاکمیت و واقعگرائی.

می گویند او پوپولیست است، عمل گراست، اقتدار گراست، مُدَبِری است هوشمند – با این که او از سالها پیش در عرصه سیاسی روسیه در راس قرار گرفته، ناظران غربی هنوز هم از خود می پرسند چیستند آن انگیزه های واقعی که محرک ولادمیر پوتین، برای دست یازیدن به کارهائی است که به انجام آنها دست میزند. در واقع تصمیمات کرملین متکی بر یک سلسله اعتقاداتی است که بیان شده اند. برای نمونه چشم اندازفشرده ای از این اعتقادات را عرضه میداریم:

در باره ایالات متحده امریکا

ایالات متحده امریکا یک ابر قدرت است. احتمالا یگانه ابر قدرتی است که امروز در صحنه است. ما این را می پذیریم و حاضر به همکاری با آن هستیم.

آنچه ما به آن نیاز نداریم این است : در امور داخلی ما دخالت نکنند، به ما نگویند که ما چگونه باید زندگی کنیم و مانع آن نگردند که اروپائی ها روابط خود را با ما گسترش دهند.

در باره ادعای دخالت روسیه در امور کشورها

آیا تبلیغات دائمی امریکا و تامین مستقیم هزینه سازمانهای غیر دولتی US-NGOs دخالت نیست که هر سال ادامه دارد؟ نقشه کره زمین را در مقابل خود قرار دهید و انگشت خود را بطور تصادفی بر یک نقطه آن بگذارید – من بشما اطمینان می دهم که آنجا جائی است که امریکا در آنجا علائقی دارد و در امور آن دخالت می کند.

امریکائی های ایالات متحده چه می خواهند؟ این را می خواهند که همه در برابر شان سر تعظیم فرو آوردند؟ ما نظر مستقل خود را داریم و آن را نیز باصراحت بیان می کنیم. و به این یا آن شکل از عملیات خرابکارانه مخفی هم متوسل نمی شویم .

در باره اروپا

ایا این برای کشورهای اروپائی مفید است که صاف و ساده در خدمت اهداف خارجی – و حتی اهداف داخلی امریکا قرار گیرند؟ من مطمئن نیستم که این برای آنها فایده ای خواهد داشت. آیا این است هدف یک سیاست جدی ؟ و آیا این آن نقشی است که باید کشورهائی که میخواهند خود را قدرت بزرگ هم بنامند بازی کنند؟

در باره بحران استقلال کاتالونیا

زمانی بود که اتحادیه اروپا از فروپاشی یک سلسله از کشورهای اروپائی شاد بود و زحمتی هم برای پنهان کردن این شادی به خود نمی داد. چرا میبایستی این کشورهای عضو اتحادیه اروپا بدون تعقل و بدون قید وشرط – بخاطر منافعی زود گذر و برای جلب رضایت » برادر بزرگ » در واشنگتن – از تجزیه کوزوو حمایت کنند و دست به تحریک روند های مشابه در قاره اروپا و جاهای دیگر بزنند.

در باره ناتو

دیگر نه اتحاد شوروی وجود دارد و نه بلوک شرق . بنظر من ناتو برای توجیه موجودیت خود نیاز به یک دشمن خارجی جدید دارد. بنا بر این در جائی که دشمنی وجود ندارد پیوسته در جستجوی (دشمنی) تازه است و دست به تحریک می زند. امروز ناتو ابزاری است در خدمت سیاست خارجی امریکا. آنها که در ناتو هستند شریک و همکار نیستند سر سپرده اند.»

در باره خاور نزدیک

برای استقرار نظمی نوین در منطقه و تحمیل مدلی از خارج بر آن، تلاشی صورت گرفت، یا برای تغییر رژیم در آن و یا بکار بردن خشونت مستقیم در آن. برخی از همکاران ما بجای مبارزه با افراطی گری،

بجای پیوستن به آنها که با افراطی گری مبارزه می کنند، می خواهند هرج و مرج در منطقه دائمی شود.
در باره کره شمالی
مسلم است که ما آزمایش های اتمی کره شمالی را محکوم و تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را بدون استثناء تایید می کنیم. ولی برای حل این مسئله شما باید خواستار گفت و گو باشید و در صدد بر نیائید کره شمالی را با تهدید های نظامی بمباران کنید و یا روی به دشنام گوئی علنی و توهین متقابل آورید. چه شما رژیم پیونگ یانگ رابپسندید ، چه از آن نفرت داشته باشد : شما باید درک کنید که جمهوری توده ای کره یک کشورمستقل است.
در باره ساقط کردن ویکتور یانوکوویچ در اوکرائین
آنچه در کیف رخ داد یک قیام مسلح و غیر قانونی بود – کودتا بود. هیچکس منکر این نیست. پرسش این است: چرا باید این کار صورت می گرفت؟ یانوکوویچ قدرت را تسلیم کرده بود و بخت انتخاب شدن دوباره را نیز نداشت. چرا این کشور را باید دچار هرج و مرج کرد؟ برای نشان دادن قدرت؟ این تصمیمی بود ابلهانه و نتایج معکوس داشت. بنظر من این عملیات بودند که وضع را در شرق این کشور بی ثبات کردند.
در باره دولت ها در کیف
خلقهای روسیه و اوکرائین علائق یکسانی دارند. آنچه میان آنها یکسان نیست اهداف دولت اوکرائین و نخبگان است.
آنها فقط یک کالا برای مصرف بین المللی دارند که عبارت است از روس هراسی و سیاست جدا سازی دو کشور از یکدیگر. برخی ها در غرب متعقدند که این دو کشور هیچگاه نباید با یکدیگر متحد شوند، اوکرائین موفق به صدور این فکر شده است.
در باره نظام سیاسی در روسیه
سلطنت میراثی بود که از امپراتوری روسیه به دوران شوروی منتقل شد، گرچه تابلوئ ساختمان تغییر کرد. در آغاز دهه 1990 حوادثی در روسیه رخ داد که سنگپایه ای برای مرحله تازه ای از تاریخ روسیه شدند. مطمئننا می توانید تصور کنید که ما نمی توانیم فورا به مدل دولتی و ساختاری مشابه ایالات متحده امریکا، آلمان یا فرانسه دست یابیم. اما جامعه نیز چون هر ارگانیسم زنده دیگر باید گام به گام به آرامی توسعه یابد . این فرایند طبیعی توسعه است.
در باره نقش روسیه در جهان
روسیه کشوری است با هزار سال سابقه که تقریبا همیشه از امتیاز سیاست خارجی مستقل برخور دار بوده است.
ما به این سنت وفادار می مانیم . در عین حال آگاه هستیم که جهان تغییر کرده است و درکی واقعی از فرصت ها و پتانسیل های خودمان داریم. ما می خواهیم با همکاران مسئول و مستقل تعامل کنیم تا یک نظم جهانی دموکراتیک ایجاد کنیم که امنیت و رفاه را نه تنها برای اندک شماری چند بلکه برای همگان فراهم سازد.
https://deutsch.rt.com/international/61133-wie-putin-welt-sieht-elf-zitate/

روایت پزشکیان از پولدار شدن در دولت احمدی‌نژاد

کنگره فوق‌العاده انجمن اسلامی معلمان با حضور شخصیت‌های سیاسی برگزار شد. اهم سخنرانان از نمایندگان مجلس بودند و البته شخص وزیر آموزش و پرورش. گرچه دغدغه همگی رفع مضیقات معلمان بود اما غالبا با رویکردی سیاسی به آن پرداختند.

آفتاب‌نیوز :

امروز صبح کنگره فوق العاده انجمن اسلامی معلمان با پیامی از سوی سید محمد خاتمی که فاطمه سعیدی نماینده مردم تهران آن را قرائت کرد، در محل کانون فرهنگیان تهران برگزار شد.

به گزارش **آفتاب نیوز**، در این کنگره شخصیت هایی همچون محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید، مسعود پزشکیان نائب رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر آموزش و پرورش شرکت و سخنرانی کردند. عارف از آسیب های اجتماعی گفت و انتقاداتی را نسبت به برچسب زنی‌ها درمورد معلمان مطرح کرد؛ پزشکیان نیز از اختلافات سیاسی در کشور گفت. وزیر آموزش و پرورش نیز محور اصلی صحبت هایش را «سند تحول بنیادین» قرار داد و از مشکلات اجرایی سخن به میان آورد.

مسعود پزشکیان در بخش دیگری از صحبت هایش اظهار داشت: پزشکی وجود دارد که ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومان درآمد دارد و در مقابل پزشکی در ماه دو میلیون تومان درآمد کسب می‌کند. من پس از دوره وزارت بهداشت می‌خواستم برای پزشک خانواده کمک کنم، اما راهم ندادند. بنابراین به تخصص خودم که جراحی است، پرداختم و همان دولت در عرض سه سال به اندازه ۳۰ سال پول به حسابم واریز کرد. من با خواندن یک عکس ۵۰۰ تومان پول به حسابم وارد می‌شود. البته هیچ پزشکی خودزنی نمی‌کند، اما من معتقدم که با بی‌عدالتی نمی‌توان کشور را اداره کرد.

توافق ایران، ترکیه و روسیه درباره سوریه/گاردین: آمریکا و اروپا به حاشیه رانده شدند

رهبر روسیه با همتایان ایرانی و ترک خود در فعالیت‌های دیپلماتیک به توافق رسیده است. گاردین از این توافق به عنوان به حاشیه رانده شدن امریکا و اتحادیه اروپا در مورد سوریه یاد می‌کند.

آفتاب‌نیوز :

سرویس بین‌الملل- رسانه‌های بین‌المللی با اشاره به دیدار اخیر میان «ولادیمیر پوتین» رییس جمهوری روسیه، «حسن روحانی» رییس جمهوری ایران و «رجب طیب اردوغان» رییس جمهوری ترکیه و توافق سه‌گانه آنان در مورد سوریه به تجزیه و تحلیل درباره این موضوع و پیامدهای آن پرداخته‌اند.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، روزنامه «گاردین» در این باره اشاره می‌کند که رهبر روسیه با همتایان ایرانی و ترک خود در فعالیت‌های دیپلماتیک به توافق رسیده است. گاردین از این توافق به عنوان به حاشیه رانده شدن امریکا و اتحادیه اروپا در مورد سوریه یاد می‌کند.



این روزنامه می‌نویسد: «پیمان صلح برای پایان دادن به چنگ داخلی شش ساله به مصالحه‌ای از سوی تمام طرفین از جمله دولت اسد نیاز دارد. پوتین گفته است که روسیه، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در دریای سیاه در ناحیه سوچی به توافق رسیده‌اند. نشست رهبران سه قدرت که عمیقا درگیر در جنگ داخلی سوریه هستند به منظور یافتن راه‌حلی برای

برقراری صلح در سوریه و احتمالا ماندن اسد در قدرت به شرط اصلاح قوانین در آن کشور مطرح شده است. این توافق در حالی حاصل می‌شود که از زمان مداخله نظامی مسکو در سال ۲۰۱۵ میلادی در سوریه تقریبا مخالفان سوری نتوانستند کاری از پیش ببرند و داعش نیز در تمام شهرهای بزرگ سوریه با شکست مواجه شده است.

پوتین اعلام کرده که ستیزه‌جویان در سوریه ضربه‌ای جدی را متحمل شده‌اند و اکنون فرصتی واقع‌بینانه برای پایان دادن به جنگ داخلی چندین ساله در سوریه است. او گفت که مردم سوریه باید آینده خود را تعیین کنند. او گفت که مسلما روند اصلاحات آسان نخواهد بود و از همه شرکت‌کنندگان در نشست خواست که به مصالحه کمک کنند. پوتین روز دوشنبه نیز در سوچی با اسد دیدار داشت و صدایی بیش از حد انتظار ملایم را از اسد شنید. او روز چارشنبه تاکید کرد که اسد به روند صلح، اصلاحات قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد در سوریه متعهد است.
رهبر روسیه همچنین دیپلماسی تلفنی خود را با دیگر رهبران جهان از جمله پادشاه عربستان سعودی، نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و ترامپ رییس‌جمهوری امریکا ادامه داده است. پوتین از ایران و ترکیه خواسته تا درباره بازسازی سوریه با توجه به حجم وسیع تخریب‌ها همکاری داشته باشند. گاردین اما اشاره می‌کند که توافق و مصالحه بدون چالش نخواهد بود و می‌افزاید: «مشکل اصلی آن است که اردوغان تاکید می‌کند کردهای سوری باید از کنگره سوری کنار گذاشته شوند چرا که از دید او کردهای سوری با گروه‌های کرد ترکیه مرتبط هستند؛ گروه‌هایی که دولت ترکیه آنان را تروریستی قلمداد می‌کند. کردهای سوریه اما در شکست دادن داعش به عنوان بخشی از نیروهای دموکراتیک سوریه تحت حمایت امریکا بوده‌اند. اردوغان در سال‌های اخیر از حامیان اصلی مخالفان سوری بود اما در حال حاضر عمدتا بر روی آنچه تهدید کردها علیه ترکیه می‌خواند در داخل مرزهای ترکیه تمرکز کرده است. از سوی دیگر نیز اسرائیل خواهان خارج شدن نیروهای نظامی ایران در سوریه به خصوص در نزدیکی مرز جولان میان اسرائیل و سوریه است. این نیز چالش دیگری برای مصالحه در سوریه به شمار می‌رود».



شبکه خبری «الجزیره» نیز در گزارشی به نقل از خبرنگار خود از سوچی اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد اردوغان درباره ایده پوتین پیرامون تشکیل کنگره سوریه برای گفت‌وگوی ملی تردیدها و نگرانی‌هایی دارد. او درباره حضور گروه‌های کردی دعوت شده نگران است و آنان را سازمان‌های تروریستی می‌خواند. الجزیره می‌افزاید: «در اینجا همه حمایت خود را از کنگره سوری اعلام کردند اما احساس می‌شود که اردوغان کمی در این باره ناراحت است. یک پیشرفت جالب‌تر در کنفرانس پیشنهاد روحانی بود که گفت کنگره می‌تواند برای تهیه یک قانون اساسی جدید برای سوریه برنامه‌ریزی کند. برخی می‌گویند پوتین با طرح ایده تشکیل کنگره قصد دارد شکاف ایجاد شده در جریان مذاکرات آستانه که درباره آتش‌بس و مسائل فنی بود را پر کند و زمینه را برای حل و فصل بزرگ مسائل فراهم شود. به نظر می‌رسد پوتین با ایده تشکیل کنگره تلاش دارد به قانون اساسی سوریه پیش از برگزاری مذاکرات ژنو در آینده جهت دهد».

خبرگزاری «رویترز» نیز اشاره می‌کند که هیچ یک از رهبران سه کشور نگفته‌اند چه کسی برای کنگره دعوت می‌شود با این حال،از دید این خبرگزاری نکته مهم آن است که ترکیه با حضور گروه‌های کردی در کنگره مخالفت کرده است.

این خبرگزاری می‌افزاید: «از زمانی که روسیه با درخواست اسد در سال ۲۰۱۵ میلادی به جنگ در سوریه وارد شد توازن قوا به وضوح به نفع دولت سوریه تغییر کرده است. چالش دیگر برای توافق مقاومت گروه‌های اپوزیسیون در برابر طرح پوتین است. گروه‌های مخالف اسد روز چهارشنبه در هتلی لوکس در ریاض نشستی را برگزار کردند. «ریاض حجاب» از

اعضای کمیته عالی مذاکره‌کنندگان که از مدافعان کناره گیری اسد از قدرت است گفته که او نباید هیچ نقشی در دوران گذار قدرت در سوریه داشته باشد. اپوزیسیون سوریه هم در بیانیه نهایی جلسه‌شان، هم‌چنان بر روی موضوع لزوم استعفای اسد تاکید داشتند. در این میان عربستان سعودی رقیب منطقه‌ای ایران و حامی گروه‌های معارض سوری، حامی اصلی ایده لزوم ترک قدرت توسط اسد بوده است. با این حال، پس از دیدار اخیر ملک سلمان از مسکو به نظر می‌رسد که ریاض متوجه قدرت زیاد روسیه در مورد معادله سوریه شده است. به طور مشابه، ترکیه که به طور سنتی یکی از دشمنان اسد بود نیز به طور فزاینده‌ای نشان داده که تمایل به همکاری با روسیه برای حل بحران سوریه دارد. ایران از توافق حمایت کرده و دولت سوریه نیز آن را نقطه اوجی پس از نشست اخیر اسد و پوتین دانسته است».

رویترز اشاره می‌کند که قدرت‌های اصلی دخیل در بحران سوریه از جمله امریکا، فاصله خود را حفظ کرده است. واشنگتن نیروهای ویژه مسلح و آموزش‌دیده را برای کمک به کردها در مبارزه علیه داعش تجهیز و تربیت کرده است. این موضوع ترکیه را که با شورشیان کرد مبارزه می‌کند عصبانی کرده است.

خبرگزاری رویترز در پایان می‌نویسد که هرگونه توافق نهایی که در جریان آن قدرت در دست اسد حفظ شود احتمالا نیازمند مشارکت برخی از اعضای اپوزیسیون که مایل به مذاکره در این‌باره‌اند خواهند بود.

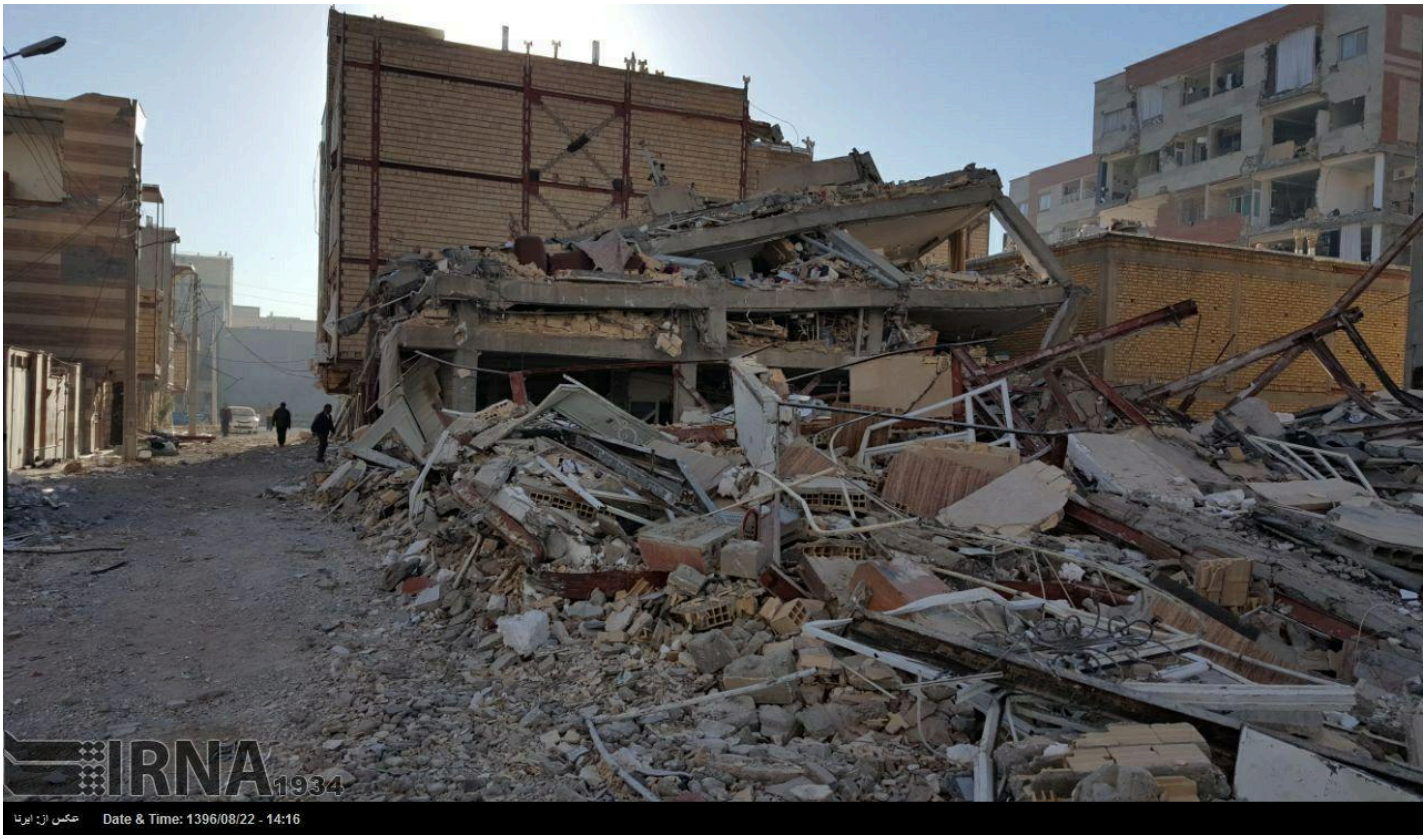
نمای خشک، راهی برای کاهش خسارت زلزله/ دستمزد کم مسئولیت مهندس ناظر را منتفی نمی کند/ هفته آینده، انتشار گزارش نظام مهندسی درباره زلزله کرمانشاه

خیلی از کارهایی که انجام می دهیم از ندانم کاری است و نه به خاطر غش و دزدی در کار.

عصر ایران؛ یوسف ناصری- با زمین لرزه 7 ریشتری استان کرمانشاه که در شهرستان ثلاث باباجانی رخ داد، برخی از بلوک های مسکن مهر در شهرستان سر پل ذهاب و شهرستان اسلام آباد غرب، به طور کامل فروریخت یا دچار آسیب های قابل توجه شدند.
بررسی آسیب های ایجاد شده در واحدهای مسکن مهر استان کرمانشاه، می تواند زمینه ای باشد برای این که در طرح های احتمالی بعدی، نواقص و کم کاری های موجود تکرار نشود.
به هر شکل در یک پروژه بزرگ که دولت با تمام قوا از آن پشتیبانی کرد و با چاپ پول بدون پشتوانه، تورم را برای کل مردم به ارمغان آورد و در عین حال بیش از چند سال از بهره برداری این واحدها نمی گذرد، آسیب دیدن مسکن مهر در اثر زلزله، می تواند درس عبرتی برای همگان باشد که حداقل از امکانات موجود بهتر استفاده کنیم و آسیب ها را ریشه یابی کنیم.

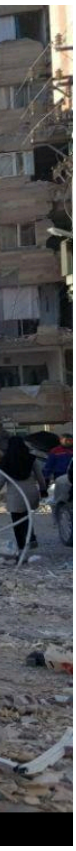


عصر ایران در گفت و گو با مهندس منصور بهادری(عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور) چند و چون تخریب های اتفاق افتاده در بلوک های مسکن مهر در زلزله های آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، ایلام و خصوصا استان کرمانشاه را بررسی کرده است.
بهادری پیش از برگزیده شدن به عنوان عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور تا بهمن ماه سال 1395 رئیس سازمان مهندسی ساختمان استان ایلام بود و هم اکنون به عنوان منتخب معماران در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ایران حضور دارد و از سمت استانی در سازمان نظام مهندسی ایلام استعفا داد. گفت و گوی عصر ایران با او در ادامه می آید.
***
*زلزله ای که در شهرستان ثلاث باباجانی استان کرمانشاه اتفاق افتاد تخریب هایی را ایجاد کرد. به طور ویژه تخریب مسکن مهر شهرستان سر پل ذهاب خیلی مطرح شد. اخیرا و بعد از وقوع این زلزله گفته اید تا زمانی که مصالح غیر استاندارد وجود دارد نتیجه مطلوبی در ساخت و ساز حاصل نخواهد شد.
از طرفی هم آقای نیکزاد که وزیر مسکن دولت آقای احمدی نژاد بودند بعد از انتشار عکس های متعدد و بحث های مطرح شده راجع به تخریب مسکن مهر سر پل ذهاب، یک بیانیه منتشر کرده و اعلام کردند که معاندان و مغرضان خرابی های ایجاد شده توسط تروریست های سوریه و بلایای طبیعی مصر را به جای مسکن مهر نشان می دهند.
شما که عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان ایران هستید واقعیتی که در مورد مسکن مهر سر پل ذهاب، درک کرده و متوجه شده اید دقیقا چه هست؟
-ما اگر می خواهیم ساختمان ایمنی در اختیار بهره بردار قرار بدهیم باید مولفه های زیادی استاندارد باشند که آن ساختمان هم یک ساختمان استاندارد باشد. بحث آقای مهندس نیکزاد و مباحث دیگر باید در کنار هم قرار بگیرند و این را در معرض وجدان مردم و به قضاوت مردم بگذاریم و مردم، قضاوت کنند و نظر بدهند.
وقتی که ما می خواهیم یک ساختمان را بنا کنیم اولا باید ببینیم جنس زمینی که می خواهیم این ساختمان در آن احداث شود آیا شرایط مناسب دارد یا زمین کشاورزی بوده یا به بستر محکمی نرسیده ایم و این بنا را در آنجا احداث کرده ایم. استقرار، یک بخش این قضیه است.
پروژه های مسکن از سه طریق «دوجانبه»، «سه جانبه» و «خودمالکی» اجرا شده اند. در دوجانبه ها، وزارت راه و شهر سازی، متولی آن است. سه جانبه ها از طریق تعاونی ها بوده که وزارت کار و وزارت راه و شهر سازی بر آنها نظارت داشته اند.



در پروژه مسکن مهر، تصدی گری دولت را داشته ایم. وزارت راه و شهر سازی فرآیندی را در نظر گرفته و انتخاب و تایید تعاونی ها، ناظر و انتخاب پیمانکار، بر اساس این فرآیند بوده است. وزارت راه و شهر سازی، تصدی گری داشته و این طور نبوده که حالت هدایتگر و نظارت گر داشته باشد.
ما باید نقشه های مسکن مهر را بررسی کنیم و ببینیم آیا طراحی های آن به درستی انجام شده یا نه. اگر درست انجام شده است، به مرحله بعد می رویم که نظارت است. می گوییم نقشه و طراحی درست داشته ایم ولی آیا نظارت به درستی انجام شده یا نه و آیا فردی که بر این پروژه نظارت داشته است دارای صلاحیت بوده یا نه.
در بخش اجرا هم، ما باید ببینیم افرادی که فعالیت داشته اند آیا صاحب صلاحیت بوده اند یا نه؟ قانون می گوید تمام دست اندرکاران صنعت ساختمان باید صاحب صلاحیت باشند. آیا کسانی که طرح را اجرا کرده اند، صلاحیت اجرای این پروژه را داشته اند یا نه.
یک بحث این است که آیا مصالحی که در آنجا استفاده شده است استاندارد هست یا نه؟ این که برخی می گویند سازه های مسکن مهر، سالم مانده و فقط «نما» و «میان قاب» ها فروریخته است، توجیه مناسبی نیست.
چرا که همین میان قاب ها[دیوارهای بیرونی و داخلی] وقتی فرو می ریزند، جان بهره برداران و ساکنان آن به خطر می افتد و کشته می شوند. وقتی دیوار روی عابر پیاده بیفتد یا روی فردی که داخل ساختمان سکونت دارد بیفتد، کشته می شوند یا حداقل آسیب می بینند.
دولت در پروژه های مسکن مهر، دخالت گسترده ای داشت. حتی آزاد کردن وام مسکن مهر به صورت پله ای انجام می شد و اگر پروژه، فلان درصد پیشرفت داشت بخشی دیگر از وام پروژه، تخصیص پیدا می کرد.
آزاد کردن وام با تایید وزارت راه و شهرسازی بود و در استان ها با تایید اداره کل راه و شهر سازی بود.
طبق ماده 35 قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، نظارت عالیه بر تمامی ساخت و سازها به عهده وزارت راه و شهر سازی است. وقتی می بینند این فرآیند، یک فرآیند مشکل دار است و می بینند جزئیات ساخت به درستی اجرا نشده است، چرا عملیات ساخت را متوقف نکرده اند و چرا آزاد سازی وام اتفاق افتاده است.
*در بلوک های 6 طبقه ای مسکن مهر در سر پل ذهاب، عمدتا نمای ساختمان و دیوارهای بیرونی و داخل واحدها فروریخته است. یک مجتمع مسکن مهر دیگر هم در سر پل ذهاب بلوک های 4 طبقه ای داشته و آقای نیک کردار معاون استانداری کرمانشاه در مصاحبه ای که فیلم آن هم منتشر شده گفته 2 بلوک 4 طبقه ای کاملا فروریخته است.
زمین مسکن مهر به صورت 99 ساله اجاره داده می شد. وزارت راه و شهرسازی دستورالعملی را ابلاغ کرد که متقاضیان با پرداخت پول نقد، زمین را خریداری کرده و خودمالکی اتفاق بیفتد.
در مورد آن پروژه مسکن مهر4 طبقه ای سر پل ذهاب برخی تاکید بر خودمالکی بودن آن دارند. آیا با خودمالکی بودن قضیه فرق می کند؟
-ما دو شکل در خصوص زمین داشتیم. یکی این که دولت، زمین در اختیار تعاونی ها و انبوه سازان قرار می داد. یکی هم این که مالکین زمین داشتند و وام مسکن مهر به آنها می دادند.
در موضوع نظارت، فرقی نمی کند که قرارداد مسکن مهر به چه صورت بوده است. چون وزارت راه و شهر سازی بر همه این پروژه ها نظارت عالیه دارد. آزاد کردن وام پروژه ها با مجوز وزارت راه و شهر سازی بوده است.
وقتی در ساخت و ساز ایراد وجود داشته است وزارت راه و شهر سازی و اداره کل راه و شهر سازی کرمانشاه و آن ناظر نباید اجازه آزاد شدن وام را می دادند.
من از منظر دیگری می خواهم به این قضیه نگاه کنم. این صنعت ساخت و ساز که در مسکن مهر یا در خیلی از پروژه های بخش خصوصی داریم، یک صنعت و چرخه ساخت و ساز معیوب و منسوخ است.
این نوع رفتار با میان قاب ها و این نوع رفتار با ساختمان، اشکال دارد. در کدام کشور دنیا الان برای ساختمان 6 طبقه یا 8 طبقه از سفال یا آجر برای میان قاب استفاده می کنند؟ اصلا کشور ما، یک کشور بی آب است. برای تولید هر قالب آجر 12 لیتر آب مصرف می شود.
آیا ما باید این آب را در صنعت ساخت و ساز مصرف کنیم یا این که باید به سمت و سوی ساخت و ساز خشک برویم که با چند پیچ و

مهره انجام می شود و اگر زلزله هم اتفاق بیفتد به مردم آسیب نمی رساند.



*علاوه بر این که در دیوار چینی از بلوک سفال استفاده شده است در ارتباط با همین ساختمان های مسکن مهر سر پل ذهاب، تصویرهایی منتشر شده که سنگ نمای ستون ها فروریخته و مشخص شده که تکه های سفال را به جای سیمان به کار برده اند و از نخاله های ساختمانی استفاده شده.

-ما نباید تکه های سفال پشت سنگ بیندازیم که آب ملات را جذب کند. وقتی سنگ کاری می کنند برای این که خشک شود استاد کاران متقلب تکه های سفال را می اندازند یا سیمان خشک می ریزند که زود خشک شود.

*اگر تکه های سفال پشت سنگ نما ریخته نمی شد و از بتُن استفاده می شد حداقل سنگ نما و ستون ساختمان در زمان زمین لرزه فرو ریخت.

-درست است. ریختن دوغاب پشت سنگ در کشورهای دیگر منسوخ شده و به طرف نماهای خشک رفته اند. به این شکل که پشت سنگ، شاسی کشی می شود و سنگ ها پیچ و مهره می شوند. وقتی زلزله هم می آید اجسام الحاقی به نمای ساختمان، جدا نمی شوند.

یک سنگ در ارتفاع 6 طبقه روی یک انسان بیفتد حکم شمشیر و حکم یک جسم بُرنده دارد و بدن او را قیچی می کند. خیلی از الحاقاتی که در ساختمان داریم، خود آنها کُشنده تر از زلزله هستند.

*درباره بلوک مسکن مهر 4 طبقه ای که در این زلزله به طور کامل و همراه با سازه تخریب شده و فروریخته است، اطلاعات جدیدی کسب کرده اید که برای ما مطرح کنید؟

- پروژه ای با این حجم و مقیاس، نمی تواند ایراد طراحی داشته باشد. بخش عمده برمی گردد به اجرا و نظارت. بعد از بررسی این موارد، مشخص می کنیم در هر پروژه، فلان درصد پیمانکار مقصر بوده، فلان درصد ناظر مقصر است و فلان درصد طراح مقصر است.

از طرف دیگر وزارت راه و شهر سازی، بر این پروژه ها نظارت عالیه داشته است. اگر این پروژه ها اشکال داشته است وزارت راه و شهر سازی باید این پروژه ها را متوقف می کرد. وقتی که وزارت راه و شهر سازی این کار را انجام نداده است جای علامت سوال است.

*بعضی افراد که در دفاع از مسکن مهر صحبت و اظهار نظر کرده اند گفته اند بلوک های 6 طبقه چون مرتفع بوده در نتیجه دچار لرزش شده و سنگ نما و دیوارها فروریخته است.

این موضوع توسط بعضی افراد مطرح شده ولی برخی بلوک های 4 طبقه مسکن مهر به طور کامل فروریخته اند. در عین حال ساختمان های شخصی ساز کنار بلوک های مسکن مهر وجود دارند و آسیب ندیده اند. در این زمینه شما چه نظری دارید؟

-یک ساختمان چه طبقات زیادی داشته باشد یا برج باشد و چه یک طبقه باشد، باید تاب آوری داشته باشد در مقابل زلزله. این که می گویند این بلوک ها 6 طبقه بوده است، این اظهار نظری غیر کارشناسی است.

این نوع توجیه کردن، توجیه غلطی است که در تعارض منافع گیر افتاده اند. تعارض منافع یعنی این که یک فرد بین انتفاع شخصی و انتفاع اجتماعی، نهایتا انتفاع شخصی را انتخاب می کند.

این دوستان دچار این تعارض شده اند و منافع شخصی خودشان را به منافع عمومی، ترجیح داده اند و به این صورت اظهار نظر می کنند. این برمی گردد به تعهد حرفه ای که این تعهد در برخی افراد پیمانکار، طراح، ناظر و کارفرما رقیق و کمرنگ بوده است.

*در بلوک های آسیب دیده مسکن مهر شهر سر پل ذهاب، برخی از ستون های سازه به طور واضح کج شده و خمیده است. وقتی به بتُن آن دست می زنند خُرد می شود و ریزش می کند. این مشکل به سیمان و نحوه ساخت بتن برمی گردد؟

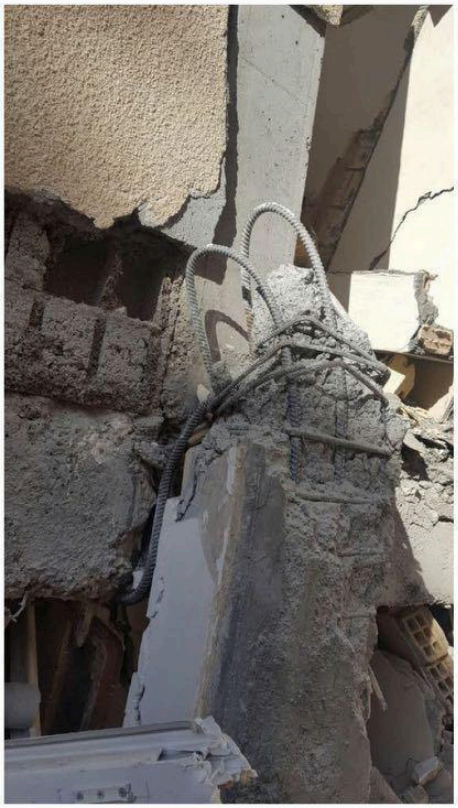
-ما می خواهیم محصول استاندارد تحویل بهره بردار بدهیم. عوامل زیادی در این زمینه موثر هستند که یکی از آنها مصالح استاندارد است.

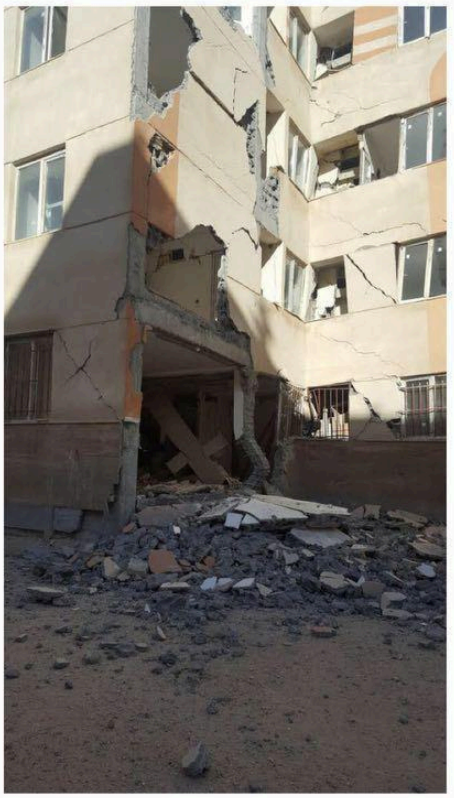
دوم، نیروی کار ماهر است. افرادی که در ساخت مسکن مهر فعالیت داشته اند باید کارت مهارت فنی داشته باشند. چون فردی که آرماتور بندی می کند باید کارت مهارت حرفه ای داشته باشد.

*در این ستون هایی که دچار خمیدگی شده به جای سیمان از مصالحی مثل آهک استفاده شده که مقاومت آن کمتر شده؟

-از لحاظ ریالی، ارزش این تقلب را ندارد. خیلی از کارهایی که انجام می دهیم از ندانم کاری است و نه به خاطر غش و دزدی در کار.

آرماتور باید خم شود و زاویه 135 درجه داشته باشد. اگر زاویه آن بیش از این مقدار باز باشد مشکل ایجاد می کند. به همین دلیل وقتی زلزله می آید به درستی رفتار نمی کند. نیروی کار برای انجام این کار آموزش لازم را ندیده است.
خیلی از مهندسانی هم که از دانشگاه، فارغ التحصیل می شوند آموزش ندیده هستند. درست است که اسم مهندس روی آنها هست ولی واقعا مهندس حرفه ای نیستند که آماده ورود به بازار حرفه باشند. وقتی چنین فردی را آموزش نداده ایم با سرمایه مردم بازی می کند.
یکی از وظایف ما، بادوام کردن سرمایه های مردم است. از مهندسی که فقط حساب و کتاب می داند و جزئیات اجرا را نمی داند آیا می شود انتظار این را داشت که سرمایه های مردم، بادوام شود.





*آقای محمدرضا حبیبی که عضو هیات مدیره نظام مهندسی کرمانشاه است گفته نرخ نظارت از متری 24 هزار تومان به متری 3 هزار تومان در مسکن مهر کاهش داده شد. همچنین گفته ملاتی که ساخته شده با درصد سیمان کم تهیه شده و بی کیفیت است.
در پروژه های مسکن مهر به هر حال مهندس ناظر وجود داشته است. این که دولت نرخ نظارت را از متری 24 هزار تومان به 3 هزار تومان کاهش داده آیا تبعات این کاهش نرخ باید به همین صورت که اتفاق افتاده رخ می داد و آیا مهندس ناظر باید مورد مواخذه قرار بگیرد یا قرار نگیرد که این ساخت بی کیفیت را تایید کرده است؟
-اگر این مبلغ کم هست این کار را نپذیریم. اما اگر مسئولیتی را قبول می کنیم و اسم ناظر یا اسم طراح، روی ما هست، باید با تعهدات و وظایف خودمان عمل کنیم. اخلاق حرفه ای ایجاب می کند به تعهدات خودمان عمل کنیم.
مبلغ کم دستمزد، مسئولیت ناظر را منتفی نمی کند. چون تعهد، اختیار کرده است. در مقابل یک مبلغ مشخصی، ایجاد تعهد شده است و به کم یا زیاد آن، کار نداریم. بنابراین ناظر موظف بوده است که کارش را درست انجام بدهد.
انبوه سازی که کار ساخت مسکن مهر را انجام داده و اهل این فن است می دانسته ساخت و ساز مسکن مهر با قیمت 300 هزار برای هر متر مربع ، سودآور نیست چرا با این قیمت این کار را انجام داده ولی از کیفیت دزدیده است.
* آن مهندس ناظر نظارت بر چنین پروژه ای را قبول نکند ممکن است بیکار بماند. اگر بیکار بماند چطور و این موضوع را چه کار کنیم؟
-من از منظر دیگر جواب می دهم. وقتی یک فرد، جراح نیست ولی من به او یک میلیارد تومان بدهم و بگویم آپاندیس من را عمل کن، آیا او باید این کار را انجام بدهد؟ او باید بگوید من تخصص این کار را ندارم و نمی توانم.
ما باید کار را به اهل آن و فرد باتجربه بسپاریم. بنابراین فردی که این مسئولیت را قبول کرده است باید پاسخگو باشد. این که مبلغ، پایین باشد یا مبلغ، بالا باشد اصلا رافع مسئولیت ما نیست.
*وقتی نرخ نظارت بر مسکن مهر توسط دولت آقای احمدی نژاد از متری 24 هزار تومان به متری 3 هزار تومان کاهش داده شده تا قیمت تمام شده مسکن مهر پایین بیاید، ما اگر منصفانه بررسی کنیم آیا می شود انتظار داشت که یک مهندس ناظر، با علاقه و جدیّت بر ساخت و ساز نظارت کند؟
-ما یک مسئولیت شخصی داریم و یک مسئولیت اجتماعی. در زمانی که به سرزمین و میهن ما حمله شود به مرز کشور می رویم و می جنگیم به خاطر مسئولیت اجتماعی است. نمی خواهیم که ناموس ما به خطر بیفتد.
در قضیه مسکن مهر نیز باید مسئولیت اجتماعی را در نظر بگیریم. چون قبول کرده است، در نتیجه مسئولیت اجتماعی دارد و باید پاسخگوی مسئولیت اجتماعی و ثروت ملی و جامعه بود.
وقتی یک فرد این تعهد اجتماعی و مسئولیت اجتماعی را پذیرفته است هر چند دستمزد کمتری دریافت کند ولی نمی تواند با جان ملت بازی کند.
*قبل از زلزله 7 ریشتری کرمانشاه، وقوع زلزله های مختلف در منطقه مورموری ایلام، ورزقان آذربایجان شرقی و بجنورد به واحدهای مسکن مهر این مناطق آسیب زده بود. شما در ایلام هستید. زلزله مورموری از توابع شهرستان آبدانان 6 ریشتری بود.
مورموری 55 کیلومتر با شهر آبدانان فاصله دارد. این که در آن زلزله، مسکن مهر آبدانان آسیب دید و معاون ستاد مدیریت بحران کشور اعلام کرد آسیب دیدن به خاطر مساله نظارت و اجرای نامناسب بوده است.
از تخریب هایی که در مسکن مهر آبدانان و ورزقان یا بجنورد اتفاق افتاد و آخرین موردش هم مسکن مهر سر پل ذهاب است چه نتیجه

گیری ای می توان داشت؟
-ما نمی توانیم یک نسخه برای تمام پروژه های مسکن مهر بپیچیم. در برخی پروژه های مسکن مهر، من کارفرماها، پیمانکاران و ناظرینی دیده ام که بهترین کیفیت های ساخت و ساز را دارند.
در زلزله مورموری آبدانان، خسارت های مسکن مهر آنجا به این شکلی که در کرمانشاه اتفاق افتاده است، نبود.
*به هر حالت کسانی که در واحدهای مسکن مهر سکونت دارند در حال پرداخت قسط های وام هستند و تا سال های بعد باید این قسط ها را پرداخت کنند. الان ما وضعیت مسکن مهر در ایلام، کرمانشاه، خراسان شمالی و آذربایجان شرقی را بعد از زلزله می بینیم که این واحدها آسیب دیده اند. در برخورد با مسکن مهر چگونه باید رفتار کرد؟
-به اعتقاد من، همه پروژه های مسکن مهر مشکل ندارند. قیمت پایین هم نمی تواند رافع مسئولیت پیمانکار، طراح و ناظر باشد. اگر چه کاهش داده اند ولی در همان زمان جامعه مهندسی، برای آن 3 هزار تومان به شدت با هم رقابت می کردند.
در تمام دنیا حدود 10 تا 15 درصد از هزینه مربوط به خدمات مهندسی است.در مسکن مهر 3 هزار تومان برای هر متر، نسبت به 300 هزار تومان کل هزینه ساخت یک متر مربع، کمتر از یک درصد می شود.
این موضوع هم جای بحث دارد ولی من اعتقاد ندارم به خاطر کم بودن مبلغ ساخت مسکن مهر یا مبلغ نظارت، از کیفیت بدزدیم. ما باید این فرآیند طراحی و ساخت مسکن مهر را بررسی کنیم. باید ریشه یابی کنیم و بدون بررسی نمی شود فردی را مقصر بدانیم.
*شما در نظام مهندسی کشور آیا تصمیم گرفته اید برای وضعی که در مسکن مهر سر پل ذهاب و اسلام آباد غرب بعد از زلزله کرمانشاه به وجود آمده است بررسی و تحقیقات خاصی انجام بدهید و خودتان هم به عنوان یک نهاد صنفی این مشکل را بررسی کنید؟
-ما دو نوع تحقیق داریم. یکی این که تیم هایی از استان های مختلف به مناطق زلزله زده اعزام کرده ایم. مبنی بر این که آسیب شناسی کنیم در زمینه های طراحی، نظارت و اجرا چه مشکلاتی وجود داشته است. این بررسی باید انجام شود و به مهندسان خودمان آموزش بدهیم و راهکار ارائه کنیم.
یک بحث دیگر، حق و حقوق بهره برداران واحدهای مسکن مهر است. این حق و حقوق آنها محفوظ است. چنانچه مال و جان فردی به خاطر اهمال کاری ما به خطر افتاده است، ما باید پاسخگو باشیم.
عملکرد نادرست ما باعث به مخاطره افتادن جان و مال و زندگی حتی یک نفر شده و برای تبعات روحی و روانی و اجتماعی که برای هر فرد یا خانواده پیش می آید باید در دادگاه صالح پاسخگو باشیم.
*کانون زلزله 7 ریشتری استان کرمانشاه در شهرستان ثلاث باباجانی بوده و حداقل 30 کیلومتر با مسکن مهر شهرستان سر پل ذهاب فاصله دارد.
با توجه به این که برخی از بلوک های مسکن مهر کاملا ویران شده و برخی از بلوک ها عمدتا نمای ساختمان و دیوارها تخریب شده و از طرفی برخی واحدهای شخصی ساز در کنار بلوک های مسکن مهر کاملا سالم مانده اند، فعلا می توان نتیجه گیری کرد که کم کاری اتفاق افتاده و مشکل در کیفیت ساخت است؟
- بله. مشکل در کیفیت ساخت است. البته ما نقشه های هر کدام را باید بررسی و اظهار نظر کنیم. ما گزارش کاملی ارائه می کنیم که ایرادها به کجا برمی گردد.
*چه زمانی این نتایج مشخص می شود که واحدهای آسیب دیده مسکن مهر در طراحی مشکل داشته یا در نظارت و اجرا؟
-من فکر می کنم نتیجه بررسی خود را در هفته آینده در اختیار افکار عمومی قرار می دهیم. گزارش جامعی در اختیار افکار عمومی قرار خواهیم داد که علت این تخریب ها چه بوده و قصور از جانب چه کسانی بوده است.

دانشجوی ایرانی مقیم آمریکا: به دلیل نام «محمد»، از اتوبوس پیاده‌ام کردند



یک مرد ایرانی می گوید به دلیل نامش که «محمد» است از یک اتوبوس بین شهری در آمریکا اخراج شده است.

به گزارش یورونیوز محمد رضا سرداری که دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه تگزاس است در صفحه فیسبوک خود در مورد حادثه ای که روز ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) در مسیر بین آرلینگتون به کانزاس سیتی در ایالت میسوری برای وی رخ داده اطلاع رسانی کرده است.

به گفته این دانشجوی رشته برنامه ریزی شهری راننده اتوبوس شرکت «گریهاند» نیمه شب و در میانه مسیر او را بیدار کرده و از او خواسته است بلیت خود را به وی نشان دهد.

این دانشجوی ایرانی در صفحه فیسبوک خود نوشته است که راننده اتوبوس با مشاهده نام «محمد» بر روی بلیت الکترونیکی (صفحه تلفن هوشمند) آن را نپذیرفته و از او خواسته است به دلیل به همراه نداشتن نسخه چاپ شده بلیت از اتوبوس پیاده شود.

محمد رضا سرداری در ادامه افزوده که او پس از جستجو نسخه چاپ شده بلیت را ارائه کرده اما راننده اتوبوس همچنان از پذیرش بلیت او خودداری کرده است. در مقابل درخواست راننده اتوبوس برای ترک اتوبوس توسط محمد رضا سرداری، این دانشجوی ایرانی جویای دلیل آن شده است اما به گفته وی راننده اتوبوس در پاسخ به او اظهار داشته است: «نمی خواهم با شما صحبت کنم.»

راننده شرکت «گریهاند» در نهایت با پلیس تماس گرفته است. محمد رضا سرداری می گوید در حالی که منتظر حضور افسر پلیس بوده است دیگر مسافران با او برخورد نامناسبی داشته اند.

در نهایت با حضور یک افسر پلیس محمد رضا سرداری ساعت ۳:۴۰ صبح به وقت محلی مجبور به ترک اتوبوس شده است.

او ویدئوی کوتاهی از این حادثه نیز در صفحه فیسبوک خود منتشر کرده است. این دانشجوی ایرانی برای شرکت در یک گردهمایی علمی عازم کانزاس سیتی شده بود.

شرکت «گریهاند» در واکنش به این حادثه آن را «غیر قابل پذیرش» ارزیابی کرده و از آغاز تحقیق در مورد آن خبر داده است.

مرکز تحقیقات وزارت مسکن: در کرمانشاه پیش‌لرزه ها 43 دقیقه قبل از زلزله اصلی رخ داد/ ساختمان‌های مسکن مهر مانند زلزله بجنورد از بوته آزمایش موفق بیرون نیامدند

عصر ایران- مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گزارش فوری مقدماتی زلزله کرمانشاه – سر پل ذهاب را منتشر کرد.

در بند هفتم این گزارش که به « نتایج و پیشنهادها» اختصاص دارد آمده است:

قبل از رخداد اصلی، پیش لرزه هایی با بزرگای 4.5 و 1.9 و 2.5 ریشتر در همان منطقه از ساعت 21:05 حدود 43 دقیقه قبل از وقوع شروع به رخ دادن می کند. این امر در صورت استقرار سامانه پایش خُرد زلزله ها می توانند در امر رعایت موارد آمادگی مؤثر باشد.

در بخش دیگری آماده است: عدم وجود امکانات امداد و نجات، ماشین آلات و تجهیزات آواربرداری در این زلزله در مناطق مختلف و به ویژه در شهر سر پل ذهاب نمودِ بیشتری پیدا کرد و لازم است موضوع آمادگی از حیث در کشور مورد ارزیابی جدی تری قرار گیرد.

درباره ساختمان های مسکن مهر هم که در زلزله اخیر بحث انگیز شده آمده است:

« در این زلزله نظیر زلزله بجنورد ساختمان های مسکن مهر در بوته آزمایش زلزله موفق نبودند و متاسفانه در شهر سر پل ذهاب و بعضی مناطق دیگر تعدادی از انها خسارت های قابل ملاحظه ای را متحمل شدند و و لازم است مورد ارزیابی میدانی قرار گیرند.»

این گزارش همچنین خواستار ارزیابی دقیق و موشکافانه عملکرد بیمارستان های مناطق تحت تأثیر زلزله شده و چگونگی کارکرد و دلایل خسارت بیمارستان ها را با توجه به نقش ویژه آنها در امداد موضوع آموزنده مهمی برای تعمیم نتایج به دیگر بیمارستان های کشور نیز هست.

از موضوعات مورد اشاره دیگر در گزارش قطع آب و برق در زمان رخداد زلزله کرمانشاه و ریزش سنگ بر اثر زلزله است که موجب بسته شدن جاده ها در زلزله های مهم می شود.

از نکات فنی قابل توجه دیگر در بخش نتایج این است که « زونِ لرزه ای زاگرس ساز و کار لرزه ای خاص خود را دارد و رخداد زلزله در این زون، نمی تواند با دیگر مناطق کشور ماهیتا ارتباط داشته باشد.»

اپلیکیشن‌ها تا چه حدی به اطلاعات گوشی‌های هوشمند می‌تواند دسترسی پیدا کند؟ اینکه اول برای نصب و دسترسی به "کانتکت"ها و مواردی دیگراجازه می‌گیرد؟

همان طور گفتید، موقع نصب یک اپلیکیشن (یا وقتی برای بار اول آن را باز می‌کنید) از شما می‌خواهد اجازه دسترسی به مواردی مثل دفترچه و دوربین تلفن‌تان را بدهید.
اگر نمی‌خواهید، معمولاً می‌توانید این اجازه را ندهید؛ هر چند ممکن است آن اپلیکیشن بدون این اجازه به درستی کار نکند. ولی اگر یک اپلیکیشن به فهرست دوستان‌تان و اینترنت دسترسی داشته باشد، قاعدتاً می‌تواند این اطلاعات را از روی گوشی شما بخواند و به یک سرور اینترنتی بفرستد.
اگر بخواهید، می‌توانید این اجازه را از هر اپلیکیشنی سلب کنید.
به بخش تنظیمات گوشی و سپس فهرست اپلیکیشن‌ها بروید و اپلیکیشن مورد نظر را انتخاب کنید. در فهرستی که ظاهر می‌شود گزینه اجازه‌ها (permissions) را انتخاب کنید و هر اجازه‌ای را که نمی‌خواهید، از آن "اپ" بگیرید.

IMAGES

- **آیا این امکان برای دستگاه‌های امنیتی ایران وجود دارد که به محتوای جی‌میل، با فرض بروز بودن سیستم عامل آنتی‌ویروس و "فایروال" دسترسی داشته باشد؟**

احتمالاً! در بحث امنیت دیجیتال، می‌توانید ریسک را با روش‌هایی که مثال زدید (و نیز به‌روز کردن مرورگر) کاهش بدهید؛ ولی نمی‌شود ریسک را کاملاً از بین برد. چرا که هکرها ممکن است از راه‌های دیگری بتوانند به اطلاعات دسترسی پیدا کنند.
یک راه استفاده از جاسوس‌افزارهایی است که با سوء استفاده از ضعف‌های ناشناخته سیستم عامل یا دیگر نرم‌افزارها، می‌توانند مثلاً از صفحه گوشی یا کامپیوتر شما عکس (اسکرین‌شات) بگیرند و آن را برای مهاجم بفرستند.
آن‌ها ممکن است با سرقت گواهینامه اس‌اس‌ال (کلید رمزنگاری صفحات رمزگذاری‌شده) دست به حمله "فرد واسط" بزنند و اطلاعات شما را در میانه راه بدزدند.
در کنار این هکرها می‌توانند تلاش کنند به سرورهای سرویس‌دهنده ای‌میل شما نفوذ کنند.
هر چند که احتمال موفقیت این روش‌های نفوذ کم است؛ ولی صفر نیست. در نتیجه هر روشی را که می‌شناسید، برای بالا بردن امنیت‌تان به کار بگیرید. ولی متأسفانه هیچ راهی برای تضمین صد درصد امنیت وجود ندارد.

فارسي زبانهايي در بام دنيا

در بامير كوجك بلندترين نقطه مسكوني زمين

اینها یکی از اقلیت‌های قومی افغانستان هستند که در دامنه کوه‌های پامیر زندگی می‌کنند.
آخرین نقطه در شمال‌شرق این کشور با ارتفاع بیش از ۴ هزار متر از سطح دریا.
افزایش مرگ و میر مادران هنگام زایمان در سال‌های اخیر، آنها را نگران انقراض نسل‌شان در این کشور کرده است.



ناگفته‌های زندگی فارسي زبانهای بام دنیا

پس از پرواز از کابل به اشکاشم ولایت بدخشان در شمال‌شرق افغانستان، بعد از یک روز سفر با خودرو به ولسوالی واخان رسیدیم و پس از یک روز سفر دیگر به منطقه "بروغیل" ورودی سفر به پامیر کوچک. حالا رونده شمال‌شرقی‌ترین منطقه این ولسوالی مشهور به بام دنیا هستیم.

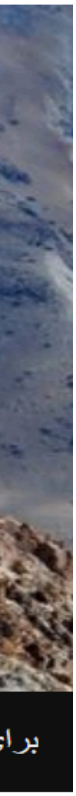
برنامه‌ریزی برای سفر به ارتفاعات پامیر، آسان نبود. ما جایی می‌رفتیم که دسترسی به ابتدایی‌ترین امکانات در آن‌جا ناممکن است. ناگزیر بودیم از "الف" تا "یا" وسایل مورد نیازمان را با خود به این منطقه ببریم.

من و همکارم برای این‌که وسایل زیادی با خود داشتیم، پنج اسب کرایه کردیم و صبح زود با کاروان هفت نفره از راهنمایان و راه بلدها، از واخان به سوی پامیر خُرد/کوچک راه افتادیم.

پنج روز راه پیاده و کوه‌ها و کتل‌های دشوارگذری برای رسیدن به این منطقه در پیش داشتیم.

اما ما تنها مسافران این راه نبودیم، در این مسیر با بیش از ده گردشگر برخوردیم که دلیل سفرشان به واخان و پامیر را، طبیعت زیبای این منطقه می‌گفتند.

در روز پنجم سفر در منطقه "ایرغه‌ایل" میان گروهی از مردان و زنان قرقیز بودیم. مردمی با فرهنگ و زندگی متفاوت و شگفت‌انگیز.
راه‌های باریک منتهی به پامیر کوچک به دلیل بارندگی، تنها چند ماه در سال باز است.
از نظر نژادي قرقیز هستند اما فارسي صحبت مي كنند اقلیت حدود ۱۵۰۰ نفری هستند که در کوه‌پایه‌های پامیر زندگی می‌کنند. اینها پس از انقلاب کمونیستي روسیه (برای حفظ دین و ایمان خود) به این منطقه مهاجر شده‌اند. عده‌ای هم پس از فروپاشی شوروی به پامیر آمده‌اند.
این گروه سنی مذهبند و به زبان قرقیزی و فارسی صحبت می‌کنند.



مالداری زندگی مردم این منطقه را می‌چرخاند. زنان هم نیروی اصلی کار هستند.
خانه‌های آنان خیمه‌های پارچه‌ای از جنس پشم دام‌ها است که به آن می‌گویند "خِرگاه". درون خیمه قرقیزها رنگین است، اما سفره‌های‌شان نه! آنها مردمی فقیر هستند.

"قَتَمه" غذای خاص قرقیزهاست که با ترکیب شیر، آرد و روغن حیوانی تهیه می‌شود. مهمانی را که برایشان عزیز است با قتمه پذیرایی می‌کنند.
برخلاف اکثریت اهالی افغانستان، این مردم دغدغه ناامنی را ندارند و با صدای انفجار و خبر انتحار بیگانه‌اند، اما با دردهای بسیار دیگری آشنا هستند.
این اقلیت قومی از بی‌مهری دولت افغان گلایه دارند.
تینگش از باشندگان این منطقه می‌گوید: "دولت افغانستان به ما هیچ توجهی نکرده است.
وعده‌هایی به ما داده شد که برایتان سرک (جاده) می‌سازیم، شفاخانه می‌سازیم؛ اما هیچ کدام عملی نشد."
سال گذشته نمایندگان قرقیزها برای رساندن پیام این مردم به کابل سفر کردند و از مشکلات‌شان به اشرف غنی، رئیس جمهوری گفتند.



خطر انقراض نسل فارسي زبانهای پامیرنشین

کودکانشان به آموزش رسمي دسترسی ندارند. تنها مکتبی که در پامیر کوچک ساخته شده، به دلیل نبود معلم، سرد بودن هوا و نرسیدن مواد خوراکی غیرفعال است.

گینجه، بانوی میان‌سالی که مادر پنج کودک است، از مشکلات زنان قرقیز می‌گوید: "کارهای شاقه در اینجا به عهده ما زن‌هاست. از مالداری گرفته تا سوزن دوزی و کارهای خانه. از سوی دیگر زنان زیادی در هنگام زایمان تلف می‌شوند. کودکان خردسال و نوزادان ما را هم سرما از ما می‌گیرد."

افزایش مرگ و میر مادران هنگام زایمان، قرقیزها را نگران انقراض نسل‌شان در افغانستان کرده است.

از سوی دیگر کم شدن شمار زنان در جامعه قرقیز، ازدوج را هم برای مردان دشوار کرده. مردان باید کم از کم صد بز و گوسفند بدهند تا کسی برایشان دختر بدهد. آنهایی که دست‌شان زیر سنگ فقر و ناداری است، گره بخت شان تا آخر عمر باز نمی‌شود؛ مثل حبیب که تا ۵۷ سالگی موفق به ازدواج نشده است.

می‌گوید: "۵۷ ساله هستم. هنوز ازدواج نکرده‌ام. اینجا تا گاو و گوسفند زیاد نداشته باشی، کسی دخترش را نمی‌دهد. زن کم است."



تریاک؛ دوای درد مرد و زن و کودک

برای قرقیزها، تریاک مثل آب و غذا، بخشی از زندگی زیر خیمه‌ها است؛ ماده‌ای که با کاروان کوچک تجاری، از ولسوالی‌های دوردست بدخشان، راهش را تا اینجا باز می‌کند. نه تنها مردان، زنان و کودکان هم دلبسته این دود اند. برای تسکین دردهایشان.

عبدالرحمان که با خانم و دختر خردسالش یکجا تریاک دود می‌کند، می‌گوید: "تریاک دود می‌کنیم چون اینجا شفاخانه نداریم، دارو نداریم. تریاک مسکن دردهای ما است. هم خود ما می‌کشیم هم وقتی کودکان ما مریض می‌شوند، به آنها می‌دهیم."



سردی تجارت در گرم‌ترین مسیر تجارت جهان

تجارت هم اینجا از رونق افتاده است. ساکنان پامیر در نزدیکی مرز چین که روزگاری مسیر کاروان‌های بزرگ راه ابریشم بود، حالا چشم به راه چند فروشنده می‌ماند تا مگر مواد مورد نیازشان را بیاورند.

اینجا مردم پول را نمی‌شناسند و گاه در برابر یک جفت کفش، یک گوسفند می‌دهند.

اما زندگی آنها با وجود دور بودن از شهر و زندگی عصری، کم کم به سوی مدرن شدن می‌رود. در تمام منطقه در خانه بزرگ محل، تلویزیون و ماهواره را هم می‌توان یافت. برق هم در این خانه تامین می‌شود آنهم به وسیله سولر/سیستم برق آفتابی که از طریق این کاروان‌ها به دست‌شان رسیده است.

اینجا تلفن و موبایلی وجود ندارد، اما مردم محل برای ارتباط با یکدیگر از مخابره استفاده می‌کنند. سیستمی که تا فاصله کمتر از پنجصد متری کار می‌دهد و هر کدامش در بدل یک بزغاله خریداری شده است.

با وجود تمام این مشکلات، قرقیزها لحظات خوش و آرامی را می‌گذرانند اما بام دنیا حالا به قفس سنگی می‌ماند که در قعر مشکلات گیر مانده و فریاد مردمانش به گوش کسی نمی‌رسد.

در بشت کوه مجاور در همین کوهستان از همین قرقیزها مردماني شیعه اسماعیلي زندکي مي کنند

در سمت دیکر بام دنیا جاده و جود دارد

طبیعت زیبا وبکر واخان؛ گردشگران خارجی را به 'بام دنیا' کشاند



نه شاخ بلندترین قله کوه افغانستان

طبیعت زیبا و منابع طبیعی سرشار، سه سال پیش لقب دومین پارک ملی افغانستان را به واخان داد. منطقه بکر در انتهای شمال‌شرق افغانستان که به "بام دنیا" معروف است.

موجودیت نمونه‌های متنوع و کمیاب از حیات وحش، جذب گردشگران از شرق و غرب و وجود امنیت، از دیگر امتیازهای واخان است.

پلنگ برفی، بز کوهی/وحشی، آهوی مارکوپولو و برخی از انواع نادر پرندگان در واخان پیدا می‌شوند.

غلام محمد ملکیار، معاون فنی اداره ملی محیط زیست افغانستان می‌گوید: "اداره ملی حفاظت از محیط زیست تا سال ۱۴۰۹ خورشیدی برنامه دارد ده درصد خاک افغانستان را ساحات حفاظت اعلان کند. اعلان واخان به عنوان پارک ملی افغانستان بخشی از این برنامه بود که علت آن اهمیت بیولوژیکی این منطقه است."

دهلیز واخان با مساحت ده هزار کیلومتر در کنار دریای پنج، در مرز بین افغانستان و تاجیکستان قرار دارد.

ولسوالی مرزی اشکاشم ولایت بدخشان دروازۀ ورودی دهلیز واخان است.

اکثر گردشگرانی که از کشورهای اروپایی به این منطقه می‌آیند، از تاجیکستان وارد اشکاشم می‌شوند و از آنجا راه واخان در پیش می‌گیرند.

تابلوهای راهنما برای گردشگران در ولسوالی اشکاشم در آغاز دهلیز واخان توسط موسسه حفاظت از حیات وحش(WCS) نصب شده‌است.



با کریستینا و بینو، دو دانشجوی جوان در دومین روز سفر به واخان برخوردم

تقریباً در بیشتر قریه‌های واخان مهمان‌خانه‌های شخصی با هماهنگی اداره گردشگری بدخشان، برای سکونت گردشگران ساخته شده‌است. هزینه یک شب اقامت در این مهمان‌خانه‌ها از ۲۰ تا ۳۰ دلار است.

در کنار این برخی نهادهای خیریه مثل بنیاد آغاخان برای رونق گردشگری در این منطقه، افرادی را برای راهنمایی گردشگران آموزش داده‌است. راهنماها در بدل همراهی گردشگران به ویژه آنهایی که به پامیر سفر می‌کنند، روزانه دست‌کم پنجاه دلار دریافت می‌کنند.
خودرو/موتر، راننده و آشپز کرایی هم در این منطقه پیدا می‌شود.
گردشگرانی که به واخان می‌آیند باید به اداره‌های مختلف در این منطقه مراجعه و ثبت نام کنند. بیشترشان از این بروکراسی پیچیده گلایه دارند اما از امکانات اندکی که برای سهولت گردشگران فراهم شده، راضی هستند.
با کریستینا و بینو، دو دانشجوی جوان رشته پزشکی که هر دوتبعه آلمان بودند، در دومین روز سفر به واخان برخوردم، تازه از کوه‌های پامیر به منطقه مرزی بروغیل رسیده بودند.
از آنها دلیل آمدن شان را به واخان و حسی که از دیدن این منطقه دارند را پرسیدم.
پاسخ بینو این بود که از آلمان اینجا آمده و افزود "من یک مقاله درباره واخان خواندم برایم جالب بود. کریستینا هم با من همراه شد. اول تاجیکستان آمدیم، از آنجا وارد خاک افغانستان شدیم. طبیعت و مردم خوب اینجا، شگفت زده‌ام کرده است."
کریستینا درباره علت سفرش گفته که برای خانواده و دوستانش باورنکردنی بوده که او تصمیم گرفته در تعطیلاتش به افغانستان سفر کند.
او گفت: "ما ده روز اینجا هستیم. جالب است که می‌بینم زنان آزادی‌های خود را دارند. من هم احساس راحت می‌کنم. مردم بسیار مهربان و مهمان نواز هستند. ما در آلمان با کسانی که نمی‌شناسیم این‌قدر گرم برخورد نمی‌کنیم."
وزارت زراعت، اداره محیط زیست و موسسه حفاظت از حیات وحش طرحهای را برای بهبود وضعیت منطقه ریخته‌اند. گسترش مناطق حفاظت شده، ایجاد پناهگاه‌ها برای حفاظت از دام‌های/ مواشی مردم در برابر سرما و همچنین از حیوانات درنده، برنامه‌های آگاهی‌دهی برای جلوگیری از شکار از جمله این برنامه‌ها است.
به گفته مسئولین این تلاشها نتایج خوبی را نیز در پی داشته است.
با تمام کارهای که انجام شده نگرانی‌هایی هم وجود دارد. واخان یکی از مناطق افغانستان است که علاوه بر داشتن مناطق بکر، بزرگترین یخچالها طبیعی افغانستان را نیز در خود جا داده‌است.
رفیع قاضی‌زاده، رئیس منابع طبیعی وزارت زراعت و مالداری افغانستان می‌گوید:"تغییر اقلیم یکی از چالش‌های این منطقه است که می‌تواند باعث ذوب شدن یخچال‌های طبیعی شود. در کنار این پروژه‌های اقتصادی و معیشت بدیل باید برای مردم فراهم شود تا آنها از شکار دست بردارند."
ماموران حفاظت از حیات وحش و محیط زیست ۹ ماه در سال وضعیت را در نقاط مختلف واخان زیر نظر دارند.

محمد صابر، یکی از محافظان منابع طبیعی واخان می‌گوید:"معاش (حقوق) ما ده هزار افغانی در ماه است. اما تنها ۹ ماه معاش دریافت می‌کنیم. در سه ماه زمستان بی‌کار هستیم و کسی از منابع طبیعی مواظبت نمی‌کند. بیشتر شکار در همین فصل صورت می‌گیرد و جنگلات هم

قطع می‌شود."
در کنار محافظانِ منابع طبیعی در واخان، فناوری نیز به کمک حیات وحش این منطقه آمده است. دوربین‌هایی خودکار برای حفظ حیات وحش در گوشه و کنار واخان هر از گاهی کارگذاری می‌شود. دوربین‌های حس‌گری که در مقابل حرکت حساسند،درصورتیکه حرکتی را حس کنند شروع به ضبط آن می‌کنند.
شنبه شیرزاد، کارمند موسسه حفاظت از حیات وحش که برای کارگذاری این دوربین‌ها به یکی از دره‌ها در واخان آمده، می‌گوید: "ما به کوه‌ها و دره‌ها می‌رویم. جاهایی که در آن نشانه‌ای از رفت و آمد حیات وحش را ببینیم. دوربین‌ها را کارگذاری می‌کنیم. دوربین‌ها خودکار هستند. وقتی حرکتی را در مقابل شان می‌بینند شروع به ضبط آن می‌کنند."
تصاویری که این دوربین‌ها برداشته‌اند، نمونه‌های نادر حیات وحش را در واخان نشان می‌دهد. این تصاویر تا اندازه زیادی در معرفی نمونه‌های حیات وحش واخان کمک کرده است.
علاوه بر آن برنامه دیگری که موسسه حفاظت از حیات وحش دارد، کارگذاری دام است که با شکار حیوانات کمیاب آنان را در دام انداخته و بعد وسایل ردیاب در گردن آنها کار می‌گذارند. این تلاشها برای شناسایی و ردیابی این حیوانات نتیجه مطلوب داشته است.

کلان بودن مهریه دختران (100 بز) ازدواج مرد واخی با دختر پاکستانی



ازدواج با دختران پاکستانی در واخان چند سالی است، رسم شده است. دختران و پسران دو سوی مرز فارغ از جنجال‌های سیاسی بین دو کشور، با هم ازدواج می‌کنند.
ولسوالی واخان کم از کم، ده عروس پاکستانی دارد که بیشتر اهل گلگیت این کشور هستند. منطقه گلگیت در جنوب ولسوالی واخان ولایت بدخشان افغانستان واقع شده است.

در راه برگشت از واخان به سوی اشکاشم، به دیدار خانواده‌ای در منطقه ارگند رفتم که دو عروس پاکستانی دارد. خانه فقیرانه دولت‌نظر از خنده‌های این زوج گرم است.
بی‌بی ناز، پیرزن هشتاد ساله با پسر و عروس کوچکش یکجا زندگی می‌کند. زرینه‌بیگم عروس خانواده در حالی که کودک دو ساله‌اش را در آغوش دارد، مشغول بافندگی است. دولت‌نظر، شوهرش مشغول ترمیم چراغ شارژی است که شب‌ها خانه را روشن می‌کند.

پیوند این زوج سه سال پیش گره خورد. زمانی که دولت نظر از ازدواج با خویشان و نزدیکان ناامید شد، پیشنهاد خانم برادرش را پذیرفت و با دختر همسایه ازدواج کرد.

"پروین زن برادر کلانم (بزرگم) از پاکستان است. او گفت اگر می‌خواهی من از پاکستان برایت همسری پیدا می‌کنم که با پول کم همراهت ازدواج کند. من هم پذیرفتم. در واخان هزینه‌های ازدواج بلند است. بارها به جاهایی خواستگاری رفتیم اما شرایطی که می‌گذاشتند سخت بود و من نتوانستم از مردم خودم زن بگیرم."



برای زرینه‌بیگم، همسر دولت‌نظر ازدواج با یک افغان، تصمیم ساده‌ای نبوده است. این زوج پیش از ازدواج همدیگر را ندیده بودند.
او گفت: "پروین از آشناهای خانوادگی ما در پاکستان بود. او روزی آمد و از من برای برادرشوهرش خواستگاری کرد. پروین از زندگی در افغانستان راضی بود و من هم به همین دلیل قبول کردم و اینجا آمدم."
هرچند پروین در آغاز برای زرینه بیگم گفته بوده خانواده شوهرش زمین‌دار و ثروتمند است اما پس از ازدواج مشخص شده که اینطوری نیست. با این حال او از زندگی‌اش راضی است.
مجلس مختصری برای عروسی‌شان در پاکستان برگزار کرده‌اند و برای زندگی به افغانستان آمده‌اند.

پروین عروس کلان این خانواده حالا مسئول شورای انکشافی روستای ارگند در واخان است و به مردم این منطقه خدمت می‌کند.
او می‌گوید: "زندگی در این‌جا برایم خوش‌آیند است، حالا مردم همه مرا می‌شناسند و مثل عضو فامیل‌شان (خانواده‌شان) برخورد می‌کنند. من وقتی به خواستگاری زرینه رفتم، مطمئن بودم او با این‌جا و مردمش احساس بیگانگی نخواهد کرد."
دولت‌نظر وقتی ازدواج کرد، حتی یک اتاق برای خودش نداشت اما حالا زیر سقف خانه‌ای با همسر و کودکش زندگی می‌کند که پس از ازدواج بنا کرده است.
شبنم، دختر دو ساله افغانستانی- پاکستانی هم حاصل ازدواج آنهاست.
بین خانه زرینه‌بیگم در ولسوالی واخان ولایت بدخشان و خانه پدری‌اش در منطقه گلگیت پاکستان، یک کوه فاصله ایجاد کرده‌است؛ کوهی که مرز بین افغانستان و پاکستان است اما از نظر سیاسی سنگ‌ها و کوه‌های زیادی پیش روی رابطه بین دو کشور وجود دارد.
این زوج فارغ از سیاست و جغرافیا در دامنه همین کوه، خانه‌شان را با خاک و گِل مهر و محبت بنا کرده‌اند.
در افغانستان مردانی که همسر غیرافغان دارند کم نیستند و بخش عمده این ازدواج‌ها در مهاجرت شکل گرفته است.

کودکستان سیار واخان؛ سفری برای آموزش زنان و کودکان



کودکستان سیار واخان

ترانه مشهور "قو قو قو برگ چنار" از کامیونی که کنار جاده ایستاده است، به گوش می‌رسد. زنان می‌خوانند و کودکان تکرار می‌کنند: "کاش که کفتر می‌بودم، کاش که کفتر می‌بودم؛ ده هوا پر می‌زدم، ده هوا پر می‌زدم..."
بیرون کامیون با عکس‌های کودکان، طرح‌های شاد و نقش‌های رنگین تزئین شده است. درون

آن، صنفی/کلاسی هست با امکانات آموزشی مدرن که نظیر آن در شهرهای بزرگ افغانستان هم کم پیدا می‌شود.
اینجا کودکستان سیار واخان است. بیش از ده زن با کودکان خردسال در برابر دو آموزگار جوان نشسته‌اند و گوش به درس هستند.
آموزگاران از حروف الفبا گرفته تا نام رنگ‌ها، میوه‌ها و حیوانات را در انگلیسی و فارسی به آن‌ها آموزش می‌دهند.



شفیقه یکی از این آموزگاران است که تا صنف دوازده درس خوانده و حالا آموخته‌هایش را با کودکان و مادرانی در میان می‌گذارد که با کتاب و قلم بیگانه‌اند.
او می‌گوید: "ما در پنج قریه در ولسوالی واخان درس داریم. تعداد کودکان و مادرانی که در این کودکستان سیار آموزش می‌بینند به ۱۵۸ نفر می‌رسد. این برنامه برای مادران و کودکان زیر سه سال شان طراحی شده است. ما اینجا موضوعات متفاوت را برای آن‌ها آموزش می‌دهیم."
این کودکستان سیار با آغاز هر روز از این روستا به آن روستا و از این کوچه به آن کوچه برای آموزش زنان و کودکان سفر می‌کند. مادران و کودکان در ایستگاه‌های آموزشی که برای هر منطقه در نظر گرفته شده‌است، برای رسیدن آن لحظه‌شماری می‌کنند.
این کودکستان مجهز با وسایل دیداری-شنیداری، برای نخستین بار مادران وخی را با دنیای بیرون از قریه آشنا می‌کند.



بی‌بی اصلی یکی از این مادران که با شبنم، دختر بچه دو ساله‌اش با اشتیاق به صفحه نمایشی که فیلم آموزشی پخش می‌کند، زل زده است، می‌گوید: "در چهار ماه چیزهای زیادی آموخته‌ام. این‌جا خیلی برای من و دخترم خوش می‌گذرد. من نام رنگ‌ها را به انگلیسی آموخته‌ام. به زرد میگویند یلو، به سرخ، رِد به سبز گرین و..."

نظام آموزشی افغانستان برنامه مشخص برای آموزش کودکان زیر پنج‌سال و آگاهی‌دهی به مادران شان ندارد. طرح کودکستان سیار از سوی یک موسسه خیریه به نام "بنیاد روپانی" در واخان اجرا شده است.

عنایت علی، مسئول این موسسه در افغانستان استقبالی که مردم واخان از این طرح کرده‌اند را فراتر از انتظار می‌خواند.

او می‌گوید: "این اولین کودکستان سیار در افغانستان است. امکان این وجود نداشت که برای هر روستا یک ساختمان می‌ساختیم و آن‌ها را تجهیز می‌کردیم. برای همین صنف سیار را طراحی کردیم. حالا کشورهای دیگر هم از این طرح الگوبرداری کرده‌اند. آنچه برای ما جالب است در ۴ ماه گذشته که این کودکستان در واخان فعال شده است، هیچ مادر و کودکی حتی یک روز غیبت نداشته‌اند."

در ولسوالی واخان که بیش از چهل قریه دارد، تنها ۱۶ مکتب فعال است. کودکان باید ساعت‌ها راه بپیمایند تا به مکتب برسند. اما این صنف درسی به درِ خانه‌های مردم می‌رود.



» قتل‌های زنجیره‌ای غده‌ی سرطانی که شکافته شد

چکیده : نزدیک به ۱۸ سال از قتل های زنجیره‌ای میگرد، اتفاقی که به قول سید محمد خاتمی قده‌ی سرطانی بود که باید شکافته می‌شد. در طی این ۱۸ سال مراسم یادبود قربانیان با درگیری و تنش همراه بوده است. پس از گذشت ۱۸ سال اکنون این پرستو فروهر است که به دادگاه احضار می شود و علیه او پرونده باز می شود. پس از گذشت ۱۸ سال هنوز سوال‌های بسیاری در این باره وجود دارد و نکات بسیاری سربسته مانده است که مشخص نیست کی باز خواهد شد.

کلمه – گروه خبر: هجده سال پیش، ۳۰ آبان ۱۳۷۷، پروانه و داریوش فروهر آخرین نفس‌های خود را کشیدند. پیکر آنان چاقو خورده در منزلشان پیدا شد. در روزهای ۱۲ و ۱۸آذر، جسد دو نویسندهٔ دیگر محمد مختاری و محمدجعفر پوینده پس از چند روز بی‌خبری در جاده‌های اطراف شهر پیدا شد.

۲۸ آبان همان سال مجید شریف به قتل رسیده بود. قتل‌هایی که باعث بهت و حیرت و در عین حال ترس در جامعه شد. قتل‌هایی که پس از چندی مشخص شد گذشته‌ای داشته‌اند و فقط محدود به این افراد نبوده‌اند.

این قتل ها که به قتل‌های زنجیره‌ای به معروف شد، جامعه را تحت تاثیر خود قرار داد و نهایتا دولت سید محمد خاتمی اعلام کرد که این قتل‌ها توسط نیروهای خودسر در وزارت اطلاعات صورت گرفته است.

سعید امامی به عنوان عامل اصلی این قتل‌ها معرفی شد، او و تعداد دیگری از ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند و نهایتا گفته شد که سعید امامی در زندان خودکشی کرده است.

گمانه زنی‌های گروه های سیاسی

جمعیت موتلفه اسلامی در روزنامه آریا در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۷۷ احتمال داد که قتل‌ها نتیجه نوعی تصفیه‌های درون گروهی باشد. مسعود ده‌نمکی، در روزنامه ایران در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۷۷، به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی توصیه کرد که عاملان قتل‌ها را از میان دگراندیشان پیدا کنند. جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در ۲۶ آذر همان سال با صدور بیانیه‌ای باند سید مهدی هاشمی را یکی از متهمان احتمالی قتل‌ها دانست، و سه هفته بعد در ۱۷ دی ۱۳۷۷، روزنامه کیهان خبری در مورد ارتباط یکی از دستگیرشدگان در رابطه با قتل‌های زنجیره‌ای با باند مهدی هاشمی منتشر کرد.

پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای در مطبوعات

قتل‌های زنجیره‌ای از زمان برملاشدن تا سال‌ها بعد، فضای مطبوعاتی ایران را کاملاً تحت تأثیر خود قرار داد و نشریات زیادی از طیف‌های سیاسی گوناگون به این قتل‌ها پرداخته و همچنان می‌پردازند. در حالی که نگاه مطبوعات اصلاح‌طلب به عاملان داخلی و حکومتی قتل‌ها بود، روزنامه‌های راست‌گرا کوشیدند تا عوامل این قتل‌ها را غیرحکومتی، عامل بیگانگان و دشمنان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی معرفی کنند.

دو روزنامه خرداد و صبح امروز بیشترین تحلیل‌ها و اخبار مربوط به ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای را منتشر کردند و در حالی که ابعاد گسترده این قتل‌ها نمایان می‌شد، آن را به پرونده‌ای ملی تبدیل کردند. سعید حجاریان، مدیرمسئول روزنامه صبح امروز می‌گوید که ما تلاش کردیم تا هیچ شماره‌ای از روزنامهٔ صبح امروز بدون مطلبی پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای منتشر نشود. اکبر گنجی و عمادالدین باقی بیشترین مقاله‌ها و گزارش‌ها را پیرامون قتل های زنجیره‌ای در مطبوعات منتشر کردند. نویسندگان این روزنامه‌ها در مطالب خود از عالیجناب سرخپوش و عالیجناب خاکستری یاد می‌کردند، عالیجنابانی که هیچ‌گاه مشخص نشد این عالیجنابان دقیقا چه افرادی هستند.

در ۲۴ آذر ۱۳۷۷، روزنامه کیهان به نقل از آیت‌الله خامنه‌ای نوشت که دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دشمن در این حوادث آشکار خواهد شد؛ و از اینکه عده‌ای نظام جمهوری اسلامی را در این قتل‌ها شریک می‌دانند انتقاد کرد.

کمیته تحقیق خاتمی

با توجه به حساسیت شدید جامعه نسبت به قتل‌ها و وعدهٔ خاتمی برای مجازات عاملین آن، بلافاصله به دستور سید محمد خاتمی رئیس جمهور وقت، کمیته‌ای ویژه، مرکب از علی یونسی، رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح؛ علی سرمدی، معاون وزیر اطلاعات و علی ربیعی، مسؤول اجرایی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مسئول پیگیری قتل‌ها شدند. علی ربیعی یکی از اعضای کمیته تحقیق خاتمی پیرامون چگونگی شناسایی و دستگیری متهمین می‌گوید: ما به افراد عمده این گروه یعنی عالیخانی و سعید امامی (اسلامی)، بدون تردید شک داشتیم و حدس قوی می‌زدیم که قتل‌ها کار آن‌هاست؛ بنابراین برنامه‌ای در یک جلسه ریخته شد که من یقین داشتم به گوش سعید امامی (اسلامی) می‌رسد. در آن جلسه گفتیم که قرار است در چند روز آینده این افراد دستگیر شوند و اتفاقاً با آقای یونسی نیز هم‌نظر بودیم.

اطلاعیه رسمی وزارت اطلاعات

نهایتا بر اثر پافشاری سید محمد خاتمی، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۷۷ طی اطلاعیه‌ای که قبلاً نظیر آن در هیچ وزارت‌خانهٔ جمهوری اسلامی دیده نشده بود به صورت رسمی اعلام کرد که عده‌ای از اعضای آن وزارتخانه در طراحی قتل‌ها دست داشته‌اند.

بهمن ماه قربانعلی دری نجف آبادی وزیر اطلاعات وقت از سمت خود استعفا داد. نجف آبادی بارها در مصاحبه‌ها گفته بود که از قتل‌های صورت گرفته توسط پرسنل وزارت اطلاعات، بی اطلاع است. دادستان مجتمع قضایی نیروهای مسلح تنی چند از مسولین عالی رتبهٔ وزارت اطلاعات را دستگیر کرد. از این افراد می‌توان به سعید امامی مشاور وزارت و معاون سابق امنیت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی (در زمان تصدی فلاحیان)، مصطفی کاظمی معاون امنیت وزارت اطلاعات در زمان انجام قتل‌ها و اکبر خوش‌کوش رئیس گروه ضربت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اشاره کرد.

دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای

دادگاه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای بدون حضور خانوادهٔ مقتولان و وکلای آن‌ها نیز به صورت غیرعلنی تشکیل شد و رئیس دادگاه اعلام کرد که پس از استماع نظر و استدلال معاون دادستان نظامی تهران، چون علنی بودن دادرسی را موجب اخلال در امنیت و نظم عمومی تشخیص داده، مستند به بند ۳ ماده ۳۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۶۵ قانون اساسی، قرار دادرسی غیرعلنی را صادر نموده است.

دادگاه در فاصله ۳ تا ۳۰ دی ۷۹ به صورت غیرعلنی و بدون حضور هیچ‌یک از وکلا یا اعضای خانوادهٔ مقتولان به ریاست محمدرضا عقیقی رئیس شعبهٔ دادگاه نظامی یک تهران برگزار شد.

با برگزاری ۱۲ جلسه دادگاه محرمانه و غیرعلنی در نهایت شعبهٔ یک دادگاه نظامی تهران به ریاست قاضی عقیقی در حکمی مصطفی کاظمی قائم مقام وقت معاونت امنیتی وزارت اطلاعات و مهرداد عالیخانی مدیرکل وزارت اطلاعات را به جرم آمریت و صدور دستور چهار فقره قتل به چهار بار حبس ابد محکوم کرد.

اعترافات متهمان

در بهمن ۱۳۷۸، فیلم اعترافات شش تن از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای با حضور نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و عهده‌دار رسیدگی به پرونده قتل‌ها، در جلساتی جداگانه برای آیت‌الله خامنه‌ای، سران سه قوه و در جلسه غیر علنی مجلس پنجم، برای نمایندگان پخش شد که عکس‌العمل‌های متفاوتی را دربرداشت. متهمان در این فیلم مدعی همکاری با اف‌بی‌آی، سازمان سیا و موساد شده بودند.

در خرداد ۱۳۸۰، فیلمی سه ساعته از مراحل بازجویی فاطمه دری نوگورانی، همسر سعید امامی و تعدادی دیگر از بازداشت شدگان پرونده قتل‌ها منتشر شد و بخش‌هایی از آن بر روی اینترنت قرار گرفت. این فیلم، حکایت از شکنجه شدید این زندانیان برای اخذ اعترافات عجیب در مورد ضدیت با جمهوری اسلامی، ارتباط با سرویس‌های جاسوسی بیگانه و فسادهای گسترده جنسی داشت. بازجویان با تهدید و ضرب و شتم و نسبت دادن اتهامات اخلاقی درصدد اثبات ارتباط عاملان اجرایی قتل‌های زنجیره‌ای با بیگانگان و سفر به اسرائیل بودند. تهیه کنندگان فیلم شکنجه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای طی نامه‌ای به

رئیس جمهور در مرداد ۱۳۸۰، تأکید داشتند که بازجویی از متهمان به ویژه متهمان زن دارای صحنه‌های بسیار وحشتناک‌تر بوده که در فیلم موجود نیست. صحنه های بازجويي های شکنجه آنقدر شدید بود که رئیس جمهور خاتمي در حين ديدن آن بيهوش و به بيمارستان منتقل و براى ساعاتي بستري شد.

در ادامه فضایی که پس از انتشار فیلم شکنجه‌ها به وجود آمد، پرونده از تیم جواد آزاده گرفته شد و به گروه دیگری سپرده شد. سپس، برخی از دستگیر شدگان پرونده قتل‌ها آزاد شدند و در عوض، جواد آزاده و همکارانش به زندان افتادند. تعدادی از بازداشت شدگان این پرونده پس از آزادی به کمیسیون اصل نود مجلس ششم مراجعه و اعلام کردند که در دوران بازداشت شکنجه شدند. با وجود اعترافات متهمان به جاسوسی، در حکم قضایی پرونده قتل‌ها، هیچ‌کس به «جاسوسی»، «خیانت» یا «ارتباط با دولت متخاصم» متهم نشد.

افشای قتل‌ها توسط دولت و بیانیه‌ای که در آن وزارت اطلاعات به عنوان مقصر این قضایا قلمداد شده بود اتفاقی نادر در تاریخ جمهوری اسلامی بود. اتفاقی که تبعات گسترده ای برای دولت خاتمی داشت و نهایتا به واقعه کوی دانشگاه ختم شد. پس از واقعه ۱۸ تیر سید محمد خاتمی در سخنرانی گفت که می‌دانست نتیجه افشای قتل‌های زنجیره ای به کجا خواهد انجامید.

خودکشی و یا اجبار به خودشکی سعید امامی همه را در مرحله‌ای از حدس وگمان نگه داشت و با مرگ او راز قتل‌های زنجیره‌ای نیز دفن شد.

نزدیک به ۱۸ سال از قتل های زنجیره‌ای میگرد، اتفاقی که به قول سید محمد خاتمی غده‌ی سرطانی بود که باید شکافته می‌شد. در طی این ۱۸ سال مراسم یادبود قربانیان با درگیری و تنش همراه بوده است. پس از گذشت ۱۸ سال اکنون این پرستو فروهر است که بخاطر مجلس ختم برای بدرش به دادگاه احضار می شود و علیه او پرونده باز می شود. پس از گذشت ۱۸ سال هنوز سوال‌های بسیاری در این باره وجود دارد و نکات بسیاری سربسته مانده است که مشخص نیست کی باز خواهد شد.

یادداشت «مطهری» درباره برگزاری مراسم فروهرها

کد خبر:۷۵۰۰۹۰

November 2017 تاریخ انتشار:۰۴ آذر ۱۳۹۶ - ۰۹:۳۶۲۵



نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن قدردانی از نهادهای اطلاعاتی به دلیل صدور اجازه برگزاری مراسم یادبود داریوش فروهر و پروانه اسکندری در عین حال از تشکیل پرونده قضایی برای دخترشان انتقاد کرد.

به گزارش ایسنا، در یادداشت علی مطهری با عنوان تشکر از نهادهای اطلاعاتی که در اختیار ایسنا قرار گرفته، آمده است:

«خبردار شدیم که امسال در اول آذر، سالروز قتل وحشیانه داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری در سال ۷۷ به دست مأموران وزارت اطلاعات، به دختر آن دو مقتول مظلوم اجازه برگزاری مراسم یادبود البته صرفاً با سکوت داده اند. همین مقدار هم یک گام به پیش در جهت احترام به حقوق مردم است و جای تشکر از نهادهای اطلاعاتی دارد چرا که در سالهای گذشته این مقدار هم اجازه نمی دادند و افراد را از سر کوچه منزل آن دو مظلوم باز می گرداندند.

همچنین خوشحالیم که امروز دیگر آن تفکر در میان مأموران و مسئولان اطلاعاتی ما وجود ندارد که برای حفظ نظام به زعم خودشان، هر کاری می توان انجام داد و از هر وسیله ای می توان استفاده کرد. متهمان این فاجعه در دادگاه گفته بودند ما برای اینکه سایر روشنفکران را بترسانیم این کار را انجام دادیم.

ببینید چه انحرافی از اسلام در درون وزارت اطلاعات ما وجود داشت و خوشبختانه امروز تا حد زیادی ریشه کن شده است. البته اولیای دم از قاتلان آن دو گذشتند چون آنها را صرفاً ابزار دست می دانستند، ولی معلوم نیست چرا مدعی العموم که با اندک تعریضی به مقامات عالی کشور اعلام جرم می کند، در این مورد آنها را به سزای اعمال خود نرسانده است.

و نیز مایه تعجب است که برای دختر آن دو مقتول مظلوم به خاطر پیگیری برگزاری مراسم یادبود پدر و مادرش در سالهای گذشته، پرونده قضایی تشکیل شده است به جای دلجویی از او بابت مصیبت و خسارت روحی و مادی که بر وی وارد کرده ایم.

در هر نظام حکومتی ممکن است توسط مأمورانی که به جای کلاه، سر می آورند چنین جنایت‌هایی انجام شود، اما اولاً چنین اتفاقی از نظام اسلامی که سودای عدالت و اخلاق دارد قبیح تر است و ثانیاً مهم نوع برخورد ما با چنین اتفاقاتی است، آیا عذرخواهی و جبران خسارت کنیم یا آن را یک امر عادی و حق حکومت جلوه دهیم. در داستان ستار بهشتی که اینجانب سؤال از وزیر کشور وقت را مطرح کردم و وزیر به صحن علنی مجلس آمد، در نهایت از او خواستم که از خانواده آن مرحوم و ملت ایران و مقام رهبری عذرخواهی کند اما او حاضر نشد و این یک بیماری و انحراف از اسلام است که باید علاج شود.»

«ترکیه» مستقل از غرب با روسیه کنار خواهد آمد!

راشیا تودی – ترجمه رضا نافعی

بنظر » ولادمیر آواتکو » کارشناس ژئوپلیتیک » روسیه، ترکیه روز به روز از سیاست غرب گرایانه خود دور تر می شود. ولی ولادمیر آواتکو در گفتگو با راشیا تودی به مشکلات مناسبات روسیه- ترکیه نیز اشاره کرده است .

ولادمیر آواتکو» استاد آکادمی دیپلوماسی ، مدیر مرکز شرقشناسی، روابط بین المللی و دیپلماسی عمومی در وزارت خارجه روسیه است.

پرسش- با توجه به شیوه ای که غرب در تداوم بخشیدن به محاصره روسیه در پیش گرفته، پروژه های بزرگی چون » TurkStream» چه نقشی ایفا می کنند؟

پاسخ- مناسبات روسیه- ترکیه در عرصه اقتصادی خوب پیش رفته است. پروژه های وسیع مانند تورکیش استریم و ساخت نیروگاه اتمی آکویو اساس این روابط هستند. نکته دیگری که آن نیز حائز اهمیت است این است که ترکیه پیوسته فاصله خود را با غرب بیشتر می کند و به یک بازیگر مستقل تبدیل می شود. ترکیه هیچ گاه در نظر نداشت علیه روسیه دست به تحریم بزند. . برعکس مناسبات خود را با روسیه گسترش هم داد گرچه این امر عمدتا در راستای منافع طبیعی خود او بود.

پرسش- احتمال این که ترکیه به یک شریک ژئو پلیتیک روسیه تبدیل شود چقدر است؟

پاسخ- این نکته در این چهار چوب تا آن حد اهمیت دارد که ممکن است ایالات متحده ترکیه را مورد تحریم قرار دهد، زیرا ترکیه میل دارد سامانه اس 400 روسیه را که سامانه ایست دفاعی برای دفع موشک های دور برد خریداری کند. در این حالت ما در کنار یکدیگر قرار می گیریم. اینک می توان و باید ترکیه را در حوزه نفوذ روسیه قرار داد. شرائط برای چنین برداشتی آماده است و منابع ضروری برای آن نیز در اختیارند. آنچه اینک ضرورت دارد طرح یک استراتژی مناسب برای آنست.

پرسش- مذاکرات صلح آستانه در مورد سوریه برای همکاری منطقه ای با ترکیه چه نقشی ایفاء می کند؟

پاسخ – همکاری میان روسیه و ترکیه در جمهوری عربی سوریه به بهبود روابط نیز کمک می کند. این همکاری، بانضمام همکاری با ایران می تواند یک مدل ساختاری برای ایجاد و پیکر بندی امنیت منطقه گردد.

پرسش- روسیه و ترکیه در سوریه از دوطرف متخاصم پشتیبانی می کنند. چالش هائی برای متعادل کردن روابط متقابل وجود دارد؟

پاسخ- روسیه و ترکیه علائق متفاوتی دارند ، که کاملا طبیعی است. این تفاوت علائق در نگرش آنها نسبت به احزاب مختلف سوریه نیز منعکس شده است. متاسفانه ترکیه و روسیه تا کنون نتوانسته اند به ارزیابی یکسانی از مشخصات سازمان های تروریستی دست یابند تا بتوانند با کمک آن ارزیابی مشخص سازند کدام سازمان تروریستی است و کدام نیست.

پرسش- ارزیابی آنها از شبه نظامیان YPG(یکان های مدافع خلق) بطور مشخص چگونه است؟

پاسخ- این موضوع برای ترکیه اهمیت دارد، زیرا در خاکش یک اقلیت کرد زندگی می کند. از این مرز ترکیه می توان به آسانی وارد خاک سوریه یا عراق شد. حمایت از YPG برای ترکیه قابل پذیرش نیست. حمایتی هم که امریکا از کردها می کند برای ترکیه پذیرفتنی نیست.

از این رو ارزیابی انکارا از این امر چنین است که ارزیابی روسیه از مسئله کردها متعادل تر است، یا این که دست کم در این امر دخالت نمی کند. در این مورد که آیا هنگام مذاکره در باره این مسئله باید کردها هم حضور داشته باشند یا نه موضع روسیه بکلی با موضع ترکیه فرق دارد. اینجاست که میتوان و باید راه حلی یافت.

پرسش- ترکیه از جمله در قفقاز آسیای مرکزی ، یعنی در مناطقی که از لحاظ تاریخی مناسبات نزدیکی با روسیه داشتند فعال است. شما این فعالیت ها را با در نظر گرفتن این امر که جاده ابریشم چین در حال سر و صورت گرفتن است چگون ارزیابی می کنید؟

پاسخ- ترکیه در 25 سال گذشته، از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، در صدد است که یک جهان باصطلاح ترک ایجاد کند. این تصور ترکیه در عرصه سیاست خارجی است، که در حال حاضر با علائق روسیه در تضاد قرار دارد و با آن هیچگونه سازگاری ندارد. در واقع ترکیه بموازات روسیه در حال ایجاد طرحی است برای یکپارچه سازی(انتگراسیون) که جمهوری های پیشین اتحاد شوروی را که ترک زبان هستند نیز در بر می گیرد.

افزون بر این ، طبق نقشه انکارا گرجستان هم باید مشمول منطقه نفوذ ترکیه شود و راه بدیلی برای راه روسی جاده ابریشم گردد. متاسفانه این آن عرصه ایست که مواضع روسیه و ترکیه از هم جدا می شوند.

پرسش- آیا در این مورد هم مانند مورد سوریه این امکان هست که مسکو و انکارا به تفاهم برسند؟

پاسخ- این عرصه ایست که ترکیه و روسیه باید در آینده در باره اش گفتگو کنند. ما نخست در عرصه اقتصادی توافق کردیم. بعد در عرصه سیاست ایمنی به توافق رسیدیم. اینک هنگام آن رسیده که گفتگو در باره ژئوپلیتیک را آغاز کنیم تا مسائل بسیار سنگین و با اهمیت قابل حل گردند، مسائلی که با تلاش ترکیه برای نفوذ یافتن در مناطق ترک زبان در ارتباط است، که شامل گسترش نفوذ ترکیه در میان خلقهای ترک زبان فدراسیون روسیه نیز می گردد. https://deutsch.rt.com/der-nahe/osten/60830-turkei-wird-selbststandig-syrien-kooperation-gemeinsame-geopolitik-russland

سلبریتسم و زورخانه های قفل زده شده زلزله کرمانشاه «

چکیده : به سلبریتیسم فکر کنیم. اگر در دنیا ، سلبریتی موجودیتی است که فضای خصوصی‌اش را به تسخیر رسانه در می‌آورد و در مقابل، گاه چهره‌ی سنگی‌اش به درد جمع کردن کمک برای بحران هاییتی یا سیل پاکستان می‌خورد و پشتش مشاورانی هستند که کاری می‌کنند و چهره شان دیده نمی‌شود. در ایران سلبریتی موجودی است که فضای خصوصی خودش و ما را توامان به خطر می‌اندازد و مشاوری ندارد، و میل دارد فرهنگ شهری خودش را به هر جایی که می‌رسد تزریق کند ...همین است که اشتباه پشت اشتباه روی می‌دهد. ما مردم اما حواسمان باشد یکی دو ماه دیگر که تب سلبریتی ها به عرق بدل شد و رفتند سر موضوع جنجالی بعدی برای چهره‌تر شدن، این مردم زلزله زده و سرما می‌مانند و اضطراب و خستگی و البته ...زورخانه‌های قفل زده شده تا ابد.

کلمه – لیلا پاپلی یزدی: در گرماگرم فاجعه در بم برخی سلبریتی ها و چهره ها بنایی را در شهر ساختند که کاربری‌اش زورخانه است. همان روزها خود به چشم دیدم که معمارها چطور جلوی چنین طرحی ایستادگی کردند و با حساب و کتاب مهندسی نشان دادند که خرجی که سر چنین بنایی می شود را می توان در مورد زیرساختهای اساسی شهر به کار گرفت ضمن آنکه در شهری که ورزش زورخانه‌ای سابقه ی تاریخی ندارد، چنین بنایی بی‌معنی است. سلبریتی‌ها برنده شدند، بنایشان را ساختند و البته تا سال‌ها هر وقت از جلویش رد می‌شدم و قفل بزرگی را بر درش می‌دیدم یاد ناراحتی و نگرانی آن معمارها می‌افتادم. نمی‌دانم آن بنا این روزها چه کاربری‌ای دارد اما هر چه هست نمادی است از میل سلبریتیسم در ایران به فرار از علوم انسانی و در کل تخصص گریزی...

ممکن است فاجعه یا بحران نام شهری یا جایی را ناگهان بر سر زبان بیندازد که قبلا به آنجا سفر نکرده‌ایم یا نامش را نشنیده‌ایم. عجیب هم نیست. کشور بزرگ است و لزوما همه‌ی جغرافیایش را نمی‌شناسیم. اما این دلیل بر این نیست که آن شهر یا منطقه فقدان تاریخ یا تجربه‌ی زیسته دارد. بم نمونه‌ای است از این شرایط. شهری است کمابیش مشهور با قدمتی آشنا و ارگی که بارها در رسانه‌ها دیده بودیمش. اما پس از زلزله برای برخی از سلبریتی‌ها، این چنین بود که گویی به زمینی بی‌تاریخ قدم گذاشته‌اند. نمونه‌اش همان ساختمان زورخانه است و البته فرهنگسرایی که سلبریتی‌های دیگر تلاش داشتند بسازند و رونقی نگرفت. دلیلش چندان پیچیده نبود، برای مردم بم ، ورزش و فرهنگ معنایی داشت متفاوت از آن چیزی که در شهرهای بزرگ مستفاد می‌شود و البته متفاوت بود از آن چیزی که در ذهن سلبریتی‌ها بود، سلبریتی‌هایی که نه مایل بودند با پژوهشگران تاریخ و جامعه شناس‌ها و روان شناس‌ها دیالوگ برقرار کنند نه مایل بودند دست از استفاده تبلیغاتی از بم زلزله زده بردارند.

تصویر دو سلبریتی در سر پل ذهاب در کنار پیرمردی مغموم دیروز پخش شد. سلبریتی‌ها دارند می‌خندند و پیرمرد به دوربین نگاه نمی‌کند. سلبریتی‌های این عکس فقط دوست دارند دیده شوند. نمی‌دانند برای یک پیرمرد از نسلی پیش که زبانی دیگر و فرهنگی دیگر دارد اینها سلبریتی محسوب نمی‌شوند (که بچه های لوس شهری حساب می‌شوند) و او حتی ممکن است نداند اینان که هستند. من هم که رسانه نمی‌بینم نمی‌دانم البته و خیلی های دیگر...اما برای آنها همه جا تهران است روی فرش قرمز، همه جا جایی است که بدن آنها همان معنای سلبریتی بودگی را می‌دهد.

برخلاف مردم، عمل سلبریتی‌ها در کرمانشاه به شدت قابل تامل و بررسی و نقد است. شاهد بودم مردمی را که با سختی کار می‌کردند، امدادرسانی می‌کردند و حتی از اینکه نام فامیلشان را بگویند ابا داشتند، موبایل‌ها در جیب‌ها بود و جز وقتی زنگ می‌خورد از جیب بیرون نمی‌آمد. تعمیم نمی‌دهم بالاخره کسانی هم بودند که گهگاه سلفی می‌گرفتند ولی این کلی نبود...در مورد سلبریتی‌ها قضیه فرق می‌کند. یک نفر سلبریتی می‌خواهد در جامعه‌ای دامدار، آبیاری قطره‌ای راه بی‌اندازد بی اینکه بداند دره‌های تنگ زاگرس زمین کشاورزی چندانی ندارد راضی هم نمی‌شود از یک نفر جغرافی یا توسعه روستایی خوانده بپرسد و آن دیگری خروار خروار عروسک پولیشی برای دخترانی می‌برد که از پنج سالگی کنار مادرانشان کار می‌کنند و اصلا از اساس مفهوم کودکی برایشان متفاوت از کودک تهرانی و مشهدی و تبریزی است – سلبریتی دیگر فکر سینما و پاساژ است و دیگری سلفی می‌گیرد با ویرانه‌ها. همه‌ی اینها دچار شکلی از مکان پریشی غریبند. گویی به منطقه‌ای پا گذارده‌اند فارغ از جغرافیا و تاریخ و فرهنگ و اینان هستند که باید چیزی بسازند...

بم هنوز گازکشی ندارد. می‌شود گفت در دست ساخت است. سیزده سال از بحران گذشته. در واقع پارسال بود که آمدند و شروع کردند به حفر زمین برای جاگذاری لوله‌ی گاز. مردمِ بم با آن همه مشکل مانده از زلزله تا همین پارسال باید دنبال کپسول گاز می‌گشتند که غذایی بپزند ...گاز ندارند اما زورخانه دارند.

به سلبریتیسم فکر کنیم. اگر در دنیا ، سلبریتی موجودیتی است که فضای خصوصی‌اش را به تسخیر رسانه در می‌آورد و در مقابل، گاه چهره‌ی سنگی‌اش به درد جمع کردن کمک برای بحران هاییتی یا سیل پاکستان می‌خورد و پشتش مشاورانی هستند که کاری می‌کنند و چهره شان دیده نمی‌شود. در ایران سلبریتی موجودی است که فضای خصوصی خودش و ما را توامان به خطر می‌اندازد و مشاوری ندارد، و میل دارد فرهنگ شهری خودش را به هر جایی که می‌رسد تزریق کند ...همین است که اشتباه پشت اشتباه روی می‌دهد. ما مردم اما حواسمان باشد یکی دو ماه دیگر که تب سلبریتی ها به عرق بدل شد و رفتند سر موضوع جنجالی بعدی برای چهره‌تر شدن، این مردم زلزله زده و سرما می‌مانند و اضطراب و خستگی و البته ...زورخانه‌های قفل زده شده تا ابد.

نشریه «فارین پالسی» در گزارشی مطرح کرد؛

تهران در هر رقابتی مقابل عربستان پیروز شده/بن‌سلمان آدم را یاد فیلم «پدرخوانده» می‌اندازد/عربستان از شکست‌های قبلی درس می‌گیرد؟

حرکت ناگهانی شاهزاده محمد بن سلمان در جبهه‌های مختلف ممکن است به طور ناگهانی و با احساسات سریع و همزمان برای ما تداعی‌گر حملات مایکل کورلئونه به دشمنان خانوادگی‌اش در فیلم پدخوانده باشد./تاکنون ایرانی‌ها به طور موثر در لبنان، عراق و سوریه برنده شده‌اند و عربستان سعودی در یمن تنها خونریزی می‌کند/شواهد بسیار اندکی وجود دارند که نشان دهند عربستان سعودی از شکست‌های قبلی خود درس گرفته است

آفتاب‌نیوز :

سرویس بین‌الملل-نشریه امریکایی «فارین پالسی» با اشاره به برد ایران در برابر عربستان سعودی می‌نویسد: «هیچ گونه شواهدی وجود ندارند که نشان دهند علیرغم حرکات جسورانه محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، ریاض فرصتی برای تبدیل شدن به جریان اصلی و غالب را در منطقه دارد».

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، این نشریه می‌افزاید: «به نظر می‌رسد که عربستان سعودی در سرتاسر منطقه در حال حرکت است. سعد حریری نخست‌وزیر لبنان به دستور عربستان سعودی از سمت خود استعفا داد. مقام‌های سعودی پس از شلیک یک موشک -که از سوی یمن ریاض را هدف قرار داد- به نظر می‌رسد دور تازه‌ای از اظهارنظر در برابر ایران در خاورمیانه را آغاز کرده‌اند.

حرکت ناگهانی شاهزاده محمد بن سلمان در جبهه‌های مختلف ممکن است به طور ناگهانی و با احساسات سریع و همزمان برای ما تداعی‌گر حملات مایکل کورلئونه به دشمنان خانوادگی‌اش در فیلم پدخوانده باشد! با این حال، برخلاف آن فیلم نمی‌توان در دنیای واقعی اعتباری برای این دست از اقدامات قائل شد چرا که در سیاست روندی چرخه‌ای وجود ندارد در عوض، این اقدامات سبب باز شدن یک رقابت در جریان شده‌اند و هنوز معلوم است که این شاهزاده ۳۲ ساله چه فرمولی برای کسب اعتبار و مزیت در برابر ایران پیدا کرده است. بیایید نگاهی به رویدادها داشته باشیم. درگیری بین عربستان سعودی و ایران در سرتاسر خاورمیانه طی دهه‌های اخیر در عراق و لبنان در جریان بوده است. همین‌طور در سوریه و یمن هر جنگی که در این کشورها روی داده ویرانی به‌بار آورده است. ایران و عربستان در مقابل یکدیگر از طرفین مخالف هم در جنگ حمایت کرده‌اند.

تاکنون در هر موردی ایران برتری داشته است. حزب‌الله در لبنان ائتلاف سیاسی ۱۴ مارس تحت حمایت عربستان سعودی را هدف قرار داد و محدود کرد. رویدادهای سال ۲۰۰۸ میلادی به این سو سبب شدند تا حزب‌الله کنترل مناطق غربی بیروت و مناطق اطراف پایتخت را در دست گیرد. این موضوع نشان‌دهنده ناتوان‌بودن مشتریان سعودی در لبنان بود و اکنون با نیروهای مورد حمایت ایران مواجه هستند. ورود حزب‌الله به جنگ داخلی در سوریه نشان داد که نظام سیاسی لبنان نمی‌تواند آن گروه را محدود کند. ایجاد یک کابینه تحت تسلط حزب‌الله لبنان در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی و انتصاب میشل عون، متحد حزب‌الله به عنوان رییس‌جمهوری، دست ایران را تقویت کرد.

پس از عقب‌نشینی ریاض از ارائه کمک مالی به نیروهای مسلح لبنان و در حال حاضر با فشار عربستان برای استعفای حریری به طور موثری نوع درک خاندان سعودی از وضعیت آشکار شده است. در سوریه تامین مالی، نیروی انسانی و دانش فنی ایران به دولت اسد نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از سقوط حکومت او داشت. ایران توانست با استفاده و آموزش

شبه‌نظامیان محلی جدید به دولت اسد اجازه دسترسی به نیروی انسانی لازم را دهد تا رقبای خود را شکست دهد. در همین حال، تلاش‌های عربستان سعودی برای کمک به معارضان را شاهد بودیم با این حال، در پایان با هرج و مرج و بی‌نظمی در بین گروه‌های سلفی این تلاش‌ها پایان یافت و شکست خورد.

در عراق، سپاه قدس ایران نیروی نظامی مستقلی را در قالب ۱۲۰ هزار نیروی بسیج مردمی گرد آورده است. تمام شبه‌نظامیان در واحدهای بسیج مردمی فعال هستند اما تحت حمایت ایران قرار دارند. سه گروه اصلی شیعه کتائب حزب‌الله، سازمان بدر و عصائب اهل الحق به طور مستقیم از سوی سپاه تغذیه می‌شوند. ایران همچنین در بغداد از برتری سیاسی برخوردار است. حزب حاکم الدعوه اسلامی به طور سنتی طرفدار ایران است در حالی که سازمان بدر که وزارت کشور عراق را در کنترل دارد نیز اجازه می‌دهد نیروهای مسلح فعالیت داشته باشند. به همین دلیل است که عربستان سعودی در عراق متوقف شده است: حیدر العبادی نخست‌وزیر لبنان در اواخر ماه اکتبر اولین نخست‌وزیری در عراق در دو دهه گذشته بود که به ریاض سفر کرد اما معلوم نیست که آیا سعودی‌ها می‌توانند کمک‌های مالی بیشتری را به متحدان بالقوه خود در عراق ارائه کنند یا خیر و این‌که چه ابتکار عمل سیاسی‌ای برای مقابله با ایران در عراق از خود نشان خواهند داد».

فارین پالسی در ادامه اشاره می‌کند که در یمن جایی که سعودی‌ها مداخله مستقیم نظامی را انجام داده‌اند نیز انصارالله و متحدان آنان که مورد حمایت ایران هستند موفق شده‌اند کل آن کشور را به کنترل درآورند و در نتیجه کنترل باب المندب را از سال ۲۰۱۵ میلادی در اختیار گرفته‌اند؛ جایی که تنگه‌ای حیاتی برای ریاض محسوب می‌شود. عربستان سعودی در دام یک جنگ پرهزینه بدون هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی در یمن گیر افتاده است در حالی که میزان حمایت ایران از انصارالله بسیار کمتر اما موفقیت‌ها بزرگتر بوده‌اند.

در نتیجه، تاکنون ایرانی‌ها به طور موثر در لبنان، عراق و سوریه برنده شده‌اند و عربستان سعودی در یمن تنها خونریزی می‌کند. در هر کشوری ایران توانسته نیروهای نیابتی ایجاد کند که نفوذ سیاسی و نظامی را در آن کشور به همراه دارند. تهران همچنین موفق به شناسایی و استفاده از درزها و نقاط ضعف اردوگاه دشمن شده است. به‌طور مثال، تهران به سرعت اقدام کردستان عراق در برگزاری همه‌پرسی در ماه سپتامبر را محکوم کرد. ایران در مقابل توانست از ارتباطات طولانی‌مدت خود با خانواده طالبانی و رقابت آنان با بارزانی‌ها استفاده کند و در ماه اکتبر عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه تحت رهبری بارزانی را از کرکوک شاهد بودیم. بدین ترتیب راه برای رقبای ایران به منظور دسترسی به شهر نفت‌خیز کرکوک محدود شد».

این نشریه در بخش پایانی می‌نویسد: «شواهد بسیار اندکی وجود دارند که نشان دهند عربستان سعودی از شکست‌های قبلی خود درس گرفته است و اکنون می‌تواند نفوذ ایران را در خاورمیانه کاهش دهد. بالعکس، عربستان سعودی نمی‌تواند نیروهای نیابتی موثری را در سرتاسر جهان عرب حمایت کند و هیچ‌کاری برای تقویت قدرت نظامی خود انجام نداده است به خصوص از زمان قدرت‌گیری محمد بن سلمان. تاکنون اقدامات شاهزاده جوان چندگانه بوده‌اند؛ از تهدید دولت لبنان تا تهدید دشمنان عربستان در یمن. این‌ها ممکن است اقدامات نمادین مهمی باشند اما هیچ‌کدام اقدام عملی‌ای نیستند. ریاض در عرصه قدرت سخت برای برخورد با ایران ضعف داشته است».

اولین کام در فساد سازندکان مسکن مهر:

شرکت هایی پروژه های مسکن مهر را گرفته اند و بلافاصله با گرفتن درصد، به شرکت دیگر واگذار کرده اند و شرکت بعدی هم با گرفتن درصدی به شرکت دیگری در استان واگذار کرده و در این بین، درصد خورها، بودجه اصلی را از آن خود کرده اند، ضمن اینکه مجري طرح از شرکت کلان در سطح کشوري به شرکت خرد در سطح محلي و شهرستاني تنزل بيدا کرده است،

اردوغان از احتمال گفت‌وگو با بشار اسد در آینده خبر داد



رئیس‌جمهور ترکیه بعید ندانست که در آینده تماس‌هایی با بشار اسد درباره موضوع کردها داشته باشد.
به گزارش ایسنا، روزنامه حریت به نقل از رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد: همه چیز به شرایط بستگی دارد برای همین به هیچ وجه جایز نیست که درباره این مسئله به شکل قطعی صحبت کنیم یا آن را رد کنیم. درها در سیاست تا آخرین لحظه همواره باز است.
وی تأکید کرد که کشورش تا به این لحظه هیچ تماسی با بشار اسد، رئیس جمهور سوریه حتی از طریق میانجیگران نداشته است.
اردوغان گفت: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه میزان حساس بودن موضوع کردهای سوریه برای ترکیه را درک می‌کند. من درباره عدم تمایل اسد به مشارکت کردها در مذاکرات اطمینان داشتم و این جای تعجب ندارد.
اردوغان مجددا از آمریکا به خاطر افزایش حضور نظامی‌اش در سوریه انتقاد و تأکید کرد: واشنگتن نیروهای کرد را مجهز و از آن‌ها حمایت می‌کند. برنامه آن‌ها چیست؟ می‌خواهند چه کنند؟ بگذارید ببینیم چه می‌کنند. من درباره این مسئله در آینده نزدیک با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا گفتگو خواهم کرد.
وی گفت: مسئله برگزاری کنفرانس مذاکرات ملی سوریه در نشست سوچی بررسی شد. ما سه کشور(ایران، روسیه و ترکیه) تعیین می‌کنیم که چه کسی قرار است به این نشست دعوت شود. کمیته‌ای از سوی وزارت خارجه این سه کشور تشکیل شده و مذاکرات لازم را انجام خواهند داد. ما پیش بینی می‌کنیم که از تمامی گروه‌ها در سوریه دعوت به عمل آید.
اردوغان تأکید کرد: این کنفرانس دو هدف دارد: تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات شفاف در سوریه با نظارت سازمان ملل. تقریبا با پیشنهاد درباره قانون اساسی جدید توافق شده است. نشست‌های سران روسیه، ترکیه و ایران درباره سوریه احتمالا در آینده در ترکیه یا ایران برگزار می شود.

هوشنگ امیراحمدی : دلال روابط با امریکا

هوشنگ امیراحمدی در گفتگویی با هفته نامه مثلث با تأکید بر این که روشنفکران اصلاح طلب ایده های مرا می‌دزدیدند و به نام خود نشر می دادند، گفت: هیچ کسی مانند ناطق نوری من را تحویل نگرفت.

برخی نام‌ها نیازی به معرفی خاصی ندارند. هوشنگ امیراحمدی هم دقیقا یکی از همین افراد است. او قدیمی‌ترین ایرانی است که در خصوص رابطه ایران و آمریکا کار کرده و بیش از 20 عنوان کتاب به زبان فارسی و انگلیسی از او منتشر شده است.او در این گفت وگو می‌گوید در دانشگاه‌تهران ایده جامعه‌مدنی را برای امثال حجاریان ارائه داده اما در انتخابات ریاست‌جمهوری سال 76 از ناطق حمایت کرده است.

از دلخوری اصلاح‌طلبان از خودش صحبت کرد و توضیح داد کمترین ارتباط را با دولت احمدی‌نژاد داشته است. بخش هایی از این گفتگو را در ادامه بخوانید:

شما قبل از انقلاب از کشور خارج می‌شوید، چطور و چرا به کشور برگشتید؟

من چهارسال قبل از انقلاب به دلیل اینکه نمی‌خواستم عضو حزب رستاخیز شوم از کشور خارج شدم و پس از اینکه انقلاب پیروز شد به ایران برگشتم و به مدت یک ماه و نیم در ایران حضور داشتم. در سال 1365 از طرف دانشگاه تهران دعوتی از من صورت گرفت. آن سال‌ها آقای مهدی چمران (رئیس سابق شورای شهر تهران) رئیس دانشکده معماری و هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و ایشان کنفرانسی بین‌المللی در خصوص بازسازی مناطق آسیب‌دیده ایران در جنگ شکل داده بود حدود 60 نفر از خارج از کشور برای این کنفرانس دعوت شده بودند و من تنها ایرانی بودم که از خارج از کشور دعوت شده بودم. این شروع حضور من در ایران است و برخلاف آن چیزی که گفته می‌شود این آقای احمدی‌نژاد بود که من را به ایران دعوت کرد، این آقای چمران است که پای من را به ایران باز کرد و اگر کسی قرار است هزینه‌ای بپردازد ایشان است (باخنده).

هربار که به ایران می‌آمدم به همراه آقای چمران به جبهه‌های جنگ می‌رفتیم. کار من فقط مطالعه برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ بود و به صورت مفصل این مطالعات در آن سه سال صورت گرفت.

چطور شد شما به سمت سیاست رفتید؟

در همان بحبوحه رفت و آمدهای من به ایران، مقاله‌ای با عنوان «قدرت و زور در روابط بین‌الملل» نوشتم و در آن توضیح دادم که زور در دنیای جدید کاربرد مفیدی ندارد. کاربرد دارد، این مقاله نمی‌دانم توسط چه کسی و به چه شکلی به آقای هاشمی‌رفسنجانی رسیده بود. در ماه می 1988 (اردیبهشت/خرداد 67) از طرف وزارت امورخارجه، دفتر مطالعات بین‌المللی که در نیاوران است، دعوت‌نامه‌ای برای من ارسال شد که در خصوص همان مقاله که نوشته بودم در ایران سخنرانی داشته باشم. من هم قبول کردم. سخنرانی به پرسش و پاسخ رسید، یک آقایی بلند شد و گفت که این نوکر آمریکا را آورده‌اند که جنگ را تمام کند (با خنده) و بعد ادامه داد که ما نه‌تنها جنگ را ادامه می‌دهیم، بلکه تکلیف آدم‌های مثل ایشان را هم روشن می‌کنیم (با خنده) بعد از این هم جو سالن متشنج شد و به‌رغم اینکه قرار بود من چند روزی در کشور بمانم و به شمال سر بزنم شبانه من را از کشور بیرون کردند. (با خنده) و گفتند که لازم نیست بیشتر از این بمانید شما کار خودتان را انجام داده‌اید و بمب را انداختید.

در جایی اشاره کرده‌اید که چون هاشمی به‌دنبال پایان جنگ بود، این کنفرانس را برای تئوریزه‌کردن صلح برگزار کرد؟

من اعتقاد داشتم که آقای هاشمی می‌خواهد کار را تمام کند و حقیقت‌اش را بخواهید فکر می‌کنم که تصمیم هم گرفته شده بود آتش‌بس و قطعنامه پذیرفته شود و مانده بودند که چطور آن را توجیه کنند. در واقع داستان «زور کاربرد ندارد» در آن سال‌ها همانند «نرمش قهرمانانه» هسته‌ای شد. به نحوی باید این موضوعات تبیین شوند. گاهی برخی موضوعات از خود کشور بزرگتر می‌شوند. جنگ از انقلاب و از کشور بزرگتر شده بود.

چرا شما در طول دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی در ایران حضور نداشتید؟

بعد از اینکه آقای خاتمی رئیس‌جمهور شد، سال اول آمدم اما بعد تا اتمام دولت ایشان به ایران نیامدم. چرا که چوب دو سر طلا شده بودم. درست است که من بحث جامعه‌مدنی را نوشتم اما در انتخابات ریاست‌جمهوری از آقای «ناطق» حمایت کردم. بنابراین حامیان آقای خاتمی گیج شده بودند که چطور من

بحث جامعه‌مدنی را مطرح کرده‌ام و به جای خاتمی که رئیس‌جمهور جامعه‌مدنی است از ناطق حمایت می‌کنم. بحث من با اینها این بود که جامعه‌مدنی نباید سیاسی شود و آقای خاتمی و اصلاح‌طلب‌ها - البته ما در آن زمان اصلاح‌طلب نداشتیم - اشتباه کردند آن را طرح کردند. یک عده روشنفکر که دور آقای خاتمی بودند ایده‌های من و امثال من را می‌دزدیدند و به نام خودشان منتشر می‌کردند.

شما با نخبگان اصلاح‌طلب در ارتباط بودید؟

من آن موقع با آقایان حجاریان، عبدی و علوی‌تبار در رفت و آمد بودم.

آیا در جلسه‌ای مبحث جامعه‌مدنی را برای نیروهای فکری اصلاح‌طلب ارائه دادید؟

بله، یک جلسه‌ای در دانشگاه تهران این اتفاق افتاد. یادم هست که آقای حجاریان در آن جلسه حضور داشت. البته من با آقای حجاریان چند دفعه‌ای هم در دفترش ملاقات داشتم و یک دفعه هم نبود. چندبار در این‌باره صحبت کردم. هم درخصوص جامعه‌مدنی و هم در مورد توسعه که این بحث هم به جامعه‌مدنی برمی‌گشت. بحث من در مورد جامعه‌مدنی بیشتر دانشگاهی و آکادمیک بود، اما آنها آن را برداشتند و به‌عنوان یک حزب و جریان سیاسی از آن استفاده کردند.

اختلاف نظر شما با اطرافیان آقای خاتمی کی شروع شد؟

بچه‌های اطراف آقای خاتمی مثل «امین‌زاده» و «تاج‌زاده» خیلی از من دلخور بودند که چرا من از آقای ناطق حمایت کرده‌ام. جواب من به اینها این بود که شما خیلی جوان و بچه هستید و مملکت‌دار نیستید و شما را چه به مملکت‌داری! دوم اینکه بحث جامعه‌مدنی خام است و شما چهار سال کنار بمانید و بعد از کسب تجربه بیایید. اعتقاد من این بود که آقای خاتمی باید دور بعدش رئیس‌جمهور می‌شدند و ایشان چهار سال زودتر رئیس‌جمهور شد و در همین چهارسال هم اصلاحات و جامعه‌مدنی را نابود کرد.

در دوران آقای خاتمی که به ایران نیامدید، آیا ارتباط شما هم قطع شد؟

نه، هیچ وقت ارتباط من قطع نشد، من با آقای خرازی دوست بودم.

منظورم این است که دیدار یا مشورتی که قبلا می‌دادید قطع شد؟

نه، من مرتبا آقای خاتمی را در آمریکا می‌دیدم. آقای خرازی هرگاه آمریکا می‌آمد، حتما دوساعتی در آخر شب با هم صحبت می‌کردیم. من رابطه‌ام با اینها قطع نشد، آمدنم به ایران قطع شد.

به هر حال من هفت سال به ایران نیامدم، با وجود اینکه دوست داشتم بیایم. بعد هم احمدی‌نژاد آمد و جوانمردی کرد و از من دعوت کرد که برگردم و برگشتم.

شما چقدر محتمل می‌دانید ناطق نوری به فضای سیاسی کشور برگردند؟

اول این را بگویم که آقای ناطق خودش را خوب حفظ کرده است، تا جایی که اصلاح‌طلبان که در سال 76 دشمن او بودند و از ناطق یک غول سیاه ساخته بودند، الان منت ایشان را می‌کشند که رئیس‌جمهور آنها بشود. اینکه دلم از اصلاح‌طلب‌ها پر است بی‌دلیل نیست، اینها آدم‌هایی هستند که هر لحظه 180 درجه می‌چرخند.

آقای ناطق خودش را خوب حفظ کرده و من هم ایشان را خیلی دوست دارم و از لحاظ فکری هم جوانمرد است و اگر آدم معتدلی هم وجود داشته باشد ایشان است نه آقای روحانی. به نظرم این ناطق است که خط اعتدال دارد. البته برای ایشان مشکل است که وسط را نگه دارد چرا که جامعه خیلی قطبی شده و هر روز هم در حال قطبی‌شدن است، افرادی همانند احمدی‌نژاد هم علنا می‌روند و بست می‌نشینند و می‌گویند ما قبول نداریم. جامعه به سمت شکاف بیشتر بین این نیروها حرکت می‌کند.

آقای ناطق ممکن است بتواند این شکاف را پر کند اما به نظر من بسیار مشکل خواهد بود. اما به نظرم اگر ایشان خودشان را برای انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا کنند شانس خوبی برای برد دارد. از طرفی ناطق هم خودش است و نمی‌خواهد جای هاشمی را پر کند و خودش را هم کمتر از هاشمی نمی‌دانسته است. می‌خواهد ناطق، ناطق باشد نه اینکه هاشمی باشد. به هر حال هاشمی پدیده‌ای بود و تمام شد و هیچ کس نمی‌تواند جای هاشمی را پر کند و این حرف درستی نیست که بگوییم کسی می‌خواهد جای هاشمی را پر کند.

اخیرا در محافل اصلاح‌طلب شنیده می‌شود که آنها به‌دنبال کاندیداتوری آقای ناطق برای ریاست‌جمهوری هستند. تمایل این جریان به ناطق را چطور تحلیل می‌کنید؟

اصلاح‌طلبان نیرویی فرصت‌طلب، بی‌کله و سبک‌مغز هستند. ببینید اینها چه کاری با هاشمی کردند اما بعد رفیق او شدند. سال‌هاست که به‌دنبال ناطق هستند. اینها متوجه شده‌اند که خریدار ندارند و کم‌کم دست آنها رو شده است و اعتقاد دارم در آینده‌ای نزدیک تمام خواهند شد، مگر اینکه پشت ناطق یا فرد دیگری پنهان شده و وارد میدان شوند.

یک چیزی را یادتان باشد که اصلاح‌طلبان هرگز نتوانسته‌اند بدون یک چهره روحانی زنده بمانند، اینها زندگی‌شان روحانیت است و اصلا نتوانسته‌اند خودشان را از این ناف که روحانیت است جدا کنند.

چرا برداشت شما این است که احمدی‌نژاد می‌خواهد مستقل از نهاد روحانیت باشد؟

عرض کردم این در جنبش‌های اسلامی از دهه‌های قبل وجود داشته که یک عده و گروهی معتقد بوده‌اند که برای ساخت یک جامعه مترقی باید از نهاد روحانیت جدا بود نه اینکه مخالف آن بود.

شما گفتید که در دوره آقای خاتمی و بنا به گفته خودشان به ایران سفر نکردید و این احمدی‌نژاد بود که از شما دعوت کرد که مجددا به ایران برگردید. این دعوت به چه صورت بود؟

خودم در دوره انتخابات ریاست‌جمهوری سال 84 دو ماه کاندیدا بودم و اسمم این طرف و آن طرف بود. ایشان در همان سال هاله نور به آمریکا آمد و در این سفرها یک گروه کوچک از ماها با رئیس‌جمهور دیدار می‌کنیم. در آن جلسه ما سر یک میز بزرگ بیضی شکل نشسته بودیم و هر یک خودمان را معرفی کردیم. نوبت به من رسید گفتم که من دکتر هوشنگ امیراحمدی هستم. ایشان هم گفت من شما را می‌شناسم. شما در انتخابات کاندیدا بودید. منم گفتم بله اما صلاحیتم تائید نشد، که اگر می‌شد الان من جای شما نشسته بودم که او هم با خنده گفت: آره.. آره و رد شد. بعد از جلسه با من به‌عنوان آخرین نفر دست داد و گفت که شما چند وقت هست که ایران نیامده‌اید؟ گفتم: هفت سال. بعد سه هفته نامه‌ای از طرف ایشان به دفتر حافظ منافع ایران در واشنگتن ارسال شده بود که خطاب به وزیران اطلاعات و وزارت امورخارجه گفته شده بود که من قصد سفر و بازدید از کشور را دارم و تمهیدات لازم رو در نظر داشته باشند.

ارتباط شما با آقای احمدی‌نژاد چطور بود؟

من فکر می‌کنم بیش از هر کسی به ناطق نزدیک باشم، حتی بیشتر از هاشمی. در کشور هیچ کس به اندازه ناطق من را تحویل نگرفت. ضمنا این را بگویم که تا همین اواخر دولت، احمدی‌نژاد به من نزدیک نشد. هیچ وقت هم از من نخواست که به او پلن بدهم. اما به حرف‌های من گوش می‌داد.

احمدی‌نژاد به‌دنبال بهبود رابطه با آمریکا بود؟

کارهایی که احمدی‌نژاد کرد، هیچ رئیس‌جمهور دیگری انجام نداد. تابوها را شکست. کسی جرأت نمی‌کرد کارهایی را که او انجام می‌داد را انجام دهد و مثلا به رئیس‌جمهور آمریکا نامه بنویسد.

من مطمئنم ایشان می‌خواست این رابطه بهبود پیدا کند. فرق احمدی‌نژاد با دیگران در این بود که او به قدرت ایران باور داشت.

آدم ساده‌ای بود که به قدرت ایران باور داشت و هرچه که به دهانش می‌آمد می‌گفت و خیلی دیپلمات و انتلکتوئل عمل نمی‌کرد. دیپلمات که اصلا نبود و به نظرم سیاسی هم نبود و بیشتر اجرایی بود.



هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز نیوجرسی آمریکا، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه و رییس و بنیاگذار شورای ایران – آمریکاست. حالا وی که هر ساله برای گذران تعطیلات تابستانی خود به زادگاهش در دهستان شیخ نشین شاندرمن در شهرستان ماسال استان گیلان سفر می کند، امسال نیز پس از مدت کوتاهی از ورود خود به ایران، در تماسی با خبرنگار ۸ دی، گفتگویی مفصل با این پایگاه خبری انجام داد. گفتگویی که شاید شاه بیت جملاتش در خصوص قراردادهای جدید نفتی باشد که امیر احمدی درباره آن می گوید: " قرارداد نفتی در ایران نوشته‌اند که اگر مصدق ببیند حتما خودکشی خواهد کرد". امیراحمدی که هم اکنون در منزل پدری خود اقامت دارد در یک گفتگوی اختصاصی اظهاراتی جالب درباره ی برجام و روابط ایران و آمریکا داشته که در ادامه بخشی از این گفتگوی چند ساعته را می خوانید:

« دلال رابطه ایران و آمریکا نیستم »

– از طرف پایگاه خبری تحلیلی ۸دی با شما گفتگو می کنیم.

۸دی داستانش چیه؟

– شما ۹دی شنیده اید؟

خوب بنده در ۹ دی زندگی هم کردم اما نمی دونم چی هست.

– در هفتم دی ماه سال ۸۸ در برخی از شهرهای کشور از جمله کرمانشاه بر علیه وقایع این سال و جریان فتنه در سطح کشور راهپیمایی هایی شد. این راهپیمایی ها در برخی شهرهای پیشتاز دیگر در روز هشتم دی صورت گرفت. در رشت و گرگان و برخی شهرها حماسه ی هشتم دی رخ داد و سرانجام حماسه ی عظیم نهم دی ماه در سراسر کشور رقم خورد که بساط فتنه و آشوب در کشور با این راهپیمایی جمع شد. اسم پایگاه ۸دی هم از حماسه هشت دی مردم رشت گرفته شده است.

بله. الان متوجه شدم.

– همیشه شما مرداد ماه به ایران تشریف می‌آورید. ۲ مصاحبه قبلی ما هم در همین ماه و همین حدود ۲۰ مرداد بوده است. آیا مناسبتی دارد که شما در این ایام به ایران تشریف می آورید؟

من معمولا تابستان این موقع ها به اینجا می آیم چون دانشگاه تعطیل است. من انجیر هم خیلی دوست دارم و این فصل هم فصل انجیر است. قبل از اینکه فراموش کنم نکته ای می خواستم عرض کنم که دفعات قبل خیلی از دوستان از من گلایه می کردند که من چرا با آقای منفرد مصاحبه می کنم. برای اینکه شما شروع مصاحبه بر می گردید می گویید دلال رابطه ی ایران و آمریکا. می خواهم رک و راست به شما بگویم اگر بخواهید باز هم این را بنویسید دیگر هرگز با شما مصاحبه نمی کنم. برای اینکه الان کاملا مشخص شده است که دلال چه کسی است. بعد از این همه مدت که تکرار کردید دلال رابطه و دلال رابطه، می بینید دلال رابطه درون خودتان است. صادقانه این طور است. این را ثبت کنید و بنوسید که هوشنگ گفت به من دلال نگویید. دلال درون خودتان است. «

خدا نکند شریعتمداری با کسی دشمن باشد یا دشمن او باشید »

– تلاش می کنیم این عبارت را در جملات خودمان استفاده نکنیم و اعتقاد داریم نباید به مصاحبه شونده توهین شود و باعث آزردگی خاطر شویم. اما ما این سوال را از شما داریم که چه شد که رسانه ها از این لفظ و عبارت برای اسم بردن از شما استفاده کردند؟

تنها کسی که در این کشور جریان سازی می کند کیهان است. آقای شریعتمداری آدم بسیار قدرتمند و یکی از برجسته ترین روزنامه نگاران تاریخ اخیر ایران است. اما خدا نکند دشمنش باشید و یا او دشمن شما باشد چون خیلی قدرتمند است. در نوشتن بسیار قدرتمند است. خیلی با من دشمنی و بدی کرده است. به من دلال رابطه و جاسوس آمریکا گفته است اما اگر صادقانه بخواهم بگویم این است که نویسنده ی بسیار قدرتمندی است.

– چرا این لفظ را بکار برده اند؟

چون من حدود ۲۸ سال است که به دنبال حل مشکل ایران و آمریکا هستم. اما هدف من از حل مشکل آمریکا دوستی بین ایران و آمریکا نبود بلکه عادی سازی روابط دو کشور از اهداف من بود. **سر ماجرای برجام هم نشان دادم که من بیش از خیلی از مسئولان در رابطه با آمریکا سفت و سخت تر هستم اما اعتقاد دارم که در چارچوب منافع ملی حل این مشکل بهتر است.** من مخالف مذاکرات هسته ای بودم برای اینکه معتقد بودم اگر قرار است مذاکره ای با آمریکا انجام شود باید بر سر همه ی مسایل مذاکره کنیم چون فکر می کنم مذاکره‌ی هسته‌ای به ضرر ما است به این دلیل که با مذاکره‌ی هسته‌ای بخشی از مسائل را حل می کنیم ولی چون کل قضیه لاینحل می ماند خیلی چیزها را از دست می دهیم. من یک جمله را همیشه در مصاحبه‌ها تکرار کرده ام و آن این بوده است که اگر این مذاکرات به حل مشکل ایران و آمریکا منتهی شود به نفع ملت ایران است و مهم نیست چی از دست داده است اما اگر به حل این مشکل منتهی نشود به ضرر ملت ایران است و مهم نیست چه گرفتیم. الان اعتقاد دارم فعلا در این مقطع زمانی به ضرر ملت ایران شده است.

– شما به صراحت قبل از اجرای برجام به متن آن انتقاداتی داشتید و گفته بودید برجام برای نسل ۲ هزار سال آینده ی کشور هم تصمیم گیری کرده است. الان مدت زیادی از اجرای برجام گذشته است. الان به هر حال اطلاعاتی درباره‌ی نحوه‌ی اجرای برجام دارید. الان به نظر شما آیا برجام آثار مثبتی در زندگی بستگان شما که در اینجا زندگی می کنند و مردم داشته است؟

اول اینکه من مخالف برجام نبوده‌ام بلکه منتقد بوده‌ام. **برخورد شریعتمداری یا آقای زاکانی و یا آقای نبویان با برخورد من با برجام متفاوت بوده است. آنها چون آدم های سیاسی و جناحی هستند برخورد سیاسی و جناحی با برجام دارند.** البته معنایش این نیست که همه اظهار نظرات آنها درباره‌ی برجام غلط و جناحی است ولی در برخورد آنها با برجام یک مخالفت سیاسی نهفته است. اما نقد من یک نوع نقد آکادمیک و دانشگاهی است. من در چهارچوب منافع ملی ایران اعتقاد داشتم برجام مسائلی ایجاد می کند که در تحلیل نهایی به نفع ملت ایران نیست مگر اینکه به حل مشکل رابطه‌ی ایران و آمریکا منتهی شود.

– یعنی برجام در اینجا ابزاری برای حل رابطه‌ی ایران و آمریکا بود؟

من فکر می کردم ابزار و وسیله‌ای برای حل رابطه می‌شود اما باز اینقدر من ساده لوح نیستم که ندانم برجام آن وسیله نیست. اول اینکه من می دانستم که آقا (رهبر انقلاب) به اینها اجازه‌ای غیر از مسئله‌ی هسته ای نداده‌اند. دوم اینکه آمریکایی‌ها هم فقط درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای مذاکره می کردند. بنابراین من می‌دانستم مذاکره چارچوب دیگری می خواهد نه این چارچوب مذاکرات انجام شده. بنابراین من می‌دانستم برجام به همین جا خاتمه پیدا می‌کند. من هیچ توهمی نداشتم که برجام مسئله‌ی ایران و آمریکا را حل کند.

« ایران در برجام ۱۰۰ برابر طرف آمریکایی تعهد داده است »

– الان شما فکر می‌کنید ایران مصداقا در چه چیزی باخته است؟

حالا یک توافقی شده است که دو طرف تعهداتی داده اند. البته به نظر من ایران ۱۰۰ برابر طرف آمریکایی تعهد داده است. توجه داشته باشید اینها تعهدات است. قول و قرار نیست بلکه تعهد است که روی ۱۶۰ صفحه‌ی انگلیسی نوشته شده است. البته این سوای قراردادهای مخفی است. من می گویم این ۱۶۰ صفحه ی آشکار جلوی همه است و در این متن آمریکایی ها و ایرانی ها یک سری تعهدات دارند. آمریکایی‌ها به این متن ۱۶۰ صفحه ای عمل کرده‌اند. اما از قرارها و قول‌های پشت پرده اطلاعی ندارم. اما آمریکایی‌ها به این متن ۱۶۰ صفحه‌ای عمل کرده اند. من می‌شنوم که می گویند آمریکا قول‌های خودش را عمل نکرده است. قرارداد قول ندارد. قرارداد تعهدات مشخص دارد و هر کلمه‌ی آن بار حقوقی دارد.

– در سه ماهه‌ی آخر سال ۹۴ ایران بیش از ۱۶ هزار میلیارد تومان نفت فروخته است و تنها حدود ۳۰۷ میلیارد تومان از این پول را توانسته است وصول کند؟

خوب این به آمریکا چه ارتباطی دارد؟ آمریکا در برجام تعهد کرده است که تحریم‌ها را بردارد. اما کدام تحریم‌ها؟ آمریکا تعهد کرده است تحریم‌های ثانویه ی مربوط به هسته‌ای را بردارد. تحریم ثانویه تحریم‌هایی است که آمریکا روی شهروندان و شرکت‌های کشورهای دیگر گذاشته است و این ارتباطی به شهروندان خودش ندارد. مثلا برای خود من که در آمریکا زندگی می‌کنم برجام هیچ تغییری انجام نداده است. اصلا هیچ تغییری برای من ایجاد نشده است. برجام برای شهروند ایرانی ساکن آمریکا و شهروند آمریکایی و .... هیچ کاری نکرده است. بحث کمک های انساندوستانه و غذایی و دارویی هم که همیشه بوده است. یک سری بخش‌ها هم است که آمریکا در برجام قول داده است که اگر کسی بخواهد می‌تواند از وزارت خزانه‌داری مجوز بگیرد انجام دهد. مثلا بوئینگ از اوفک گواهی فروش هواپیما به ایران را گرفت اما بوییِنگ نمی‌تواند به ایران هواپیما بفروشد. نه اینکه اوفک گواهی نداده باشد و یا اوباما جلوی این شرکت را گرفته باشد بلکه آمریکا تعهدی برای برداشتن تحریم‌های اولیه نداده است و تحریم دلار هم جزو تحریم‌های اولیه‌ی ایران است.

– مسئولان دیپلماسی کشور در ماجرای برجام همواره تأکید داشتند بر اساس توافق صورت گرفته همه تحریم‌ها به یکبار برداشته خواهد شد و این چیزی که شما می‌فرمایید با این ماجرا سنخیت ندارد. حتی مسئولان اسم می‌بردند که مثلا تحریم هسته‌ای، موشکی و مالی و ... در روز اجرای توافق برداشته خواهد شد.

آنها اشتباه فرموده‌اند. تمام تحریم‌های ثانویه‌ی هسته‌ای برداشته می‌شود. این درست است. در آمریکا تحریم‌های اولیه و ثانویه داریم.

– عبارت صحیح لاتین این تحریم‌ها چیست؟

Secondary sanctions و یا nuclear related secondary sanctions عباراتی هستند که در متن برجام آمده‌اند. هیچ جای برجام نمی‌توانید تحریم های اولیه (Primary sanctions) را پیدا کنید. متأسفانه دوستانی که داشتند توافق می کردند و مخصوصا بخش حقوقی این جریان، نفهمیدند دارند چکار می‌کنند. در سایت آقا (رهبر انقلاب) خود ایشان گفته‌اند که برجام پر از خلل و فرج است. راست هم می گوید.

« در ژنو و وین خطوط قرمز نظام کنار گذاشته شد »

– آقای دکتر! شما در قضیه‌ی برجام تلویحا می‌فرمایید ما باخته‌ایم و چیزی بدست نیاورده‌ایم. آیا آمریکایی‌ها چیزی بدست آورده‌اند؟

ما در برجام تنها به یک دلیل مذاکره کردیم و آن یک دلیل این بود که تحریم‌ها برود. آقا هم به همین شرط مذاکرات را پذیرفتند. برجام باید حماسه‌ی اقتصادی را شکل می‌داد اما این حماسه ایجاد نشد. ما در این چارچوب در برجام شکست خوردیم. البته این را بگویم که مذاکرات هسته‌ای با آمریکا در مسقط و چهار ماه قبل از دولت روحانی شروع شد. این مذاکرات را آقای ولایتی انجام می‌دادند. یک سری پاراگراف‌های قرارداد مسقط خالی بود که این جاهای خالی در دوره‌ی آقای روحانی در ژنو پر شد. امتیازاتی که در مسقط داده شده بود با امتیازاتی که بعدا در ژنو داده شد یک دنیا متفاوت بود. برای اینکه در مسقط تمام خطوط قرمزهای نظام رعایت شده بود بعدها در ژنو و وین و ... جریان متفاوت شد و آهسته آهسته خطوط قرمز کنار گذاشته شد. در لوزان و ماجرای برجام هم امتیازات بیشتری داده شد. البته در جریان مذاکرات مسقط تیم آقای احمدی نژاد هم نبود بلکه آقای ولایتی و امیرعبدالهیان این مذاکرات را انجام داده‌اند. به احتمال زیاد در این زمان آقای صالحی هم بودند و مطمئن هستم آقای احمدی نژاد در این مذاکرات نبود.

« برجام ۹۰ درصد به نفع آمریکا و ۱۰ درصد به نفع ایران است »

– پس شما برجام را به نفع آمریکایی‌ها می‌دانید؟

برجام ۹۰ درصد به نفع آمریکایی‌ها و ۱۰ درصد به نفع ماست. هدف مذاکرات و برجام برداشته شدن تحریم‌ها بود تا به کمک آن یک نوع حماسه‌ی اقتصادی ایجاد شود. رهبر انقلاب گفت در این چهارچوب من برای مذاکرات حرفی ندارم . اینکه آقای ظریف و روحانی می‌گویند حفظ غنی سازی دست آورد ماست اشتباه است. حفظ این غنی سازی دست آورد قبل از دولت آقای روحانی و ماجرای برجام است. در مسقط هم این مسئله حل شده بود. آمریکا با این فرض به مقسط رفته بود که ایران حق غنی‌سازی دارد. حتی قبل از مسقط و زمان آقای جلیلی هم مسئله حق غنی‌سازی ایران حل شده بود. آمریکایی‌ها هم قبول کرده بودند که نمی‌شود حق غنی‌سازی ایران را گرفت. اما آنها می‌گفتند این غنی‌سازی باید نمادین باشد. الان به این نتیجه رسیده‌اند و غنی‌سازی نمادین شده است. آمریکا از ۲ سال قبل از برجام می‌خواستند غنی‌سازی ما به همین شکل نمادین باشد اما آقای جلیلی اصرار می‌کرد ما غنی‌سازی نمادین نمی‌خواهیم بلکه غنی‌سازی ما باید در حد صنعتی باشد. بعد آرام آرام خط قرمزها توسط تیم آقای ظریف رد شد تا اینکه نمادین را هم پذیرفتند.

« آمریکایی ها زیر بار رفتند چون ترسیدند »

– برخی در رسانه‌ها و تبلیغات خودشان به حالت تمسخرآمیز می‌گفتند آقای جلیلی در مذاکرات فقط بیانیه می‌خواند. این را شما قبول دارید؟ همچنین بین دو تیم مذاکرکننده مقایسه‌هایی می شد که مثلا تیم آقای ظریف یک تیم حقوقدان است اما تیم آقای جلیلی تحصیلات امام صادقی و علوم سیاسی دارد و در نتیجه تیم آقای جلیلی یک تیم ضعیف است. نظرتان در این مورد چیست؟

اینکه ۲ تا تیم تخصص‌های مختلف داشتند درست است اما آن تیمی که حقوقی مذاکره می‌کرد مثلا مذاکرات بهتری داشت را من قبول ندارم. هیچ ربطی ندارد. شما می‌توانید یک آدم انقلابی باشید و براساس اصول مذاکره کنید. می‌گویید اصول من این است که زور نمی پذیرم و اینها حق من است و غنی‌سازی صنعتی را من می‌خواهم و بمب هم نمی‌خواهم بسازم. اگر می‌خواهید بیایید مذاکره کنید. آن تیم حقوقی هم ممکن است بگوید الان دنیا یک دنیای دیگری است و باید با واقعیت کنار بیاییم. چه اشکالی دارد غنی‌سازی نداشته باشیم یا مثلا توجیه می‌کنند که ۱۵ سال بعد غنی‌سازی خواهیم داشت اما تیم انقلابی به خوبی دو دو تا چهار تا می کند. اما من می‌خواهم یک چیز به شما بگویم که حتی آقای ظریف هم این را گفته اما کسی نگرفته است و آن این است که اگر آمریکا به ایران امتیازی داده است به خاطر تیم جلیلی و مخصوصا به خاطر کارهای دولت احمدی نژاد است. احمدی نژاد اینها را ترساند و بلافاصله غنی سازی را از سه و نیم درصد به ۲۰ درصد رساند و اعلام کرد که می‌خواهم به ۶۰ درصد برسانم و کار را به جایی رساند که خود آمریکایی‌ها می‌گویند بین ۲ هفته تا ۲ ماه ایران وقت داشت تا بمب بسازد. خود آقای ظریف می‌گوید ما شما را مجبور کردیم بیایید با ما مذاکره کنید چون ما به دنبال ۲۰ هزار تا و ۶۰ هزار تا سانتریفیوژ می رویم. ولی چیزی که آقایان فراموش می‌کنند این است که چه کسی این کار را کرد. بعد هم می‌آیند بر سر جنس می‌زنند. کار را آقای احمدی نژاد کرد. ممکن است بگویید

این جریان خطر جنگ داشت و تحریم‌ها را زیاد کرد. بله واقعا هزینه‌بر بود ولی این کار را انجام داد اگر این کار را انجام نمی داد آمریکایی ها زیر بار نمی‌رفتند. آمریکایی‌ها زیر بار رفتند برای اینکه واقعا ترسیدند.

« در ایران فقط یک نفر آمریکا را به خوبی می شناسد آن هم آقای خامنه ای است »

– فکر نمی‌کنید آقای احمدی نژاد با نامه‌ای که اخیرا به اوباما داده است دارد همان مسیر ظریف و روحانی را انتخاب می‌کند؟

من نمی خواهم وارد آن بحث بشوم. نه طرفدار احمدی نژاد هستم و نه روحانی. من طرفدار خودم هستم. نکته‌ای که من دارم این است که احمدی‌نژاد کارهای بزرگی کرد که هزینه ی بزرگی برای ملت داشت اما همین کارها باعث شد آمریکایی هم امتیاز بدهند. هر کس این را انکار کند واقعا صداقت ندارد. البته آخر خط آمریکایی آمدند با ایرانی ها مذاکره کردند و امتیازاتی زیادی گرفتند. این جریان‌ها حساب سود و زیان ریالی نیست. اینکه ایران بپذیرد با دست خودش در قلب راکتور خودش بتن بریزد را چه قدر قیمت می‌گذارید. این حرف غلط است. یک اتفاق بزرگ در تاریخ ایران رقم خورده است. خانم کلینتون چهار هفته پیش گفت ما بدون اینکه یک گلوله در کنیم تأسیسات هسته‌ای ایران را با دست خودشان جمع کردیم. در تاریخ ایران ما جنگ‌های زیادی کردیم و در ۹۰ درصد این جنگ‌ها هم باختیم. به عرب ها، مغولها، ترک های سلجوقی، افغان ها و ... باختیم. فقط کوروش و داریوش و نادرشاه افشار بودند که پیروز شدند. البته در تمام این جنگ ها بدون باخت تسلیم نشده ایم و در همه ی جنگ‌های گذشته زمین داده ایم. البته در دفاع مقدس هیچ وقت نباختیم و تا آخرش هم ایستادیم و در پایان هم مثل همه‌ی جنگ‌ها آتش بس کردیم. اما این اولین بار است که بدون در کردن یک گلوله ما را جمع و جور کردند. نمی دانم چه شد. اما وقتی دولت شروع به مذاکره و امتیاز دادن کرد آقا خطوط قرمز را ترسیم کردند اما در عین حال گفتند باشه. بروید مذاکره کنید تا مردم نگویند رهبر نگذاشت اما من هیچ اعتمادی به آمریکا ندارم و اعتقاد دارم نمی‌شود. من همیشه اعتقاد دارم در ایران فقط یک نفر آمریکا را به خوبی می شناسد و آن هم آقای خامنه‌ای است.

– شما در مصاحبه قبلی گفتید که ما به دنبال رفع سو تفاهم‌ها بین دولت و ملت ایران و دولت و ملت آمریکا هستیم. الان هم گفتید به دنبال عادی سازی روابط هستید. این روابط عادی برای ما روشن نیست که چگونه باید باشد. ما با دولتی مواجه هستیم که حدود ۵۳ سال پیش در چنین روزهایی دولت مردمی مصدق را سرنگون کرد. مستشاران آمریکایی در ایران از حق کاپیتولاسیون برخوردار بودند. بعد تلاش می‌کنند دوباره کودتا کنند. لانه‌ی جاسوسی راه می اندازد. رسانه‌هایی را با تصویب بودجه ایجاد می‌کنند که رسما در حال جنگ علیه ایران هستند. در سال ۸۸ به توئیتر دستور می‌دهند که کار تعمیرات خودشان را متوقف کنند تا از حوادث بعد از انتخابات سو استفاده کنند. اخیرا ۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را برداشتند و بلوکه کردند. ترور بیولوژیک علیه ایرانی‌ها و برخی چهره‌های ایران راه انداختند. در همین توافق برجام اتفاقی نیافتاد و ما چیزی از دوستی از آنها ندیدیم. این عادی سازی روابط بین ایران و آمریکا از چه جنسی است؟ یعنی ما باید این‌ها را فراموش کنیم. آیا ما باید رفع سو تفاهم کنیم یا آنها؟ یا اینکه می‌گویید ما اینها را نادیده بگیریم و مثل عراق و افغانستان با اینها هم ارتباط داشته باشیم؟

شما یک لیست بلند بالا از کارهای بد آمریکا علیه ایران را بیان کردید اما هیچ چیز درباره‌ی کارهای بد ما علیه آنها را نگفتید. مثلا اینکه ما آنها را گروگان گرفتیم، این انصاف نیست و هزار گرفتاری برای آنها ایجاد کردیم.

– خوب همه‌ی اینها شروع تاریخی داشته است و برخی تدافعی بوده است.

من نمی خواهم بگویم ما به اندازه آنها بد بوده‌ایم. ما هم خیلی سر به راه نبوده‌ایم اما آنها بیش از اندازه به ما صدمه زدند. شما اگر به تاریخ نگاهی داشته باشید آمریکا و ایران تا قبل از کودتا و در قرن ۱۹ و ۲۰ تاریخ خوبی داشته‌اند و رابطه‌ی ایران و آمریکا خیلی خوب بود. حتی استالین می‌خواست آذربایجان و کردستان را بگیرد این آمریکا بود که تهدید کرد که اگر این کار را انجام بدهید با بمب شما را می زنیم. متأسفانه جریان کودتا این رابطه را بسیار خراب کرد. حزب توده در آن زمان سم پاشی می‌کرد و جوانان ما را ضد آمریکا کرده بود و بعد شاه هم به طرف آمریکا رفت و جوانان ما تا قبل از سال ۳۲ به خاطر مسائل ایدئولوژیک ضد آمریکایی شدند در حالی که قبل از ۳۲ آمریکای‌ها کاری نکرده بودند. همه‌ی این مسائل مربوط به بعد از سال ۳۲ بوده است اما کودتا بحث را بهم زد و این از کارهای بد آمریکا بود. بعد هم البته هزینه ی آن را پرداخت کرد. یکی از این هزینه‌ها انقلاب اسلامی بود چون اگر کودتا نبود انقلاب اسلامی بوجود

نمی آمد. این هم یادتان نرود. انقلاب اسلامی بچه‌ی کودتای ۲۸ مرداد است. اینکه شما این همه ضد آمریکایی هستید از آنجا نشأت گرفته است. خود من هم بعد از ۲۸ مرداد ضد آمریکا شدم و بعد هم به دنبال انقلاب رفتیم.. انقلاب ۲ هدف داشت که یکی سرنگونی شاه و دیگری بیرون کردن آمریکا بود. اگر کودتا نبود انقلاب ۱۹۷۹ بوجود نمی‌آمد. اما یک نکته دیگر می‌خواهم بگویم این است که یک ایراد دیگر کار ما دارد. در این کشور یک کوچه به نام مصدق نیست. اگر مصدق خوب و کودتا بد بود چرا یک کوچه هم در این کشور به نام مصدق نیست. عکس آقایان را می کشند که یک طرفش مصدق است و یک طرفش فلانی است و می گویند مصدق زمان شده است. شما از اسمش و حرکتش و کودتایش هم استفاده می‌کنید و حتی یک کوچه هم به اسمش نمی‌کنید. برای اینکه گاهی متوجه نیستیم چه می‌گوییم. خوبی‌ها را هم بگویید.

– درباره‌ی بحث خوب بودن کودتا و آمریکا برای انقلاب، مثال شما مثل این است که مثلا بگویید یزید خوب است چون اگر نبود واقعه‌ی کربلا هم نبود. این به نظر شما درست است؟

نه. آمریکایی‌ها به این می گویند پیامدهای غیرمنظور شده. من نمی خواهم بگویم آمریکایی‌ها می خواستند به انقلاب کمک کنند بلکه پیامد کارش انقلاب اسلامی شد.

– این در فرهنگ ماست که می گوییم عدو شود سبب خیر شد. می گوییم دشمن سبب خیر شده است. این در هر صورت دشمن است.

من هم با شما موافق هستم که دشمن است. من می خواستم بگویم که برخورد ما با آمریکا واقع‌بینانه نیست. آمریکا یک کشور امپریالیستی است. نیش عقرب نه از کین است که اقتضای طبیعتش این است. تو یا با عقرب می مانی یا نمی مانی. شما نمی‌توانید با عقرب بمانید و بگویید ما را نیش نزن. نمی‌شود. شما درباره‌ی آمریکا واقع‌بین نیستید. الان این آقایان فکر می‌کنند با آمریکا حرف می‌زنند و می‌خندند و شوخی می‌کنند مسئله حل می‌شود. مثل این است که به عقرب بگویید آقای عقرب به ما نیش نزن. چنین چیزی ما نداریم. آمریکا یک کشور امپریالیستی است و منافع دارد و در چهارچوب منافع خودش پیش می‌رود. چرچیل حرف قشنگی زده است. می‌گوید «کشورها دوست ندارند. دشمن هم ندارند. منافع دارند.» این نحوه‌ی فکر آمریکا و انگلستان و چرچیلی‌هاست. اما ما فکر می‌کنیم یا دوست داریم یا دشمن یا کشورهای مشکوک. یعنی دوستان، دشمنان و مشکوکین. ما باید منافع ملت و کشور خودمان را شناسایی کنیم. شما می‌خواهید با آمریکا رابطه و نظمی ایجاد کنید باید ببینید آیا منافع شما در نزدیکی با آمریکا ایجاد می‌شود یا دوری. باید ببینیم در کجا با آمریکا منافع ایجاد می‌شود به آنها نزدیک شوید و اگر می‌بینید ضربه می‌خورید باید همانجا دیوار ایجاد کنید.
کشورهایی هستند که با آمریکا رابطه بسیار عمیق و نزدیکی دارند و مثل گاو آن را می‌دوشند. مثلا کره جنوبی آمریکا را دوشید. کشورهایی هم هستند که آمریکا پدرشان را در آورد. اینکه می‌خواهیم با آمریکا چکار کنیم به مدیریت ما بر می‌گردد. دیپلماسی و داشتن سفیر از دستاوردهای تاریخ بشر است. اگر اختلافی هم است باید از طریق سفرا حل شود. بشر قرن ها جنگید تا به این نتیجه رسید که می‌شود سفیر داشت و می‌شود برخی مشکلات را از طریق سفیر حل کرد.

– بحث قطع روابط دیپلماتیک را اولین بار آمریکایی ها هم انجام دادند.

ما هم دیپلمات‌های آنها را گروگان گرفتیم. خوب آنها چکار می‌کردند می‌آمدند با ما روبوسی می‌کردند؟

– آنها شاه کشور را گرفتند و تحویل ندادند.

شاه آدم مرده‌ای بود.

– روابط دیپلماتیک ما بعد از انقلاب عملا قطع شده بود و تنها یک سفارت‌خانه در اینجا استقرار داشت.

یک چیز یادت باشد. ما با عراق هشت سال جنگ کردیم اما سفارتخانه داشتیم. کشورها جنگ می‌کنند اما سفارت را حفظ می‌کنند. رابطه ربطی به جنگ و دشمنی ندارد.

« اوباما در برجام نقش پلیس خوب را بازی کرد »

– آیا قبول دارید که آمریکا طبیعت سلطه‌گری دارد؟

بله. من قبول دارم اما شما می‌توانید نیش عقرب را از او بگیرید. آیا می‌توانم به عقرب بگویم به داخل خانه‌ی ما نیاید؟ من می‌توانم درزها را بگیرم و یا تله بگذارم. من از اول گفتم ما در رابطه با آمریکا واقع‌بین نیستیم. آمریکا یک کشور امپیریالیستی است که می‌خواهد همه را بدوشد. نه ترامپ و نه اوباما هیچکدام با ما خوب نیستند. ما در آمریکا پلیس خوب و پلیس بد داریم. اوباما و ترامپ نقش همان پلیس خوب و بد را دارند. در برجام اوباما و نتانیاهو نقش پلیس خوب و بد را بازی کردند. اسراییلی‌ها هم مخالف برجام نبودند. بعد از برجام نتانیاهو رفت سر کار خودش. اوباما هم کنار رفت. چرا آقای اوباما به عنوان پلیس خوب بر سر ماجرای ویزا وتو نکرد. چرا الان برای رفع تحریم دلار کمک نمی‌کند. قدرتش را هم دارد تا این تحریم را بردارد اما این کار را نمی‌کند. اوباما هم در برجام نقش پلیس خوب را داشت و بقیه نقش پلیس بد را داشتند.

– اینکه شما می فرمایید جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس در عراق سفیر داشته است نشان می دهد که این نظام دیپلماسی را به خوبی می شناسد و به آن پایبند است اما نه به آن معنای مرسوم دنیا در آکادمی ها. یعنی متوجه است که سفارتخانه‌ها چه منافع و فرصت‌هایی در اختیارش قرار می‌دهد و یک استثنا به نام آمریکا قرار داده است و متوجه است که اگر دیپلماسی به معنای آکادمیک را برای آمریکا بکار ببرد ممکن است همین دیپلماسی تبدیل به لانه‌ی جاسوسی شود که دست به کودتا بزند همانطور که در ۶۰ کشور دیگر کودتا کرد و این نظام متوجه است که آمریکا اتفاقا عقرب نیست بلکه یک انسان جنایتکار است. عقرب هیچ وقت نمی‌تواند ۱۵۰ هزار نفر را صرفا برای آزمایش‌های علمی و یا ترساندن یک کشور یک جا بکشد. با جمهوری اسلامی با علم به این موضوعات می‌داند که آمریکا استثنای این موضوعات است. مثل عقرب نیست که قابل پیش بینی باشد و حد داشته باشد. پس حاضر است برای حفظ منافع خودش همه چیز را نابود کند. زمانی است که منافع او در کشورهایی مثل عراق است. گاهی حتی دنبال منافع دیگران است. به دنبال تجاوز و پا را از گلیم فراتر گذاشتن است. هنوز برای من خیلی قابل فهم نیست که منظور شما از عادی سازی چیست؟

خیلی ساده، عادی سازی یعنی ایجاد یک رابطه ی دیپلماتیک که در آن سفیر رد و بدل شود. برای اینکه هر کشور در کشوردیگر یک نماینده داشته باشد. ما الان یک نماینده در آمریکا داریم ولی از طریق سفارت سوییس است. چرا این کار را از طریق واسطه انجام دهیم. الان در اینجا هم آمریکا نماینده دارد.

« ۲ هزار نفر در پشت پرده برجام قرار داشتند »

– از ماجرای برجام فاصله گرفتیم.

به نظر من در جریان برجام سهل انگاری و شتابزدگی شد. شتابزدگی در واقع دشمن اصلی ما در این ماجرا بود. آقای روحانی وعده هایی به مردم داده بود و عمل به قول‌ها داشت دیر می‌شد و وقتی برای استفاده از دستآوردهای برجام نداشت. من همیشه فکر می‌کردم که چرا اینها اینقدر شتابزده هستند. خیلی عجله‌ی بی اندازه داشتند و حتی آقای ظریف بارها گفت هر قراردادی بهتر از نبودن یک قرارداد است. من با نفس حرکت دیپلماتیک موافق بودم و مخالفتی با مذاکره نداشتم اما همیشه اعتقاد داشتم باید برای ورود به صحنه‌ی مذاکره آمادگی داشته باشیم. فقط طرف آمریکایی در برجام ۲ هزار نفر در پشت صحنه، مذاکره می‌کردند و به مذاکره‌کنندگان مشورت می‌دادند. حالا طرف روسی، چینی و فرانسوی و انگلیسی چقدر تیم داشتند. یعنی اینها یک لشگر بودند. این طرف خود حکومتی‌ها می‌گفتند ۴۰ نفر بودند. اگر همه‌ی ۴۰ نفر اینشتین باشند باز هم می‌باختند. من همیشه می‌گفتم این مذاکره نیست اتاق جنگ است. با کارشناسان هم مشورت نکردند. ۴۰ نفر برای مذاکره آمده بودند. اکثرشان و از جمله آقای ظریف و آقای عراقچی هم از دوستان من هستند.

– با شما هم مشورتی داشتند؟

اصلا با من مشورتی نکردند. حتی یک بار هم از من درباره‌ی آمریکا سوال نکردند.

« دولت روحانی یکی از جناحی ترین و حزبی ترین دولت هاست »

– شما در این دوره‌ی سه ساله خیلی کم کار شده‌اید. از طرف مسئولان هم ظاهرا مراجعات کمتری به شما می‌شود.

دولت آقای روحانی دولت عقل کل است. اصلا اینها آدم نمی‌خواهند. اینها چند نفر هستند که همه‌شان تجربه دارند و مثل من پیر و پاتال هستند و تجربه شان هم مال ۴۰ سال قبل است و همان را تکرار می‌کنند. تجربه البته در اینجا به معنی تکرار اشتباهات است. یعنی اشتباهات را تکرار می‌کنند. همان کاری که وزیر A سی سال پیش انجام داده بود را دوباره می‌خواهد انجام دهد. آقای روحانی به عنوان دولت اعتدال آمد اما یکی از جناحی‌ترین حزبی ترین دولتی را تشکیل داده که تا بحال تشکیل شده است. نه اصلاح طلب و نه اقلیت و نه تندرو و کندرو و هیچ کس دیگری را هم قبول ندارد. اینها خودشان یک گروهی کوچکی هستند که بخشی از آنها هم اهل سرخه هستند. این شده دولتشان. آقای روحانی را در همان اولین بار که دیدم یک نامه ای به ایشان دادم (و مواردی را تذکر دادم).

« ۳ بار با روحانی ملاقات داشتم »

– پس ایشان را ملاقات کردید؟

بله. من الان سه بار ایشان را در آمریکا ملاقات کرده ام. با اینها رفت و آمد می‌کنم. اینطوری هم که فکر می‌کنید نیست ولی خوب من به اینها محبت دارم اما اینها به من محبت ندارند. یعنی جاده یک طرفه است ولی من این جاده را حفظ می کنم.

– نظر شما درباره‌ی برجام و موضوع استقلال کشور چیست؟

ذهنیت من این است که اگر آمریکا به من بگوید که با دست خودت در داخل راکتور اراک بتن بریز و من این کار را انجام بدهم یعنی استقلال کشورم را از دست داده ام. اگر به من بگویند مثلا پنج هزار تا سانتیرفیوژ داشته باشید استقلال خود را از دست می دهم برای اینکه آمریکا به من گفته است و من انجام داده ام. ممکن است بگویید من مجبور بودم و اگر انجام نمی‌دادم جنگ می‌شد. خوب این که در حرف من درباره‌ی استقلال کشور خدشه ای وارد نمی‌کند. شما به فرمان بتمک و بشین آمریکا گوش داده‌اید و عمل کرده‌اید و گفته‌اید چشم. حالا شما هر تفسیری می‌خواهید ارایه کنید درباره‌ی این مورد فرقی نمی‌کند. برخی توجیه می کنند که شما می خواهید ما بجنگیم و اگر توافق نمی‌کردیم جنگ درست می‌شد. من حرفم این است که خوب اگر انقلاب نمی کردیم اصلا جنگ نمی‌شد. ارتباط ما با آمریکا قطع نمی‌شد و برجام اتفاق نمی‌افتاد. اصلا ما تحریم نمی‌شدیم. اینجا اصل انقلاب مسئله است. پس برای چه انقلاب کردیم. باید یکی را بپذیریم. ما برای اینکه به ما نگویند بتمک انقلاب کردیم. خوب فردا ممکن است بگوید جزایر را بدهید به اعراب. اگر ندهید جنگ می‌کنیم. خوب بر اساس این منطق باید جلوی جنگ را بگیریم و جزایر را بدهیم. کشورها اصول دارند و این اصول را زیر پا نمی گذارند. کشورها بخاطر عزت واصول خودشان می‌جنگند. بنابراین اگر لازم است جنگی ایجاد شود باید وارد جنگ شویم. البته تا جایی که می‌شود صلح می‌کنیم ولی اگر آمریکا به ما بگوید بتمک نمی‌پذیرم.

« با توافق برجام از معدن تا کارخانه را دوربین گذاشتند »

– وضعیت ایران هراسی در دنیا در قبل از برجام و در دوران پسابرجام چه تغییری کرده است؟

در دوران پسابرجام ایران هراسی بیشتر شده است. در منطقه هم ۲ برابر شده است. ما الان با دنیای عرب عملا رابطه ای نداریم.

– چرا این طور شد؟

چون برجام در هر ۲ کشور جناحی شد. یعنی مخالفان برجام در آمریکا ۱۰ برابر قبل از برجام درباره‌ی ایران هراسی کار می‌کنند. از طرفی ما باید تکلیف خودمان را مشخص کنیم. از یک طرف آمریکایی ها می‌گویند در قلب راکتور خودتان بتن بریزید. ما می‌گوییم «چشم حاج آقا». از طرف دیگر می‌گوییم مرگ بر آمریکا. پس بگویید مرگ بر خودمان. استدلال آمریکایی‌ها این است که تو فقط بتن را بریز ولی صد بار بگو مرگ بر آمریکا. می‌گویند شما کاسه و کوزه‌ها را جمع کن ولی تا ابد بگو مرگ بر آمریکا. این سیستم امپریالیستی است که این طور عمل می‌کند. ما یک مقدار باید بهتر فکر کنیم. ما درباره‌ی رابطه با آمریکا دچار تضاد و تناقض شده‌ایم. الان برخی می‌گویند ما (با رسیدن به برجام) می خواهیم سرمایه گذار خارجی بیاوریم. مرد حسابی! ما ۳۷ سال پیش همه‌ی اینها را داشتیم و اینها را بیرون کردیم. برای چه اینها را بیرون کردیم. بعد از ۳۷ سال می‌گوییم ما اشتباه کردیم الان هر چه می‌خواهید بیایید ببرید. الان

آمده‌اند یک نوع قرارداد نفتی نوشته‌اند که اگر مصدق ببیند خودش را می‌کشد. یعنی حتما خودکشی می‌کند. الان با توافق برجام از معدن تا کارخانه را دوربین گذاشتند. یک میلیمتر این طرف و آن طرف برود شما را می‌گیرند. برای اولین بار مانتیور الکترونیک از طرف آژانس انجام می‌شود و بصورت زنده عملکرد ما را دارند تماشا می‌کنند./۸دی

==========

هوشنگ امیراحمدی: سپاه از ما دفاع می کند بعد به آن می گوییم آدم کش؛ غیرمنصفانه است/ می‌خواهند سپاه را خلع سلاح کرده و تحویل آمریکایی‌ها بدهند

استاد دانشگاه راتگرز نیوجرسی آمریکا گفت: سپاه موشک لازم دارد اما شما می‌خواهید آن را از سپاه بگیرید و بعد تحریمهایش را هم حفظ می‌کنید. یعنی عملا می‌خواهید سپاه را خلع سلاح کنید و تحویل آمریکایی‌ها بدهید.

به گزارش فارس، هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز ایالت نیوجرسی آمریکا، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه و رییس و بنیاگذار شورای ایران–آمریکا در گفتگوی اسفند ماه سال 95 خود با خبرنگار 8دی سخنان قابل تأملی درباره نحوه برخورد با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطرح کرد که نگاهی به این سخنان و برخوردهای عجیب و غیرمنتظره اخیر برخی مسئولان ارشد نظام با این نهاد دفاعی نظامی کشور را روشن تر می‌کند:

قبل از برجام ما یک ایران هراسی و اسلام هراسی داشتیم. اگر اوباما 10 سال دیگر هم رئیس جمهور بود شاید برای ایران هراسی تا حدی خوب بود اما حالا که دلواپسان در آمریکا به سرکار آمده‌اند الان ایران هراسی بیشتر و بدتر است. یک کلکی هم در این میان وجود دارد. این آقایان می‌گویند ایران هراسی کم شده است اما در واقع هیچ وقت موضوع ایران هراسی مد نظر نبوده است. جهان از ایران، هراسی نداشت بلکه از نظام و این نوع نگاه هراس داشت. آنها در واقع الان به سپاه‌هراسی دامن می‌زنند. در برجام هیچ تحریمی از سپاه برداشته نشد.

معاهده سازمان ملل در بحث موشک هم برای سپاه مشکل ایجاد کرد. الان هم برنامه دارند که سپاه را در لیست تروریست‌ها قرار دهند. این آقایان متوجه نبودند و نیستند که کارهای آنها صدمه اساسی به سپاه زد. این خیلی خطرناک است.

من به سپاه به عنوان نیروی نظامی کشور احترام می‌گذارم و همیشه می‌گویم به سپاه هم در داخل کشور و هم در خارج ظلم می‌شود. شما نیرویی برای حفظ انقلاب اسلامی ایجاد کرده‌اید که وظیفه نظامی و دفاع دارند و به خطر می‌زنند و بعد بخاطر دفاعی که می‌کند بر سرش هم می‌زنیم. یعنی به او تفنگ می‌دهیم که از ما دفاع کند و وقتی به سمت دشمن تیراندازی می‌کند می‌گوییم این چه کاری است که می‌کنید. چرا آدم می‌کشید. شما آدمکش هستید. خوب این غیرمنصفانه است. در برجام سپاه چیزی نگرفت در حالی که همه قاچاقچی‌ها و دور زننده‌های تحریم‌ها را از لیست تحریم‌ها برداشتند. در حالی که قبل از همه باید تحریم‌های سپاه برداشته می‌شد. مثلا سپاه موشک لازم دارد اما شما می‌خواهید آن را از سپاه بگیرید و بعد تحریمهایش را هم حفظ می‌کنید. یعنی عملا می‌خواهید سپاه را خلع سلاح کنید و تحویل آمریکایی‌ها بدهید.

آمریکایی‌ها سربازهایشان را می‌فرستند عراق و در آنجا 10 هزار نفر را می‌کشند و بعد در کنگره ایستاده برای آنها نیم ساعت به عنوان قهرمانان کشور دست می‌زنند اما اینجا ما سربازهایمان را به سوریه می‌فرستیم و بعد پشت سر آنها حرف بد هم می‌زنیم و می‌گوییم آنها در سوریه چکار می‌کنند. یک فرهنگ غلط بر علیه نظامی‌ها در این کشور وجود دارد که موجب می‌شود که سپاه خیلی مظلوم واقع شود.

در قانون اساسی ایران آمده است که سپاه در دوران صلح در بازسازی شرکت کند. وقتی خاتم الانبیا می‌خواهد پروژه بگیرد داد و فریاد می‌کنند که اینها می‌خواهند پروژه بگیرند. قانون اساسی اجازه داده است. بزرگترین نهاد مهندسی در آمریکا army corps of engineers یا سپاه مهندسی ارتش است. یعنی آمریکا هم خاتم الانبیا دارد. کسی بر سر آنها نمی‌زند در حالی که یک نهاد عریض و طویل است که بنیانگذار بسیاری از امور می‌باشد. فردی به من می‌گفت تا قبل از احمدی‌نژاد وقتی سپاه در مناقصه‌ی پروژه‌ها شرکت می‌کرد آنها مناقصه سپاه را باز نمی‌کردند.

گفتم خوب چرا باز نمی‌کردند. جواب داد چون رقم‌های سپاه خیلی پایین بود و سپاه با هزینه‌های بسیار کمتر پروژه‌ها را اجرا می‌کرد. ضمن اینکه سپاه رشوه نمی‌داد اما بخش خصوصی می‌توانست و این کار را می‌کرد. هر چه هزینه یک پروژه کمتر باشد فساد در آن کمتر است چون کمیسیون کمتر است. کمیسیون یک درصد 100 میلیون، یک میلیون تومان است اما کمیسیون یک میلیون تومان 100 هزار تومان است.

آقای احمدی‌نژاد گفت پاکت‌های سپاه را هم باز کنید. در برجام و در موضوعات داخلی دیگر هم وقتی به سپاه رسیدیم بد عمل کردیم. وضعیتی هم برای سپاه ایجاد کردیم و آنها را بین مردم و دولت قرار دادیم.

منبع: فارس

رونمایی از نظریه‌پرداز پادشاهی محمد بن سلمان در انگلیس!

مجموعه حامی، ولیعهد سعودی شامل غول‌های بخش مالی، نتانیاهو، محمد بن زاید، خانواده ترامپ، ژنرال‌ها و مقامات اطلاعاتی سابق، روزنامه‌نگاران استخدام شده برای کارهای تبلیغاتی مورد نیاز و البته مردان نفتی است. تا کنون این فهرست فاقد یک چهره نظریه‌پرداز بود؛ یعنی فردی که بتواند روایتی دلپسند از تغییرات در عربستان سعودی را تئوریزه کند.

پروژه ظهور محمد بن سلمان به عنوان یک مرد قدرتمند در خاورمیانه، مجموعه‌ای جالب از مقامات غربی هستند.

به گزارش «تابناک» به نقل از میدل ایست ای، این مجموعه شامل غول‌های بخش مالی ـ که به سهام آرامکو چشم دوخته‌اند ـ بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، محمد بن زاید حاکم ابوظبی، خانواده ترامپ، ژنرال‌ها و مقامات اطلاعاتی سابق، روزنامه‌نگاران و افراد استخدام شده برای کارهای تبلیغاتی مورد نیاز و البته مردان نفتی است.

تا کنون، این فهرست فاقد یک چهره نظریه‌پرداز بود؛ یعنی فردی که بتواند روایتی دلپسند از تغییرات در عربستان سعودی را تئوریزه کند؛ اما ظاهرا این مأموریت نیز به سر جان جنکینز سفیر سابق انگلیس در عربستان سعودی محول شده است.

جنکینز که از او به عنوان عرب‌شناس‌ترین فرد در دستگاه سیاست خارجی انگلیس نام برده می‌شود، این هفته در سخنرانی در اندیشکده نومحافظه‌کار «تبادل سیاست» (Policy Exchange)، به ابراز دلایل تاریخی، روشنفکرانه و اخلاقی ضرورت حمایت از اقدامات بن سلمان پرداخته است.

تاکنون ولیعهد سعودی کارهای خود را از طریق اعمال زور، سلول‌های زندان و شکنجه شاهزاده‌های بازداشت شده و به طور ویژه با استفاده از قدرت دسته چک خود پیش برده است ولی دیپلمات سابق انگلیسی، در حال فراهم کردن ابزار قدرتمندتری برای فرزند پادشاه عربستان است.

سخنرانی طولانی و پر از اصطلاحات دانشگاهی سفیر سابق انگلیس در عربستان سعودی بر این پایه استوار است که امید داشتن به یک حکومت مطلوب غرب در ایران شیعی و یا کشورهای اسلامی دارای حکومت مبتنی بر اسلام سیاسی امیدی واهی است، میان گروه‌های اسلامگرا و جهادی تفاوت چندانی وجود ندارد و نباید تصور کرد که برای مثال اخوان‌المسلمین با داعش تفاوت چشمگیری دارند و بنابراین حکومت مطلوب برای غرب و البته برای مردم منطقه، حکومتی پادشاهی به گونه‌ای است که محمد بن سلمان در حال پیاده کردن آن است.

جنکینز مدعی است، مردم منطقه هنوز به حدی نرسیده‌اند که دموکراسی برای آنها حکومت مطلوبی باشد، چون دموکراسی در این کشورها به حکومت‌های قبیله‌ای، مرتجع، طایفه‌گرا و بی‌ثبات منجر خواهد شد. حکومت‌های پادشاهی در سی سال گذشته موفقیت‌های مادی بیشتری به دست آورده‌اند و بنابراین حکومت مطلوب جوانان در کشورهای منطقه نیز حکومتی از همین دست است. به علاوه، شاهزادگان عربی در حوزه سیاست خارجی رفتاری دارند که مطلوب کشورهای غربی است و با آن چه از اسلامگرایان سر می‌زند، بسیار متفاوت هستند.

عربستانی‌ها چگونه هزینه‌های روشنفکر اجاره‌ای خود را می‌پردازند؟

سر جان جنکینز، پس از خروج از وزارت خارجه انگلیس، جایگاه مهمی را در موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) به دست آورده است که یک اندیشکده متخصص در مسائل خاورمیانه است.

این مؤسسه خود را سازمان بی‌طرف و مستقل از دولت و دیگر نهادها معرفی می‌کند ولی اسناد موجود رابطه نزدیک این مؤسسه با حکومت بحرین را نشان می‌دهد که بخشی از ائتلاف تشکیل شده توسط عربستان در منطقه است.

IISS یکی از چهار اندیشکده انگلیسی متخصص در حوزه روابط خارجی است که کار خود را از سال 1958 آغاز کرده است. به رغم ادعای اندیشکده در خصوص استقلال از دولت‌ها، تحقیقات یکی از خبرنگاران روزنامه گاردین نشان می‌دهد، در سال 2015، این اندیشکده از دولت بحرین مبلغی معادل 31.5 میلیون دلار دریافت کرده که برابر با یک چهارم درآمدهای اندیشکده است.

IISS قرار است ماه آینده، یکی از همایش‌های پولساز خود یعنی مجمع گفت وگوی امنیتی منامه را در هتل ریتز کارلتون منامه برگزار کند.

روایت خبرنگار لبنانی از مجروحیت سردار سلیمانی

ناگفته هایی از حضور مستمر سردارِ صادق، حاج قاسم سلیمانی در طول هفت سال جنگ سوریه و زخمی شدن ایشان در یکی از عملیاتَ ها از زبان خبرنگار میدانی شبکۀ العالم، حسین مرتضی.دو روز قبل و پس از اعلام پیروزی کامل ارتش سوریه و مقاومت (سپاه پاسداران، حزب الله، فاطمیون، زینبیون و حیدریون) بر داعش و پایان شجرۀ خبیثۀ "دولة الخرافة" توسط سردار سلیمانی به رهبر معظم انقلاب اسلامی، حسین مرتضی خبرنگار میدانی و مدیر دفتر شبکۀ العالم در سوریه در یک ارتباط زنده تلویزیونی از شهر البوکمال ضمن ارائۀ توضیحاتی در مورد جزئیات عملیات آزادسازی البوکمال، آخرین پایگاه داعش در سوریه، اقدام به بیان مطالبی در خصوص حضور مستمر سردار سلیمانی در اغلب عملیات های محور مقاومت در سوریه طی 7 سال گذشته و بخصوص، "أم المعارک" آزادسازی البوکمال نمود که برای نخستین بار در رسانه ها بیان می شود.وی در پاسخ به سوال مجری شبکۀ العالم در خصوص علت حضور مستقیم سردار سلیمانی در عملیات آزادسازی البوکمال اظهار داشت: "اجازه بدهید برای نخستین بار مطالبی را بیان کنم که شاید حتی موجب ناراحتی حاج قاسم شود؛ این اولین عملیاتی نیست که حاج قاسم شخصا در آن شرکت می کند و شما می دانید که من طی هفت سال گذشته در همۀ عملیات ها حضور داشته ام؛ همراه با حزب الله، ارتش سوریه و سایر اجزای محور مقاومت. و باید بگویم که این اولین باری نیست که حاج قاسم مستقیما در عملیات ها شرکت می کند و همچنین برای اولین بار باید بگویم (و امیدوارم که دوستان از بنده ناراحت نشوند) که در یکی از عملیات ها در یکی از مناطق که نامش را نمی توانم فاش کنم، حاج قاسم مجروح شد و البته درمان شد اما با توجه به اهمیت فوق العادۀ عملیات البوکمال و "أم المعارک" بودن این عملیات، ایشان حضور و اشراف پررنگ تری داشت زیرا این عملیات تبدیل به یک "تحدّی" شده بود".

مغز متفکر داعش چگونه تغذیه می‌شد؟

روایتی از نحوه جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات توسط داعش



در حال حاضر که سازمان تروریستی داعش در حال فروپاشی است، سرویس اطلاعاتی این گروه هنوز هم چالش بزرگی محسوب می‌شود.

به گزارش مشرق، در تاریکی یک خانه امن در موصل که در آن ده سرباز عراقی خوابیده بودند، نور آبی صفحه نمایش تلفن همراه دو افسر اطلاعاتی که مشغول ردیابی ماشین های بمب گذاری شده انتحاری، وسایل انفجاری دست ساز و پایگاه های داعش بودند، به چشم می خورد. این اطلاعات را غیرنظامیانی ارسال می کردند که در عمق قلمرو داعش قرار داشتند.

ورا میرونوا و همکارانش در یادداشتی که فارن افرز آن را منتشر کرد، نوشتند: در طرف دیگر جنگ، فرایندی مشابه و در جهت عکس آن در جریان است که عملیات آنها از هر جهت بسیار پیچیده تر می باشد. حتی در حال حاضر که سازمان تروریستی داعش در حال فروپاشی است، سرویس اطلاعاتی این گروه هنوز هم چالش بزرگی محسوب می شود.

جنگ اطلاعات

بسیاری از غیرنظامیانی که اطلاعاتی از داعش در اختیار مقامات عراق می گذاشتند، این کار را به خاطر مبارزه با وضعیت بغرنج کشور انجام می دادند. یک افسر اطلاعات ارتش عراق اظهار کرده بود: «بسیاری از مردم موصل خواستار همکاری با ما هستند، زیرا آنها به خاطر کشته شدن اعضای خانواده شان خواهان انتقام از داعش هستند». برخی دیگر اما این کار را صرفا به خاطر منافع مادی انجام می دادند.

ارسال اطلاعات از موصل چالش برانگیز بود، شبکه تلفن همراه بخوبی دسترس نمی داد و عوامل اطلاعاتی بایستی پیام خود را بصورت متن از جاهای مرتفع نظیر بام ساختمان ها یا تپه های اطراف پیامک می کردند. البته داعش نیز از این امر آگاه بود و اغلب افراد رفت و آمد کننده به این مناطق را بازرسی می کرد. اگر تلفنی با پیام های نوشتاری پیدا می کردند، صاحب تلفن اعدام می شد و اگر تلفن همراه فرد خالی از پیام بود، بیشتر مشکوک می شدند و طرف را شکنجه می کردند.

علیرغم این خطرات، عوامل اطلاعاتی به کار خود ادامه می دادند و در عملیات ها علیه داعش نقش حیاتی ایفا می کردند.

جمع آوری اطلاعات

همان طور که عوامل اطلاعاتی برای ارسال اطلاعات داعش به نیروهای عراقی، جان خود را به خطر می انداختند، ارسال اطلاعات از طرف مقابل یعنی از سوی طرفداران داعش در خارج از قلمرو این گروه به فرماندهی و کنترل داعش نیز در جریان بود. تکنیک های داعش در جمع آوری اطلاعات هوشمندانه تر و پیچیده تر بود، زیرا آنها از یک طرف از عراقی های باتجربه یعنی از سرویس اطلاعاتی رژیم صدام حسین استفاده می کردند و از طرف دیگر ستیزه جویان خارجی از کشورهای مختلف را برای این کار، استخدام می کردند.

داعش برای بدست گرفتن کنترل شهرهای بزرگ، به نهادهای مختلف دولتی نفوذ کرده و به آغاز جمع آوری اطلاعات می پرداخت. پس از اینکه داعش کنترل منطقه بزرگی را بدست می گرفت، به جمع آوری اطلاعات در مورد مناطق تحت کنترل

عراق می پرداخت. رانندگان بومی تاکسی ها بویژه برای این کار مفید بودند، مخصوصا زمانی که مسافرت بین مناطق تحت کنترل داعش و نیروهای عراقی امکانپذیر بود. بسیاری از این رانندگان بعدا دستگیر شدند.
همزمان، داعش از غیرنظامیان قلمرو خویش نیز جاسوسی می کرد. به عنوان مثال، این گروه به استخدام کودکان مبادرت می کرد تا در خیابان ها، بازارها و حتی در میان عبور و مرورهای عمومی، به مکالمات گوش دهند. جاسوسان بزرگسال در دیگر مکان های عمومی فراوان بودند. یک عضو اطلاعاتی داعش می گوید: «من به مساجد می رفتم و بعد از نماز درحالیکه تظاهر به خواندن قرآن می کردم، به گفتگوی مردم گوش می کردم. من همچنین در آرایشگاه ها به نوبت می ایستادم و به حرف مردم گوش می دادم».

جاسوسی و ضد - جاسوسی

در برخی موارد، داعش ظاهرا به نیروی دشمن نفوذ می کرد. همچنانکه بعضی از اعضای پیشمرگ های کرد به ارسال اطلاعات به داعش متهم شدند. در سوریه نیز، داعش به گروه های مسلح غیر- دولتی نفوذ کرده بود که همین اواخر، یک ستیزه جوی خارجی عضو هیئت تحریر الشام (النصره سابق) به عنوان عامل اطلاعاتی داعش شناسایی شد.
از سوی دیگر، داعش عملیات پیچیده ضد - جاسوسی به راه انداخته بود که براساس آن، به دستگیری جاسوسان می پرداخت. نیروی امنیت داخلی داعش (امنیه) مسئول اصلی این عملیات ریشه کنی خائنین بود که از باتجربه ترین و سرسپرده ترین اعضای این گروه تشکیل شده و فرایند گزینش سخت و دشواری داشت. به عنوان مثال، پیوستن ستیزه جویان از گروهی به گروه دیگر معمول بود، اما نیروهای امنیتی از میان افرادی انتخاب می شد که هرگز برای گروهی غیر از داعش جنگ نکرده بودند.
از آنجایی که داعش از نفوذ به سازمان خود بیمناک بود، این گروه برای کنترل اعضای خود پیوسته از عوامل اطلاعاتی مخفی استفاده می کرد. این نظارت برای ستیزه جویان خارجی حتی پیش از ورود آنها به سوریه آغاز می شد. یک ستیزه جوی خارجی سابق می گوید: «همه همیشه در معرض تهدید جاسوسی بودند» وی می افزاید که هر نوع بحثی حتی با دوست هم قبیله ای نیز غیر ممکن بود، زیرا جاسوسان امنیه مکالمات را ضبط می کردند.
هرکسی که به جاسوسی متهم می شد، داعش وی را به زندان امنیت داخلی می فرستاد و در آنجا وی را چنان شکنجه می کردند که نه می توانست راه برود و نه غذا بخورد. اکثر متهمان به جاسوسی اعدام می شدند و اعدام زندانیان بومی معمولا در ملا عام انجام می شد تا مایه عبرت دیگران باشد. ستیزه جویان خارجی غالبا قبل از اعدام، به اقرار جرم مجبور می شدند و فیلم اقرار آنها برای اهداف بین المللی پخش می شد.
یقینا این فعالیت ها در درون داعش نیز بحث برانگیز بود و برخی از ستیزه جویان به دلایل قبیله ای از همکاری با امنیه امتناع می کردند. نیروی امنیه گاهی به جذب محافظان شخصی مقامات ارشد این گروه می پرداخت، اما بسیاری از آنها حاضر به جاسوسی از فردی نمی شدند که قرار است از وی محافظت کنند. برخی از ستیزه جویان عادی در مخالفت خود اصرار داشتند و در چند مورد به عوامل اطلاعاتی داعش حمله کرده بودند. این مخالفت ها گاهی تشدید می شد و حتی برخی واحد های داعش به زندان های امنیه حمله می کردند. به عنوان مثال، در سال 2015، هنگامی که امنیه یک دختر 16 ساله قزاقستانی را بازداشت کرد، پدر وی که عضو واحد تهاجمی داعش بود، ده نفر از ستیزه جویان را دور خود جمع کرده و با سلاح سنگین به این زندان رفته و خواستار آزادی دخترش شد. نگهبانان زندان امنیه از ترس جان خود دختر وی را آزاد کردند اما بعدا همه کسانی که در این حمله شرکت کرده بودند، بازداشت شده یا ناپدید شدند.
اگرچه این نظارت پیچیده داخلی باعث دوام داعش شد، اما به بی اعتمادی در این سازمان و رهبران آن دامن زد که به جنگ داخلی و نابودی داعش منجر شد.

هنوز ادامه دارد

در عراق، جنگ مسلحانه پایان یافته است، اما جنگ اطلاعات هنوز ادامه دارد. از همه مهمتر، بسیاری از اعضای باتجربه و سرسپرده امنیه توانستند در زمان سقوط داعش فرار کنند. اعضای امنیه در مقایسه با ستیزه جویان داعش از آزادی تحرک نسبی برخوردار بودند. از این رو، هنگامی که عملیات عراق در موصل آغاز شد، بسیاری از این عوامل به سرزمین های آزاد شده نقل مکان کرده و از آنجا آخرین اطلاعات در مورد تحرکات نیروهای عراقی را در اختیار داعش می گذاشتند. حتی الان نیز حضور آنها برای غیرنظامیان محلی پوشیده نیست. در ابتدا مردان مناطق آزاد شده از اصلاح ریش های خود خودداری کرده و بیم آن داشتند که امنیه مخفی داعش کسانی را که سیاست های داعش در پوشش و ظاهر را زیرپا بگذارد، تحت نظر دارند. به گفته یک عضو ارشد امنیه که فعلا مخفی شده است. حدود 1500 عضو داعش در موصل مستقر بوده و آماده اند تا دست به سلاح ببرند.
با این حال، معلوم نیست که داعش بتواند بار دیگر بر نهادهای اجرای قانون نفوذ کند. نیروی بسیج قبایل (TMF) عراق، که غالبا متشکل از گروه های سنی است، جایگزین نیروهای غیر بومی شیعه (PMU) شده و مسئولیت امنیت بسیاری از مناطق را برعهده گرفته است. اگرچه افسران نیروی بسیج قبایل بیشتر از نیروهای غیر بومی شیعه قابل اعتماد هستند، اما برخی از غیر نظامیان (و دیگر گروه های مسلح) از نفوذ داعش به نیروی بسیج قبایل بیمناک هستند و نگرانی آنها احتمالا درست است. نیروی بسیج قبایل سال گذشته یک عنصر داعش را در مرحله آموزشی شناسایی و دستگیر کرد. به گفته فیصل جبار، فرمانده یکی از گروه های نیروی بسیج قبایل در غرب موصل، «این خطرها کاملا واقعی است اما ما نهایت تلاش خود را انجام می دهیم تا این خطرها کاهش یابد. به عنوان مثال، برای پیوستن به گروه ما، شخص باید تحت سیطره داعش در

موصل قرار نگرفته باشد، توصیه نامه اجتماعی داشته باشد، و نام وی هم در نهادهای امنیتی کردستان و بغداد بررسی می شود». با این وجود، همه گروه ها این قدر دقیق نیستند، بخصوص در گروه هایی که پیدا کردن داوطلب باصلاحیت، دشوار است.

نابودی عوامل اطلاعاتی داعش مستلزم آن است که نیروهای عراقی اعتماد مردم محل را جلب کرده و همکاری اطلاعاتی بین گروه های مختلف مسلح و کشورها را افزایش دهند. اگر گروه مسلح مستقر در یک شهر، به لحاظ اطلاعاتی همکاری کند، دستگیری عوامل اطلاعاتی داعش دشوار نخواهد بود و این تنها مشکل عراق نیست. خارجی های عضو امنیه (و بویژه رهبران آن) به احتمال زیاد جزء فراریان از عراق و سوریه به جاهای دیگر، از جمله اروپا، هستند. بعضی ها هنوز برای امنیه کار می کنند و در نتیجه، می توانند فعالیت داعش را در مکان های جدید از سر گیرند.

پول دو سه تا موشک را بدهند خرج شلیک فرهنگی کنیم

جمال شورجه، کارگردان سینما در بخشی از گفت‌وگو خبرانلاین گفت: «به‌حق موشک‌هایی می‌سازیم و آزمایش می‌کنیم تا چشم هرکسی که نمی‌تواند ببیند کور شود. باید هم موشک درست کنیم و این‌ها ضمانت امنیت کشور ما است. دلیل سوختن دشمن همین است که نمی تواند موشک‌های ما را ناکارآمد کند. ما این ها را می‌سازیم، نمایش هم می‌دهیم و آزمایشی شلیک هم می‌کنیم و به رخ آمریکا و اروپا، اسرائیل می‌کشیم، به‌موقع هم استفاده می‌کنیم و بخش عمده آن‌ها را ناچار هستیم در زیرزمین‌ها دپو می‌کنیم.» شورجه ادامه داد: «اگر کشور خرج 2 تا 3 تا از این موشک‌ها را به حوزه فرهنگی و دفاع مقدس اختصاص دهد؛ می‌توانیم آثار فرهنگی را شلیک کنیم و به پرواز درآوریم و توجه دنیا را به این فیلم‌ها جلب کنیم. البته فیلمهایی که در این حوزه باشد.» در ادامه نبوی با طرح سؤالی عنوان کرد اگر شورجه سخت‌گیرانه بخواهد چند فیلم‌نامه خوب را در این زمینه انتخاب کند چند تا است؟/خبرآنلاین

۱۲ راهبرد ضد ایرانی صهیونیست‌ها در جمهوری آذربایجان/ سفرهای شبانه مقامات اسرائیل چگونه رسمی شد؟/ چرا شیعیان آذربایجان به سیاست‌های ضد شیعی اعتراض نمی‌کنند؟



رژیم صهیونیستی برای نفوذ به بخش درمان و پزشکی جمهوری آذربایجان، به واسطه یکی از بنیادهای علمی اش به نام «هورِو» نشان تقدیر به «مهربان علی اف»، همسر رییس جمهوری آذربایجان کرد.

سرویس جهان مشرق - بحث اهمیت روابط ایران و جمهوری آذربایجان اقتضاء می کرد که نگاهی واقعی به روابط باکو با رژیم صهیونیستی داشته باشیم. طی سال های گذشته مدام این شُبهه القاء شده است که گویا راهبردهای اشتباه ایران در سیاست قفقازی از ابعاد سیاسی، رسانه ای، فرهنگی، نظامی و مذهبی، باعث نزدیکی دولت جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی شده است. حتی در مواردی مرجعیت نیز مقصر دانسته شده و اتهامات بی اساس از سوی برخی از محافل ساده نگر، به مراجع معظمی که درقبال ظلم دولت باکو به شیعیان در جمهوری آذربایجان سکوت نکرده اند، وارد شده است .

برای ارزیابی واقعیت های مناسبات خزنده جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس، «مشرق» با دکتر «احمد کاظمی» کارشناس ارشد قفقاز ، دکترای حقوق بین‌الملل و نویسنده کتاب امنیت در قفقاز جنوبی ؛ و «برهان حشمتی» کارشناس مسایل جمهوری آذربایجان به مصاحبه پرداخته است .

- چرا باید نگاهی واقعی به روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی داشته باشیم؟

حشمتی : برای پاسخ به این سوالات اولین گام جمع آوری مصادیق روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی بود. متاسفانه باید گفت که این مصادیق آنقدر زیاد است که به جزء حوزه های سیاسی و دیپلماتیک، تمام سطوح فرهنگی (هنری، موسیقی ، ورزشی)، آموزشی(مدارس ، دانشگاهی، توسعه مراکز باصطلاح آموزشی یهودی)، دینی (توسعه فرقه های ضاله نظیر بهائیت)، سایبری، ارتباطات و IT ، رسانه ای، امنیتی - جاسوسی ، اجتماعی (توسعه ان جی اوها)، باستانشناسی (جعل برای تحریف تاریخ) ، معماری (توسعه نمادهای صهیونی و ماسونی در باکو)، مهاجرت (اعزام نیروی کار)، بهداشتی و درمانی ، تسهیل روادید ، گردشگری، همکاری در موضوع مناقشه قره باغ و...) را دربر گرفته است.

فعالیت و نفوذ رژیم صهیونیستی در تمام این حوزه ها به نوعی به سخنان «الهام علی اف» عینیت می بخشید که در یکی از دیدارهایش با مقامات رژیم صهیونیستی درباره روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی گفته بود که این روابط همچون کوه یخی است که یک دهم آن از آب بیرون زده و ۹ دهم دیگر که دیده نمی شود، زیر آب است.

روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی طی دو سال اخیر و به خصوص طی یک سال گذشته شاهد جهش های بزرگی بوده است، تا حدی که «بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، در سیزدهم دسامبر سال گذشته میلادی تصمیم می گیرد پس از گذشت حدود ۲۰ سال از سفر شبانه و محرمانه و کوتاه خود به «باکو» در سال ۱۹۹۷ ، این بار سفری علنی و توأم با مانورهای سیاسی و تبلیغاتی به پایتخت جمهوری آذربایجان داشته باشد.
در این سفر شاهد امضای توافقنامه تشکیل کمیسیون مشترک دو جانبه باکو و تل آویو بودیم که در عرف دیپلماتیک امضای چنین توافقنامه ای بیانگر اوج گیری همکاری بین دو طرف است. پس از آن دیدیم که نخست وزیر رژیم صهیونیستی طی بازدید از مدرسه یهودیان جمهوری آذربایجان در باکو، بر گسترش روابط آموزشی و علمی – تحقیقاتی بین دو طرف تاکید کرد و الهام علی اف نیز پیرو این سخنان نتانیاهو، «وزیر آموزش» جمهوری آذربایجان را به ریاست کمیسیون مشترک جمهوری آذربایجان - رژیم صهیونیستی منصوب کرد و با این انتصاب نشان داد که کاملا منطبق بر خواسته نتانیاهو مبنی بر اهمیت دادن به همکاری در زمینه آموزش، عمل می کند.
روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی طی دو سال اخیر و به خصوص طی یک سال گذشته شاهد جهش های بزرگی بوده است، تا حدی که «بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، در سیزدهم دسامبر سال گذشته میلادی تصمیم می گیرد پس از گذشت حدود ۲۰ سال از سفر شبانه و محرمانه و کوتاه خود به «باکو» در سال ۱۹۹۷ ، این بار سفری علنی و توأم با مانورهای سیاسی و تبلیغاتی به پایتخت جمهوری آذربایجان داشته باشد.
اکنون نیز قرار است، اولین اجلاس این کمیسیون مشترک در ماه های آینده برگزار شود، اما بحث بر این است که نخستین نشست این کمیسیون در باکو یا تل آویو برگزار شود؟ همچنین کم کم درحال مطرح کردن گشایش سفارتخانه جمهوری آذربایجان نزد رژیم صهیونیستی هستند و در این خصوص زمزمه هایی به گوش می رسد. اگرچه بدون سفارت هم روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی بسیار گسترده است، به حدی که حجم مبادلات تجاری بین دو طرف به سالیانه دستکم ۴ میلیارد دلار و حجم خریدهای تسلیحاتی جمهوری آذربایجان از رژیم صهیونیستی، به بیش از ۵ میلیارد دلار رسیده و نفوذ رژیم صهیونیستی در ساختار امنیتی و اطلاعاتی جمهوری آذربایجان کاملا مشهود است .

- رژیم صهیونیستی چرا در رابطه با جمهوری آذربایجان تلاش می کند، این روابط در تمام سطوح و حوزه ها گسترش یابد و در این خصوص به چه حوزه های می توان اشاره کرد؟

حشمتی : بالطبع مهمترین هدف رژیم صهیونیستی از ورود به هر حوزه و عرصه ای در جمهوری آذربایجان ممانعت از حضور ایران در این کشور است. به عنوان مثال در مقوله پزشکی و درمان مناسبات گسترده ایران و جمهوری آذربایجان بر هیچ کس پوشیده نیست. اینکه مراکز درمانی و پزشکی کشور ما به خصوص در تهران و تبریز و اردبیل پذیرای تعداد زیادی شهروند جمهوری آذربایجان بودند که برای درمان خود به کشور ما سفر می کردند، موجب ناراحتی شدید رژیم صهیونیستی و عوامل محلی این رژیم در داخل جمهوری آذربایجان بود که به صراحت در رسانه های باکو این ناراحتی خود را ابراز هم می کردند و برای ناکارآمد قلمداد کردن نظام درمانی ایران تبلیغات می کردند. اما، به علت اینکه بیماران و اطرافیان آنها وقتی از جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران مراجعه می کردند و تاثیر مثبت آن را در بهبود بیماری خود می دیدند، تبلیغات رسانه ای عناصر ضدایران و وابستگان صهیونیسم تاثیری نداشت و تا حدود دو سال پیش، مراجعه بیماران از جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران در حال افزایش بود. اما، از حدود دو سال پیش که رژیم صهیونیستی بطور مستقیم برای متوقف کردن یا اخلال در این روند ، وارد عمل شد، آمار مراجعه کنندگان از جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران بطور محسوسی کاهش یافته است.
رژیم صهیونیستی برای نفوذ به بخش درمان و پزشکی جمهوری آذربایجان، به واسطه یکی از بنیادهای علمی اش به نام «هورِو» اقدام به اعطای نشان تقدیر به «مهربان علی ایف»، همسر رییس جمهوری آذربایجان از طریق مرکز سرطان شناسی باکو کرد، به این بهانه که «مهربان علی اوا» خدمات بزرگی به پزشکی جمهوری آذربایجان و مردم این کشور ارائه کرده است. در این راستا موسسه «هورو» رژیم صهیونیستی توافقنامه همکاری با مرکز سرطان شناسی باکو کرد و درپی آنها طی دو سال اخیر ، مناسبات باکو – تل آویو در حوزه پزشکی در حوزه های مختلف بسط داده شد و بطور اعلام نشده ای، رژیم صهیونیستی طرح ویژه ای را برای جلوگیری از مراجعه بیماران جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران اجرا کرد. درچارچوب این طرح، هیات هایی از پزشکان چند مرکز پزشکی رژیم صهیونیستی از جمله « مرکز سلامت زنان اسراییل» ، «مرکز طبی هورو» و «انیستیتوی جراحی سینه» شهر حیفا طی ماه های آگوست و سپتامبر ۲۰۱۶به شهرهای باکو، گنجه، مینگه چوی و شکی اعزام شدند و ظاهرا زنان بیمار را در این مناطق تحت «معاینات رایگان» برده اند. با آنکه مقامات رسمی باکو و رژیم صهیونیستی انجام این معاینات توسط پزشکان رژیم صهیونیستی را رایگان قلمداد می کردند، اما این طرح با مشارکت «بنیاد حیدر علی اف» که از بنیادهای بسیار متمول دولت جمهوری آذربایجان است، به اجرا درآمده است و هزینه های این معاینات از حساب «بنیاد حیدرعلی اف » به مراکز پزشکی رژیم صهیونیستی پرداخت شد.



علاوه بر «بنیاد حیدرعلی اف» ، سازمانی ظاهرا غیردولتی بنام «اتحادیه اجتماعی توسعه مناطق» (RIIB) نیز در اجرای طرح موذیانه مراکز پزشکی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان مشارکت دارد و در چارچوب این طرح، مراکز پزشکی اسراییل، فعالیت های تحقیقاتی خود را تحت پوشش معاینات و آزمایش های رایگان زنان اجرا می کنند. عابد شریف اف، معاون نخست وزیر جمهوری آذربایجان که در اجرای طرح های پزشکی رژیم اسراییل در جمهوری آذربایجان از نزدیک مشارکت کرد و حتی خود نیز به علت بیماری قلبی به فلسطین اشغالی منتقل شد و رسانه های باکو درباره بستری شدن و معالجه وی در اسراییل تبلیغات زیادی به راه انداختند، در یکی از نشست هایی که با هیات پزشکی اسراییلی اعزام شده به باکو داشت، با ارایه گزارشی درباره طرح های پزشکی رژیم تل آویو در جمهوری آذربایجان مدعی شد : « درخواست های زیادی از طرف مناطق مختلف جمهوری آذربایجان برای کمک به معالجه بیماری های زنان مطرح شده و این طرح نیز برای پاسخگویی به آن درخواست اجرا شده است و هدف اصلی نیز تکمیل این طرح با حمایت بنیاد حیدرعلی اف است.» رومان باراک، پزشک ارشد مرکز درمانی «هورو» اسراییل بخاطر شرایط ایجاد شده برای آنها در جمهوری آذربایجان، از رییس جمهوری آذربایجان تشکر و تاکید کرد اجرای این قبیل طرح ها استمرار خواهد یافت.

رژیم صهیونیستی برای نفوذ به بخش درمان و پزشکی جمهوری آذربایجان، به واسطه یکی از بنیادهای علمی اش به نام «هورِو» اقدام به اعطای نشان تقدیر به «مهربان علی ایف»، همسر رییس جمهوری آذربایجان از طریق مرکز سرطان شناسی باکو کرد، به این بهانه که «مهربان علی اوا» خدمات بزرگی به پزشکی جمهوری آذربایجان و مردم این کشور ارائه کرده است.

- آیا رژیم صهیونیستی واقعا دنبال توسعه پزشکی در جمهوری آذربایجان و بهبود بیماران در این کشور است ؟

حشمتی : رژیم صهیونیستی اگر واقعا به فکر معالجه بیماران در جمهوری آذربایجان بود، چرا از همان ابتدای استقلال این جمهوری که مردم و بیماران و جنگ زدگان و مجروحان جنگ قره باغ در این کشور در شرایط دشواری قرار داشتند، وارد عمل نشد؟ در آن برهه که اقدامات پزشکی در جمهوری آذربایجان، فقط مساوی با هزینه و مشقت بود، هلال احمر ایران و کمیته امداد امام خمینی (ره) از هیچ کمک پزشکی به مردم جمهوری آذربایجان دریغ نکردند. اما، رژیم صهیونیستی صرفا در سطوح بالا ، به فکر طراحی های آینده خود بود. این رژیم توافق نامه همکاری پزشکی با جمهوری آذربایجان امضاء کرده بود که این توافق نامه جدی تلقی نمی شد و پس از گذشت چند سال و صرفا پس از آنکه حیدرعلی اف، رییس جمهوری آذربایجان در یک مراسم نظامی دچار حمله قلبی شد و احتمالا در بهره برداری های ترکیه و روسیه و آمریکا از این بیماری علی اف، رژیم صهیونیستی نیز از آن بهره برداری کرد، حیدرعلی اف در زمانی که در بستر بیماری بود ، این توافق نامه را پس از چندسال تایید کرد که خبرهایش در خبرگزاری رسمی آذرتاج موجود است. یعنی اینکه، رژیم صهیونیستی در دو دهه گذشته یعنی تا قبل از افزایش چشمگیر مراجعه مردم جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران، توجه جدی به این

حوزه نداشت. اما، پس از آنکه این افزایش را مشاهده کرد، وارد عمل شد و از طریق عوامل خود در داخل دولت باکو توانست در مراودات پزشکی جمهوری آذربایجان با ایران اخلال ایجاد کند.
در ادامه اجرای طرح های پزشکی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، این رژیم اقدام به تاسیس یک مرکز بزرگ درمانی در باکو کرد تا درپی آن دولت جمهوری آذربایجان نیز اقدام به تعطیل کردن و بستن یکی از مراکز پزشکی ایران در باکو یعنی کلینیک و مرکز امداد «امام علی (ع) » وابسته کمیته امداد «امام خمینی» (ره) بکند.
پس از آن دولت جمهوری آذربایجان تمام فعالیت های کمیته امداد «امام خمینی» (ره) را ابتدا در باکو و مناطق مختلف جمهوری آذربایجان ممنوع کرد و هم اکنون کمیته امداد امام خمینی (ره) هیچ نوع فعالیتی در این کشور ندارد. کلینیک هلال احمر جمهوری اسلامی ایران هم اگرچه در باکو همچنان باز است، اما همواره با مانع تراشی از سوی حکومت جمهوری آذربایجان جهت ادامه فعالیت اش مواجه است.

- غیر از حوزه درمان، رژیم صهیونیستی وارد چه حوزه هایی جهت رقابت با ایران در جمهوری آذربایجان شده است؟

حشمتی : در حوزه کشاورزی هم شاهد گسترش روابط دو جانبه بین جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی بودیم. در حالی که از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون ایران، مهمترین تامین کنندگان نیازهای جمهوری آذربایجان به محصولات زراعی بود، چند سالی است که رژیم صهیونیستی در زمینه فروش این محصولات به جمهوری آذربایجان وارد عمل شده و با مساعدت های باکو، از سایرین پیشی هم گرفته است. رژیم صهیونیستی در صدور ساده ترین محصولات مثل سیب زمینی و پیاز و بادمجان و میوه های مختلف گرفته تا سایر مواد غذایی به جمهوری آذربایجان اقدام کرده است. رژیم صهیونیستی در قالب همکاری در زمینه های کشاورزی، صنعت تولید شراب را در جمهوری آذربایجان که با فروپاشی شوروی از بین رفته بود، مجددا و بخصوص در دوره ریاست جمهوری الهام علی اف احیاء کرد و هم اکنون نیز رسانه های باکو در تبلیغات خود در زمینه افزایش تولید و صادرات شراب که با افتخار از آن یاد می کنند، رژیم اسراییل را یکی از خریداران عمده شراب تولیدی جمهوری آذربایجان اعلام می کنند.
در حوزه سرمایه گذاری نیز شاهد سرمایه گذاری این رژیم در حوزه کشاورزی به ویژه در جنوب جمهوری آذربایجان هستیم که دارای مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی است، به عنوان مثال تحت عنوان کمک به کشاورزان و تامین سرمایه و ارایه آموزش های لازم و مدرن سازی کشاورزی و احیای مزارع انگور و سایر طرح ها، رژیم صهیونیستی در حوزه کشاورزی در جمهوری آذربایجان وارد عمل شده است. در دوره هایی که سازمان «ماشاو» برای صاحبان حرف و مشاغل مختلف از دیپلمات ها گرفته تا کشاورزان و تجار و معلمان جمهوری آذربایجان دایر کرده، شمار قابل توجهی از کشاورزان فعال در جنوب جمهوری آذربایجان نیز به فلسطین اشغالی برده شده و تحت آموزش های رژیم صهیونیستی قرار گرفته اند.
بعدها مشخص شد که بسیاری از اراضی مناطقی مانند جلیل آباد، لنکران و آستارا از ساکنان بومی و محلی خریداری شده و به افرادی سپرده شده که دارای روابطی با رژیم صهیونیستی بودند یا اینکه برای این رژیم جاسوسی می کردند.همچنین بسیاری از پست ها در شهرداری ها و بلدیه های شهرها و شهرستان های جنوب جمهوری آذربایجان به افراد دولتی و حکومتی سپرده شد که به نوعی وابستگی هایی به رژیم صهیونیستی دارند و اکثرا افرادی ضددین هستند. همچنین گزارش هایی وجود دارد که در اراضی جنوب جمهوری آذربایجان و در اراضی که ظاهرا دارای کاربری کشاورزی است، ایستگاه های شنود و جاسوسی از ایران دایر شده است.

- طرح های سازمان صهیونیستی ماشاو چه اهدافی را در جمهوری آذربایجان دنبال می کند و عمدتا در چه نقاطی از این کشور پیاده شده و چرا این مناطق برای اجرای این طرح انتخاب شده اند؟

حشمتی : طرح های سازمان «ماشاو» تنها عوام یا کارمندان رده پایین دولتی جمهوری آذربایجان را در برنمی گرفت، بلکه تا سطح مقامات عالی دولتی و نمایندگان پارلمان نیز نفوذ کرده، افراد مشهوری مانند «صمد سیدوف» ، «غنیره پاشایوا» ، «الخان پولوخوف»، سخنگوی پیشن وزارت خارجه جمهوری آذربایجان و بسیاری دیگر از مسئولان حکومتی هستند که در دوره ها و طرح های سازمان ماشاو شرکت کرده و آشکارا از هوادارای خود از این رژیم سخن می گویند .
پیمانکاری ساختمانی و ساخت و ساز یکی دیگر از حوزه های فعالیت رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان است. به عنوان مثال شاهد دادن وام های کلان در حوزه های مختلف از جمله راه سازی به دولت جمهوری آذربایجان هستیم که البته شرط هایی را هم برای این وام در نظر گرفته اند، مانند ضمانت بازپرداخت و در این خصوص شرکت های بیمه ای را به عنوان ضامن معرفی کرده اند که مورد اعتماد و وابسته به این رژیم باشد. بالطبع وقتی این شرکت ها ضمانت بازپرداخت بدهی باکو به بانک های متعلق به صهیونیست ها را برعهده می گیرند، نقش تعیین کننده ای در انتخاب شرکت های پیمانکار خواهند داشت. آشکار است، اهداف چنین سرمایه گذاری هایی نمی تواند، صرفا مالی و اقتصادی باشد، این موضوعی است که هر از گاهی اخبار آن به رسانه های جمهوری آذربایجان درز پیدا می کند و افشا گری هایی در این زمینه صورت می گیرد. به عنوان مثال چندی پیش رسانه های جمهوری آذربایجان خبری منتشر کردند که افشاء می کرد، در مزارع و مناطق کشاورزی جنوب جمهوری آذربایجان که به مرزهای ایران نزدیک است، دوربین های مخفی و دستگاه های شنود کار گذاشته شده است.
بنابراین موضوع مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی موضوع بسیار مهمی است، چون با امنیت ملی ایران ارتباط پیدا می کند، اما متاسفانه در برآوردهای کشورمان کمتر مورد توجه واقع شده است.

- چه مصادیقی در مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی وجود دارد که تهران را ملزم می کند، نسبت به این

روابط حساسیت بیشتری داشته باشد؟

دکتر کاظمی : مصادیق متعددی در این خصوص می توان مطرح کرد که به تعدادی از آنها اشاره می شود :

* جمهوری آذربایجان اولین کشوری بود که در دسامبر سال ۲۰۱۴ پهپادی از آن به سمت نطنز حرکت کرد. وقتی این پهپاد مسیریابی و مشخص شد، از جمهوری آذربایجان وارد آسمان ایران شده و مورد اصابت قرار گرفت، سفیر وقت ایران در باکو در این خصوص موضع گیری کرد. وی با رد خبرهای منتشر شده درباره نقش جمهوری آذربایجان در ورود پهپاد اسرائیلی به ایران گفت: مقامات آذری این ادعا را رد کرده اند و مقامات ایرانی نیز اسمی از جمهوری آذربایجان نیاورده اند و فقط یک پایگاه صهیونیستی این ادعا را مطرح کرده است.

در حالی که بعد از آن، وزیر وقت دفاع ایران در دو مرحله به تفصیل و کاملا مستند درباره اعزام شدن پهپاد جاسوسی رژیم صهیونیستی از نخجوان جمهوری آذربایجان به تاسیسات هسته ای نطنز ایران سخن گفت. سردار دهقان ، وزیر دفاع وقت ایران در گفتگویی با خبرگزاری اسپوتنیک در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۶ تصریح کرد: « دو سال پیش یکی از هواپیماهای بدون سرنشین رژیم صهیونیستی از کشور آذربایجان وارد ایران شد و ما در آن موقع به رئیس جمهور آذربایجان تذکر دادیم که اسرائیلی ها در بدنه اطلاعاتی آنها نفوذ پیدا کرده اند.»

* آنچنانچه در رسانه ها منتشر شده است جمهوری آذربایجان تنها کشوری است که بطور رسمی از تهران در بهمن ۱۳۹۰ یادداشت اعتراض دریافت کرده و در این یادداشت که خبر آن رسانه ای شد، درباره فردی به نام **«حسین جاویدان»** به باکو هشدار داده شد. چون اطلاعاتی به دست آمده بود که نشان می داد، این فرد در طراحی ترور دانشمندان هسته ای ایران دست داشته و پس از شناسایی به جمهوری آذربایجان پناهنده می شود و باکو به وی پناهندگی سیاسی می دهد که نشان دهنده هماهنگی های موجود بین جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی در این زمینه است.علاوه بر این، **«جمالی فشی»**، عامل ترور شهید دکتر علی محمدی که وزارت اطلاعات ایران توانست او را دستگیر کند، طی بازجویی ها اعتراف می کند که برای دریافت برخی آموزش ها به باکو سفر می کند و از آنجا به سرزمین های اشغالی سفر کرده، بدون اینکه پاسپورتش مهر ورود و خروج جمهوری آذربایجان بخورد.

* چندی پیش رئیس کنست یا همان پارلمان رژیم صهیونیستی اعلام می کند که بسیاری از مقامات جمهوری آذربایجان در بانک های این رژیم سپرده گذاری کرده اند.این موضوع بسیار مهمی است که سرمایه داران و مسئولان دولتی و حکومتی جمهوری آذربایجان ترجیح می دهند پول ها و سرمایه های نقدی خود را حتی بجای بانک های آمریکا و اروپا در بانک های رژیم صهیونیستی سرمایه گذاری کنند و این بیانگر عمق روابط بین دو طرف و موضوعات بسیاری است که پشت پرده این روابط وجود دارد.

جمهوری آذربایجان اولین کشوری بود که در دسامبر سال ۲۰۱۴ پهپادی از آن به سمت نطنز حرکت کرد. وقتی این پهپاد مسیریابی و مشخص شد، از جمهوری آذربایجان وارد آسمان ایران شده و مورد اصابت قرار گرفت، سفیر وقت ایران در باکو در این خصوص موضع گیری کرد. وی با رد خبرهای منتشر شده درباره نقش جمهوری آذربایجان در ورود پهپاد اسرائیلی به ایران گفت: مقامات آذری این ادعا را رد کرده اند و مقامات ایرانی نیز اسمی از جمهوری آذربایجان نیاورده اند و فقط یک پایگاه صهیونیستی این ادعا را مطرح کرده است. در حالی که بعد از آن، وزیر وقت دفاع ایران در دو مرحله به تفصیل و کاملا مستند درباره اعزام شدن پهپاد جاسوسی رژیم صهیونیستی از نخجوان جمهوری آذربایجان به تاسیسات هسته ای نطنز ایران سخن گفت.

- چرا نمی‌توان روابط رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان را به روابط این رژیم با دیگر کشورها مانند ترکیه تشبیه کرد؟

دکتر کاظمی : دلایل و مستندات بسیاری وجود دارد که ثابت می کند، این روابط برای رژیم صهیونیستی روابط عادی و معمول تلقی نمی گردد. جمهوری آذربایجان دارای جمعیتی با اکثریت شیعه و پیوندهای دینی ، تاریخی ، فرهنگی و نژادی با ایران است که از این جهت برای رژیم تل آویو اهمیت ویژه ای دارد. دلایل و عوامل بسیار دیگری نیز وجود دارد که از حوصله این بحث خارج است.

"الیه پوده" یکی از اساتید دانشگاه عبری قدس اشغالی تشبیه جالبی را برای مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی به کار می برد، آن را به «سندرم معشوقه» تشبیه می کند، هرچه روابط نزدیک و گسترده باشد، باز دنبال گسترش این روابط هستند. بنابراین لازم به نظر می رسد که نگاه رسانه ها و دولت در کشور ما به روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی تغییر کند و عمیق تر شود و در نگاه گذشته بازنگری جدی صورت گیرد. چرا که در ارزیابی عمیق موضوع، این دیدگاه تقویت می شود که باکو و تل آویو در تلاش هستند، جمهوری آذربایجان را به پایگاه منطقه ای صهیونیسم تبدیل کنند.

- رژیم صهیونیستی چه راهبردهایی را برای تحقق اغراض موردنظرش با محوریت تبدیل جمهوری آذربایجان به پایگاه منطقه ای صهیونیسم ، تاکنون پیگیری یا اجرایی کرده است؟

دکتر کاظمی : رژیم صهیونیستی برای رسیدن به این هدف ۱۲ راهبرد را در نظر گرفته است. اگر هریک از این راهبردها مورد بررسی قرار گیرند، آشکار می شود که صهیونیست ها از سال ها پیش برای برقراری چنین روابطی با جمهوری آذربایجان ،برنامه ریزی کرده اند. هریک از این راهبردها نشان می دهد، برنامه ریزی بسیار دقیق و سیستماتیکی در رژیم صهیونیستی صورت گرفته تا این رژیم بتواند، هدف خود را در تبدیل جمهوری آذربایجان به پایگاه منطقه ای برای

صهیونیست ها محقق کنند.

راهبردهای ۱۲ گانه رژیم صهیونیستی و نحوه بهره برداری از آنها توسط رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان به شرح زیر می باشند:

راهبرد اول: راهبرد شیعه ستیزی

دکتر کاظمی : اولین راهبرد را باید در شیعه ستیزی ملاحظه کرد. جمهوری آذربایجان تنها کشوری در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است که شیعیان اکثریت جمعیت آن را تشکیل می دهند. طی ۱۰ سال گذشته به ویژه از سال ۲۰۱۶ به این سو اگر خبرهای منتشر شده در رسانه های جمهوری آذربایجان را رصد کنیم، به وضوح می توان به موضع گیری ضد اسلامی دولت باکو به ویژه در مقوله حجاب و مقابله با مکتب عاشورا و عزدارای برای امام حسین (ع) و سایر مظاهر سبک زندگی اسلامی – شیعی پی برد.

در واقع طی این سال ها دولت باکو سیاست های ضد شیعی گسترده ای را اتخاذ کرده و تلاش نموده، به انحا و اشکال مختلف نمادهای شیعی را در این کشور از بین ببرد، از جمله اینکه فشارها بر فعالان شیعی را به شکل چشمگیری افزایش داده و بسیاری از آنها را بازداشت و حبس کرده است. هم اکنون بیش از یکصد فعال شیعی و تعداد زیادی از روحانیون جمهوری آذربایجان، در زندان های این کشور به سر می برند.

این فشارها تنها به بازداشت و حبس محدود نشده، بلکه مصادیق بسیاری را در بر می گیرد، به عنوان مثال «**ناردارن**» که یکی از مراکز فرهنگی، ادبی، هنری شیعیان در این کشور است و پذیرای مرقد مطهر «**رحیمه خاتون**»، از خواهران امام «رضا» (ع) است، در آذر ماه سال ۱۳۹۴ مورد حمله گسترده ۱۰ هزار نیروی امنیتی جمهوری آذربایجان قرار می گیرد و به نوعی تبدیل به دژی نظامی می شود.

** در همین رابطه بخوانید: **اینجا شیعیان بخاطر عزاداری عاشورا جریمه و زندانی می‌شوند +عکس و فیلم**

طی این سال ها دولت باکو سیاست های ضد شیعی گسترده ای را اتخاذ کرده و تلاش نموده، به انحا و اشکال مختلف نمادهای شیعی را در این کشور از بین ببرد، از جمله اینکه فشارها بر فعالان شیعی را به شکل چشمگیری افزایش داده و بسیاری از آنها را بازداشت و حبس کرده است. هم اکنون بیش از یکصد فعال شیعی و تعداد زیادی از روحانیون جمهوری آذربایجان، در زندان های این کشور به سر می برند.

در ادامه تمام مراکز دینی و مذهبی مثل حوزه های علمیه به بهانه های مختلفی مانند طرح های بازسازی و نوسازی و تعریض معابر تخریب می شود. کاربردهای دینی و مذهبی مساجد مورد بازنگری قرار گرفته، تغییرات اساسی در آنها صورت می گیرد، درب های برخی مساجد بسته و برخی هم به بهانه های مختلف تخریب می شوند. سیاستگذاری های مرتبط با این راهبرد در اتاق های فکر رژیم صهیونیستی انجام می شود. روند سیستماتیک بازداشت اسلامگرایان در اتاق های فکر صهیونیستی مشخص می شوند، حتی اخباری به رسانه های جمهوری آذربایجان درز یافته بود که عنوان می کرد، برخی از فعالان اسلامگرای رسانه ای این کشور مانند «نجات علی اف»، روزنامه نگار دیندار، پس از بازداشت، مستقیما توسط ماموران «موساد» و در سفارت رژیم صهیونیستی در باکو بازجویی شدند.

درباره روابط اسراییل و آذربایجان بیشتر بخوانید: **تاسیس دفاتر ضدایرانی در جمهوری آذربایجان؛ «الهام علی اف» برای حفظ قدرت دست به دامن رژیم صهیونیستی شده است

صهیونیست ها می دانند با حاکمیت فضای شیعی بر جمهوری آذربایجان غیر ممکن است بتوانند به اهداف مورد نظرشان در این کشور دست یابند. بنابراین صهیونیست ها و عوامل آنها بر این باورند که باید هویت شیعی جمهوری آذربایجان را از بین ببرند و تبدیل به هویتی دیگر بکنند. به همین دلیل است که مشاهده می کنیم، صدور مجوز برای چاپ و نشر کتاب های شیعی به سختی صورت می گیرد و محدودیت های بسیاری در زمینه چاپ و انتشار این کتاب ها اعمال می شود، مساجد شیعیان به بهانه های مختلف یا مسدود می شوند یا تغییراتی در هیأت امنای آنها صورت می گیرد، اعضای هیأت امنای مساجد جدیدی که تاسیس می شود، از میان وهابی ها انتخاب می شوند، به خصوص اینکه در پروژه نشر وهابیت در جمهوری آذربایجان هماهنگی و همکاری تنگاتنگی بین این کشور با رژیم های سعودی و صهیونیستی مشاهده می شود.

بنابراین شیعه ستیزی یکی از راهبردهای رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان شمرده می شود و باعث شده تا شیعیان با اینکه اکثریت را در این کشور تشکیل می دهند، از کمترین حقوق برخوردار نباشند. حقوق شیعیان در جمهوری آذربایجان بعنوان اکثریت ، اکنون از حداقل حقوقی که حقوق بین المللی برای اقلیتها در نظر گرفته و کنوانسیون های بین المللی بر آن تاکید کرده ، کمتر است. طلاب شیعی جمهوری آذربایجان در هیچ یک از موسسات و نهادهای رسمی و دولتی استخدام نمی شوند، اجازه کاندیداتوری در انتخابات یا نمایندگی در پارلمان را ندارند. در مقابل، اقلیت یهودیان جمهوری آذربایجان از حداکثر حقوقی که اکثریت در یک کشور از آن برخوردار هستند، بهره می برد و حتی هم بیشتر.

راهبرد دوم : راهبرد فرهنگی

دکتر کاظمی : جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی طی سال های گذشته همکاری فرهنگی بسیار قابل تاملی داشته اند.

هر سال با هدایت رژیم صهیونیستی انواع جشنواره های موسیقی، مد و لباس و انواع نمایشگاه های مبتذل را در کشور جمهوری آذربایجان برگزار می شود.
برگزاری مسابقه «**یورو ویژن**» در جمهوری آذربایجان که به مسابقه «هم جنس گرایان» معروف است، از جمله اقدامات فرهنگی اجرا شده توسط رژیم صهیونیستی طی سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی و پس از آن به صورت جدی در جمهوری آذربایجان پی گرفته شده است. زمینه برگزاری این مسابقه در کشور جمهوری آذربایجان، این گونه پایه ریزی شد که طی برگزاری مسابقه «یورو ویژن» در سال ۲۰۱۱ در شهر دوسلدورف آلمان اعلام می شود که در این دور از مسابقه یورو ویژن «الدار قاسم اف»، نماینده جمهوری آذربایجان برنده شده است. براساس قانون مسابقه کشور برنده میزبان دور بعدی می شود، به این ترتیب جمهوری آذربایجان به عنوان میزبان دور آینده مسابقه یورو ویژن معرفی می شود. بعدها مشخص شد که الدار قاسم اف از سال ۲۰۰۷ میلادی توسط رایزنی فرهنگی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان تحت آموزش بوده و بعدها رایزنی این رژیم به این موضوع اعتراف کرد.اولین ترانه ای که قاسم اف اجرا کرده، به زبان عبری و ترانه ای بوده که صهیونیست ها طی جنگ ۱۹۶۷ علیه اعراب، به ویژه مصری ها ساخته بودند. الدار قاسم اف در سال ۲۰۱۰ میلادی در سفر «آویگدور لیبرمن»، وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان ترانه ای عبری ضد اسلامی دیگری را اجرا می کند.
به اذعان رسانه های جمهوری آذربایجان تمام تدارکات و مقدمات برگزاری مسابقه «یورو ویژن» توسط ماموران موساد انجام شد و تدابیر امنیتی برگزاری آن در باکو را نیز موساد در اختیار داشت و با مسلط شدن موساد بر تدابیر امنیتی باکو در این سال، یکی از شدیدترین موج های دستگیری و سرکوب فعالان شیعی در جمهوری آذربایجان را در این سال شاهد هستیم.
بالطبع مهمترین هدف از برگزاری این مسابقه با توجه به تشدید فضای شیعی حاکم بر جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۲ و آغاز نهضت حجاب ، مبارزه فرهنگی و اشاعه فرهنگ مبتذل غرب در این کشور بود.
به اذعان رسانه های جمهوری آذربایجان تمام تدارکات و مقدمات برگزاری این مسابقه توسط ماموران موساد انجام شد و تدابیر امنیتی برگزاری آن در باکو را نیز موساد در اختیار داشت و با مسلط شدن موساد بر تدابیر امنیتی باکو در این سال، یکی از شدیدترین موج های دستگیری و سرکوب فعالان شیعی در جمهوری آذربایجان را در این سال شاهد هستیم. تمام برنامه های فرهنگی که رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان برگزار کرده، فرهنگ و ارزشهای معنوی و ملی این کشور را هدف گرفته و مسابقه یورو ویژن یکی از صدها برنامه فرهنگی برگزار شده در حوزه های مختلف توسط این رژیم است، مثلا در فعالیتی دیگر سفارت رژیم صهیونیستی پس از دوبلاژ سریال ها و فیلم های مبتذل آمریکای جنوبی آنها را جهت پخش در رسانه ملی جمهوری آذربایجان به رایگان در اختیار این کشور قرار می دهد. همچنین بنیاد امریکایی و صهیونیستی «سوروس» پیش از اینکه بنا به دلایلی از جمهوری آذربایجان در ظاهر خارج شود و دفتر خود را در باکو ببندد، با هدف ضربه زدن به بنیان خانواده در جمهوری آذربایجان برنامه هایی را با مشارکت برخی شبکه های تلویزنی این کشور مانند «atv» به صورت مستقیم اجرا می کرد.
در این مقوله و مقوله شیعه ستیزی حتی شاهد بودیم، برخی از مطبوعات جمهوری آذربایجان اقدام به ترجمه کتاب «آیات شیطانی»، نویسنده مرتد «سلمان رشدی» کرده و آن را به صورت پا ورقی در روزنامه ها منتشر کردند. در حالی که دولت باکو اجازه چاپ ۵۰۰ نسخه از ترجمه کتاب «نبرد من» تالیف «آدلف هیتلر» را به نشریه خورال ، به این بهانه که موضع ضدیهودی دارد ، را نداد.
اشاعه نمادهای فراماسونی و صهیونیستی در جمهوری آذربایجان یکی دیگر از اقدامات رژیم صهیونیستی در حوزه فرهنگی است. از جمله، در خیابان «استقلال» شهر باکو مجسمه شیطان پرستان موسوم به «اُبلیکس» نصب شده است. استفاده از نمادهای ماسونی و ستاره داوود تحت عنوان معماری مدرن از جمله در بناهای مهم و ماندگار نظیر ایستگاه های مترو، رواج داده شد که به نوعی با «یهودی سازی» جمهوری آذربایجان نیز ارتباط پیدا می کند. اینها به وضوح نشان می دهد که فضای فرهنگی حاکم بر جمهوری آذربایجان با پشتیبانی رسمی محافل دولتی ، تا چه اندازه در قبضه صهیونیست ها قرار گرفته است.

راهبرد سوم : راهبرد سیاسی

دکتر کاظمی : راهبرد سیاسی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان بر این محور متمرکز بوده که در چارچوب طرح هایی مانند طرح ماشاو، این رژیم کوشیده در مراکز حساس جمهوری آذربایجان نفوذ کند .اکنون ثابت شده طرح ماشاو، یک طرح گسترده امنیتی و جاسوسی صهیونیستی است و کسانی که در این دوره ها شرکت داشتند، با حمایت صهیونیست ها به سرعت پله های رشد و ترقی را طی کردند.
نکته مهمی که در راهبرد سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد، این است که رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را به کار برده تا فضای سیاسی جمهوری آذربایجان را به سمتی سوق دهد که روابط باکو – تل آویو را برای افکار عمومی جمهوری آذربایجان سودمند بازنمایی نماید. در همین راستا رژیم صهیونیستی از مناقشه «قره‌باغ» به میزان زیادی بهره برداری ابزاری می کند. طی جنگ ۴ روزه ای که آوریل گذشته در منطقه قراباغ به وقوع پیوست، رسانه های جمهوری آذربایجان هیاهوی تبلیغاتی و جنجال رسانه ای بزرگی در انعکاس باصطلاح کمک های تسلیحانی رژیم صهیونیستی به باکو در این جنگ به راه انداختند. هدف مشترک این جنجال ها این بود که اینگونه القاء شود، تسلیحات و تجهیزات نظامی رژیم

صهیونیستی بوده که موجب پیروزی جمهوری آذربایجان در این جنگ چهار روزه شده است.در حالی که بعداً مشخص شد، ارتش جمهوری آذربایجان نتوانسته، از بسیاری از سلاح هایی که از رژیم صهیونیستی خریداری کرده بود، حتی در درگیری ماه آوریل ۲۰۱۶ در خط تماس استفاده کند، چون تل آویو حاضر نشده بود، کدهای محرمانه این سلاح ها را در اختیار باکو قرار دهد، اما برای فضاسازی و توجیه و تحریف افکار عمومی این هیاهو و جنجال رسانه ای را به راه انداختند.
یکی از پیامدهای راهبرد سیاسی تل آویو برای جهت دهی به جمهوری آذربایجان این است که مثلا در روز قدس در حالی که حتی کشورهای غربی مسلمانان راهپیمایی هایی به مناسبت این روز برگزار می کنند، اما در کشوری چون جمهوری آذربایجان با اکثریت شیعی که همچون فلسطین، بخشی از خاک کشورش اشغال شده و درد مشترکی با فلسطینی ها دارد، راهپیمایی روز قدس برگزار نمی شود و اگر تلاش هایی هم برای انجام راهپیمایی صورت بگیرد، برنامه ریزان و طراحان یا شرکت کنندگان آن بازداشت و حبس می شوند.
این نشان می دهد که جمهوری آذربایجان فضای سیاسی دلخواهی برای صهیونیسم فراهم کرده است. به عنوان مثال «آرتور لنک»، سفیر اسبق رژیم صهیونیستی در باکو در سخنانی اذعان می کند که اگر این رژیم می توانست، همسایگان خود را انتخاب کند، بی شک یکی از این انتخاب ها جمهوری آذربایجان بود یا عنوان شده که بعد از سرزمین های اشغالی، کشور جمهوری آذربایجان امن ترین نقطه جهان برای صهیونیست ها محسوب می شود.
یکی از پیامدهای راهبرد سیاسی تل آویو برای جهت دهی به جمهوری آذربایجان این است که مثلا در روز قدس در حالی که حتی کشورهای غربی مسلمانان راهپیمایی هایی به مناسبت این روز برگزار می کنند، اما در کشوری چون جمهوری آذربایجان با اکثریت شیعی که همچون فلسطین، بخشی از خاک کشورش اشغال شده و درد مشترکی با فلسطینی ها دارد، راهپیمایی روز قدس برگزار نمی شود و اگر تلاش هایی هم برای انجام راهپیمایی صورت بگیرد، برنامه ریزان و طراحان یا شرکت کنندگان آن بازداشت و حبس می شوند.
در راستای راهبرد فرهنگی و سیاسی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان طی ده سال اخیر ده ها موسسه و مرکز صهیونیستی به بهانه های مختلفی مانند فعالیت های آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، خیریه و غیره در جمهوری آذربایجان تاسیس شده است. مرکز فرهنگی آموزشی**«خاباد – اور - آونر»** در باکو، بزرگترین مرکز آموزشی یهودیان در جمهوری آذربایجان شمرده می شود و مشابه آن حتی در کشورهای اروپایی مانند فرانسه که در آنها اقلیت های یهودی سکونت دارند، وجود ندارد.
سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است، چرا در کشوری مانند جمهوری آذربایجان که اقلیت یهودیان در آن به ۲۰ هزار نفر هم نمی رسد، چه نیازی به تاسیس ده ها موسسه و مرکز یهودی دارند؟ چرا روستای کوچک « قیرمیزی قصبه»، در منطقه «قبا» در شمال جمهوری آذربایجان، به عنوان یک مرکز مهم یهودی در این کشور معرفی می شود؟ تمام این موضوعات نشان می دهد رژیم صهیونیستی توانسته است از خلأهای موجود در جمهوری آذربایجان استفاده کند و راهبرد سیاسی خود را با موفقیت اجرایی کند.

راهبرد چهارم : راهبرد اقتصادی

دکتر کاظمی : چهارمین راهبرد رژیم صهیونیستی راهبرد اقتصادی است که با هدف نفوذ در بخش های مختلف اقتصاد جمهوری آذربایجان از جمله بخش های کشاورزی، حمل و نقل و صنعت اجرایی شده تا در پوشش فعالیت های اقتصادی این رژیم بتواند، اهداف دیگر خود را محقق کند.
در این راستا، شاهد هستیم که حجم مبادلات تجاری رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان سال به سال در حال افزایش است و در حالی که حجم مبادلات تجاری ایران و جمهوری آذربایجان سالیانه به ۵۰۰ میلیون دلار هم نمی رسد، حجم مبادلات تجاری رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان به سالیانه ۴ میلیارد دلار و حتی بیشتر هم بالغ شده است. هیچ حوزه ای اقتصادی از چشم صهیونیست ها دور نمانده، از بخش حمل و نقل گرفته تا ارتباطات، همه حوزه ها مورد توجه رژیم صهیونیستی بوده، به عنوان مثال اکنون شرکت صهیونیستی «باکسل» بخش مهمی از خطوط مخابرات جمهوری آذربایجان را پوشش می دهد.
همچنین فعالیت های راه سازی و ساختمان سازی که نه تنها عمدتا در اختیار شرکت پیمانکار صهیونیستی است، بلکه به شکلی خاص در جنوب جمهوری آذربایجان و مناطق نزدیک به مرزهای ایران متمرکز است.
رژیم صهیونیستی هم اکنون در تمام فعالیت های کشاورزی، بیمه ای و کشتیرانی جمهوری آذربایجان با هدف ایجاد پیوندی مشترک و مستحکم بین باکو و تل آویو و مشروع و عادی جلوه دادن روابط دو طرف نفوذ دارد. رژیم صهیونیستی تنها طرف تجاری و بازرگانی جمهوری آذربایجان است که رئیس جمهوری این کشور دستور ویژه ای را برای تسهیل ارتباطات و کمک به گسترش بیش از پیش روابط اقتصادی و تجاری بین دو طرف صادر کرده است و این بیانگر وجود اراده ای جدی از جانب دو طرف جهت توسعه و گسترش مناسبات اقتصادی است.

راهبرد پنجم : راهبرد ایران ستیزی

دکتر کاظمی : هدف این راهبرد زدودن و از بین بردن تمام آثار و نشانه های تاریخی، تمدنی، ادبی و فرهنگی ایران در جمهوری آذربایجان است. در این راستا، رژیم صهیونیستی شبکه ای از رسانه ها، ارگان ها ونهادهای تبلیغاتی را در جمهوری آذربایجان ایجاد کرده تا هر موضوع و مسئله مشترکی که بین جمهوری آذربایجان و ایران وجود دارد، مانند نظامی

گنجوی مصادره به مطلوب شود یا این آثار مانند سنگ نوشته های فارسی مقبره نظامی گنجوی یا معماری ایرانی از بین برده شوند. در راستای این راهبرد، همکاری های بسیار گسترده ای بین باکو و تل آویو مشاهده می شود که هدف عمده آن ایجاد جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

راهبرد ششم : راهبرد دیاسپورا سازی و قومیت گرایی

دکتر کاظمی : از سال ۲۰۰۲ میلادی کمیته امور آذری های مقیم خارج تاسیس شد و در سال ۲۰۰۸ میلادی نام خود را به «کمیته دیاسپورا» تغییر داد. این کمیته فعالیت خود را با هدف شناسایی و سازماندهی لابی های جمهوری آذربایجان در نقاط مختلف جهان گسترش داده است. نکته مهم در فعالیت این کمیته، این است که این کمیته دقیقا با الگو گیری از لابی سازی رژیم صهیونیستی تشکیل شده و «ناظم ابراهیم اف»، رئیس این کمیته از جمله شخصیت های جمهوری آذربایجان است که بارها به سرزمین های اشغالی سفر کرده و برادر وی هم «تقی ابراهیم اف» هم تا مدتها رئیس شبکه تلویزیونی atv جمهوری آذربایجان بود که به علت پخش کلیپ های یهودی و تبلیغات آشکار اسراییل ، وابستگی آن به رژیم صهیونیستی کاملا آشکار شده بود که البته در سال های اخیر با تغییر مدیریت آن و برخی حرکت های تاکتیکی ، تلاش شده است ماهیت صهیونیستی شبکه آ.ت.و. پنهان شود.

در مبحث قومیت سازی اگر نظریات شماری از صهیونیست های مطرح مانند «براندا شافر»، نویسنده کتاب «مرزها و برادری» را مطالعه کنیم، در می یابیم که در مقوله «پان آذریسم» صهیونیست ها ایفاگر نقش هایت کننده هستند.

****در همین رابطه بخوانید: طرح تجزیه ایران به 5 کشور از سوی جمهوری آذربایجان**

همچنین در مقوله ایجاد اغتشاش، روزنامه «ینی مساوات» اوایل سال میلادی ۲۰۱۶ در گزارشی اذعان کرد، اغتشاشاتی که طی سال ۲۰۰۶ میلادی در مناطقی از استان آذربایجان شرقی و غربی ایران به بهانه انتشار کاریکاتوری در یکی از روزنامه ها شاهد آن بودیم، سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی موسوم به «آمان» و کمیته دیاسپورا جمهوری آذربایجان دخیل بوده اند. بر اساس این گزارش سازمان صهیونیستی «آمان» از طریق کمیته دیاسپورای جمهوری آذربایجان با جدایی طلبان آذری در ایران ارتباط برقرار کرده و در سازماندهی اغتشاشات و اعتراض ها نقش مهمی ایفا کرده است.

راهبرد هفتم : راهبرد رسانه ای

دکتر کاظمی: هدف راهبرد رسانه ای رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان بهبود وجهه این رژیم ، از بین بردن انگ اشغالگری و تجاوز صهیونیست ها در فلسطین اشغالی و مشروع جلوه دادن تاسیس این رژیم در سرزمین های اشغالی در افکار عمومی جمهوری آذربایجان است.

در سال های اولیه برقراری روابط بین باکو و تل آویو برخی روزنامه های جمهوری آذربایجان مانند «آینه» و «زرکالو» رابط رسانه ای بین این کشور با رژیم صهیونیستی بوده و نقش سخنگویی بین دو طرف را در جمهوری آذربایجان ایفا می کردند.اما درحال حاضر شبکه گسترده ای از رسانه های نوشتاری، دیداری، اینترنتی و صوتی در جمهوری آذربایجان تشکیل شده که به شدت برای رژیم صهیونیستی تبلیغ و اخبار فلسطین اشغالی و تحولات جاری در سرزمین های اشغالی را سانسور یا بایکوت می کنند.

جالب اینجاست که این رسانه ها طی فعالیت های خود تلاش بسیاری دارند، با تحریف واقعیت ها و حقایق تاریخی نوعی همذات پنداری بین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان ایجاد کنند، به عنوان مثال این رسانه های تلاش گسترده ای انجام می دهند تا رخداد تلخ کشتار «خوجالی» طی جنگ قره باغ را به افسانه تاریخی کشتار یهودیان به نام «هولوکاست» تشبیه کرده، این دو را به یکدیگر ارتباط دهند. به این ترتیب، این رسانه ها تلاش می کنند به خوانندگان خود این حس را انتقال دهند که بین شهروندان جمهوری آذربایجان و صهیونیست ها و یهودیان ساکن سرزمین های اشغالی هیچ تفاوتی وجود ندارد.

همچنین در چارچوب تحریف تاریخ جمهوری آذربایجان این رسانه های تلاش می کنند، این قضیه را القا کنند که در واقعه «کشتار قبا» در سال ۱۹۱۸ میلادی که منطقه ای در شمال جمهوری آذربایجان بوده، ارامنه فقط آذریها را قتل عام نکردند، بلکه در میان قربانیان، شمار زیادی یهودی هم وجود داشته، در حالی که از قضا مستندات تاریخی نشان می دهد، یهودیان در کشتار مسلمانان در این منطقه در سال ۱۹۱۸ نقش مهمی داشته اند و در واقع، با رادیکال های ارمنی رابطه داشتند.

راهبرد هشتم : راهبرد امنیتی

دکتر کاظمی : در بحث راهبرد امنیتی می توان به همکاری و هماهنگی نزدیک سرویس های امنیتی و اطلاعاتی جمهوری آذربایجان با سازمان صهیونیستی موساد اشاره کرد که مهم ترین نمود آن همکاری جمهوری آذربایجان با موساد در ترور دانشمندان هسته ای جمهوری اسلامی ایران بود ، همچنین قضیه پرواز پهپاد تجسسی جمهوری آذربایجان بر فراز تاسیسات نطنز است که قبلا به آن اشاره شد.

افزون بر آن با انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۵ میلادی، ابعاد جدیدی از همکاری های امنیتی و اطلاعاتی باکو و تل آویو برملا شد، از جمله آشکار شد، طرح مشترکی بین جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی جهت گسترش فرقه های ضاله وهابیت و بهائیت در این کشور در حال پیاده سازی بوده و وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان همچون پیمانکاری راه را نفوذ وهابی های تکفیری در پوشش فعالیت های اقتصادی ، بازرگانی و سرمایه گذاری در این کشور هموار می کرد.

در این راستا اخباری مبنی بر خرید تجهیزات مورد نیاز سرویس های امنیتی باکو به قیمت ۶۰۰ میلیون دلار از رژیم

صهیونیستی و به طور مشخص سازمان موساد توسط رسانه ها افشاء شد. البته مسئولان ارشد دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی صراحتا و بی پروا بارها به این نکته اشاره کرده اند که روابط و همکاری های امنیتی و اطلاعاتی گسترده ای بین باکو و تل آویو وجود دارد.ناگفته پیداست که یکی از اهداف اصلی این روابط و همکاری ها اقدام علیه ایران و ایجاد تنش و اغتشاش داخلی در جمهوری اسلامی ایران است.

راهبرد نهم : راهبرد انرژی

دکتر کاظمی : در این راهبرد رژیم صهیونیستی تلاش می کند، مانع شکل گیری و ایجاد همکاری های مشترک منطقه ای در حوزه انرژی شود. این رژیم به خوبی می داند پتانسیل خوبی جهت همکاری بین ایران و جمهوری آذربایجان و روسیه در حوزه انرژی وجود دارد، به همین دلیل به هر طریق ممکن تلاش می کند، مانع شکل گیری چنین همکاری هایی شود. نتیجه این راهبرد این است که امروز مشاهده می کنیم که اعلام می شود، جمهوری آذربایجان ۶۰ درصد نفت مورد نیاز رژیم صهیونیستی را از طریق خط لوله باکو – تفلیس - جیهان تامین می کند و این موضوع بسیار قابل تاملی است که یک کشور اسلامی تامین کننده بخش اعظم نیاز رژیم صهیونیستی به انرژی است.

در این راهبرد انرژی، رژیم صهیونیستی تلاش می کند، مانع شکل گیری و ایجاد همکاری های مشترک منطقه ای در حوزه انرژی شود. این رژیم به خوبی می داند پتانسیل خوبی جهت همکاری بین ایران و جمهوری آذربایجان و روسیه در حوزه انرژی وجود دارد، به همین دلیل به هر طریق ممکن تلاش می کند، مانع شکل گیری چنین همکاری هایی شود. نتیجه این راهبرد این است که امروز جمهوری آذربایجان ۶۰ درصد نفت مورد نیاز رژیم صهیونیستی را از طریق خط لوله باکو – تفلیس - جیهان تامین می کند.

رژیم صهیونیستی در این راهبرد تمام تلاش خود را به کار برده تا در بخش انرژی از وابستگی خود به مصر و دیگر کشورها بکاهد و امنیت انرژی خود را در راستای توسعه مناسبات خود با جمهوری آذربایجان توسط باکو تامین کند. به همین دلیل است که شاهد هستیم جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی با وجود داشتن پتانسیل لازم برای توسعه و گسترش مسیرهای انتقال انرژی در جهت های مختلف، تنها این توسعه در جهت شرقی – غربی، یعنی از باکو به سمت تل آویو حاصل شده است. در حالی که صدور نفت جمهوری آذربایجان به بازار رژیم صهیونیستی وابسته شده است، رژیم صهیونیستی نیز قصد دارد از حوزه های گازی تحت اشغال خود در دریای مدیترانه برداشت و از طریق خط لوله گازی موسوم به تاناپ و تاپ که به هزینه جمهوری آذربایجان در حال احداث است، به اروپا منتقل کند.

راهبرد دهم : راهبرد نظامی

دکتر کاظمی : طی سفری که «بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶ انجام داد و در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی که با رئیس جمهوری آذربایجان شرکت کرد، الهام علی اف صراحتا اعلام می کند که ارزش خریدارهای تسلیحاتی باکو از رژیم صهیونیستی بالغ بر ۴ میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار، یعنی حدود ۵ میلیارد دلار بوده است. با توجه به اینکه بودجه عمومی دولت جمهوری آذربایجان در آن مقطع زمانی ۳۰ میلیارد دلار اعلام شده بود، رقم ۵ میلیارد دلار به معنای اختصاص بودجه کلانی به خریدهای تسلیحاتی آن هم صرفا از رژیم صهیونیستی بوده و البته طبیعی است که تل آویو اصلا تمایل نداشت، چنین افشاگری هایی از سوی رئیس جمهوری آذربایجان صورت بگیرد.نکته مهم این است که بسیاری از این تسلیحات خریداری شده مانند موشک های ضدکشتی گابریل و باراک ۸ و برخی از پهپادها و تانک های بهغ اصطلاح مدرن شده توسط صنایع تسلیحاتی رژیم صهیونیستی در مناطق کوهستانی قره باغ کاربرد ندارد.
چون براساس یک منطق ساده آشکار است که موشک های ضدکشتی علیه ارمنستان که کشوری فاقد دریاست یا تانک هایی که در مناطق کوهستانی قره باغ قادر به حرکت نیستند یا موشک های دوربرد و میان برد برای ارمنستان که کشوری کوچک در میان بخش اصلی خاک جمهوری آذربایجان و نخجوان است، استفاده نخواهد شد. **به این ترتیب می توان گفت که رژیم صهیونیستی در بلند مدت در حال ایجاد زرادخانه ای برای خود در قفقاز و در کنار گوش ایران است.** در سال ۲۰۰۸ میلادی و در جنگ «اوستیا» روسیه در حمله ای یک هفته ای معادلات نظامی و امنیتی در گرجستان را برهم زد. پس از آن، رژیم صهیونیستی پایگاه نظامی خود در این منطقه را از گرجستان به جمهوری آذربایجان انتقال داد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تبلیغات گسترده رسانه های جمهوری آذربایجان درباره کارآمدی پهپادهای صهیونیستی در جنگ اخیر قراباغ بود که در حقیقت دروغی بیش نیست، هدف این هجمه گسترده تبلیغاتی سرپوش نهادن بر این حجم خریدها و جلوگیری از تمرکز افکار جامعه بین المللی بر عمق این همکاری های نظامی غیر مرتبط با موضوع قره باغ است که بین باکو و تل آویو وجود دارد.

رژیم صهیونیستی در بلند مدت در حال ایجاد زرادخانه ای برای خود در قفقاز و در کنار گوش ایران است. در سال ۲۰۰۸ میلادی و در جنگ «اوستیا» روسیه در حمله ای یک هفته ای معادلات نظامی و امنیتی در گرجستان را برهم زد. پس از آن، رژیم صهیونیستی پایگاه نظامی خود در این منطقه را از گرجستان به جمهوری آذربایجان انتقال داد.

راهبرد یازدهم : راهبردهای آموزشی و جعل تاریخ و باستان شناسی

دکتر کاظمی : تحرکات آموزشی و باستان شناسی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از جمله راهبردهایی است که مورد بررسی و تحقیق لازم قرار نگرفته است. در حوزه آموزش، رژیم صهیونیستی تلاش های گسترده و سرمایه گذاری

قابل توجهی را در زمینه محتوای کتاب های درسی جمهوری آذربایجان انجام داده تا نشانه ای از اسلام اصیل در آنها وجود نداشته باشد و در عین حال تاریخ جمهوری آذربایجان، تاریخ تحریف شده ای باشد، به گونه ای که هیچ نقطه اشتراکی با تاریخ ایران که در واقع مام وطن می باشد، در آن مشاهده نشود.
بموازات ممنوعیت انتشار کتاب هایی که در آنها ماهیت و ابعاد تحریف تاریخ در جمهوری آذربایجان فاش می شوند، تولید محتوای مجعول تاریخی و مصادره سلسله های ایرانی مانند صفویه در سالهای اخیر در جمهوری آذربایجان افزایش چشمگیری داشته است. این اقدامات تماما همسو با ادعاهای رژیم صهیونیستی مبنی بر وجود باصطلاح امپراتوری باستانی یهودی به نام «امپراتوری خزر» در سرزمینی است که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می شود .
به این ترتیب، مشاهده می شود رژیم صهیونیستی درکنارتحریف تاریخ جمهوری آذربایجان، ادعاهای مضحکانه ای را نیز درخصوص وجود باصطلاح امپراتوری یهودی درطول تاریخ در این کشور مطرح می کند. این دو اقدام را می توان در راستای هدف بسیار خطرناک «یهودی سازی جمهوری آذربایجان» ارزیابی کرد که همچنان از سوی رژیم صهیونیستی دنبال می شود.
به موازات تحریف تاریخ به بهانه فعالیت های آموزشی ، باستان شناسان صهیونیستی فعالیت های گسترده ای را در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان از جمله شمال این کشور در سال های اخیر انجام داده اند و همسو با آن برخی از رسانه های صهیونیست گرای جمهوری آذربایجان بشدت فرضیه های تاریخی را به مخاطبین خود القا می کنند که ادعا می کند جمهوری آذربایجان در گذشته سرزمینی یهودی بوده، این درحالی است که حقایق تاریخی اگرچه وجود اقلیت قومی یهودی غیر حاکم به نام خزر را در ساحل خزر را انکار نمی کند، اما باید توجه داشت که این اقلیت یکی از ۴۴۰ قوم ساکن در قفقاز و ساحل خزر محسوب می شوند که در طول تاریخ در این منطقه زندگی می کردند و وجود یک قوم در یک منطقه نمی تواند، به معنای وجود امپراتوری منتسب به آنها در این منطقه باشد، بنابراین امپراتوری یهودی به معنای آنچه مورد نظر رسانه های وابسته جمهوری آذربایجان است، در این منطقه موجودیت نداشته، بلکه تجسم عینی تحریف تاریخ جمهوری آذربایجان است، اما چون این هدف گذاری با بازه زمانی ۵۰ ساله در حال انجام است، لذا به این طریق تلاش می کنند، پایه های تحریف بنیان نهاده شود.

راهبرد دوازدهم : اسکان یهودیان در جمهوری آذربایجان و یهودی سازی این کشور

دکتر کاظمی : تمامی یازده راهبرد مورد اشاره و تحرکات صهیونیست ها در جمهوری آذربایجان با هدف اجرایی کردن راهبرد دوازدهم یعنی اسکان یهودیان در جمهوری آذربایجان و یهودی سازی این کشور است. این راهبرد به دو روش درحال پیاده سازی در جمهوری آذربایجان است. آمارسازی از تعداد یهودیان جمهوری آذربایجان و خرید املاک.
«مورینسون»، پژوهشگر مرکز مطالعات صهیونیستی بگین – سادات در سال ۲۰۱۶ م ادعایی را مطرح کرده، مبنی بر اینکه طی دوران حاکمیت اتحاد شوروی از جمهوری آذربایجان۸۰۰ هزار یهودی به سرزمین های اشغالی مهاجرت کردند؟!
و بعد از استقلال جمهوری آذربایجان به دلیل یهودی دوستی روسای جمهوری این کشور در حال بازگشت به کشور خود هستند! این بدین معناست که رژیم صهیونیستی در حال مقدمه سازی جهت اسکان ۸۰۰ هزار یهودی در جمهوری آذربایجان است، چون یکی از راهبردهای این رژیم جهت مقابله با یهودیان ناراضی سرزمین های اشغالی انتقال و اسکان آنها در جمهوری آذربایجان است، به ویژه بعد از شکست طرح اسکان آنها در آرژانتین، هم اکنون گزینه جمهوری آذربایجان به قوت در مورد این یهودیان مطرح است و به نظر می رسد، زمینه اجرایی شدن آن از دید جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی مطرح است. از جمله اینکه طی سالهای اخیر تحت تاثیر سیاست خاصی که در حوزه ساختمان سازی گسترده با حضور شرکت های صهونیستی در باکو اجرا شده، هم اکنون حدود یک میلیون واحد آپارتمانی خالی از سکنه موجود است که نه به کسی فروخته شده و نه کسی در آنها اسکان داده می شود. این گمان وجود دارد که این واحدهای مسکونی با سرمایه های صهیونیستی و برای صهیونیست ها ساخته شده است. وقتی این سرمایه گذاری در کنار آن ادعاهای جمعیتی مورد توجه قرار گیرند، این فرضیه بیش از پیش تقویت می شود که رژیم صهیونیستی در پیاده سازی این سناریو در جمهوری آذربایجان کاملا جدی است و زمینه های این طرح در چارچوب راهبرد اسکان یهودیان در جمهوری آذربایجان و یهودی سازی این کشور و تبدیل آن به پایگاه منطقه ای صهیونیسم در حال پیگیری است.
در واقع صهیونیست ها معتقدند، اگر غرب در همان مرحله اول سناریو مسیحی سازی جمهوری آذربایجان طی ۵ دوره ۵ ساله با شکست مواجه شد و در همان مرحله اول که قرار بود تا سال ۲۰۰۵ میلادی ۲۰ درصد از جمعیت جمهوری آذربایجان را به آیین مسیحیت درآورد، ناتوان و ناکام نشان داد، در عوض رژیم صهیونیستی با توسل به راهبرد ۱۲ گانه خود در جمهوری آذربایجان که شیعه ستیزی و ایران ستیزی مهمترین این راهبردها محسوب می شود، می تواند سناریو ایجاد پایگاه منطقه ای در جمهوری آذربایجان را اجرایی کند. به همین دلیل است که صهیونیست ها در سال ۲۰۰۸ میلادی درصدد برگزاری کنگره جهانی یهود در جمهوری آذربایجان بودند. صرف نام بردن از جمهوری آذربایجان و پیشنهاد آن جهت میزبانی کنگره جهانی یهود بیانگر این امر است که برای آینده این کشور چه نقشه هایی ریخته شده و برنامه ریزی هایی در حال انجام است.
بنابراین با استناد به این راهبردها که خیلی کوتاه و مختصر به آنها اشاره شد، هیچ گاه نمی توان، روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی را روابطی ساده و عادی ارزیابی کرد و این مسئولیتی بسیار مهم و سنگین بر دوش رسانه ها و مسئولین امر می گذارد تا چهره ای واقعی و حقیقی از مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی ترسیم نمایند .



ـ با توجه به آنچه گفته شد، مهمترین انگیزه های رژیم صهیونیستی از نزدیک شدن به جمهوری آذربایجان کدامند؟

دکتر کاظمی : در خصوص اینکه رژیم صهیونیستی به چه دلیل جمهوری آذربایجان را انتخاب کرده، دستکم می توان به سه دلیل اشاره کرد:

یک: داشتن مرز مشترک طولانی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران

دو: به لحاظ نسبت مذهب به جمعیت، جمهوری آذربایجان پس از جمهوری اسلامی ایران، بیشترین جمعیت شیعیان را دارا می باشد. لذا اسلام سیاسی در این کشور با تاثیر پذیری از جمهوری اسلامی ایران در صحنه حضور دارد که بالطبع خوشایند رژیم صهیونیستی نیست.

سه: اشتراکات فرهنگی ، تاریخی و نژادی ایران و جمهوری آذربایجان، اگرچه در جمهوری آذربایجان اقلیت هایی مانند کُردها و ترکمن ها و روس ها و غیره ساکن هستند، اما اکثریت مردمان این کشور را آذری و تالش ها تشکیل می دهند که دارای مشترکات با ایران هستند. رژیم صهیونیستی بر این باور است، با نفوذ در مردم جمهوری آذربایجان و تغییر فرهنگ و سبک زندگی آنها می تواند روی آذری ها در ایران نیز نیز تاثیر بگذارد و این امکان را می یابد تا در عمق استراتژیک ایران نفوذ کند

به این ترتیب، آشکار می شود چرا رژیم صهیونیستی توجه ویژه ای به جمهوری آذربایجان دارد می گذارد و به عنوان مثال چنین سناریویی را برای ترکیه در نظر نمی گیرد. درباره ترکیه کافی است که به این نکات اشاره شود که ترکیه، کشوری بزرگ و دارای تاریخ طولانی است و این نفوذ طرف های خارجی در ترکیه را به امری سخت و دشوار تبدیل می کند، برخلاف کشور جمهوری آذربایجان که کوچک ، ضعیف و نظام سیاسی کنونی فاقد ریشه و پیشینه طولانی است. ترکیه اگرچه در مقاطع مختلف، دارای روابطی با رژیم صهیونیستی بوده، اما همیشه در بطن این روابط و در اوج آن به دنبال تامین منافع خود نیز بوده است. مهم تر از همه اینکه ترکیه حقد و کینه ای تاریخی نسبت به صهیونیست ها دارند، چون آنها را عامل فروپاشی امپراتوری عثمانی می دانند و نمی توانند فراموش کنند که پس از رد درخواست یهودیان مبنی بر سپردن فلسطین به آنها توسط سلطان «عبد الحمید»، یهودیان با اعراب ساکن جزیره العرب متحد شده و با دامن زدن بر پان عربیسم، زمینه فروپاشی امپراتوری عثمانی را فراهم می کنند.

ـ بنظر شما اشتباه راهبردی جمهوری آذربایجان در قبال جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟

دکتر کاظمی : اشتباه راهبردی جمهوری آذربایجان، انکار مشترکات دینی، تاریخی، تمدنی و فرهنگی این کشور با جمهوری اسلامی ایران بوده است. این اشتباه موجب شد، نقطه قوت جمهوری آذربایجان به نقطه ضعف تبدیل شود. باکو به راحتی می توانست، با برقراری مناسباتی بر پایه منطق و احترام متقابل با ایران، نه تنها در آسیای مرکزی و قفقاز، بلکه در منطقه غرب آسیا به قدرتی تاثیر گذار تبدیل شود. کما اینکه تاریخ معاصر ثابت کرده ایران هیچ گاه متحدین خود را به ویژه در روزهای سخت به حال خود رها نمی کند و دلیل این مدعا حمایت هایی است که ایران از عراق و سوریه در مقابله جبهه تروریسم وهابی تکفیری انجام داد اما جمهوری آذربایجان به جای استفاده از این امتیاز، با نادیده گرفتن آن، نقطه قوت خود را نادیده گرفته، آنها را به نقطه ضعف تبدیل کرده است.

از همان ابتدای استقلال جمهوری آذربایجان، جریان هایی که در این کشور شکل گرفته و سر کار آمدند، جریان های طایفه گرا و قومیت گرا بودند که این موضوع هم ریشه در عوامل متعدد دارد، از جمله اینکه در منطقه قفقاز در مورد ایران یک رویکرد تقابلی مشاهده می شود که تاریخی حدودا ۲۰۰ ساله دارد، یعنی از زمانی که در سال ۱۸۱۳ میلادی عهدنامه گلستان و در ادامه در سال ۱۸۲۸ میلادی عهدنامه ترکمانچای امضا شد، برای اینکه نگاه مردمان مناطق جدا شده تغییر کند، پروژه «ایران ستیزی» توسط تزارهای روس کلید زده شد، بعد توسط رهبران شوروی و پس از توسط جبهه غربی – عبری استمرار یافت.

اشتباه راهبردی جمهوری آذربایجان، انکار مشترکات دینی، تاریخی، تمدنی و فرهنگی این کشور با جمهوری اسلامی ایران بوده است. این اشتباه موجب شد، نقطه قوت جمهوری آذربایجان به نقطه ضعف تبدیل شود. باکو به راحتی می توانست، با برقراری مناسباتی بر پایه منطق و احترام متقابل با ایران، نه تنها در آسیای مرکزی و قفقاز، بلکه در منطقه غرب آسیا به قدرتی تاثیر گذار تبدیل شود.

بسیاری از اصطلاح ها و مفاهیم و مباحث قومی جمهوری آذربایجان، از جمله عناوین جعلی باصطلاح «آذربایجان جنوبی» و «آذربایجان شمالی» در زمان اتحاد شوروی ابداع و ترویج شدند، به همین دلیل در قفقاز جریان های ضد ایرانی با پیشینه تاریخی ۲۰۰ ساله شکل داده شده اند. این جریان های ضد ایرانی پس از فروپاشی شوروی، در قالب گروه قومیت گرای افراطی تحت رهبری «ایلچی بیگ» نه تنها استمرار یافتند، بلکه قدرت سیاسی را در باکو در دست گرفتند و شعارهای قوم گرایانه سر دادند. در واقع در سیر تاریخی روند ایران ستیزی در قفقاز، پس از تزارهای روس، کمونیست های شوروی، در دوره جدید صهیونیسم پشتیبانی از روند ایران ستیزی در قفقاز را برعهده گرفته است.

- این فرضیه تا چه اندازه می تواند صحت داشته باشد که باکو برای ترساندن یا استفاده ابزاری علیه ایران، رژیم صهیونیستی را انتخاب کرده است؟

حشمتی : عده ای در تبیین دلیل گرایش باکو به تل آویو به موضوع هراس از ایران و همچنین «ترساندن ایران» اشاره کرده اند که به هیچ وجه توجیه منطقی نمی تواند باشد. حتی اگر هم چنین پیش فرضی را بپذیریم، این سوال مطرح می شود که چرا باکو برای ترساندن ایران ، رژیم صهیونیستی را انتخاب کرده و به عنوان مثال به آمریکا به عنوان قدرتی جهانی پناه نبرده است. بنابراین این فرضیه کاملا مردود است.آنچه عدم صحت فرضیه فوق را به اثبات می رساند، علاقه شخصی عجیبی است که در میان مقامات جمهوری آذربایجان از جمله «الهام علی اف»، رئیس جمهوری جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی مشاهده می شود، علاقه ای که در بسیاری از موارد، شکل و قالب مرید و مرادی به خود می گیرد، در این زمینه حتی شاهد بودیم که تا چندی پیش داماد رئیس جمهوری آذربایجان یک شخص یهودی بوده است.نتیجه چنین رویکردهایی وضعیتی است که اکنون مشاهده می کنیم که باکو در بسیاری از زمینه ها علایق حیاتی خود را با رژیم صهیونیستی پیوند زده است.

- رویکرد تقابلی حکومت جمهوری آذربایجان را باید رویکردی سیاسی ارزیابی کرد یا دینی؟

حشمتی : این دید تقابلی حکومت جمهوری آذربایجان تنها نسبت به ایران نبوده، بلکه نسبت به مردم این کشور که اکثریتی شیعی را تشکیل می دهند، نیز چنین نگاهی وجود دارد.در مقابل این رویکرد ضد ایرانی و ضد شیعی، شاهد نهایت یهودی نوازی از سوی حکومت جمهوری آذربایجان هستیم، از دید عده ای از کارشناسان ، باکو اکنون مثل موم در دست تل آویو است و صهیونیست ها هرگونه که تمایل داشته باشند و منافع آنها اقتضا کند، می توانند باکو را شکل دهند.اینجاست که علی رغم ضعف هایی که سیاست های ایران در قبال جمهوری آذربایجان دارد، با این حال باید اذعان کرد که گرایشات صهیونیستی باکو، ناشی از اشتباهات دستگاه دیپلماسی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان نبوده است.

- چرا در کشوری که شیعیان اکثریت را دارا هستند، نسبت به سیاستگذاری های صهیونیستی ، اعتراضی صورت نمی گیرد؟

حشمتی : برای پاسخ به این سوال، باید به وضعیت داخلی جمهوری آذربایجان پس از استقلال نگاهی داشته باشیم که جدای از درگیری های قره باغ، درگیر جنگ داخلی قدرت می شود. به دلیل همین جنگ داخلی بود که جمهوری آذربایجان در مقابل پیشروی ارامنه، بسیاری از مناطق خودش را از دست داد و جدایی طلبان ارمنی با استفاده از فرصت و شرایط ناشی از جنگ قدرت در داخل جمهوری آذربایجان، این اراضی را تصرف کرد.اما، پس از روی کار آمدن «حیدر علی اف»، رئیس جمهوری سابق جمهوری آذربایجان بود که مردم این کشور تا حدودی در مقایسه با گذشته ، روی آرامش و امنیت را دیدند، لذا یکی از دلایل عدم خیزش مردمی در مقابل حکومت علی اف ها، خاطره تلخ جنگ های داخلی و بیم از تکرار آن است.

البته، کارشناس خبره ای در جمهوری آذربایجان همچون زرتشت علیزاده ، با استناد به دلایل مختلف تصریح می کنند که بروز جنگ قدرت در باکو ، از نقشه های طراحی شده توسط خود حیدرعلی اف بود تا زمینه را برای بازگشت وی به قدرت در باکو مهیا کند. به هر حال، خاطره ناخوشاینده و ترس مردم جمهوری آذربایجان از آن جنگ داخلی که هنوز زمان زیادی از آن نگذشته است و اکثر مردم هنوز نتایج تلخ آن را به یاد دارند، مانع از خیزش مردمی در برابر ظلم می شود و مردم فعلا برای حفظ آرامش و از ترس احتمال بروز اغتشاش داخلی ، به سکوت در برابر ظلم حاکم تن داده اند. علاوه بر این، الهام علی اف و مقامات دولتی نیز در مناسبت های مختلف با یادآوری وضعیت کشور در دوران جنگ داخلی، به نوعی به مردم نسبت به هرگونه اقدامی که منجر به بازگشت اوضاع به شرایط گذشته شود، هشدار می دهند.

خاطره ناخوشاینده و ترس مردم جمهوری آذربایجان از آن جنگ داخلی که هنوز زمان زیادی از آن نگذشته است و اکثر مردم هنوز نتایج تلخ آن را به یاد دارند، مانع از خیزش مردمی در برابر ظلم می شود و مردم فعلا برای حفظ آرامش و از ترس احتمال بروز اغتشاش داخلی ، به سکوت در برابر ظلم حاکم تن داده اند.

عامل دیگر خودداری مردم جمهوری آذربایجان از اعتراضات جدی در مقابل ظلم حاکمیت، در سرکوبگری نظام حاکم قابل ملاحظه است که گزارش های متعددی حتی از سوی نهادهای حقوق بشری بین المللی منتشر شده است. واقعیت امر این است که دولت باکو، سرکوب بسیار شدیدی را علیه مردم جمهوری آذربایجان اعمال می کند.کوچکترین مخالفت و اعتراض به سیاست های حکومت به ویژه در رابطه با رژیم صهیونیستی به شدیدترین وجه سرکوب می شود، به گونه ای که هم اکنون اغلب مخالفان و معارضان رژیم صهیونیستی توسط دولت باکو بازداشت و در زندان به سر می برند. در حالی که در دوره ریاست جمهوری حیدرعلی اف، میزان محدودی از آزادی بیان و مطبوعات در این جمهوری وجود داشت، همین میزان نیز در دوره ریاست جمهوری الهام علی اف از بین رفته است و هم اکنون در داخل جمهوری آذربایجان رسانه مخالفی وجود ندارد.

فقط برخی سایت های مخالف را که از خارج از کشور بارگذاری می شوند ، می توان در داخل جمهوری آذربایجان با فیلترشکن باز کرد و چند سایت مذهبی مخالف و منتقد دولت نیز وجود دارند که از ترس مسدود شدن، به امور داخلی جمهوری آذربایجان نمی پردازند و خیلی بااحتیاط در حد خبررسانی صرف، فعالیت می کنند. همچنین سانسورهای شدید و دقیق رسانه ای به عاملی تبدیل شده تا جامعه جهانی از حقایق سرکوب هایی که دولت باکو علیه شهروندانش اعمال می کند، بی خبر یا کم خبر باشد. همین عامل به مشوقی برای دولت باکو تبدیل شده تا سرکوب هایش را بیش از پیش تشدید کند، اکنون وضعیت در جمهوری آذربایجان به گونه ای است که کوچکترین مخالفت و اعتراض، به وحشیانه ترین شکل توسط حکومت پاسخ داده می شود، بدون اینکه بطور واقعی و با نشان دادن شدت سرکوب، حتی در یک رسانه داخلی یا منطقه ای یا جهانی این اقدامات انعکاس داده شود. به عنوان مثال در سرکوب اعتراض های منطقه «نار داران» در سال ۲۰۱۵ م که دارای جمعیتی بالغ بر ۸ هزار بود، حکومت از ۱۰ هزار نیروی نظامی و امنیتی استفاده کرد، علاوه بر اینکه این نیروها پس از پایان سرکوب نیز تا یک سال کاملا در منطقه مستقر بودند و از آن خارج نشدند و همچنان هم فضای امنیتی بر نارداران حاکم است، هنوز این موضوع حتی در ایران که به اخبار سرکوب شیعیان در کشورهای مختلف حساس است، انعکاس شایسته ای نیافته است.

آنچه این سانسور رسانه ای و عدم انتشار واقعیت امور جاری در جمهوری آذربایجان را تشدید می کند، تعطیلی و مسدود شدن تمام رسانه های خصوصی در تمام اشکال و انواع آن است، به نحوی که درحال حاضر هیچ رسانه مستقل یا خصوصی وجود ندارد و همه رسانه های فعال دولتی و زیر نظر حکومت فعالیت می کنند و نظارت شدیدی روی آنها وجود دارد.رسانه های غربی مانند شبکه بی بی سی به دلیل هم آوایی اش با سیاست حاکم بر باکو و منافع نفتی شرکت نفتی بی پی انگلیس در جمهوری آذربایجان، در درج اخبار بالطبع از خط مشی دولت باکو تبعیت می کنند. این مسئولیت رسانه های مستقل در جهان درباره جمهوری آذربایجان را دوچندان می کند .

- ادعاهای جمهوری آذربایجان در قبال ایران تا چه اندازه می تواند مصداق واقعی داشته باشد؟

حشمتی : بر خلاف ادعاهای برخی از محافل باکو، هیچ تهدیدی از ایران متوجه جمهوری آذربایجان نیست و ایران پیشرفت جمهوری آذربایجان را همچون پیشرفت خود می داند. در این زمینه شاهد بودیم که رئیس جمهوری ایران در حاشیه اجلاس «داووس» با همتای خود از جمهوری آذربایجان خود دیدار کرده و طی صحبت های رد و بدل شده بین دو طرف، دکتر روحانی به علی اف اطمینان خاطر می دهد که از جانب ایران هیچ خطری متوجه جمهوری آذربایجان نیست و نخواهد بود.

تهران پیش تر نیز در عمل فقدان هرگونه خطری از جانب ایران برای جمهوری آذربایجان را به باکو ثابت کرده بود و طی سال های گذشته در بدترین و بحرانی ترین شرایطی که از سوی جمهوری آذربایجان برای جمهوری اسلامی ایجاد شده بود و علی رغم توانمندی و اقتدار ایران در نشان دادن واکنش، از هرگونه اقدام غیرمنطقی اجتناب کرده است.در همین چهار سال اخیر علیرغم مشی احترام آمیز و برادرانه تهران به باکو ، روابط باکو و تل آویو خیلی بیش از آنچه تصور می شود، گسترش پیدا کرده است و این نشان می دهد که رویکرد تعاملی تهران ، تاثیری در توقف گرایشات باکو به سمت رژیم صهیونیستی نداشته است.

موضع ایران در مناقشه قره باغ تا چه میزان بر مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی تاثیرگذار بوده است ؟

حشمتی : یکی از دروغ های بزرگی که در توجیه رویگردانی جمهوری آذربایجان از ایران مطرح می شود، عدم جانبداری ایران در جنگ قره باغ از باکو در قبال جدایی طلبان ارمنی است و اینکه این موضوع باعث شده، باکو به تهران به عنوان طرفی قابل اطمینان نگاه نکند.در حالی که باید تاکید کرد که بر اساس مستندات موجود، ایران در این جنگ از هیچ کمکی به جمهوری آذربایجان دریغ نکرده، این موضوعی است که «محسن رضایی»، فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز طی مصاحبه ای که در اردبیل داشت، صراحتا به آن اشاره کرد.

حتی در برهه ای از جنگ قره باغ، وقتی نیروهای جمهوری آذربایجان به شکلی جدی از سوی جدایی طلبان ارمنی در معرض خطر قرار می گیرند، ایران به اقدامات عملی و مستقیم در حمایت از جمهوری آذربایجان دست می زند . علاوه بر این ها، مستنداتی وجود دارد که نشان می دهد از بابت کمک های مختلف تهران به جمهوری آذربایجان طی جنگ قره باغ، باکو همچنان۴۰ میلیون دلار به ایران بدهکار است که تاکنون پرداخت نشده است.

یکی از دروغ های بزرگی که در توجیه رویگردانی جمهوری آذربایجان از ایران مطرح می شود، عدم جانبداری ایران در جنگ قره باغ از باکو در قبال جدایی طلبان ارمنی است و اینکه این موضوع باعث شده، باکو به تهران به عنوان طرفی قابل اطمینان نگاه نکند.در حالی که باید تاکید کرد که بر اساس مستندات موجود، ایران در این جنگ از هیچ کمکی به جمهوری آذربایجان دریغ نکرده، این موضوعی است که «محسن رضایی»، فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز طی مصاحبه ای که در اردبیل داشت، صراحتا به آن اشاره کرد.
نکته مهمی که در تحولات جنگ قره باغ باید مورد توجه قرار گیرد و باکو تلاش کرده، به آن پرداخته نشود، موضوع فروش منطقه راهبردی «شوشا» به ارمنستان است. مستندات این معامله هم توسط فعالان جمهوری آذربایجان در خارج ارائه شده و در دسترس است، بنابراین اتهاماتی که باکو در این زمینه به تهران وارد می کند، تنها یک ادعا برای فرافکنی است. سال گذشته در شبکه های مجازی فیلمی از آموزش نیروهای جمهوری آذربایجان توسط ایران در طی جنگ قره باغ منتشر شد. طبیعتا اسناد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. اتفاقا این رژیم صهیونیستی بوده که به جدایی طلبان ارمنی کمک های نظامی و تسلیحاتی کرده و این موضوع طی غنمیت هایی که از نیروهای ارمنی در این جنگ گرفته شد، برملا گردید. اما، باکو از سکوت تهران در این مقوله استفاده کرده و آن را تبدیل به مطالبه کرده، لذا به نظر می رسدرسانه ها برای دفاع از مظلومیت ایران و اجحافی که در حق این کشور صورت گرفته، اقدام به افشاگری کنند که البته نام آن را نباید افشاگری، بلکه تبیین حقایق باید گذاشت.
مستندات فراوانی در این خصوص وجود دارد که علیرغم انتشار، بسیادگی از کنار آنها عبور شده است . از جمله فیلمی که در آن حیدر علی اف در سخنانی تاکید می کند که اگر کمک های تهران نبود، نخجوان با یک فاجعه بشری مواجه می شد.
ادعای واهی حمایت ایران از ارمنستان در جنگ قره باغ، صرف نظر از اینکه موجب تقابل بین دو دولت شده، بر دیدگاه مردمی جمهوری آذربایجان هم تاثیر منفی گذاشته و موجب تربیت نسلی ضد ایرانی در مردم این کشور شده است. اگر نگاهی گذرا به کتاب های درسی تاریخ جمهوری آذربایجان در تمام مقاطع تحصیلی بیاندازیم، می بینیم که در تمام این کتاب ها از ایران با عنوان ایران متجاوز، ایران اشغالگر، ایران غاصب و عباراتی مشابه آن یاد شده، این بدین معناست که دولت جمهوری آذربایجان با همدستی رژیم صهیونیستی از زمان آغاز آموزش کودکان در سنین پایین، نفرت از ایران را در دل کودکان پرورش می دهند تا آنان را به دشمنان آتی ایران تبدیل کنند .

آیا تفاوتی در ویژگی ها و رسوم تشیع در ایران با تشیع در جمهوری آذربایجان وجود دارد ؟

حشمتی : برخی از محافل اینگونه القاء می کنند که اگرچه اکثریت مردم جمهوری آذربایجان مانند ما شیعی هستند، اما تشیع آنها با تشیع مردم ایران تفاوت بسیار دارد. این برداشت نادرستی است. درست است که دولت لائیک جمهوری آذربایجان و متولی رسمی مذهب تشیع در این کشور یعنی اداره مسلمانان قفقاز، برداشتی منطبق بر لائیسم و حیدریسم از تشیع ارایه می دهند، اما بدنه جامعه و بخصوص قشر دیندار شیعیان جمهوری آذربایجان در عقاید و اعمال هیچ تفاوتی با برادران شیعه ایرانی خود ندارند. به همین علت است که نظام لائیک جمهوری آذربایجان برای جدایی انداختن میان مردم شیعه این کشور با ایران، برداشتی نادرست و تحریف آمیز از تشیع ارائه می دهد. مثلا در کتاب های درسی دولت لائیک جمهوری آذربایجان ادعا شده است که تشیع عامل افتراق در اسلام بوده است.
پس از آنکه در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۳ و پارلمانی ۲۰۰۵ آشکار شد اسلامگرایان وزنه مهمی در عرصه سیاسی جمهوری آذربایجان هستند دولت لائیک باکو با هدایت فکری مستشاران صهیونیستی، اقدامات خود برای تضعیف تشیع را تشدید کرد .

- با وجود پالس های مثبتی که مکررا از جانب تهران برای باکو ارسال می شود، چرا حجم مبادلات تجاری ایران و جمهوری آذربایجان از ۵۰۰ میلون دلار فراتر نمی رود؟

دکتر کاظمی : پاسخ روشن است چون آمریکا و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان نفوذ کرده اند و آنها این رویکرد را دارند که سطح مبادلات تجاری ایران و جمهوری آذربایجان ، باید در حد کنترل شده ای حفظ شود؛ بعبارت دیگر نباید از سطح پانصد میلیون دلار افزایش یابد . اگر در ماه های اخیر تغییراتی در رویکرد اقتصادی جمهوری آذربایجان نسبت به ایران مشاهده شده و فضا اندکی بازتر شده، یکی به دلیل محدودیت هایی است که در حوزه انرژی باکو در این اواخر با آن مواجه شده و موجب کاهش بودجه این کشور گردیده است.
ضمن اینکه این دیدگاه هم وجود دارد که طرح دشمنان برای نفوذ (اقتصادی) در ایران در پس از برجام -که مقام معظم رهبری نیز نسبت به آن هشدار داده اند- بطور جدی مطرح است. بالطبع نباید انتظار داشت، این نفوذ مستقیما از سوی کشورهایی که آشکارا عناد با ایران دارند، اجراء گردد، چون در چنین حالتی مسلما جمهوری اسلامی در قبال آن جبهه گیری خواهد کرد. بنظر می رسد چنین نفوذی از کانالی و با واسطه ای صورت می گیرد که انتظارش نمی رود مانند جمهوری آذربایجان که ما همواره به اندک بودن حجم مناسبات اقتصادی با آن اعتراض داشته ایم. ممکن است این احتمال دور از ذهن تلقی شود، اما با توجه به روند ها و رویکردهایی که از جمهوری آذربایجان در قبال ایران طی سال های گذشته شاهد آن بودیم، منطق حکم می کند چنین احتمالی را هم در نظر داشته باشیم.
در پایان تاکید روی این نکته ضرورت دارد که به دلایلی که ذکر شد ، اهمیت دارد رسانه های کشورمان در اخبار و تحلیل های خود توجه بیشتری به تحولات جمهوری آذربایجان و قفقاز داشته باشند .

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

نماینده مردم عسلویه در مجلس شورای اسلامي بخاطر زن بودن و علیرغم محجبه بودن اجازه ماندن در ورزشگاه را پیدا نکرد

خانم سکینه الماسی نماینده مردم جم در مجلس شورای اسلامی برای تماشای بازی به ورزشگاه آمده بود اما پس از صحبت‌هایی که با او شد این نماینده مجلس ورزشگاه را ترک کرد. این در حالی است که این خانم نماینده در بازی پارس جنوبی و استقلال از نزدیک بازی را در ورزشگاه دیده بود.

ترجیح من این است که ما ده‌ها مدیر زن داشته باشیم تا اینکه مدیر زن نداشته باشیم و یک وزیر زن در ویترین داشته باشیم

فخرالسادات محتشمی‌پور گفت: عجیب بود که روحانی یک زن را به عنوان وزیر نگذاشت. انتظار می‌رفت پس از این قضیه زنان فعال سیاسی و اجتماعی اعتراض هایی داشته باشند و عدم تحقق حضور وزیر زن در کابینه دوازدهم را پیگیری کنند. حضور زنان در سمت های معاون وزیر و یا لایه‌های میانی مدیریتی را حرکتی رو به جلو است. برخلاف خیلی ها که فکر می‌کنند دولت دوم روحانی نسبت به دولت اول عقب گرد داشته، من معتقدم حرکتی که روحانی شروع کرد و سه نفر از معاونین و رئیس کتابخانه ملی را از بانوان انتخاب کرد به نوعی این قضیه پی گرفته شده است. ترجیح من این است که ما ده‌ها مدیر زن داشته باشیم تا اینکه مدیر زن نداشته باشیم و یک وزیر زن در ویترین داشته باشیم. اصلاحات راه خودش را درست می رود و صبوری می‌خواهد. اگر ما صبر خود را از دست دهیم در واقع دوره جشن جریان اقتدارگراست؛ برای اینکه تمام تلاششان این است که ما را ناامید کنند./جماران

شهری که امرار معاش اهالی آن از طریق ایران است +عکس

روزنامه «ینی مساوات»، چاپ باکو در گزارشی درباره گسترش بیکاری در لنکران، بزرگترین شهر تالش نشین جمهوری آذربایجان نوشت : « اکثر اهالی لنکران از طریق ایران امرار معاش می کنند.»

به گزارش مشرق، تالشان جمهوری آذربایجان که براثر سیاست های دولت مرکزی با مشکلات اقتصادی شدید و بیکاری مواجه‌اند، از طریق مراوده با ایران امرار معاش می کنند.

روزنامه «ینی مساوات»، چاپ باکو در گزارشی درباره گسترش بیکاری در «لنکران»، بزرگترین شهر تالش نشین جمهوری آذربایجان نوشت : « اکثر اهالی لنکران از طریق ایران امرار معاش می کنند.»



پایگاه اینترنتی روزنامه «ینی مساوات» نوشت : « یکی از حرفه هایی که میان اهالی این شهر گسترش یافته است، رانندگی تاکسی است.«عدالت»، یکی از اهالی لنکران که چندسالی است به رانندگی تاکسی مشغول است، می گوید : « اهالی اساسا از طریق ایران زندگی خود را می گذرانند.

البته، ممنوعیت هایی که در گمرک (جمهوری) آذربایجان وضع شده است، موانعی را برای آن ایجاد می کند. اما، هنوز اهالی به عبور به ایران (برای داد و ستد و خرید مایحتاج) ادامه می دهند.»

تالشان لنکران می گویند برغم اینکه بخاطر این ممنوعیت ها، از شمار کسانی که به ایران می روند، کاسته شده است، اما هنوز هم کسانی که به ایران می روند، در مرز صف می کشند.

«عدالت» می گوید: « افر ادی وجود دارند که بارها به ایران رفته اند، اما جز شهر «آستارا» ایران، به هیچ شهر دیگری در این کشور نرفته اند. افراد اندکی به سایر شهرهای ایران می روند. زیرا، اگر به دیگر شهرها بروند، باید پولی را که در دست دارند، خرج کنند. این نیز به صرفه نیست.»

ینی مساوات افزوده است : «هم افرادی که می خواهند درآمد کسب کنند ، به ایران می روند و هم کسانی که می خواهند مایحتاج خوراکی خود را بخرند. اخیرا مواد خوراکی در لنکران از جمله شیر و روغن گران شده است، اما هنوز لنکرانی ها نسبت به اهالی سایر شهرها زندگی بهتری دارند و اهالی «لریک» ، «ماسالی»، «جلیل آباد» و «صابرآباد» نیز کالاهای خود را برای فروش به لنکران می آورند. بسیاری از افراد نیز برای کار به روسیه رفته اند و از آنجا برای خانواده های خود پول می فرستند. بیکاری موجب گسترش اعتیاد به مواد مخدر در میان مردان 30 ساله به بالا شده است.»

صادق صادق اف، معلم مدرسه روستای «کنار مِشَه» (کنار جنگل) می گوید بیکاری ، موجب دلسردی دانش آموزان از تحصیل شده است و آنها می گویند وقتی پدرانمان که فارغ التحصیل دانشگاه هستند، بیکارند، ما چرا درس بخوانیم؟ نیمی از اهالی ، وام گرفته اند و نمی توانند قسط آن را پرداخت کنند. کسانی هم که می خواهند از کشور به خارج مهاجرت کنند، به علت بدهی بانکی نمی توانند از کشور خارج شوند.»

همچنین پایگاه اینترنتی «بی بی سی آذری» خبر داد :«کسانی که بخاطر خرید و فروش به ایران سفر می کنند، می گویند بخاطر ممنوعیت های اخیر گمرک جمهوری آذربایجان، دیگر رفتن به ایران صرف نمی کند.

«بی بی سی آذری» با اشاره به سخنان اهالی شهرهای تالش نشین جنوب جمهوری آذربایجان مبنی بر اعمال ممنوعیت های گمرکی جدید بخصوص برای زنانی که برای خرید یا انتقال کالاهای تاجران به ایران سفر می کنند، افزود: « یکی از منابع اصلی درآمد اهالی جنوب جمهوری آذربایجان ، سفر به ایران است. آنها در آنجا یا برای منزل خود خرید می کنند یا با انتقال «بسته ها» (بسته های تجار) کسب درآمد می کنند. این بسته ها عمدتا حاوی پوشاک و سایر کالاها هستند. به کسانی که این بسته ها را منتقل می کنند، در ایران حدود 15 تا 30 منات پول می دهند. علاوه بر این، می توان از ایران سه بسته سیگار وارد کرد و در (جمهوری) آذربایجان فروخت. اما اخیرا، انتقال بسته های سیگار برای زنان ممنوع شده است. »

یکی از ساکنان لنکران که به همراه خانواده خود برای خرید و فروش به ایران سفر می کند، می گوید: « قبلا روزانه حدود هزار نفر به ایران می رفتند. اما، اکنون این رقم به نصف کاهش یافته است. زیرا، دیگر رفتن به ایران صرف نمی کند. علتش نیز ممنوعیت هایی است که گمرک جمهوری آذربایجان در مرز اعمال کرده است. »

ساکنان محلی می گویند: « گمرک جمهوری آذربایجان دیگر اجازه نمی دهد به ایران «بسته» برده شود. هر ماه می توان یک یا دو بار از مرز عبور کرد. در هر عبور هم فقط مردان می توانند سه بسته سیگار یا 30 کیلو بار از ایران بیاورند..»

یکی از ساکنان که خواست نامش اعلام نشود، گفت : « کسانی که از اینجا می رفتند، بار حمل می کردند. تاجرها کیفی پر از لباس و کفش و سایر چیزها را برای عبور می دهند و در مقابل انتقال آن، پول می پردازند. قبلا خانوادگی می رفتیم. خودم، پسرم و دخترم. هرکس که یک بسته سیگار عبور می داد، برای هر بسته 15 منات باقی می ماند. اما، اکنون اجازه نمی دهند. مردم هم محاسبه می کنند و می بینند که صرف نمی کند. در نتیجه این ممنوعیت ها، کم نیستند کسانی که از خرید و فروش صرف نظر کرده اند. البته، کسانی هم وجود دارند که به این ممنوعیت ها اهمیت نمی دهند و بسته های سیگار را در میان بار خود مخفی می کنند و می آورند.»

«بی بی سی آذری » افزود : در جلیل آباد و بیله سوار نیز این ادعاها را تایید می کنند و می گویند از ممنوعیت ها خوششان نمی آید. مردی که در بازار سیگار می فروشد می گوید : « مصوبه هیات دولت است که مردان می توانند سه بسته سیگار و 30 کیلو بار بیاورند. اما زنان نمی توانند.»

« بی بی سی آذری» افزوده : « گرفتن پاسخ واحد مطبوعاتی کمیته دولتی گمرک برای سوالمان در این باره امکان پذیر نشد، اما از « تلفن پاسخگو» به خبرنگار بی بی سی آذری که به آنجا ارجاع داده شده بود، گفته شد: « برای زنان ممنوعیت خاصّی وجود ندارد. اما، گمرک این صلاحیت را دارد که مطمئن شود هر فرد و اعضای خانواده اش ، اموالی را که عبور می دهد برای استفاده و مصرف شخصی اش است یانه؟!!»





کارشناسان مسایل جمهوری آذربایجان می گویند تشدید مشکلات معیشتی برای تالشان جمهوری آذربایجان از دو انگیزه سیاسی دولت جمهوری آذربایجان ناشی می شود. نخست اینکه حاکمیت مرکزی جمهوری آذربایجان همواره سعی می کند برای جلوگیری از تبادلات و تاثیرات فرهنگی و مذهبی از گسترش ارتباط مردم این کشور با ایران جلوگیری کند و آن را در سطح محدود و کنترل شده ای نگه دارد. علت دوم نیز بدبینی مراکز قدرت باکو به تالشان است که ریشه در سیاست های قومیتی دوره حاکمیت شوروی دارد و همچنان این سیاست و بدبینی به تالشان در حاکمیت باکو حفظ شده است.

هیچ اصلاح‌طلبی حق سخنرانی در دانشگاه آزاد ندارد

دانشگاه آزاد در دستورالعملی کلی فهرست صد نفره ای از سخنرانان مورد تأیید جهت حضور در مراسم ۱۶ آذر را برای تمامی واحدها ارسال کرده است. در این فهرست نام هیچ اصلاح طلبی به چشم نمی خورد و در عوض چهره های نزدیک به جبهه پایداری و چهره های تندروی اصولگرا در این فهرست حضور دارند./ امتداد

علل گسترش پدیده «ایران هراسی» در باکو؛

طرح تجزیه ایران به 5 کشور از سوی جمهوری آذربایجان/ وزارت خارجه: نباید به روند بهبود مناسبات تهران – باکو لطمه‌ای وارد شود

برخی بر این باورند که با جسارتی که اخیرا در جلسه «مجلس ملی» جمهوری آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران شد و تهدید تجزیه ایران به پنج کشور مطرح شد باید بازهم اغماض کرد تا به روند بهبود مناسبات تهران – باکو لطمه‌ای وارد نشود.



سرویس جهان مشرق - برخی بر این باورند که بر جسارتی که اخیرا در جلسه به اصطلاح "مجلس ملی" جمهوری آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران شد و تهدید تجزیه ایران به پنج کشور مطرح شد و اکتای اسدوف، رییس مجلس این کشور نیز آن را تایید و تاکید کرد، باید بازهم اغماض کرد تا به روند بهبود مناسبات تهران – باکو لطمه ای وارد نشود. اما، واقعیت این است که از قضا، اغماض بر این موارد است که به مناسبات دو کشور برادر، ایران و جمهوری آذربایجان لطمه وارد می کند و نه واکنش نشان دادن به آن. زیرا، هر اندازه نیروها و عناصر وابسته به صهیونیسم و معاند ایران در جمهوری آذربایجان، خود را مصون از هرگونه اعتراض و واکنش می بینند، بر دامنه تبلیغات و حرکت های ضدایرانی خود می افزایند.

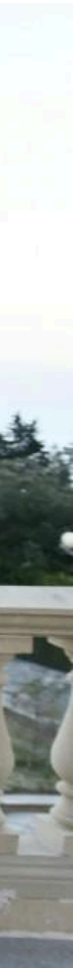
تجربه دو سال اخیر در مناسبات ایران با جمهوری آذربایجان به خوبی این واقعیت را به اثبات رسانده است و اوج گیری جسارت علیه ایران در صحن علنی مجلس ملی جمهوری آذربایجان نیز تایید دیگری بر این واقعیت ناخوشایند است. طی دو سال اخیر، جمهوری اسلامی ایران تقریبا بر تمامی حرکت های ضدایرانی و ضدشیعی در جمهوری آذربایجان چشم فروبسته و حتی انتقاد و اعتراض لفظی نیز نکرده است.

زمانی که ناردارن و مردم شیعه و ایران‌دوست آنجا مورد حمله نظامی قرار گرفتند، نه تنها بطور رسمی بر آن اغماض شد، بلکه در بیانیه رسمی مسئولان وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو، موضعی انفعالی در قبال این موضوع فوق العاده و مهم اتخاذ شد که دست حاکمیت جمهوری آذربایجان را در این سرکوب بازتر و خیالش را آسوده تر کرد.

در این برهه، دامنه سرکوب فعالان و روحانیون شیعه در جمهوری آذربایجان و وضع و اعمال قوانین ضد فعالیت های دینی بسیار گسترده تر شد و حتی شامل برگزاری تجمعات عزاداری روز عاشورا نیز شد و آیین های باشکوه عزاداری در ناردارن و لنکران و گنجه و سایر نقاط جمهوری آذربایجان برای نخستین بار به علت فضای خفقان و سرکوب برگزار نشد و تمامی این ها نیز تحت پوشش برگزاری «سال چندفرهنگ گرایی» در جمهوری آذربایجان تحقق یافت و حتی برخی مسئولان ایرانی از سیاست چندفرهنگ گرایی باکو تقدیر نیز کردند.

در اواخر برگزاری «سال چندفرهنگ گرایی» در جمهوری آذربایجان که باید آن را سال اوج گیری سرکوب فرهنگ شیعی در این کشور نامید، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در اوج انزوای بین المللی این رژیم، به باکو سفر کرد و الهام علی اف، رییس جمهوری آذربایجان و همسرش مهربان علی اوا، بطور بی نظیر و بی سابقه ای از نتانیاهو و همسرش در باکو استقبال کردند و نتانیاهو، از سیاست «چندفرهنگ گرایی » باکو قدردانی و تشکر کرد.

جالب است که سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در موضع گیری درباره سفر نتانیاهو نیز اغماض آمیز سخن گفت و این سفر را نیز موضوعی مربوط به خود جمهوری آذربایجان دانست! اما، همین موضوع مربوط به جمهوری آذربایجان، در زمانی کوتاه، تبعات منفی خود را نشان داد و در کمتر از بیست روز پس از سفر نتانیاهو، شاهد تکرار تهدیدات نتانیاهو علیه ایران، این بار از زبان نماینده مجلس جمهوری آذربایجان و تایید آن از زبان اکتای اسدوف، رییس مجلس این جمهوری بودیم. اینکه پس از سفر زیانبار بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو، شاهد این سخنان قدرت حسنقلی اف، نماینده مجلس به اصطلاح ملی و رییس حزب به اصطلاح «جبهه خلق آذربایجان یکپارچه» جمهوری آذربایجان علیه ایران و تکمیل آن با سخنان اکتای اسدوف، رییس مجلس این کشور هستیم، چندان تعجب آور نیست.



در واقع، این سخنان در مقطع کنونی، انعکاس القائات و تلقین های نتانیاهو به اذهان مقامات باکو در سفر 23 آذر گذشته (13 دسامبر 2016) است. برغم اینکه تلاش بر این بود که در این سفر، نتانیاهو آشکارا علیه ایران سخنی نگوید، اما تاکید نتانیاهو بر اینکه اسراییل پشتیبان و حامی نظامی و استراتژیک دولت جمهوری آذربایجان، نوعی "اعتماد به نفس" کاذب در مقامات باکو ایجاد کرده و آنها نیز برای نشان دادن پایبندی خود به اتحاد با رژیم صهیونیستی، این سخنان ضدایرانی و به ظاهر تهدیدآمیز را در نشست رسمی و علنی مجلس ملی جمهوری آذربایجان بیان کردند. باید توجه داشت که نتانیاهو پس از سفر به باکو، به شهر آستانه، پایتخت قزاقستان رفت و در آنجا جملات مشابهی نظیر همین جملاتی که در مجلس جمهوری آذربایجان علیه ایران بیان شد، بر زبان راند.

نتانیاهو گفته بود که اسراییل خرگوش نیست که ایران آن را تهدید کند، بلکه پلنگ است که تهدید آن، برای خود ایران نیز تهدید خواهد بود!! انعکاس مضحک این سخنان نتانیاهو در سخنان قدرت حسنقلی اف، نماینده مجلس جمهوری آذربایجان و اکتای اسدوف، رییس این مجلس ظاهر شد که تهدید کردند اگر ایران به جمهوری آذربایجان حمله کند، خود به پنج کشور تقسیم خواهد شد!! حال آنکه ایران هیچ گونه تهدیدی برای جمهوری آذربایجان نیست و اساسا هیچ کس، جز اذهان مریض مقامات رژیم صهیونیستی نمی تواند از احتمال حمله نظامی ایران به جمهوری آذربایجان سخن بگوید. زیرا، ایران خود همواره از جمهوری آذربایجان در مقابل تهدیدها و حملات نظامی دفاع کرده است که در مقطع اوج جنگ قره باغ نیز شاهد این بوده ایم.

البته، بجز اسارت فکری مقامات جمهوری آذربایجان در مقابل تبلیغات رسانه ای و القائات سیاسی و دیپلماتیک مقامات رژیم صهیونیستی، وابستگی ساختاری دولت جمهوری آذربایجان به اسراییل نیز طی سال های اخیر به شدت افزایش یافته است و موجب می شود که دنباله سیاست های ضدایرانی و ضداسلامی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان ظاهر شود که هجمه هایی که به فعالان شیعه در جمهوری آذربایجان در روزهای پس از سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو شاهد بودیم نیز از جمله این تاثیرات است.

اگر تحولات مناسبات جمهوری آذربایجان با ایران براساس یک منطق عقلی جریان داشت، در یک سال گذشته، نباید دامنه ایران هراسی در این جمهوری و تحرکات عناصر ضدایرانی نظیر قدرت حسنقلی اف، فاضل مصطفی و سایر نمایندگان و سخنگویان باکو که در شبکه های تلویزیونی جمهوری آذربایجان، سفر رییس جمهوری اسلامی ایران به ارمنستان را بهانه

کرده ، آن را «جهالت سیاسی و حرام دینی» نامیدند و انواع و اقسام فحاشی ها و هتاکی ها علیه ایران را به زبان آوردند، افزایش می یافت.

زیرا، بخصوص در یک سال گذشته، ایران امتیازات کلانی را به جمهوری آذربایجان به منظور فراهم تر کردن زمینه گسترش روابط اعطاء کرده است که مقامات جمهوری آذربایجان نیز تا حدی آن را به زبان آورده اند. تلاش ایران برای پیشبرد سریع اتصال خط آهن خود به جمهوری آذربایجان در شرایطی که این کشور به خاطر کاهش قیمت نفت و درآمدهای بودجه اش، با اوضاع دشواری روبروست و سعی در جبران کاهش درآمدهایش دارد، در واقع، کمکی استراتژیک به جمهوری آذربایجان است و همین طرح استراتژیک نیز موجب شده بود که در ظاهر این برداشت ایجاد شود که اعتماد کامل میان باکو و تهران بخاطر تقویت پیوندهای استراتژیک در حال برقرار شدن است.



همچنین، تهران سد و نیروگاه برق آبی را که با سرمایه گذاری ایران بر روی رود ارس در خداآفرین ساخته است، در جریان سفر الهام علی اف، رییس جمهوری آذربایجان به تهران، با جمهوری آذربایجان سهیم شد و در واقع امتیاز سیاسی و اقتصادی بزرگی را بدون هیچ گونه معوضی در اختیار باکو گذاشت که بارها شاهین مصطفی اف، وزیر اقتصاد و سایر مقامات جمهوری آذربایجان نیز آن را بیان کرده اند. در چنین شرایطی، به لحاظ منطقی تشدید «ایران هراسی» باکو، پدیده ای عجیب و فاقد منطق عقلانی است. اما، در واقعیت، ایران هراسی باکو در همین یک سال نیز تشدید شده است و این نیز جز تاثیرپذیری از مراکز صهیونیستی، علت دیگری نمی تواند داشته باشد. زیرا، در همین یک سال مراکز رسانه ای و مقامات صهیونیستی بطور دائم ایران را خطر معرفی کرده اند.

حال آنکه، منطق ظاهری ایجاب می کرد به علت امضای «برجام » در موضوع هسته ای، صهیونیست ها نیز از سیاست ترویج «ایران هراسی» خود دست بردارند. اما، در عمل این انتظار محقق نشد و صهیونیست ها بخاطر از دست دادن بهانه هسته ای، با تمسک به بهانه های دیگر، بر القائات ایران هراسانه خود افزودند که انعکاس آن را نیز در جمهوری آذربایجان که به حیات خلوت رژیم صهیونیستی تبدیل شده است، شاهدیم.

تناقض میان رویکرد اعلانی و اعمالی سیاست جمهوری آذربایجان در قبال ایران، بسیار روشن و آشکار است. مقامات جمهوری آذربایجان در حالی که بر دوستی و همکاری با ایران تاکید می کنند، علاوه بر اینکه مناسبات بسیار نزدیک با اسراییل دارند و در واقع از اسراییل دنباله روی می کنند و جمهوری آذربایجان را به بهانه تداوم بحران قره باغ، به انبار تسلیحاتی اسراییل تبدیل کرده‌اند، خود نیز تمامی سیاست‌های ضدایرانی زیربنایی نظیر جعل و وارونه نویسی تاریخ به منظور از بین بردن پیوندها و مشترکات فرهنگی مردم دو کشور، تحریکات قومی، خصومت با عقاید شیعی و تلاش برای

تغییر فرهنگ و گرایش مذهبی مردم این کشور را ادامه داده اند و حتی در یک سال اخیر تحت پوشش برگزاری «سال چندفرهنگ گرایی» تشدید کرده اند.

علاوه براین، تعلل و شرط گذاشتن های فراوان باکو در مقابل توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و جمهوری آذربایجان و حتی اخلال غیرمحسوس و تعیین شروط بسیار سنگین برای مشارکت در طرح اتصال خطوط آهن دو کشور، برغم اینکه این طرح برای باکو بسیار ضروری تر از تهران است، نشان می دهد که سیاست اعمالی باکو کاملا برخلاف سیاست اعلانی آن است و برغم ظاهرسازی درباره توسعه مناسبات با ایران، همچنان بر محدود نگه داشتن روابط با ایران تلاش می کند.

اکنون امید است بجای سیاست اغماض، سیاست واقع بینی بر مناسبات تهران با باکو حاکم شود و بیان تهدیدات صهیونیستی علیه ایران از طریق سخنان زشت نمایندگان مجلس باکو، برغم ظاهر ناخوشایندش، موجب شود که برخی دیپلمات ها و مسئولانی که با خوش بینی و ساده انگاری به مناسبات دو کشور و راه های حل مشکلات و برطرف ساختن موانع آن نگاه و بر اساس همین ساده انگاری رفتار می کنند و منابع کشور را به هدر می دهند، به خود آیند و بفهمند که نیروهای ضدایرانی وابسته به صهیونیسم در باکو حاکم هستند که مانع گسترش مناسبات رسمی می شوند.

البته، به علت پیوند تاریخی و قلبی و مذهبی میان مردم جمهوری آذربایجان و ایران، یاوه گویی های عناصر ضدایرانی در باکو ، در اغلب موارد نتیجه معکوس داده است. البته، ایران نیز باید بتواند با روشنگری رسانه ای و واکنش های حساب شده سیاسی و تبلیغاتی ، لجن پراکنی نیروهای ضدایرانی را خنثی کند تا از تاثیر منفی این قبیل سخنان بکاهد. زیرا، به هر حال، ممکن است افرادی در جامعه جمهوری آذربایجان موجود باشند که براثر سخنان رییس مجلس این کشور، تصور موهوم احتمال حمله و تهدید ایران علیه جمهوری آذربایجان را باور کنند. باید چنین احتمالی را نیز با واکنش های عقلانی و حساب شده، از بین برد.

زیرا، سکوت و انفعال، نتیجه مطلوبی نمی دهد. کما اینکه سکوت و انفعال سال های اخیر در مناسبات با جمهوری آذربایجان، موجب جری تر شدن نیروهای ضدایران در این جمهوری شده است. تا زمانی که تحولات زیربنایی در ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان ایجاد نشود و وابستگی فکری و ساختاری به صهیونیسم نیز از بین نرود، امواج ایران ستیزی در باکو ریشه کن نخواهد شد.

به عنوان مثال می توان گفت که همه ساله دستگاه سیاست خارجی ایران و تمامی سازمان ها و ادارات ذیربط در ایران بطور پیگیر برای بهبود و گسترش روابط با جمهوری آذربایجان تلاش می کنند و هزینه کلانی صرف این کار می شود و در عین حال، به حرکت زیرپوستی باکو در مسیری برخلاف گسترش مناسبات دو کشور ، از جمله حرکت های فکری که با انتشار کتب و مقالات انکار کننده دوستی و اتحاد تاریخی و مذهبی دو کشور در باکو پی گرفته می شود، بی اعتنایی می شود.

دولت جمهوری آذربایجان بطور نمادین در پایان هر سال میلادی، یعنی در روز 31 دسامبر، روزی را طراحی کرده است که به خصومت ورزی علیه ایران دامن می زند. در حالی که 31 دسامبر و روزهای منتهی به آن و روزهای پس از آن در سال 1989، یعنی در اواخر عمر شوروی، مقطعی بود که مردم جمهوری آذربایجان عشق و محبت خود را به ایران ابراز می کردند، حیدرعلی اف و سایر طراحان روز به اصطلاح همبستگی آذری های دنیا (روز 31 دسامبر)، این واقعه مثبت و معنوی و ایران دوستانه را به عنوان واقعه ای قومگرایانه و خصومت ورزانه علیه ایران تعبیر و تحریف می کنند و در پایان هر سال میلادی، تمامی دستاوردهای «گسترش روابط » را به باد می دهند. اگر این رویکرد و سایر عناصر آن در جمهوری آذربایجان اصلاح نشود، همواره شاهد تلاطم هایی در مناسبات سیاسی دو کشور خواهیم بود.

*برهان حشمتی

بعضی سلبریتی‌ها بدهکارند، و وجوه واریزه شده بطور خودکار توسط بانك مصادره مي شود = به آنها پول ندهید!

یکی از نزدیکان آقای «ن» از سلبریتی‌هایی که این روزها در مناطق زلزله‌زده به سر می‌برد و برای کمک به زلزله‌زدگان شماره حساب اعلام کرده است گفت: او در تهران کار ساخت و ساز می کند و ورشکست شده است. این فرد می‌گوید: من می‌دانم که او میلیاردها تومان بدهکار است و هر پولی که به حسابش واریز شود به صورت خودکار توسط بانک بجای بدهی‌هایش برداشت خواهد شد! منابع خبری رسمی بارها به مردم اعلام کرده‌اند که کمک‌های خود را از طریق نهادهای رسمی و یا افراد معتبر به نیازمندان برسانند./ مرصاد

روزنامه صهیونیستی هاآرتص مدعی شد:

جزئیات توافق آمریکا و روسیه در جنوب سوریه/ روس‌ها به فاصله ۲۰ کیلومتری رضایت ندادند



به نوشته ی روزنامه عبری زبان هاآرتص اگر آمریکا و روسیه اقدامات جدی برای خروج ایران از جنوب سوریه انجام ندهند، قدرت دفاعی اسرائیل به چالش کشیده می شود.

به گزارش مشرق، روزنامه صهیونیستی هاآرتص نوشت: اسرائیل به توافق سه جانبه بین روسیه، آمریکا و اردن در مورد آتش بس در جنوب سوریه پاسخ رسمی داده است. توافق های مخفی در این گفتگوها حاکی از این است که نیروهای محور مقاومت تنها برای مدت زمان اندک و فاصله کوتاه از مرز جولان اشغالی، به عقب برمی گردند. به گفته ی این روزنامه، آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع این رژیم اعلام کرده است، اسرائیل اجازه نخواهد داد که سوریه "پایگاه دائمی" برای "محور مقاومت" شود. اما توافق سه جانبه تنها پاسخی جزئی به نگرانی های اسرائیل است.

این در حالی است که به گفته این روزنامه قدرت دفاعی اسرائیل با مشکل مواجه است و به نظر می رسد ابرقدرت ها تمایلی به اقدامات واقعی برای از خروج ایران از سوریه و به طور ویژه جنوب سوریه ندارند.

در ماه سپتامبر نیز، هاآرتص در گزارشی اعلام کرده بود: رژیم صهیونیستی می خواهد نیروهای مقاومت تحت حمایت ایران ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر از مرزهای جولان دور نگه داشته شوند، اما روس ها تنها با پنج کیلومتر موافقت کردند. بنابراین نقشه جدید نشان دهنده یک سازش پیچیده است. ظاهرا در اکثر مناطق، نیروهای موسوم به مقاومت ۲۰ کیلومتری مرز را حفظ خواهند کرد، وفقط در بعضی از نقاط فاصله تا پنج کیلومتر کاهش می یابد.

حال این واقعیت نیز باید به موضوع افزوده شود که هیچ جدول زمانی برای خروج نیروهای خارجی از سوریه حتی در آینده قابل مشاهده نیست و نگرانی های اسرائیل قابل درک است.مقامات اسرائیلی ها در این رابطه با اظهارات مکرر خود که در میان جلسات اخیر با سیاستمداران آمریکایی، روسیه و اروپایی صورت گرفته است، بر نگرانی رو به گسترش رهبران نظامی و سیاسی اسرائیل در مورد حرکت ایران در سوریه تأکید کردند.

«اعتراض اصغرزاده به سردار سلیمانی»؛ اطلاعیه می‌دهند و خط و نشان می‌کشند...



ابراهیم اصغرزاده، فعال اصلاح‌طلب و از چهره‌های ستادی این جریان به تازگی در بخشی از مصاحبه خود با روزنامه آفتاب یزد صحبت‌هایی را مطرح کرده است که قاعدتا اعتراض به اقدام اخیر سردار سلیمانی مبنی بر صدور بیانیه و اعلام «پایان داعش» تلقی می‌شود.

اصغرزاده گفته است:

«بیشترین دستاورد دولت در عرصه سیاست خارجی است که موقعیت کشور را در منطقه پرتلاطم خاورمیانه بهبود بخشید. اما بلاتکلیفی و تشتت دامن همین سیاست خارجی را گرفته است. گویی کار از دست رئیس‌جمهور و رئیس دستگاه دیپلماسی‌اش خارج شده است و برخی دیگر درباره اوضاع منطقه تصمیم می‌گیرند، اطلاعیه می‌دهند و برای دیگران خط و نشان می‌کشند. کجا در ممالک دموکراتیک و متمدن رسم است که چنین رفتاری خارج از وزارت خارجه انجام بگیرد؟!»

او در ادامه صحبت‌های خود نیز تصریح می‌کند: حالا می‌بینیم در سکوت دولت، نغمه ماجراجویی و تقابل از سوی کسانی که با رأی ملت کنار گذاشته شدند بلندتر از قبل شده است.عده‌ای کاسه داغ‌تر از آش شده تیترهای موشکی می‌زنند و متوجه حساسیت اوضاع نیستند...

الاخبار:

درخواست ملک سلمان از پوتین در سفر به مسکو: ترتیب گفتگویی بین ایران و عربستان را بدهید / پوتین این پیام را به تهران آورد اما ایران این پیشنهاد را (به دلیل شرط فشار بر یمن) نپذیرفت

پیش از آنکه هیستری و جنون سعودیها علیه ایران به این حد برسد، تلاشهای زیادی برای



جمع کردن تهران و ریاض پای میز مذاکره انجام شد، اما پاسخ ایران در مورد ردّ پیشنهاد مذاکره سهم فراوانی در افزایش خشم سعودی ها داشت.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

الاخبار نوشت: پیش از آنکه هیستری و جنون سعودیها علیه ایران به این حد برسد، تلاشهای زیادی برای جمع کردن تهران و ریاض پای میز مذاکره انجام شد، اما پاسخ ایران در مورد ردّ پیشنهاد مذاکره سهم فراوانی در افزایش خشم سعودی ها داشت.

به گزارش «انتخاب»؛ زمانی که ملک سلمان از پوتین طی دیدار در مسکو درخواست کرد ترتیب گفتگویی بین ایران و عربستان را بدهد، پیش بینی نمی کرد با پاسخ مخالف تهران مواجه شود؛ این بعید شمردن از جانب پادشاه سعودی بر دو واقعیت استوار بود: اول اینکه

طرف ایرانی به صورت پنهان و آشکار پیشنهاد گفتگو با سعودی هایی را داده بود که همواره هرگونه نزدیکی به فارسها را رد می کردند، و دوم، واسطه ای بود که سلمان برای این کار برگزیده بود؛ یعنی رئیس جمهور روسیه، هم پیمان مورد اطمینان ایران که جنگهای دیپلماتیک و نظامی بسیاری در کنار یکدیگر انجام داده بودند.
پس از گذشت چند هفته از دیدار تاریخی پادشاه عربستان به مسکو، پوتین به تهران رفته و با سران این کشور دیدار کرد. پیشنهاد عربستان یکی از محورهای اصلی این دیدارها بود. تهران در پیشنهاد سعودیها نقاط ضعف فراوانی دیده و بر آن شد که با این پیشنهاد مخالفت کند. براساس اطلاعات رسیده به الاخبار، مهمترین مساله ای که ایرانیها به آن ایراد گرفتند، تمرکز این پیشنهاد بر روی نیاز سعودیها به فشار بر یمن و مجبور کردن آنها به قبول راه حلی بود که نتیجه آن پیروزی عربستان سعودی محسوب می شد، این پیشنهاد سعودیها، با تحریکاتی همچون گشودن مرزهای زمینی، دریایی و هوایی یمن، به محض دست یابی به توافق با ایران نیز همراه بود. اما این درخواست«ناقص» شامل بندهایی برای مذاکره مانند«حکومت وفاق»،«دوره انتقالی» و «مجلس» می شد تا منجر به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در یمن، همزمان با خلع سلاح انصارالله شود.
ایران با این درخواست موافقت نکرد و همین پاسخ منفی به ریاض کافی بود تا سعودیها وزرای خارجه دولتهای عربی را دعوت به نشستی در قاهره کنند. بیانیه خشم آلود این نشست در مورد رفتارهای ایران در منطقه عربی، در واقع بر پرتاب موشک یمنی به سمت ریاض استوار بوده و این امر را تجاوز موشکی ایران به عربستان قلمداد کرده است!
در تاریخ بین سفر ملک سلمان به مسکو و تاریخ سفر پوتین به ایران، سعودیها در حال تهیه نقشه بعدی خود بودند و تمام تحولات از این تاریخ به بعد، اشاره هایی اضافی به عمق بحرانی است که سعودیها کورکورانه وارد آن شده اند. مسئولان ایرانی بر این عقیده هستند که عربستان فرصتهای زیادی را سوزانده و امروز همسایه لج بازش به نردبانی نیاز دارد تا به کمک آن از درختی که بویژه در یمن بر فراز آن قرار گرفته، پایین بیاید. از این رو، زیرکانه نیست که سعودیها پیشنهاد خود را محدود به یمن کند، همانطور که پذیرش این درخواست از سوی تهران نیز حکیمانه نیست.
تهران بر این نظر اصرار می ورزد که ابتکار عمل در مورد اوضاع داخلی در یمن در دست هم پیمانان آن است. در همین چارچوب، سرلشکر محمد علی جعفری تصریح می کند:سیادت در یمن در دستان انصارالله است. تهران، هیاهوی سعودیها در مورد پرونده یمن را جدای از تلاشهای حاکمان جدید ریاض برای ایجاد راه فراری از باتلاق یمن نمی داند.
از پیامهایی که تهران در پاسخ به درخواست مذاکره ریاض فرستاده این موارد است:«تا شروط یمنیهای پایدار در صنعاء، تعز و حدیده پاسخ مثبت داده نشود، هیچ مذاکره ای در مورد یمن نخواهیم کرد» و «نمی توانید هیچ فشاری به هم پیمانانی بیاورید که خود این شروط را ساخته اند».

مولوی عبدالحمید: زلزله کرمانشاه مؤاخذه الهی بود!



مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه مسجد مکی زاهدان و از چهره‌های نزدیک به رئیس‌جمهور روحانی، اخیراً در یک سخنرانی با اشاره به زلزله تلخ کرمانشاه گفته است: اکثریت دنیا این نوع حوادث را به طبیعت می‌سپارند و گاهی قهر طبیعت می‌نامند و زلزله‌ها را بیشتر به گسل‌ها ربط می‌دهند.

او می‌افزاید: آنها با این کار جرم و تقصیر را از خودشان دفع می‌کنند... آنها از فشار الهی توبه نکردند و این کار آنها سبب فرستاده شدن عذاب سخت‌تر شد و بسیاری را به تباهی رساند. و یا مثلا می‌گویند این آزمایش و امتحان بوده و به زبانشان نمی‌آید که این مؤاخذه الهیست.

این فعال سیاسی و مذهبی در ادامه تأکید می‌کند: عذاب الهی که بیاید دیگر بچه و بزرگ نمی‌شناسد. وقتی عذاب در منطقه‌ای آمد، همه را می‌گیرد.

علت مهم این نظریه اسماعیلزهي غیر حنفي بودن ساکنان زلزله اخیر است که بعضا شیعه و بعضا شافعي و بعضا اهل حق و یارسان هستند و هکذا در نواحي عراق که و قطعا جنین اظهار نظري در موارد زلزله های نواحي حنفي نشین ندارد

اکبر گنجی و گوگوش آدم خودمان هستند!

خوش کوشک در ادامه گفت و گوی خود با انصاف نیوز می افزاید: خود «مسعود رجوی» زنده و در اردن است، اما منافقین بنا به مصالح سازمانی خود مسعود رجوی را کنار گذاشتند و «مریم قجر عضدانلو» را آوردند بالا. وی در توضیح این مطلب گفت: مسعود، در آن بمباران قرارگاه اشرف مجروح شد. بعد موافقت کردند که برود در اردن بماند؛ زنده است، زندگی‌اش را می‌کند و سرحال هم هست.او در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: آقای اکبر گنجی را که رها کردند، این منبع [یک نهاد داخلی] در آن‌جاست. اکبر گنجی است، گوگوش است، این‌ها همه آدم‌های خودمان هستند الحمدلله؛ بگذار بدانند، این‌ها سوخته‌اند.

حزب‌الله: میشل عون نشان داد مرد بزرگی است / آماده تفاهم و گفت‌وگوی واقعی هستیم

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

مسؤول روابط بین‌الملل حزب الله لبنان اعلام کرد، به اندازه استقامت خود در مقابله با دیکته‌های خارجی آماده برقراری تفاهم با شریکان خود در کشور، انجام گفت‌وگوی واقعی و همکاری با همه هستیم.

به گزارش ایسنا، به نقل از روزنامه فرامنطقه‌ای رای الیوم، عمار موسوی، مسؤول روابط بین‌الملل حزب الله لبنان گفت: کسانی که تلاش دارند دیکته‌های خود را به لبنان تحمیل کنند باید دست از این کار برداشته و اعتراف کنند که اشتباه کرده و شکست خوردند.

موسوی در جشن یادبودی که حزب الله در شهرک "حاره الفیکانی" در بقاع ترتیب داده بود، گفت: استعفای غیرمنتظره حریری به اجبار ریاض انجام شد و هدف از آن ایجاد جرقه‌ای بود تا لبنان را به آتش بکشاند و مردم آن را رو در روی هم قرار دهد.

وی مواضع میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان را ستود و گفت: عون در این باره مسؤولیت بزرگی برعهده داشت و ثابت کرد که مرد بزرگی است. اما همه لبنانی‌ها اتفاق نظر دارند آنچه در روزهای اخیر رخ داد برنامه‌ریزی شده و هدفش تسلط بر لبنان و قرار دادن مردمش رو در روی هم بود اما به لطف آگاهی، بینش و صبر بخش اصلی این برنامه را پشت سر گذاشتیم و انشاءالله مابقی این مراحل را هم پشت سر خواهیم گذاشت.

جزئیات واردات شتر به ایران در سال ۱۳۹۶

صادرکننده شتر به ایران	وزن(ک.گ)	ارزش ریالی	ارزش دلاری
افغانستان	۱۴۹۰۰	۱۳۰۴۵۷۸۴۴۰	۴۰۲۳۰
افغانستان	۳۰۳۶۰	۱۶۶۱۵۶۷۸۸۶	۵۰۰۹۴
امارات متحده عربی	۹۲۳۹۰	۵۰۳۷۷۵۲۳۴۸	۱۵۲۴۴۴
انگلستان	۲۵۴۳۰	۱۳۷۷۲۱۱۱۲۰	۴۱۹۶۰
ایتالیا	۶۹۱۰	۳۷۸۱۹۲۹۳۸	۱۱۴۰۲
آلمان	۲۴۱۹۰	۱۳۲۰۴۴۳۹۵۴	۳۹۹۱۴
پاکستان	۲۱۵۱۲۷	۱۲۹۳۹۳۷۲۱۱۰	۳۹۷۹۸۵
پاکستان	۳۸۵۸۰	۲۳۱۸۹۰۸۷۷۰	۷۱۳۷۳
پاکستان	۱۳۲۷۵۰	۷۴۹۷۵۸۹۱۸۷	۲۲۹۶۲۷
پاکستان	۲۹۱۶۶۰	۱۶۲۲۳۱۸۶۷۹۰	۴۸۱۲۴۲
ترکیه	۹۷۲۴۰	۵۳۲۱۸۳۳۳۷۴	۱۶۰۴۴۶
جمهوری کره	۲۹۳۹۰	۱۵۹۵۹۸۶۰۳۴	۴۸۴۹۴
چین	۵۲۹۶۰	۲۸۸۵۴۹۳۱۸۳	۸۷۳۸۵

مرکز مطالعات خاور نزدیک «واشنگتن»:

بن‌سلمان چگونه در ماجرای استعفای حریری، لبنان را به ایران هدیه داد؟

نمی توان این مساله را انکار کرد که نخست وزیر لبنان از سوی ریاض مجبور به استعفا شده است. صرف‌نظر از نیت اصلی عربستان سعودی، این اقدام عملا لبنان را به عنوان هدیه ای به ایران تقدیم می کند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



سایت مرکز مطالعات خاور نزدیک «واشنگتن» نوشت: نمی توان این مساله را انکار کرد که نخست وزیر لبنان از سوی ریاض مجبور به استعفا شده است. صرف‌نظر از نیت اصلی عربستان سعودی، این اقدام عملا لبنان را به عنوان هدیه ای به ایران تقدیم می کند. در این شرایط، برای جلوگیری از سقوط کامل لبنان در قبضه ایران، به ناچار ایالات متحده و فرانسه باید حرکتی قاطع و سریع از خود نشان دهند.

به گزارش «انتخاب»، عربستان سعودی برای حمایت از گرایشی در لبنان که مخالف دخالت ایران در مسائل داخلی این کشور است، نیاز به تایید مردمی گسترده و نزدیکی به شیعیان لبنان دارد؛ کسانی که حزب الله با ارائه خدمات به آنها از حمایتشان برخوردار است. علاوه بر شیعیان، سعودیها به مسیحیان لبنان نیز نیاز دارند تا ایشان را از اتحاد با حزب الله بازدارند. اما محمد بن سلمان با نادیده گرفتن این مساله، اقداماتی انجام داد که باعث ایجاد شکافی عمیق در روابط سیاسی و اجتماعی بین عربستان و لبنان گشت.

در گذشته، لبنان و عربستان روابط خوبی با یکدیگر داشتند و نسلهای قبلی سعودی در زمینه های علمی، بهداشتی و رفاهی، به لبنان نظر ویژه ای داشتند و با وجود تفاوت در میزان ثروتهای دو کشور، روابط بین سیاستمداران سعودی و همتایان لبنانی شان براساس احترام متقابل استوار بود.

با این حال، روابط دوستانه بین دو طرف با روی کار آمدن نسل جدید آل سعود، تغییراتی به خود دید که پیش از این سابقه نداشته است. محمد بن سلمان اولین شاهزاده سعودی نیست که دقایق و ریزه کاریهای سیاست لبنانی را نمی داند؛ اما وی کسی است که برنامه های اخیرش شکاف غیر قابل ترمیمی در روابط دو طرف ایجاد کرده است. درست مشخص نیست هدف ولی عهد سعودی از تحقیر سعد حریری، هم پیمان برجسته سعودیها در لبنان چه بوده است؛ اما این رفتار شاهزاده جوان در حق نخست وزیر لبنان، اقدامی افراطی و نادرست است؛ که مشابه آن نه از

سوی ایران و نه از سوی نظام سوریه در حق هیچ یک از هم پیمانان و عوامل آنها انجام نگرفته است.

احتمال دارد سعد حریری از نظر سیاسی نجات یابد، اما در صورتی که در مرحله آینده نیز در حکومت لبنان حاضر باشد، تبدیل به یک شخصیت سیاسی ضعیف و ناتوان شده است که قادر به نجات جایگاه عربستان سعودی در لبنان نخواهد بود.

شرایط کنونی لبنان پیچیده و بی سابقه بوده و بعید است به جنگی داخلی تبدیل شود. نتیجه این ماجراجوایی سعودی نزدیکی بیش از پیش ایران به لبنان، بعنوان عاملی بازدارنده در برابر وقوع جنگ داخلی است. در این حالت، ضرر و زیان سعودی بسیار عمیق خواهد بود. حال این فرانسه و ایالات متحده هستند که باید برای ممانعت از قرار گرفتن کامل لبنان تحت نفوذ و سیطره ایران، مسیر واضحی را برای گرایشهای استقلال طلبانه در لبنان ایجاد کنند؛ امری که با وجود سبکسری و لجاجت اخیر سعودیها بسیار دشوارتر از قبل شده است.


نظارت
بر رسانه